

6

A-P

77-938031



آرشیو کتابخانه ملی

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸
۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹

شماره سی و چهارم
سال سی و یکم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی



15521/0271yoo

Ketabton.com



تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای وزیران روز ۱۳ عقرب از ساعت پنج بعد از ظهر تا ساعت هشت شب در خانه خلق جلسه نمود.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از ساعت سه و نیم بعد از ظهر الی پنج عصر روز ۱۳ عقرب در خانه خلق دایر گردید.

در ابتدای جلسه در باره اقداماتیکه به جهت تطبیق مصوبه بوروی سیاسی راجع به تجلیل شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر صورت گرفته بحث بعمل آمد و اقدامات مذکور مثبت ارزیابی گردید.

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز ۱۳ عقرب یکجمله از ژورنالستان داخلی و خارجی رادر حالیکه خیال محمد کنوازی وزیر اطلاعات و کلتور نیز حاضر بود در قصر گلخانه خانه خلق برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفتند.

رفیق امین بعد از آنکه به احسانات ژورنالستان با صمیمیت پاسخ دادند و از ملاقات با ایشان اظهار خوشی نمودند و روز ژورنالستان خارجی را به همین عزیز ما این سر زمین انقلاب ثور خوش آمدید گفتند.

سپس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شو رای انقلابی و لوهی وزیر در فضای نهایت صمیمانه و دموکراتیک به سوالات ژورنالستان داخلی و خارجی جواب داده و روی موضوعات سیاسی اقتصادی واجتماعی کشور روشنی انداختند.

دکتر شاه ولی عضو بوروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاون لوهی وزیر و وزیر امور خارجه و محترمه خانم شان شام ۱۶ عقرب در ضیافتی اشتراک نمودند که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در کابل برگزار گردید.

انقلاب کبیر اکتوبر و مخصوصا به برسمیت شناختن آزادی و استقلال افغانستان آغاز گردید تاکنون سرحدات افغان و شوروی رادر جهان بنام سرحدات صلح و دوستی یاد می کنند.

مبصر آزانی باختر علاوه می کند که گذشت زمان و پیوند های اترانسینوالیستی انقلاب ثور و انقلاب کبیر اکتوبر می رساند که این روابط بازهم راه تکامل راطی نموده و علی الرغم توطئه ها و دسایس منابع امپریالیستی و ارتجاعی روابط بین دو کشور هرچه بیشتر تحکیم و توسعه یابد.

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر ۱۵ عقرب چالاناب و یلیم نورغن هیلیر-فری سفیر کبیر برتانیه در کابل را برای قبول اعتماد نامه اش در قصر گلخانه خانه خلق بحضور پذیرفتند.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که در این هنگام دکتر شاه ولی معاون لوهی وزیر و وزیر امور خارجه ، محمد نادر شاه نیک یار رئیس دفتر شورای انقلابی و محمد ولی مندوی رئیس تشریفات وزارت امور خارجه نیز حاضر بودند.

پیام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقد لژین صادر شده است مسرود استقبال نهایت گرم و پرشور شاهان کانگرس واقع شده است.

بنام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقد لژین صادر شده است مسرود استقبال نهایت گرم و پرشور شاهان کانگرس واقع شده است.

بنام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقد لژین صادر شده است مسرود استقبال نهایت گرم و پرشور شاهان کانگرس واقع شده است.

بنام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقد لژین صادر شده است مسرود استقبال نهایت گرم و پرشور شاهان کانگرس واقع شده است.

بنام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقد لژین صادر شده است مسرود استقبال نهایت گرم و پرشور شاهان کانگرس واقع شده است.

هفتم نوا میر مطابق به شانزدهم عقرب مصادف با شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بوده و بنا بر فیصله جلسه اخیر بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر بعمل آمد از این روز تاریخی و پرافتخار خلق های کشور دوست، برادر و همسایه ها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درس نامه همین عزیز افغانستان تجلیل بعمل آمد.

رفیق امین به همین مناسبت شام ۱۵ عقرب ضیافت مجللی رادر خانه خلق ترتیب داده بودند که در آن اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان با خانم های شان اشتراک نموده بودند.

کمیته شهری شهر کابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انجمن دوستی افغان و شوروی روز ۱۶ عقرب طی محفل شاننداری در کابل ننداری شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر را تجلیل نمود.

همچنان به مناسبت همین روز ساعت دوی

اختصار وقایع مهم هفته

بعد از ظهر مسابقه بسزرمک باستانی و غنغوی بژکشی در استادیوم ملی ورزشی کابل صورت گرفت و جریان آن مستقیما از طریق را دیو تلویزیسون خلق افغانستان برونکاست گردید.

مبصر باختر آزانی با ارتباط به سالروز جشن انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر می نویسد:

پس از آنکه در کشور همسایه بسزرمک شما لی ما دولت شوراهای تاسیس گردید جنبش های انقلابی طبقه کارگرو نهضت آزادی بخش ملی و دموکراتیک در سراسر جهان اوج گرفت و در همین روز انقلابی خلق قهرمان افغانستان نیز قهرمانانه به پا خاست و عظیم ترین نیروی استعماری آن وقت را که افتاب در ستم رانش در آن زمان غروب نمی کرد از افغانستان بیرون نموده و زنجیر های ننگین استعمار را

در آسیا برای اولین بار شکستاند و به این ترتیب افغانستان استقلال سیاسی خود را به دست آورد و روابط دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی از طلیعه

رفیق حفیظ الله اسین شخصت و -
دومین سالگرد انقلاب کبیر
اکتوبر را به رهبران
اتحاد شوروی تبریک
گفتند.

کابل ۱۶ عقرب (ب):

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه
خبر میدهد، از طرف حفیظ الله امین
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس
شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوري
دموکراتیک افغانستان به مناسبت شصت
ودومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی
اکتوبر پیام تبریکه آتی عنوان رفیق
لیونید بریزنف و رفیق الکسی کاسیگین
به مسکو مخابره گردیده است:

رفیق لیونید بریزنف منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی و صدر هیات رئیسه شورای
عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.



۱۰- لنین رهبر اولین انقلاب کارگری جهان و بنیان گذار حزب کمونیست اتحاد شوروی

شوروی سوسیالیستی مستحکمتر
گردیده و به سویه یختگی برادری تکامل
نموده است.

یقین دارم که این روابطه رفیقانه و
صمیمانه و همکاری های همه جانبه مابین
منفعت خلقهای زحمتکش هر دو کشور و
خلقهای زحمتکش سایر کشور های
سوسیالیستی و تمام بشریت ترقیخواه
در امر تشدید و تقویت صلح و امنیت
در جهان و ترقیات برای رفاه بشریت
انکشاف مزید یافته و مینماید و واقع گردد.
درین هنگام خجسته که خلقهای
کشور دوست ما اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی و سایر کشور های
سوسیالیستی و تمام بشریت ترقیخواه
شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتوبر را تجلیل مینماید
نمایند مایه مسرت من است، بهترین
تمنیات گرم، صمیمانه و رفیقانه خود را
برای صحت و سلامت شما رفقا ابراز
نمایم و یقین دارم که خلق دوست
و برادر همسایه اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی تحت رهبری خردمندانه
شما رفقا و حزب کمونیست اتحاد شوروی
به ترقیات روز افزون نایل گردیده و



لیونید بریزنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیات رئیسه شورای
عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که به رهبری ایشان جامعه اتحاد شوروی بسوی
کمونیسم نزدیک میشود.



حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و لومړی وزیر که به رهبری ایشان افغانستان عزیز ما بسوی جامعه سوسیالیستی
به پیش میرود

مبارزات بشردوستانه شما به خاطر صلح
پایدار در سراسر گیتی با افتخارات
زیاد تر نایل می گردد.
حفیظ الله امین، منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر
دموکراتیک افغانستان.

دوست ما اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی اظهار می دارم.
با اعتقاد راسخ اطمینان میدهم که
بعد از انقلاب شکوهمند شور علائق دوستی
و حسن همسایگی، تفاهم و همکاری
های ثمر بخش و نزدیک بین جمهوری
دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر

تبریکات گرم و نهایت صمیمانه و قلبی
خود، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت
جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق
زحمتکش افغانستان را به شما رفقای
گرامی، کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی، حکومت و خلقهای برادر

رفیق الکسی کاسیگین رئیس شورای
وزیران اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی.
گریلین، مسکو.

با کمال مسرت زیاد به مناسبت
شصت و دومین سالگرد شرک انقلاب
کبیر سوسیالیستی اکتوبر، بهترین

استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور خویش سهم بگیرند



رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمہوری دموکراتیک افغانستان موقعیکہ زور نا لستان داخلی و خارجی را برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفته و به سوالات آنها پاسخ ارایہ میدادند.

در آغاز مصاحبه رفیق حفیظ الله امین خطاب به زور نا لستان گفتند:

مست داریم که شما زور نا لستان محترم را در سرزمین انقلاب نور استقبال نموده و با شما ملاقات میکنم و ازینکه به افغانستان و انقلاب افغانستان علاقه گرفته اید تشکرمی نمایم.

طوریکه میدانید انقلاب شکوهمند نور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر کشور صورت گرفت و سیستم فیودالی را که در کشور ما حکمفرما بود ازین برده قدرت رابه خلق زحمتکش افغانستان به نمایندگی از آن به طبقه کارگر کشور انتقال داد و جمہوری دموکراتیک افغانستان را تحت زعامت حزب

متن مصاحبه رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و ولومری وزیر با زور نا لستان داخلی و خارجی که بعد از ظهر روز سیزدهم عقرب در خانه خلق بعمل آمد.

به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار تسوید قانون اساسی را تحت شعار صویت، قانونیت و عدالت رویدست گرفته است.

دشمنان انقلاب و دشمنان خلق زحمتکش ما که مذبوحانه تلاش دارند تا دست آورد های انقلاب نور را تخریب کنند اکنون نزد خلق ما و نزد خلق های تمام جهان افشاء شده اند.

افغانستان کشوری است که در اینجا قانون اساسی بشکلی تسوید خواهد شد که راه را برای اعمار جامعه فاقد استثمار فرد از فرد یعنی یک

دموکراتیک خلق افغانستان تاسیس کرد و بدین ترتیب پروژه های مختلفی برای ازین بردن تمام بقایای فیو دالیزم در افغانستان رویدست گرفته شد.

مهمترین کار، اصلاحات ارضی بود که توسط دولت جمہوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان موفقانه تطبیق شد.

از آن گذشته قسم های مبنی برای تکامل نیرو های مولد در افغانستان و افزایش تولید کار اتخاذ شد. امروز جمہوری دموکراتیک افغانستان

جامعه سو سیالستی باز کرد. پسر خلق افغانستان بشکل روز افزونی از حکومت خود حمایت میکنند و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در وحدت کامل با خلق به چنان مرحله رسیده است که در تاریخ حزب ما نظیر نداشته و میتواند مثال خوبی برای تمام احزاب برادر در کشورهای نظیر افغانستان باشد. اکنون افغانستان برای تمام کسانی که به امور آن علاقه میکنند به خصوص برای زور نا لستانی که با اخلاقی عالی زور نا لستیک مانند شما آراسته باشند بکلی باز است.

ما بسیار خوشحالیم از اینکه شما را در افغانستان ملاقات میکنیم از شما می‌خواهیم سایر رفقای خود را تشویق کنید تا به افغانستان بیایند ما شاید نتوانیم همه تسهیلات ما دی را که شایسته استقبال از شماست مهیا سازیم اما یقین داریم احساسات دوستانه ما این کمبود را جبران خواهد کرد. اکنون از شما دعوت می‌نمایم تا در فضای کاملاً

ورفت و آمد عادی ترافیک را در بعضی شاهرها دچار اختلال میکنند آیا شما درین مورد چه می‌فرمایید؟
جواب - انقلاب ثور تنها دشمنی امپریالیزم و ارتجاع بین المللی روبرو میشود، هر انقلاب طبقه کارگر در هر جای جهان که واقع میشود با عین سرنوشت انقلاب ثور روبرو میشود یعنی با توطئه ها و دسایس

قانون اساسی جدید افغانستان براساس ایدیا لوزی طبقه کارگر که قدرت خلق را در افغانستان تمثیل خواهد کرد تسوید میشود.

دوستانه و دموکراتیک سوالات خود را طرح نموده و جواب های مرا بشنویید.
 سوال نمایندۀ تلو یزیون جمهوریت دموکراتیک آلمان - لطفاً در باره قانون اساسی جدید افغانستان که کار تسوید آن همین حالا ادامه دارد قدری روشنی بپندازید؟

جواب - قانون اساسی جدید افغانستان بر اساس ایدیا لوزی طبقه کارگر که قدرت خلق را در افغانستان تمثیل خواهد کرد تسوید میشود و راه را بسوی ایجاد جامعه فاقد استثمار فرد از فرد در افغانستان روشن کرده به همه ملیت های افغانستان حقوق مساوی میدهد.

همچنان این قانون طریق تکامل همه ارزش های فرهنگی داخل جامعه افغانی را باز خواهد نمود.
 از همه گذشته این قانون موجب ارتقای اجتماعی و اقتصادی شده آزادی کامل عقیده، مذهب و سایر آزادی های اساسی را تضمین خواهد کرد.

سوال نمایندۀ هند: راپور های متواتری در حلقه های مختلف بعضی کشورها شایع است که شورشیان مناطق وسیعی از افغانستان را تحت کنترل خود دارند

جنایت کاران فرار میکنند و به خارج میروند، اما وسایل اطلاعات جمعی، رادیو ها و منابع امپریالستی بر ضد تبلیغات مینمایند مثلاً می گویند که جای یک زندگي آرام و مصون در افغانستان وجود ندارد. زمانی که کنفرانس صلح و همبستگی با خلق افغانستان در کابل دایر بود بعضی از نمایندگان شامل بمن گفتند که وقتی فامیل های خود را ترک میکنند در اعضای خانوادۀ هایشان می گریستند و لی بعد از آنکه آمدند و به اکثر ولایات رفته با مردم تماس گرفتند و به چشم سر اوضاع را دیدند از آرامش وضع تصدیق نمودند.
 امپریالست ها تبلیغات زیادی در مورد کابل می کنند حتی امروز هم از رادیو های امپریالستی و منابع ارتجاعی می شنویم که نمی توان در خیابان های کابل قدم زده و به دکان ها رفته ولی شما میتوانید هر جایکه خواسته باشید بروید و قدم بزنید و اوضاع را ببینید و حقایق را در مورد آنچه در افغانستان میگذرد بخود معلوم بدارید.

باتمام اینها افغانستان یک کشور کوهستانی است، بهترین استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور خود سهم بگیرند.

وقتی امپریالیزم بغواهند توسط دسته های جنایت کار برای ما پروپاگاندایجاد کند اگر به آنها پول و سلاح بدهند آنها میتوانند اینجا و آنجا بروند فیر کنند یا اینکه بريك موتر لاری آتش کنند و بعد مراکز امپریالستی آنها در رادیو ها و لود سپیکر های خود بزرگ میسازند و میگویند در افغانستان این وضع یان وضع بوجود آمده تا به این ترتیب نگذارند رفقای شان به افغانستان بیایند و اوضاع را خودشان ببینند.

سوال نمایندۀ آژانس باختر: شما در جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان که بتاريخ سی میزبان صورت گرفت در باره انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان الی سال ۱۳۶۵ توضیحات همه جانبه دادید. حالا اگر لطفاً بگویند که برای تطبیق این پلان بزرگ انکشافی افغانستان انقلابی و نوین و برای انجام دادن تمام این کار های بزرگ بودجه مالی آن از کجا تمویل می شود یعنی این پلان های بزرگ از کدام بودجه مالی تمویل میشود؟

جواب: عرض من این بود که در تمویل این پروژه ها اندازه زیاد ضرورت های مالی ما از منابع ملی ما رفع میشود از کشورهای خارجی که با ما مساعدت میکنند اتحاد شوروی کشور برادر و همسایه ما با ما کمک نهایت زیاد می نماید ما باین اطمینان داریم هر قدر کمکی که برای انکشاف افغانستان بکار انداخته بتوانیم اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالستی برای ما میسر میسازد و کشورهای دوست نیز کمک می کنند.

سوال نمایندۀ روز نامه انیس: طوریکه در یک ماه گذشته دیده شده با فراهم ساختن

بشترین استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور خود سهم بگیرند.

زمینه کار دولت خلقی ماسعی نموده تا از قوای بشری حد اعظم استفاده رادر راه ترقی و شکوفائی کشور نماید. میخواستیم سوال نمایم که چه اقدامات عاجل را دولت برای استفاده هرچه بیشتر از قوای بشری روی دست خواهد گرفت؟

جواب: بهترین استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود در انکشاف و تکامل کشور خود سهم بگیرند. جمهوری دموکراتیک افغانستان پلانهای

آزادی بهتر هر نوع عبادتی
که خواسته باشند انجام
خواهند داد.

سوال ژورنالست
جمهوریت فدرالی آلمان:
چرا خانه خلق با محافظین
و تانکها حمایت و حصار
شده است؟

جواب: من گارد محافظین
را در قصر ریاست جمهوری
فرانسه و در قصر بوکنگهیم
انگلستان و قصر سفید
امریکا نیز مشاهده کرده ام
و اینها همه با گارد محافظه می
شوند پس چرا باید در جلو
خانه خلق ما گارد محافظین
نباشد. و جود گارد محافظ
بدان معنی نیست که خانه
خلق توسط گارد ها حصار
شده است.

سوال نماینده کابل تایمز:
طوری که مشاهده می شود
مرحله اول اصلاحات اراضی
در افغانستان موافقانه پایان
یافت در مورد مرحله دوم
این اصلاحات چه فکر می
کنید؟

جواب - مرحله مهم
اصلاحات اراضی در
افغانستان عبارت از استملاک
زمین از زمینداران و توزیع
آن به دهقانان بی زمین و کم
زمین بود که با موفقیت زیاد
و در یک مدت بسیار کوتاه
انجام شد امروز هیچ فردی
در افغانستان سراغ نمی

با اصول اجتماعی دین مبین
اسلام مغایرت ندارد. اسلام
هرگز خواهان آن نیست
که خلق در فقر و گر سنگی
بسر ببرد. اسلام نمی گوید
که استبداد و ستم ظالمانه
در جامعه حکمفرما باشد.
اسلام مخالف بهبود زندگانی
و افزایش تولیدات نیست.
ولی ایدئالوژی مایک
سیستم اقتصادی و اجتماعی
است که زحمتکش را از
زیر استثمار می رها ند قدرت
تولید را افزایش میدهد و
سطح زندگی خلق را بالایی
برد. پس وقتی ما جامعه
سوسیالستی بسازیم
جایی برای استثمار فرد
توسط فرد باقی نخواهد
ماند.

ما عقیده داریم که هر
عضو جامعه آزادی مذ هب
و عبادت داشته باشند و تمام
مراسم مذهبی خود را با کمال
آزادی بجا آورند.

اینکه میگویند ایدئالوژی
ما ضد مذ هب است این
در واقع تعبیر خود شما است
آنچه ما می گوئیم آنست که
ما به آرمان های مذهبی و
احساس خلق خود احترام
عمیق می گذاریم و در عین
حال به نفع آنها کار می کنیم
مانه تنها به مذ هب خلق
خود احترام عمیق می گذاریم
بلکه در عین حال تمام
امکانات مادی را برای رفاه
و آرا می آنها می سازیم
تا آنها به یک سطح زندگی

انقلاب ثور تنها انقلاب کارگری نیست که با دشمنی

امپریالیزم و ارتجاع بین المللی روبرو میشود، هر

انقلاب طبقه کارگر در هر جای جهان که واقع میشود

باعین سر نوشت انقلاب ثور روبرو میشود

شود که پیش از سی جریب
زمین داشته باشد.
تا جاییکه بمن معلوم است
این را دیگال تریسون
دموکراتیک ترین ریفورم
اراضی می باشد که در کشور
های مانند افغانستان انجام
شده است.

بالا تر بر سند وقتی سطح
زندگی خلق ما انکشاف
یافت و خلق ما هیچگونه
اختناق از ناحیه استثمار
فرد از فرد احساس نکنند،
وقتی آنها تمام بقایای
استبداد طبقات استثمار
گر را از میان ببرند با احساس

و هم بگویند تا کدام اندازه
در تطبیق آن موفقیت حاصل
نموده اید؟

جواب - مهمترین هدف
پلان پنج ساله تهیه فرصت
های مسا عد برای سهمگیری
در اعمار جامعه فاقد استثمار
فرد از فرد است. منظور
آنست تا اساس مادی و
تخنیکی محکمی را برای
اعمار چنین جامعه آماده
سازیم. از آن گذشته ما می
خواهیم تا زراعت خود را به
شکلی عصری بسازیم که
کشور ما هم یک سر زمین
زراعتی باشد و هم صنعتی
یقین داریم که صنایع ما
تکامل خواهد کرد و زراعت
ما شینی خواهد شد که همه

ایدئالوژی که ما با آن معتقد هستیم ایدئالوژی

انترناسیونالیستی طبقه کارگر است.

این کارها باید با سهمگیری
کامل خلق همراه با آگاهی
صورت بگیرد. طوری که برای
بالا بردن سطح آگاهی خلق
جها د وسیعی برضد
ییسوادی آغاز شده است.

سوال ژورنالست
جمهوریت اتحادی آلمان:
در افغانستان پیوسته از
احترام عمیق بدین اسلام
سخن گفته میشود. با در نظر
داشتن این نکته ایدئالوژی
شوروی که شما از آن طرف
داری می کنید ضد مذ هب
است چه شیوه ای در اعمار
جامعه فاقد استثمار فرد از
فرد در پیش خواهد بود؟

جواب: ما هیچگاه اصطلاح
ایدئالوژی شوروی را بکار
نبرده ایم. استعمال این
اصطلاح و تعبیر آن از شماست
ایدئالوژی که ما با آن معتقد
هستیم ایدئالوژی انترنا-
سیونالیستی طبقه کارگر
است که مطابق آن بهترین
تسهیلات برای زندگی
توام با رفاه را برای
خلق خود فراهم ساخته
میتوانیم. این کارها هرگز

باین منظور روی دست دارد
مخصوصا اتحادیه ها و سازمان
های مختلف را به جود می
آورد تا تمام زحمتکشان
ما از راه سازمان های خود
در سرنوشت کشور خود
سهم داشته باشند و تمام
امور انکشاف کشور را به
سهم خود به پیش ببرند.
این در صورتی بسیار خوب
انجام یافته میتواند که اداره
کشور بدست خلق باشد.
توسط سازمان ها و از راه
سازمانهایی که ایجاد میشود
خلق افغانستان اداره کشور
را بدست خود دارد و می
داشته باشد و امور مربوط
به سرنوشت خود را خود
به پیش میبرد و بر علاوه

برای اعتلای سوسیال تخیکی
کارگران و کارکنان هموطن
ما هم تریبائی گرفته می
شود و برای تطبیق این
پلان ها اقدامات لازم روی
دست است و علاوه
سکالرشپ ها و فیلوشپ ها
و امکان تحصیل در خارج هم
برای هموطنان و جوانان ما
میسر است. مخصوصا
در اتحاد شوروی و کشور
های سوسیالستی برای
صد ها هموطن ما هر سال
امکان تعلیم و تربیه
میسر است. بر علاوه در
بعضی از کشورهای دیگر
نیز این امکان برای ما
موجود است ما باید از همکاری
های ملل متحد نیز یاد آوری
نماییم که درین زمینه با ما
مساعدت ها نموده و ما آنرا
تقدیر می کنیم.

سوال ژورنالست
جمهوری دموکراتیک آلمان:
آیا ممکن است نقاط برجسته
پلان پنج ساله انکشاف
اجتماعی و اقتصادی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان را توضیح نمایند

مر حله دوم عبارت از ریغورم زراعتی میباشد باین معنی که قابلیت تولید زمین قابل زرع بلندبرده خواهد شد. درین مرحله تکنالوژی عصری، کود کیمیاوی و تکنیک های مدرن زراعتی که در پیشرفته ترین کشور های جهان رایج است تهیه خواهد شد.

همین اکنون این ریغورم آغاز گردیده است.

سوال ژورنالست هندی:

امپریالیزم و کشور های امپریالستی تشویش جنگی ایجاد شده است که با اعمار پایگاه های نظامی و تشبثات نظامی در آنجا آزادی در بحر هند مختل گردیده و تشویش جنگ پیدا شده است. پس این به کشور های امپریالستی و امپریالیزم ارتباط دارد که آنها باید پایگاه های نظامی خود را از بین ببرند و به ما هیئت نظامی آن منطقه خاتمه دهند

ما یقین داریم طوری که خلق های زحمتکش افغانستان

پاکستان و ایران بین خود برادر هستند دوستانشان

مشترک دشمن شان مشترک است

بنظر شما کشور هند چه نقشی را در انکشاف افغانستان ایفا کرده می تواند؟

جواب: جنبه های عمومی اشتراک فرهنگی خلق های افغانستان و هند نزد تمام افراد این دو کشور و کشور های جهان روشن است. خلق افغانستان احساس دوستی خاصی نسبت به خلق هند دارند و خواهان گسترش مناسبات اقتصادی و سایر علایق با خلق هند می باشند.

هند به مقایسه افغانستان کشور پیشرفته تری است و ما طبعا انتظار همکاری های اقتصادی و تکنیکی از هند را داریم که خوشبختانه برای ما داده شده است. احساس خلق های دو کشور که در گذشت چندین سال نسبت به همدیگر تبارز داده شده نه تنها ادا می خواهد یافت بلکه تقویه هم می شود.

سوال نماینده روزنامه میواد: از کشور دوست ما هند یاد آوری شد از نظر قوت های صلح دوست و مترقی منطقه این مفکوره که بحر هند بحیث یک منطقه صلح شناخته شود به نظر شما چطور تحقق یافته می تواند؟

جواب: من عرض کردم که تشویش نظامی در بحر هند همیشه یک طرفه ایجاد شده است که در آنجا از طرف

اروپا و خلق های ساکن مناطق جهان گردید این ابتکار تنها مربوط به اروپا نبوده بلکه متعلق به تمام خلق های جهان میباشد و به نفع نهضت صلح بین المللی تمام خواهد شد.

من درین مورد نیز قبلا تبصره کرده ام.

سوال نماینده روزنامه انیس:

با ارتباط به سیاست مثبت و مترقی، جمهوری دموکراتیک افغانستان که همیشه طرفدار ترقی و صلح بوده و است، میخواستم سوال نمایم که برای بهبود روابط با پاکستان و ایران آیا مذاکرات و تماس ها جریان دارد؟

جواب: افغانستان با پاکستان در تماس است و انتظار دارد که مشاور در امور خارجی جلالتماب ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان یعنی بنی غلشی آغا شاه بنابر دعوت وزیر خارجه افغانستان بیاید و درینجا بجا طرعا دی ساختن روابط بین دو کشور مذاکرات را با وزیر خارجه افغانستان ادا می دهد. به تعقیب آن

داد ه ایم. شارژ دا فیر مادر تهران چند بار کوشش کرده که وزارت خارجه ایران را به این ملتفت بسازد و خودم به شارژ دا فیر سفارت ایران در کابل هم گفته ام که ما علاقمند آغا ز مذاکرات دوستی بین دو کشور هستیم و ما یقین داریم طوری که خلق های زحمتکش افغانستان، پاکستان و ایران بین خود برادر هستند دوست شان مشترک دشمن شان مشترک است حکومت های مربوط این احساسات گرم مشترک و برادرانه خلق های خود را در عمل منعکس خواهند ساخت. تا زمینه رشد دوستی بین خلق های هر سه کشور تهیه شود و بتواند.

سوال نماینده جریده خلق از گان مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طوری که برای تربیت علمی کادر های حزب دموکراتیک خلق افغانستان انستیتوت علوم اجتماعی افتتاح شده آیا رهبری حزب درین زمینه ابتکارات جدیدی را در نظر دارد و اگر دارد آیا بطور مثال پیشش بینی کرده میتوانید؟

ما عقیده داریم که هر عضو جامعه آزادی مذهب

و عبادت داشته باشد و تمام مراسم مذهبی خود

را با کمال آزادی بجا آورد.

جواب: دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تاسیس این انستیتوت که به آن اشاره کردید برای ارتقای بیشتر سطح دانش اعضا و کادر های حزب توجه خاص داشته و دارد و علاوه بر آن نیز اقداماتی در نظر دارد که از جمله خود جریده خلق است که برای انکشاف و نشر بیشتر آن توجه خاص بعمل آمده است. همچنان بعضی سیمینار ها و کورس ها در ولایات کشور هم دایر میشود که در آن اعضا و کادر های حزبی اشتراک می

انتظار داریم که جلالتماب ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان که از طرف خودم به نمایندگی از حکومت افغانستان دعوت شده است خواهند آمد و در اینجا از طرف حکومت و خلق افغانستان به گرمی استقبال خواهند شد و مذاکرات دوستانه ما ادا می پیدا خواهد کرد، و قلبا میگویم تا تمام سوء تفاهات بین دو کشور رفع شود و امکان سازی ساختن روابط دوستانه بین دو کشور ایجاد شود. به همین ترتیب علاقه تما سربا اشخاص مسوول و بسا صلاحیت ایران هم نشان



«نن ډیره ستر انقلابیږو چی داکتوبر انقلاب ارزښتونو او بریالی توپونو ته دوام ورکوی اودنړیوال انقلاب څرخ په حرکت راوړی دسوسیالیزم دنړیوال سیستم دنړیوالی کارگری طبقې جنبش اودنړی دخلکو دملی آزادی غوښتونکی جنبش دی»

«ملگری حقیقت الله امین»

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸ ۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹

داکتوبر ستر انقلاب د بشریت لپاره د بی استهواره ټولنی

د جوړیدو د لاری روڼ مهال



استفاده از قوای بشری هنگامی ضرورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف تکامل کشور خویش سهم بگیرند.

انقلاب کبیر اکتوبر و تأثیر قاطع آن جنبش های کارگروهرهای بخش ملی جهان

داکتوبر دستر انقلاب اوه شپيته کال لير

نگاهي به اهميت بين المللي انقلاب کبیر اکتوبر

انقلاب کبیر اکتوبر جنبش بزرگی بسو روشنايي و بهرورزی

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات

تگرشی بر ادبیات شوروی

درجهت آرامش ورفاه خلق شوروی

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یا آغاز تاریخ نوین بشریت

دشوروی اتحادعلمی، اقتصادی، صنعتی فرهنگی بریالی توپونه

شرح روی جلد:

مشت نیرومند و پرتوان خلق که فرق زورگو و استعمارگران رامی شکنند و یوزشانرا نابودی می مالد

پشتی اخیر تمثالی از زن کوچی

ایلامیه (چې داکتوبر دستر انقلاب دستر لار ښود په لاسلیک ښکلی شوی وه خبره کړه)

په دغه ایلامیه کې داو لږو نو تر مینځ مساوات، برابری، ورو رو لی او په خپل سر لو شت حاکمیت او دخپل مستقل دولت دتشکیلو لو په شمول د خو دا رادیت حق د ټولو ملی او مذهبی امتیا را توارو قیو داوا لغاء او دملی اقلیتو نو ازادا نه انکشاف اعلان شو چې ددغه ویا په لسی انقلاب په هماغه لومړیو ورځو کې دسوسیال دپخوانی امپراطوری او لسونو دمتقابل دښمنی، عداوت او تقاضا دتولو له لاری څخه واورول او ددوی تر مینځ ډیر ژر دمتقابلو

مرستنی او همکاری اړیکې ټینګ شول. د اکتوبر دستر انقلاب د بریالیتوب په نتیجه کې منځ ته راغللی شوروی اتحاد دسوسیالیستی دولت د جوړیدو له

هماغه لومړیو وختو څخه سره لږدی چې له زیا تو کورنیو ستونزو سره چې دتزار څخه ورته په میراث پاتې وې څخه انترناسیونالیستی سپیڅلی دنده هیلځ وخت له پامه نه غورځولې، او تلل یی په خپلو فعالیټو نوکی انترناسیونالیستی گټی سوسیالیستی اصل او انقلابی جنبش د خپل عمل ملاک گرځولې دی.

داکتوبر د ستر انقلاب دغه لمر (انترناسیونالیستی اصل) ته دتور انقلاب زېور قوماندان حقیقت الله امین تیر کال ددغه ویا په لی انقلابیو شپیتو کالیز دتعارف

نغنی په غونډه کې داسی اشاره وکړه: «... داکتوبر انقلاب له خپل پیل څخه انترناسیونالیستی ماهیت درلود او دسوسیالیزم بریالی څپې چې په پترو گراډکی

جګې شوی د روسی په سرحدو لو کې ونه درېدی او لکه دلمردودانگسوخو په شان یی پر ټوله نړۍ اغیزه وکړه او د هغه خلا نده رڼا دنړۍ د انقلابی غور

بریاو لی شو. ددغه ویا په لی انقلاب دا بریالیتوب چې له استثمار، استبداد، ظلم، بریدالیتی، جګړې او نورو راز را ز بدبختیو څخه د انسان د ژغورنې په منظور تر سره شوی دی دعلمی نړۍ لید او دکارگری انقلابی اید یا لوی ددغی دوران جوړوونکی اید یا لوی د پلي کولو د مبتکر (داکتوبر دستر انقلاب دستر لار ښود) برکت دی! نوله همدی امله ویا لی شو چې داکتوبر ستر انقلاب بری په عین حال کې دمرقی او کارگری اید یا لوی نړۍ بری هم دی چې دلو مری ځل لپاره ددی بریالیتوب دلیر وړانګې په شوروی روسیه کې وځلیدی.

داکتوبر ستر انقلاب نوی عصر (له پا لکه ویا لی څخه سو سوسیالیزم ته دبشریت ډیر ښو نوی عصر) دامیر یا لیزم له جع څخه دملیتو نو دخپلو اکی او د جګړو اوویشی نو یولو د پای ته رسو لږو او د نوی انسان لی ټولنی دجوړولو له پاره د حاکمه استثمار گرو طبقا نو درا پر زولو لاره پرا لستله.

داکتوبر ستر انقلاب څخه مخکې چې په ۱۹۱۴ کال کې لو مری جہانی جګړه پیل شوه تر دغه وخته پوری لادجګړی اوربل و او ددغه امیر یالیستی جګړی بار او بو ج د روسی د زیا ر ایستو لکو خلکو پراوړو بار و زیا تو کورنیو له دغی جګړی څخه دسر اومال زیان لیدلی و او د خلکو دسوی له هیله او آرزو او د جګړی د اورد ختمیدو هیله در لوده.

نو هغه و چې داکتوبر ستر سوسیالیستی ستر انقلاب لو مری گام او لو مری فرمان (دسوی فرمان) و چې د روسی او ټولنی نړۍ زیار ایستو لکو یی په پوره شور او زور سره غوڅ ملاتړ وکړ.

د ۱۹۱۷ کال داکتوبر پر له انقلاب نه وروسته پرا ته ورځ دنوی جنتری له مخی دنوا مبر په پنځلسمه ورځ شو رو ی حکومت (د روسی او لږو نو د حقو قو

دروان عیسوی کال دنوامبر او ویه نیټه داکتوبر د ستر سوسیالیستی انقلاب له دوه شپیتو کالیزو سره سمون خوری.

دوه شپيته کاله مخکې (۱۹۱۷) کال په همدی ورځ په روسیه کې ټولا دیمیرایلیج لښ به مشری او دکمو نیست گوند په رهبری د روسی قهرمانی پروتاریا تزاری نظام چی سستی یی په یو روزوازی او ملاکینو ولادی و ی د نک گسرو او د بشریت په تاریخ کې دلومړی ځل له پاره د یوی داسی ټولنی دجوړیدو دوران پیل شو، چې هلته دانسان څخه دانسان استثمار، استبداد، بریدالیتی، تیری او جګړه نه وی.

داکتوبر ستر سوسیالیستی انقلاب بد شلمی پیری ډیره ستره او ارز ښتنا که ښه ده چې د ټول بشریت دتکامل لاری پرله پسې څخه بدل کړی.

داکتوبر ستر انقلاب له بری څخه مخکې په روسیه کې اکثریت پر گټی له لویزۍ او کوری او پر بنوټیا سره لاس گر یو ان وی دنزاری او کمونو ظلمو نه تیری او بریدالیتی او ج ته رسید لسی وی نو دغه بی عدالتیو ملی او طبقاتی ستونزو کنډول تر مورگو دلاشوی و.

چې دغه طب داکتوبر دستر سوسیالیستی انقلاب ستر لاریو د پخپله داسی بیان کړی دی: «بزرگرمه فکرکی ژوند کلاه، ده له خا رو یو سره یو ځای استو گنه در لوده... پر گرانو تل ولړه گا لله اودسو کسری (وچ کالی) په وخت کسی چی ډیره ډیره پینید له، په لاس ها ووزره پر گران په و لزی او اید مو په لاس مړه کیدل»

دغه راز په روسیه کې نه یوازی ډیر گرانو بلکې د ټولو زیار ایستو لکو ژوند له سو ترو څخه ډک او د زغملو وړه و. په دغه نا ویه استبدادی شرا یطو کړی چې داکتوبر ستر سوسیالیستی انقلاب

تکلیف

انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر قاطع آن در جنبش های کارگری ورهائی بخش ملی جهان

با شکست تاثیر بار و تاسف انگیز کمون پاریس (۲۹ ماهی ۱۸۷۱) بهما به نخستین دموکراسی توده یی در جهان که پس از ۷۲ روز استقرار حاکمیت میا مسی زحمتکشان «هفته خون» در تاریخ مبارزات طبقاتی دو خصم آشتی ناپذیر و دونیروی عظیم جهانی (کار و سرمایه) ثبت گردید، هم بورژوازی و هم طبقه کارگر جهان برآن شد تا در تشکیل، تسبیح وصف آرای نیرو برسد هم، نتایج و تجارب حاصله از آن را هوشیارانه و غایله در نظر گیرند و برای تصرف سنگر های گرم مبارزه می شود ها و روش های قبلا بررسی شده و تلویین یافته یی را در تیوری و پراتیک مبارزات شان پیاده نمایند.

کارگران تورانساز ویشوایان خردمند و سترگ آن که از اشتباهات کمون پاریس مبنی بر عدم موضع گیری کمونار هانمیت به بانک فرانسه بمنزله پستوانه عمده مالیی مشنگران، عدم مصادره دارایی عناصر ضد انقلاب و عدم پیوند عمیق طبقه ملیونی دهقان با کارگران زنجیر گسل، نتایج سودمندی را دریافتند و در گسترده مبارزات طبقاتی آتیه و رفیع اشتباهات خورد و بزرگی که بورژوازی را قوت و جبهه انقلاب را تضعیف می نمود کام نهادند تا آنجا که کارگران و زحمتکشان فرمان روس بر عبری و لادیمیر ایللیچ لیسن پشوی ای ستشکشان سراسر جهان کوره را ههای سوزان و پر خم و بیج مبارزه را بر ضد بورژوازی و ملاکین بزرگ، بر ضد ارتجاع و امپریالیزم بین المللی و بر ضد انواع نظریات و جریانات انحرافی چپ و راست طی نمودند و با بر زمین زدن نظام بوشالی و جبارترین ماشین مستگیری (دولت فئودالی - نظامی - امپریالیستی تزاری) و شکستن دژمادی و معنوی محفل ترین مفتنین سیاسی (کادتها، منشویکها و اسرار هها) نخستین دولت سوسیالیستی را در اکتبر ۱۹۱۷ در پهنای و در ترین کشور جهان بنیان گذاشتند.

با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و استقرار اولین کشور سوسیالیستی جهان است که نه تنها خلق میهن پرست و انترناسیونالیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از اسارت و بردگی نجات یافتند، بلکه همه کارگران، دهقانان و زحمتکشان جهان با در جاده زندگانی نوین گذاشتند و جر خش عظیم تاریخی را بسود

با شکست استقبال نمودند. با پیدایش این نقطه عطف در سیر تکامل تاریخ اجتماعات بشریت که خلقهای زحمتکش جهان طی نبرد و ستیز در سنگر های داغ و جانگداز مبارزه یکی بی دیگر حصول استقلال سیاسی نایل آمدند و چه بسا میلیونها انسان زحمتکش که سابقا یوغ جانکاه سرمایه را حمل مینمودند، امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را خود بدست گرفتند.

بشهادت تاریخ باید گفت: پیش از آنکه مشعل پرفروغ و زندگی بخش انقلاب کبیر اکتبر بهشابه ادامه و شکل تکامل یافته انقلاب ۱۹۰۵ روسیه راه نجات خلقها را علام روشن نماید، جهان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست به باسیتل غیر قابل عبوری میماند که زندانیانش را همه خلقهای مستعبده جهان و میرغصبان و زندان بانانشراف و دولتهای چند کشور بزرگ صنعتی تشکیل میداد. مستگران و آدم کشانیکه ماشین اقتصاد و سیاست این چند کشور صنعتی را با اختیار داشتند، فرمانروایان نام الاخیار همه کشور ها محسوب می شدند که اراده شان میتوانست کشوری را بسوزد و تمدنی را یکسره نابود نماید.

قلمدان و زور گویان سرمایه در همه اکناف جهان پنجال انسانخوارش را به گردن خلق فرو برده بودند و دیوانه و ارازان خون می گرفتند و هیچ کشور ضعیفی را تاب مقاومت و پنجه زدن بروی استعمار و امپریالیزم نبود.

خلقها در تمام اکناف جهان با تمام خلق کشور های مستعمره و نیمه مستعمره استعمار می شدند و با هزار توطئه و دسیسه استقلال سیاسی آنها ناقص و بی محتوا بود. عده از کشور های امریکای جنوبی و آسیایی که از استقلال سیاسی صوری برخوردار بودند با هزاران بند تحت تسلط اقتصادی و سیاسی یک یا چند قدرت امپریالیستی درآمد و علی الرغم تلاش خلقهای شان در راه تبدیل به مستعمره کامل بودند.

افغانستان نیز جزو کشور هایی محسوب می شد که بازار اقتصادی، سیاست داخلی و خارجی آن مستقیما از مرکز بریتانیا تعیین می گردید و امور دولتی آنرا مکناتن هها، برآیدن ها، جنرال میل ها و جنرال پالک ها کاملا در اختیار داشتند. (خط استعماری و نام نهاد دیورند یکی از تنگن ترین بازمانده های آن دوره میانه است که خلق نجیب و

شجاع ماحتی از شنیدن نام آن متفراند).

در آن سامان با وجودیکه تقسیم ممالک ضعیف میان استعمار یون انجام یافته بود ولی این تقسیم نه تنها غلظت آتشین استعمار و امپریالیزم را خاموش نساخت بلکه تناقضات و تضاد هارامیان آنها بصورت روز افزون تشدید می بخشید. تشدید تضاد ها و تناقضات میان کشور های قدیم صنعتی از یکطرف و میان این کشور ها و کشور های قدرت مند جدید صنعتی (آلمان و جاپان) از سوی دیگر چنان اوج بی سابقه یافت که جنگ بین المللی اول را به یک امر ناگزیر تبدیل نمود.

جنگ بین المللی اول که جان میلیونها عنصر فداکار و میهن پرست را با عده یی بیشمار از اطفال معصوم و بیوه زنان طعمه یی حر یسقی ساخت، چیزی نبود جز محصول جنایات و فجایع رژیم سرمایه سالاری که بخاطر دریافت ارزش اضافی جابران سرمایه آن همه قنایوت و کشتار را بحق تمدن و انسان روا داشتند.

جنگ اول بین المللی محصول تشدید این تناقضات امپریالیستی بود. بدون تردید اگر جنگ جهانی اول در چار چوب نمایات امپریالیستی یعنی با پیروزی این یا آن گروه امپریالیستی تمام می شد وضع موجوده مستعمرات با تغییری در این یا آن جهت حفظ میگردید. در این یا آن مستعمره بجای ارباب قدیمی ارباب جدید راه می یافت و مناطق از این دست به آن دست می افتاد ولی در اساس سیستم مستعمراتی تغییرات اساسی در دور نمای نزدیک خلقها قرار نمی گرفت و انقلابهای ملی هنوز برای دوران طولانی مانده اند انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۰۶-۱۹۰۷) و دهها جنبش انقلابی دیگر بدون موفقیت نهایی به وسیله نیرو های امپریالیستی سرکوب میگردید.

جنگ بین المللی اول تناقضات و بحران عمومی سرمایه داری را شدت بخشید و انقلاب کبیر اکتبر بعق و دامنه آن هرچه بیشتر افزود ی بعمل آورد.

پیروزی انقلاب نجات بخش اکتبر تنها با ژرفا بخشیدن تضاد های حاد طبقاتی میان کشور های سرمایه داری محدود نماند، بلکه در جنبش های رهائی بخش ملی که از انقلاب ۱۹۰۵ آغاز گرفته بود نیرو تحریک ده چندان بخشید، خلق کشور های مستعمراتی سابق بانکای قوه مادی و معنوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جنبش های ضد استعماری و ضد امپریالیستی را شدت دادند و تا ختم جنگ دوم جهانی سیستم مستعمراتی را از میان برداشتند. جنبش جهانی طبقه کارگر با استفاده از تشارب و رهنمون های عالم انقلاب اکتبر به موفقیت های مزید و بی سابقه نایل آمد و در عده قابل ملاحظه یی از کشور ها هم اکنون تمامیا اختیارات و قدرت اقتصادی و سیاسی به خلق تعلق دارد.

انقلاب دوران ساز اکتبر تنها به کیفیت کشور های که جنبش رهائی بخش ملی را طی مینمودند (ومی نمایند) افزود بلکه محتوا و کیفیت این جنبش را با روح زمان و منافع زحمتکشان همساز ساخت.

اگر جنبش های رهائی بخش ملی تا قبل از پیروزی انقلاب اکتبر برهبری بورژوازی

تحقق می یافت و در عالیترین شرایط خود بورژوازی را مقتدر و رژیم سرمایه داری را مسلط می ساخت ولی بعد از پیروزی انقلاب اکتبر خلقها جهت رهائی واقعی خود با اردوگاهی عظیمی دست یافتند. باین مفهوم که خلق های مستعبده درک نمودند که هرگاه انقلابی ضد فئودالی و ضد رژیم های نیمه فئودالی برهبری بورژوازی صورت گیرد، در بهترین حالات خود دست آورد آن چیرگی مستگران سرمایه و استقرار رژیم پر درد سرمایه سالاریست.

تعقیب راه رشد سرمایه داری که استعمار فرد از فرد را شدت بی سابقه می بخشد جز به هدر دادن نیروی مادی و معنوی زحمتکشان و درازا گرفتن عمر استعمار چیزی را در دور نمای نزدیک با خود ندارد. ولی پیروزی انقلاب کبیر اکتبر با ثبات رسانید که فقط انقلاب سوسیالیستی برهبری حزب طبقه کارگر می تواند نجات خلقها را واقع نماید و لا غیر.

درست پس از انقلاب سترگ اکتبر است که انقلابات طراز نوین جای تپ کهنه (بورژوا دموکراتیک نوع کهن) را اشغال می کند و راه رشد غیر سرمایه داری محتوی سودمند و دموکراتیک خود را نسبت به تعقیب راه پرمصیبت رشد سرمایه داری اثبات می سازد. مثال پراژنده در اثبات این گفته شگوفایی اقتصاد کشور مغولستان است که خلق آن با تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری و انجام انقلاب برهبری طبقه کارگر از جامعه فئودالی و ماقبل فئودالی مستقیما به فرامسیون اجتماعی، اقتصادی سوسیالیستی گذار نمودند و بدون آنکه راه کلاسیک مبارزه (انقلاب بورژوا دموکراتیک نوع کهن) را طی نمایند یک مرحله تاریخی را بکلی طسره زدند و جامعه فاقد استعمار فرد از فرد را ایجاد نمودند. از آن به بعد مشت خیانتکار بورژوازی در امر فریب خلقها بکلی باز شد و خلقهای مستعبد در یافتند که مواعید بورژوازی مبنی بر پیاده نمودن دموکراسی اجتماعی کاملا دروغ بوده و هدف آن جز سیطره طبقه خود در تاروپود اقتصاد، سیاست و فرهنگ اجتماعی چیز دیگری نیست. اینکه بورژوازی جای ملاکین را اشغال میکند نه استعمار نا بسود می شود و نه دموکراسی به توده های زحمتکش میسر.

بورژوازی بخاطری شعار دموکراسی و رفاه اجتماعی میدهد تا رژیم سرمایه را بجای رژیم نفرت زده فئودالی جایجا و حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه خود را مستقر سازد. نتیجه آنکه با پیروزی انقلاب اکتبر محتوای و آرایش طبقاتی در انقلابهای رهائی بخش ملی تغییر کیفی یافت و خلقها پیروزمندانه راه نجات خود را برهبری حزب طبقه کارگر سراغ نمودند. تا کنون که ۶۲ سال از انقلاب کبیر اکتبر می گذرد تحت تا لیر آن در عده زیادی از کشور ها به شمول افغانستان انقلابی، انقلابات طراز نوین به نفع خلقهای زحمتکش تحقق یافته و مطمئنا در سایر کشور های معادل نیز تحقق خواهد یافت.

انقلاب کبیر اکتبر درست سر آغاز زوال رژیم سرمایه داری و عصر انقلابات کارگری و اوج جنبش های رهائی بخش ملی محسوب میگردد. بدرستی میتوان ثابت نمود که تحت تاثیر مستقیم انقلاب کبیر اکتبر منحنی

کال په بین المللی کنفرا نس کی چی د شو روی اتحاد په گډون دنسپری شپرو هیوادو داستا زو په بر خی اخستلو سره جوړ شوو روی اتحاد دلو ید یخو هیوادو نو څخه وغو ښتل چی خپلی ټولی وسلی سمد ستی معو او له مینځه یو سی مگر دلته هم پا نگه وا لو هیوادو نو ددغه سو له ایز پیشنهاد دمنلو څخه ډډه وکړه . دنړیوا لی سولی او دجکری دآلارو دمحوه کو لو اوله مینځه وړ لو په باب د شو روی سو- سیا لیستی جما هیرو داتحاد داسا- سی قا نون په ۲۸ ماده کی داسی ویل شویدی :

«دشوروی سو سیا لیستی جما- هیرو داتحاد حکو مت او خلک دلیننزم داید یالوژی له مخی دنړی دبیلای بیلو هیوادو نو سره په سو له کی ژوند کول غواړی او دغه راز دنړی دټو لو سوله غوښتو نکو هیوادو نو سره د گډو او خو اړخیزو همکاریو غو ښتو نکي دی »

نن یعنی داکتو بر دستر انقلاب دبرالیتوب اود سو لی دلو مې نی فرمان دصا در یدو څخه دوه شپيته کال وژو سته بیا هم دشو- روی اتحاد دحکو مت او خلک په نړی کی سو له غواړی او د بشری ټولنی دافرا دو دهو سا ینسی او سو کا لی په خا طر شپه او ورځ هلی خلی کوی .

ټوله نړی په دی وا قعیت بانندی ښه بو هیږی چی شو روی اتحاد او نور سو سیا لیستی هیوادو نه دنړیوا لی سو لی او بین المللی لو مې نی او یوا زنی ساتو ونکی او ملا تې کوو نکي دی او تل هڅه کوی چی ټو لی جنا لسی مسئلی دروغسی جوړی له لاری څخه حل شی .

ددیتا نت سیا ست دسو له- ایز گم ژوند او سو له ایزتفا هم دپاره ښه ښست او په زړه پوری اسا س گڼل کیږی ددغه سیا ست له اهدا فو څخه پیروی کول په حقیقت کی دبیلای بیلو اجتماعی سیستمو نو در لودو نکو هیوادو نو تر منځ دسو له ایز- گم ژوند او خو اړخیزو همکاریو له پاره لاره او ارول دی .

دلو مې نی رسمی سند څخه نمایندگی کوی .

ددغه سند او تا ریخی فر مان څخه ورو سته په شو روی اتحاد کی یولې نور فر ما نو نه صادر کی شول چی هر یوی دسو سیا لیزم دعلمی

اسا سا تو په پیاوړ تیاکی دستر نقش در لودو نکي دی ددغه فر ماتونو په جمله کی دنړی دنورو هیواو نو سره د شو روی اتحاد دخوا اړخیزو همکا ریواو په سوله- کی دگم ژوند تا ریخی فر مان هم شا مل دی د شو روی اتحاد دسو له ایزو فر ما نونو په صادر یدلو سره په ۱۹۲۲ کال کی دژ نیو بین- المللی کنفرا نس اود ۱۹۲۲ کال د

دسمبر په میا شت په مسکو کی دو سلو او پوځی تجهیزا تو دمعیار درا ښکته کو لو بین المللی جر گه جوړه شوه دمسکو په ښار کی دوسلو او پوځی تجهیزا تو محوه کولو نړیوا له جر گه په واقعیته کی لو مې نی جر گه وه چی داکتو بر- دستر انقلاب په نتیجه کی جوړه شویده .

دژنیو په بین المللی کنفرا نس کی شو روی اتحاد پیشنهاد وکړ چی په ټوله نړی کی دبی وسلی کو لو اعلامیه خپره او ټوله نړی له وسلو څخه پا که شی . په دغه کنفرا نس کی شو روی اتحاد دلو- ید یخو گاونډیو هیوادو نو څخه غو ښتنه وکړه چی لږ تر لږه په محدودده تو گه دبی وسلی کو لو یا لیسی تراجرا لاندی ونیسی .

په مقا بل کی پا نگه وا لو د بی- وسلی کو لو په باب د شو روی سو- سیا لیستی جما هیرو داتحاد ددغه پور تنی غوښتنه لیست د موادو دتطبیقو لو څخه ډډه وکړه .

داکتو بر دستر انقلاب څخه را په دیخوا ددوه شپيته کلو نو په موده کی دسو لی او بی وسلی کولو له پاره مېا رزه چی د شو روی اتحاد دپېر نی سیا ست مهم هدف تشکیلوی بیل او لاتر او سه پوری روانه ده . همدا رنگه په آینده کی به هم دنړی والی سولی او بی وسلی کولو په خاطر مبارزه د شوروی اتحاد دپېر نی سیا ست به سر کی واقع دی . د ژنیو د ۱۹۲۲

دوه شپيته کال له دمخه دشلمی پېری ډیره ستره پښه د شو روی سو سیا لیستی جما هیرو داتحاد په خاوره کی را منځ ته شوه دا پښه داکتو بر دستر انقلاب دبر یا لی

تر سره کیدو څخه عبارت وه . داکتو بر دستر انقلاب چی دمار- کسینزم او لیننیزم دافکارو او اید-

یاگانو لمره او نتیجه ده په حقیقت کی په نړی کی دنوو انقلابی- مېا رزو پیل گڼل کیږی . دغه انقلاب له نړی وا لو څخه غو ښتنه وکړه چی دبشری ټو لی داو سنی عصر دډیر ستر پرا بلم یعنی سولی او جنک په باب خپل نوی ابتکارونه طرح او په کار واچوی . که څه هم دسو سیا لیزم دښمنان تل ټینگار کوی چی دنړی ټول انقلابیو نه او انقلابی

مېا رزی له جنک او جکری څخه راو لاپېری خو واقعیته بل شی دی . دمارکسینزم او لیننیزم داید یالوژی په رڼا کی دا خبره تاته شو یده چی یو سو سیا لیستی انقلاب هیڅکله له جکری څخه نه را منځته کیږی .

بلکی سو سیا لیستی انقلابیو نه تل دطبقاتی مېا رزی څخه سر چینه نیسی . کار گری انقلابیو نه دیوی نوی مختللی اومترقی ټولنی دجوړولو

دفردي آزادیو دتامینو لو او دبشری ټولنی دنیکمر غی او سو کا لی دشرا یطو دبرا برو لودپاره تل دسو لی او امنیت ته ضرورت لری دهمدی دلیل له مخی گورو چی سوله او سو له ایز گم ژوند دشو-

روی اتحاد او نورو سو سیا لیستی هیوادو دپېر نی سیا ست بنسټ او هسته تشکیلوی .

د شو روی سو سیا لیستی جما- هیرو داتحاد داکتو بر د انقلاب دپری دهیا غو لو مې نیو ورځو څخه سو- سیا لیستی ټولنه دنړی وا لی سو لی او بین المللی امنیت داسا سا تو دټینکیدود پاره کار کړی او دغه کار ته او سې هم ادا مه ور کوی هغه فرمان او تا ریخی سند چی دنړی- والی سو لی او دمو کرا تیکو آزادیو دتا مین په خا طر صادر شو په واقعیته کی داکتو بر دستر انقلاب

داکتو بر د انقلاب د ۶۲ کالزی په منا سبت .

داکتو بر دستر انقلاب دوه شپيته کالیزه

جاویدان باد نام و کار بهر افتاب کبیر اکتوبر!

محمد آصف (خرمی)

نگاهی به اهمیت بین‌المللی انقلاب کبیر اکتوبر

روسیه تشدید نمود تا اینکه انقلاب بورژوا دموکراتیک فبروری سال ۱۹۱۷ و به تعقیب آن انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به وقوع پیوست. و با پیروزی آن مناسبات اجتماعی نه تنها در روسیه بلکه به از تباطؤ روابط بین‌المللی و مبارزات انقلابی علیه امپریالیسم در سراسر جهان وارد مرحله نوینی گردید و تمام واقعات و تحولاتی که بعد از آن رویداد، اثر انقلاب کبیر اکتوبر را میتوان به چشم سر در آن مشاهده نمود.

با فرجام‌دوره کهن سرمایه‌داری و تحول آن به مناسبات امپریالیستی یا لیستی به نفع انحصارات غول پیکر، مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان تشدید یافت و روابط اجتماعی در روند دگرگونی‌های عمیق به نفع پیکارگران با سرعت هرچه تمام‌تر راه کمال و ترقی پیمود. چنانچه با پیروزی انقلاب سوئیا لیستی اکتوبر در سال ۱۹۱۷ نه تنها سلطنت تزاران روسیه و مناسبات استعماری سرمایه‌داری در آن کشور سرنگون شد بلکه مناسبات بین‌المللی و بخصوص آرایش نیروهای اجتماعی در جهان عملاً دگرگون گردید.

جامعه‌شناسان متمدنی، تحول پسندان و مبارزات سراسر گیتی از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر آگاهانه دفاع به عمل آوردند و در تمام کشورهای جهان به شیوه‌ها و اشکال گوناگون سنگرهای دفاع از انقلاب اکتوبر و آرمان‌های اکتوبر بزمیان آمد، و صدای اعتراض کارگران، دهقانان و روشنفکران متمدنی در جهان بلند شد تا دست تجاوز و مداخله از امور داخلی روسیه انقلابی کوتاه گردد.

چون انقلاب اکتوبر فقط و فقط به سرحدات روسیه محدود نماند

در روسیه تزاری پروتار پای آن کشور در معرض بیرحمانه‌ترین استثمار سرمایه‌داری قرار داشت از یک طرف بحران اقتصادی و سالهای ۱۹۰۰ - ۱۹۰۳ وضع زحمتکشان را وخیم ساخت و از جانبی هم افق‌های نوین پیکار و مبارزه در میان صفوف طبقه کارگر پرتو افکنی داشت. تا اینکه در سال ۱۹۰۴ جاپان به همکاری و پشتیبانی آمریکا و انگلیس خود را آماده جنگ با روسیه میکرد. اما روسیه برای جنگ آمادگی نداشت.

بهر حال تزار روس‌بلان دیگری داشت که اگر درین جنگ فاتح از میدان بدر شود مستعمرات دیگر هم بدست می‌آورد و جنبش داخلی را که روز بروز جوشان و خروشان می‌شد و اوج می‌گرفت نیز امکان سرکوب میسر میگردد و به این ترتیب جنگ در گرفت.

در جنگ جاپان پیروز گردید و وضع روسیه و بخصوص وضع زحمتکشان بدتر شد، و انقلاب در دستور روز قرار گرفت.

گذشته از مرور انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه که تحت شرایط داخلی و بین‌المللی به وقوع پیوست که بررسی آن از حوصله این نوشتار بیرون است انقلاب در سال ۱۹۰۵ آغاز گردید و تا سال ۱۹۰۷ ادامه یافت. و انقلاب به ناکامی انجامید. اما این ناکامی مبارزه را در

به همگان معلوم است که پایان سده نوزدهم و آغاز قرن بیستم، این قرن توفانی و پر آشوب پایان دوران تحول سرمایه‌داری کهن به سرمایه‌داری نوین و یا بعبارت دیگر آغاز مرحله امپریالیسم به حساب می‌آید.

در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن جاری از نظر اجتماعی نه تنها سرمایه‌داری کهن وارد مرحله نوین امپریالیستی گردید، بلکه سازمان‌های کارگری نیز رشد نموده و در دهلیز زمانه از پیچ و خم‌های پیکار و نبرد رویا روی به مرحله نوینی گام گذاشت که تمام حوادث اجتماعی و سیاسی بعد از آن مستقیم و غیر مستقیم به آن از تباطؤ پیدا می‌کند.

بررسی مسایل مربوط به اواخر قرن گذشته و اوایل قرن بیستم نشان میدهد که نهضت انقلابی طبقه کارگر و بخصوص احزاب طراز نوین در کشورهای سرمایه‌داری اولین یورش‌ها و حملات خویش را بالای سرمایه‌داری بصورت منظم تحت سازماندهی انقلابی آغاز کردند که متناسب به واقعیت‌های همان عصر و زمان و مطابق به خواسته‌های اساسی زحمتکشان بود.

جنبش انقلابی در آغاز قرن بیست با جو شش‌آهنگین در میان ملل اروپا راهش را باز نمود و

جاوید و مستحکم باد دوستی سلسله ناپذیر خلق های

انقلاب کبیرا کتوبر جهش بزرگی بسوی روشنائی و بهروری

اسمعیل

سراسر جهان، به تمام خلفای کروی زمین، نشان داد که طبقه ی کارگر همراه با دهقانان تپیدست دارای چه قدرت عظیمی است هر گاه رهبری آن بدست حزب انقلابی مجهز با اید یا لوزی مترقی باشد. انقلاب پیروز مندانه ی اکتوبر بر یک انقلاب واقعا خلقی بود. بدنبال این پیروزی بزرگ و در نتیجه ی آن نظام سرمایه داری استثمارگر و مستغیر در کشوری به مساحت یک ششم کره ارض ریشه کن شد.

برای نخستین بار در تاریخ بشریت حکومت بدست زحمت کشان برهبری طبقه ی کارگر افتاد.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر، بشریت را بر حلقه ی نوینی از رشد و تکامل خود نهاد، دوران تلاشی امیر یا لیزم و سرمایه داری دوران پیروزی سوسیا لیزم و جامعه ی بدون طبقات آغاز گشت.

همه می دانیم که انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر در بحبوحه ی جنگ جهانی اول به پیروزی رسید. روی همین ملحوظات اولین کار لازم در مقابل انقلاب مسئله ی صلح قرار داشت رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بنا ریح ۲۶ اکتوبر اولین خطابه ی تاریخی خود را در حالیکه شش صدو پنجاه نفر نما ینده از تمام اطراف واکتاف کشور در کاخ سمونتی جمع شده بودند در باره ی مسئله میرم ترین و ظایف و دربار آنها مسئله صلح ایراد نمود. مسئله ی صلح میرم ترین و حاد ترین مسئله ی روز بود که تو ده های ملیونی زحمت کشان، عطشان آن بودند. بنا به پیشنهاد رهبر انقلاب کبیر اکتوبر، کنگره فرمان صلح را تصویب کرد (مراد از کنگره در اینجا شو را های نمایندگان کارگران و سربازان است که قبل از انقلاب و در پهلوی حکومت وقت و علیه آن از طرف زحمتکشان تاسیس شده بود و در طول زمان مداری حکومت وقت با هیت ضد انقلابی این حکومت را وسیع افشا کرد). این نخستین اقدام صلح جوینا نه ی حکومت شو روی بود در برابر سیاست اشغالگرانه ی بوزر-

بزرگترین حادثه ی تاریخ بشری بود وقوع پیوسته، حکومت سرما به داران و ملاکان وازگون شد.

ساعت ۱۰ صبح ۲۵ اکتوبر کمیته ی انقلابی نظامی بیا می خطاب به خلق روسیه انتشار داد بیا می را شخصا ایلج نوشته بود. درین بیا می نوشته شده بود که حکومت وقت وازگون شده و قدرت بدست شوراهاست خلق به هد فی که در راهش مبارزه و فداکاری نموده دست یافت.

شب ۲۶ اکتوبر بدستور حزبوا ایلج فرمان صادر شد که کاخ زمستانسی که در آن وزیران حکومت وقت اقامت

داشتند بی درنگ اشغال شود و یونسک دیگر افتاب اکتوبر کبیر این روشنگر راه خلقهای روسیه و جهان دیگر کا ملا طلوع کرد، انجام پیروز مندانه ی انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر دوران نوینی - دوران سوسیا لیزم را در تاریخ آغاز نهاد.

بشریت گامی استواری در راه نجات و ترقی برداشت. بدینسان حزب بلشویک یک رهبری ایلج بزرگ، خلق روسیه را به پیروزی تاریخی بر همتای رسانند انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر بر سه

در این وقت خود را شخصا و بدون هراس از هزاران خطری که دشمنان متوجه وی ساخته بودند. به مسئولی رسانید تا رهبری قیام را شخصا بعهده گیرد. در باسناد ۲۵ اکتوبر مراکز تیلفون و تلگراف، ایستگاه رادیو، پل های عمده ی پایتخت (پترو گراد)، ایستگاه های راه آهن و مهم ترین ادارات پایتخت به تصرف کارگران، سربازان و تانک و یا انقلابی مسلح در آمده بود. به هنگام انجام قیام تیوغ بی همتای رهبر انقلاب کبیرا کتوبر در رهبری خلقها در خشش بسی نظیری داشت.

وی با خرسندی و با جسارت خلق های انقلابی را رهنمائی می کرد و با روشنی بینی اعجاب انگیزی پیشرفت حوادث را پیش بینی می نمود بنا به گفته ی کمانیکه ناظر بودند و لادیمیر ایلج در آن روز های چرخش کبیر، شادمان بود، همچنان داشت گوئی نویری بخصوصی درو تن را روشن ساخته بود، تر دید داشت و مطمئن بود.

برهبری ایلج لینن و حزب بلشویک، با فداکاری و قهرمانی کارگران گارد سرخ، سربازان و تانک و یا انقلابی، این

هنگامیکه مطابق پلان تجاوز کارانه ی «بار با روس» آلمان فاشیستی با بسیج کردن همه قوای خود بر سر زمین انقلاب کبیر اکتوبر تجاوز را آغاز نمود. همه کمانیکه عظمت و شکست ناپذیری خلق را نمی دانستند و یا تهازل عارفانه می نمودند چنین قضاوت می کردند. نبود که کشور شوراها در مقابل این تجاوز و سبیل آسما مقاومت نخواهد کرد و از پا در خواهد آمد، نظیر این قضاوت در کشور ما نیز تحت تاثیر تبلیغات دروغین انگریز و عمال داخلی آن چنین اراجیفی زمزمه می شد. ولی تاریخ گواه است که نه تنها کشور شوراها از پا نیافتاد و مردانه وار تحت لوای با عظمت سوسیا لیزم و برهبری حزب آهین و قهرمان کارگری خود همه خلقها را که در تحت استعمار و وحشت فاشیستی قرار داشتند آزاد ساخت.

آری در همان وقت نیز بشریت ترقی خواه و صلح پسند، انسانهای آگاه و امیدوار به آزادی واقعی انسان در پهلوی آنکه ایمان قوی داشتند که سرزمین انقلاب کبیرا کتوبر نابود نخواهد شد با همه وجود با دل و جان همراه و همسوا با خلق شو روی و اردوی نجات بخش آن در نظر و عمل علیه فاشیسم این طاعون بزرگ انسانیت می رزمیدند.

انقلاب اکتوبر چرا، چی و وقت، تحت رهبری کی و چطور آغاز یافت ؟

صبح گاه روز ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۱۷ وقتی که حکومت وقت (این حکومت در فبروری سال ۱۹۱۷ به اشتراک همه احزاب و دسته های سیاسی پس از شکست نزار بزم روی کار آمد و لی در پس حکومت اکثریت بدست ملاکان و سربازان بود) روزنامه ی «راه کار» گردان مطبوعاتی حزب بلشویک را مورد حمله قرار داد، بی درنگ گاردهای سرخ و سربازان انقلابی بدستور کمیته ی مرکزی بدفاع و حفظ بنای روزنامه بر داخند و نیز در همان حال با سدا ری کاخ «سمونتی» مقرر ستاد قیام را تشکیل دادند. رهبر نابغه ی انقلاب کبیر اکتوبر



افغانستان و اتحاد شوروی!

هم چنان معتقد بود که سو سیالیزم بدست خود توده های خلق ساخته می شود. زیرا با ساختن سو سیالیزم زنده گی نوینی برای خود فراهم میکنند که رفاه مادی آنها و رها نی آنها را از قید استثمار و انواع و اشکال ظلم و ستم تا عین می کنند.

پیروزی انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتوبر دوران نوی را پدید آورد دورانی که در آن انسانها « خود با آسما های کاسل ایجاد تا ریخ خود را آغاز کردند » نقش عامل ذهنی در پیشرفت اجتماع میبازان

رهبر انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتوبر نه فقط بطور کلی بلکه با رهنمای های مشخص به انجام کار بزرگ و دشوار نو سازی سو سیالیستی کشور پرداخت او بود که امر نظارت کامل بر تولید و توزیع کارا سازمان داد. او می گفت: «عجایبی پول را منظم و وجدانی

انجام بدهد، در امر تولید مقصد باشد و ریختن پاشن کن، تنبلی کن، دزدی کن، انضباط کار را دقیقاً مراعات کن...» او هم چنان کارگران را برای افزایش

لینت فستک با آلمان امضاء شد. از این فرصت صلح دولت شوروی تحت رهبری ایلچ لینن برای تحکیم مواضع سو سیالیستی و انقلابی بر سر عت دست بکار شد و این کار مبنای استدلالاتی بود که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر برای انعقاد قرارداد صلح ارائه می نمود.

انقلاب کبیر اکتوبر در حالیکه دسیسه و توطئه های مترجمین و مفت خواران داخلی به کمک و حمایتی از تجار و امپریالیزم بین المللی شدت علیه آن ادامه داشت

واری امپریالیستی. (از آنروز تا کنون سو سیالست خارجی دولت سو سیالیستی اتحاد شوروی همیشه و بطور پیگیر در خدمت صلح و دوستی بین خلقها و ملل بوده است) فرمان صلح عضو به ی کنگره ی دوم شوراهای دارای اهمیت زوال ناپذیر تاریخی است در همین کنگره دو مین و شووچ مهم مسئله زمین بود و رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بر این پس از مسئله صلح به مسئله ی زمین پرداخت و لایحه ی فرمان زمین را که خودش تهیه کرده بود، قرائت کرد. مسئله ی دلچسپ و مهم در اینجا اینست که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر از شروع قیام با عدد ۲۴ اکتوبر الی صبح ۲۶ اکتوبر قطعاً استراحت و خواب نکرده بود و در همین حال مسائل مهم تاریخی را نیز در هیانه رهبری می کرد.

(زیرا او در کمیته ی نظامی انقلابی بود و قیام را رهبری می کرد، سپس در طول تصرف کاخ زمستانی فرمان می راند، در توقیف وزیران حکومت وقت، در گشتايش کنگره ی دوم شوراهای صبح ۲۶ اکتوبر). فرمان زمین در کنگره ی دوم شوراهای به تصویب رسید طبق این فرمان مالکیت ملاکان بر زمین تماماً برای همیشه و بلا عوض ملغی شد، زمین به مالکیت خلق درآمد. با اجرای این فرمان یکصد و پنجاه میلیون هکتار زمین زراعتی مجاناً به دهقانان و اگذار گردید. و لیس کشور بادشوازی های بسیاری روبرو بود. قبل از هر چیز می بایست به جنگ با یان داد. دول انگلستان، فرانسه و ایالات متحده (متحدین روسیه ی تزاری در جنگ اول جهانی) علی رغم پیامهای مکرر حکومت شوروی از مذاکره درباره صلح با آلمان خودداری می کردند. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر با پیوغ داهیانه ی خود یگانه راه حل این موضوع را انعقاد صلح جداگانه با آلمان شمرد و لیس بازمانده های بورژوازی و از گون شده، منشویکها و اس - آر ها و لیبر - ترو تسکی و هم چنین گروه کمونیستهای چپ رو ۱۹ با انعقاد صلح با آلمان مخالفت می کردند. ولی بروز ششم ماه مارچ ۱۹۱۸ هفتمین کنگره ی حزب بلشویک در پترو گراد گشایش یافت. مسئله ی مهم تر این کنگره در جمله ی ساتر مسائل مهم سوال صلح بود. (این کنگره اولین کنگره ی حزب پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بود یعنی پنج ماه بعد از پیروزی انقلاب) سر انجام بعد از جرو بحث زیاد و مخالفت منجر فین و مترجمین بتاریخ ۱۴ ماه مارچ ۱۹۱۸ قرار داد صلح برست



مردم اتحاد شوروی به جاهای سرسبز، غرض سیری کردن رخصتی های شان می روند

فوق العاده زیادی افزایش یافت. اهمیت شگرف تئوری علمی که دگر سازی سو سیالیستی جامعه بدون آن غیر قابل تصور است از همینجا ناشی می شود اهمیت اصولی و غیر قابل تعویض نقش رهبری حزب پرو لتری و انقلابی حزب طبقه کارگر یعنی پیشرو ترین و انقلابی ترین طبقه که با فرا گرفتن این تئوری قادر است بوقع و با قاطعت تجزیه و تحلیل

بلیه در صله ۵۶

یش با زده کار و رشد و توسعه ی صنایع سنگین، صنایع تولید سوخت، فولاد سازی و ماشین سازی فرا خواهد. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در پیشبرد کار ساختمان سو سیالیستی اقتصاد کشور اهمیت بزرگی برای ساز ماندنی و گسترش مسا بقات توده ای قایل بود. او می گفت: سو سیالیزم برای نخستین بار امکان فراهم می شود که به مقیاس وسیع و خلقی مسا بقات تولیدی سازمان داده شود. وی

راه خود را به پیش می پیوندد و از هیچ مترجمی و از هیچ نوع دسیسه ی هراس ندارد. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر گمانی نداشت که از برتری بورژوازی سخن می گفتند به استعداد خلقی ها باور نداشتند، به حکومت شوروی اهمیت می زدند، سنگان حقیری می دانست که بر سر راه حرکت فیل زور بندی پارس میکنند وی می گفت: «اگذار غوغو کنند ما را خود را خوا هم رفت».

از ستم استعمار و ملی نیست: دیکتاتوری پرو لنا ریا قرار دادن دهوگراسی سوسیالیستی برای زحمت کشان به جای دهوگراسی برای استثمارگران و آغاز دوران حاکمیت واقعی خلق است.

پس از پیروزی انقلاب کارگری اکتوبر کبیر، کشورها یکی پس دیگر در پی راهای و آزادی برآمدند و برای ساختمان سوسیالیسم در تلاش صمیمانه اند و این ساختن جامعه نوین و افراختن درفش های کارگری در جهان تجسم واقعی و آموزش پیشوایان راستین جهان بینی علمی طبقه کارگر است، غرض در این مقاله یفترده آن نیست که همه دست آورد های اکتوبر کبیر مورد تحقیق قرار گیرد چه این کاری است سنگین و متضمن فرصتی فراوان و حوصله ای فراخ. در این مقاله فقط به زمینه ی فرهنگی انقلاب کبیر اکتوبر می پردازیم، زمینه های اقتصادی سیاسی اجتماعی این رویداد بزرگ تاریخ بشریت در رساله و مقاله و حتی کتابی نمی تواند بگنجد، بگذریم.

از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که همین قلمرو فرهنگی و معنوی ادبیات و هنر با ارتباط به انقلاب کبیر اکتوبر هم کاری آسان نیست و خواهان پژوهش گسترده است در این مقاله سعی می کنیم کلی از ادبیات پیش از پیروزی اکتوبر کبیر کشور شوراهارا به اختصار به دست می دهیم و پس از آن اندکی مفصل تا اثر انقلاب کبیر اکتوبر بر ادبیات و هنر از پاکستان و تاجیکستان که در شمار جمهوریات های آسیای اتحاد جماهیر اشتراکی سوسیالیستی شوروی می آید و بیشترین افتخارات ادبی و فرهنگی ما با آنان مشترک است بررسی می کنیم. سرزمین ما را از روز کاران دیرین باینسو بساکنان آن طرف آمو دریا پیوند های عمیق فرهنگی بوده است، از خوارزمی گرفته که در ستاره شناسی و ریاضیات و الجبر استاد بود تا رودکی آن شاعر تیز چشم روشن روان، الف بیک که رصدخانه اش خادگاه ای شگفت در آن روزگار به حساب می آمد، تا ابوریحان بیرونی بزرگ مرد اندیشه

وقلم و علی شیر نوایی شاعر و دانشمند گرانمایه. گاهی این سوی دریا بود ندوگاهی افتخار نامه های عصر خویش رادر آن سوی دریا می نوشتند، ما را با برادران تاجیک وازبک و ترکمن آن سوی دریا رابطه ای کهن تر از تاریخ است و بسیاری از میراث های فرهنگی ما امتزاجی جدایی ناپذیر دارد، و با توجه به این موضوع ادبیات این دو قلمرو را مورد مطالعه قرار می دهیم. دیگر گونی هایی که پذیرفته و شکوفائی های که یافته، البته پیش از بررسی نگاهی عرچند گذرا و شتاب زده بسروسیه پیش از انقلاب باید افکنند، روسیه ی پیش از انقلاب سرزمینی بود گسترده و پهناور و تشکیل یافته از ملیت های مختلف با فرهنگ ها و نژاد و زبان های متفاوت، تزاران چکمه پوش و نیکلای های پاشنه آهنین با زور سر نیزه و با منطق شمشر حکومت می کردند. تزاران و نیکلای ها

انقلاب کبیر اکتوبر بر که به پیش آهنگی طبقه ی کارگر و رهبر پر نبوغ کارگران سراسر جهان در ۲۵ اکتوبر (۷ نوامبر) سال ۱۹۱۷ در پهنای ترین سرزمین (روسیه) پیروز گردید در همه ی زمینه ها دیگرگون شگفت انگیزی پدید آورد و بر خاک توده های رژیم های استبدادی و ارتجاعی ترین نظام های اجتماعی بنیادی استوار گذاشت و دنیا پی دور از طبقات و کتار از استثمار انسان به وسیله انسان به معنایات فرسوده ی اجتماعی آفرید. انقلاب اکتوبر بر همه ی نهاد های ظالمانه را فرو ریخت و مزده آزادی و راهای انسان را داد. رهبران جهان بینی علمی طبقه ی کارگر از سال ها پیش شعبی را بر فراز اروپا درگودش می دیدند، شعبی که پیام آور زندگی نوین بود و نوید آبادی و سر بلندی ملت ها را می داد. البته یکه پر دازان جهان بینی علمی طبقه ی کارگر مرکز قطعی اقتصاد و فرهنگ محض غرب را پیش بینی کرده بودند. و به روشنی در یافته بودند که غرب با معنایات کهن سرمایه داری خویش به آخرین مرحله امپریالیسم رسیده است و غروب می کند، پیشوایان جهان بینی فلسفه مترقی طبقه ی کارگر گرچه تحقق این آرمان را در یکی از کشورهای صنعتی سرمایه داری غرب پیش بینی می کردند. اما به پایمردی و پیکار بی امان ولادیمیر ایلیچ لینن انقلاب کارگری در سرزمین پهناور روس پیروز گردید و این پیروزی سر آغازی دیگر است در تاریخ تکامل جوامع انسانی. و شگفت انگیز ترین حادثه است در درازنای تاریخ زندگی انسان، البته نباید از نظر دور داشت که پیش از انقلاب پرو لتری اکتوبر نیز در جهان انقلاب های رونق گرفته اند اما این انقلاب ها در سطح بوده واز درون توده ها نچو شیده، و بی اثر احساساتی نیستند که طبقات رنجبر و سازندگانی را در ستین تاریخ جوامع انسانی حلق می کنند. انقلاب کبیر اکتوبر برای رنجبران شکست خورده سراسر جهان برای رنجبران و برای آفریدگاران واقعی تمدن های شکوه مند مزدهای و راهای داد. انقلاب د های بخش کبیر اکتوبر به گفتهی رهبر دانشمند آن: به سراسر جهان راه سوسیالیسم را راه نجات طبقات رنجبر را نشان داد و به صراحت اعلام داشت که پایان سیطره بورژوازی فرا رسیده است. و با آمسوزش انقلابی می توان برای همیشه به این آیین پایان داد. پیشوایان جهان بینی علمی طبقه کارگر از رشد نا موزون اقتصاد، سوسیالیسم، جوامع سرمایه داری در مرحله امپریالیستی آن نتیجه می گیرند که کشورهای مختلف در دوران های مختلف به سوی سوسیالیسم روی می آورند. و هدف انقلاب های کارگری چیزی بغیر از وازگون کردن حاکمیت استثمارگران و استوارری دیکتاتوری پرو لتاریا و بنیاد نهادن مالکیت اجتماعی سوسیالیستی به جای مالکیت خصوصی بورژوازی، حل عادلانه ی مساله ارضی به سود دهقانان، راهای خلق های وابسته



پیکره پوشکین در شهر مسکو

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات

م. عاقل بیرنگ کوهدامی



حبیب الله فیض الله شاعر معاصر جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی

و خلقی را سد کند ، انقلاب کبیر اکتو بر نیز یکشنبه نیالیده است در خستی است که ریشه های آن را خون آزادی خوا ها ن آب داده و شاخ و برگش را سیراب کرده است . مبارزه در راه آرمان های رها یی بخش قربانی می طلبد ، متضمن فرستی است که توده ها به نیروی خود ایمان بیاورند و سازندگی خویش را دریابند بار ها از طرف طبقات حاکم برای انقلابی ها محدودیت خلق شده و شکنجه دیده اند ، بیشتر بن روزهای زندگی پیشوای کارگران جهان در بیرون از خاک روسیه گذشته و در دشوارترین شرایط مبارزه را رهبری کرده و با امکانات بسیار اندک آثار علمی خود را تدوین کرده است ، در دشوارترین روزهای زندان قلم را از دست نه نهاده و پیام خویش را از سلول های زندان نیز به گوش رنجبران و انقلابی ها رسا ندیده است .



بیکره امیرعلی شیر نوایی درازبکستان شوروی

در می یافتند از طرف ارباب های بی فرهنگ استثمار می گردیدند و دست به شورش می زدند ، عقب نشینی می کردند و رفوهمای سطحی پدید می آوردند ، اما خلق رانمی توان برای همیشه در لباس شبانی فریفت با ریاضت های بی پایان می دادند و تزاران مستر به دهقانان می دادند نتوانست رو حیه مبارزه را در آنان زمین بردارد چکه پوشان پاشنه آهنین سنگین دل تزار با سر نیزه های شانت دشت هارا و کوه های ها را از خون شورشیان رنگین می کردند اما نمی توانستند نیروی ایمان را و مبارزه را در آن دل سپردگان راه آزادی و حقیقت بکشند ، از خون بسک انقلابی هزاران انقلابی می روید ، اگر در فتن مبارزه از دو شی یک فدایی به زمین می افتاد فدایی های دیگر آن را برافراشته و سر بلند می داشتند ، کشتا و رز آن به گونه ی پراکنده مبارزه می کردند ، کارگران با دریافت این واقعت که ثمر کار دست و پاغ شان در جیب سرمایه دار و صاحب کارخانه فرو می ریزد ، همیشه اعتراض داشتند ، ستیزه می کردند اما این ستیزه ها این اعتراض ها و نفی کردن ها ، پراکنده بود ، تنظیم نیافته بود و برای تنظیم آنان و شکل و بسج آنان به حزبی نیرومند و فدایی نیاز بود ، حزبی که بتواند با انضباط و صمیمیت از رهبران های سیاسی طبقه کارگر را بازتاب دهد ، آنان را بسج کند و به نیروی مادی تبدیل کند و یک مثبت محکم و همیشه بسازد تا باین هم بستگی و با این جهان بینی به دشمن یورش برد و قدرت سیاسی را از دست طبقات حاکم به رنجبران جا به انتقال بد هد .

کلا سیک های جهان بینی علمی طبقه ی کارگر از نخستین روزهای سده ی نوزده با نیروی انسانی این را دریافته بودند که راه رهایی انسان آینده ، راه رشد سرمایه داری نیست و به این باور بودند که راه نجات توده ها و خلق ، راه رهایی استثمار انسان به وسیله انسان است که جامعه ی بدون طبقات می تواند پاسخگوی نیازهای انسان باشد . کلاسیک های جهان بینی علمی طبقه ی کارگر به روشنی دریافته بودند که شبهی که در گردش است ضامن پیروزی ، خوش بختی و آزادی آینده ی انسان های روی زمین است . و در راه تحقق این آرمان که خانواده ی بزرگ بشری را از رنج ، فقر ، شکنجه ، عذاب و تقاوت های طبقاتی نجات دهد ، مبارزه پیگیر و صمیمانه کرد و سرانجام منطق پروتاریا را به کرسی نشاند و انقلاب کارگری یا رهبری دانشمندان و . ا . ل . در قلمرو پنهان روس پیروز گردید ، با بدیه خاطر سپرد که راه مبارزه را می آسان مگرد و بی خطر نیست و در هر قدمی دشمن توطئه می چید و دام می گسترد و با لطایف الحیل می کوشد ، جلو میل خر و شان و توفنده ی پیکار های میهنی



بیکره رودکی دوشنبه تاجکستان

می دانست و با استفاده از این نقاب به غارت تاراج و بیدادگری می پرداخت ، مذهب در دست تزاران آلت دست بود و روحانیان اجبر نیز مسا یل مذهبی را به سود ، سود پرستان و مستکاران توجیه و تفسیر می کردند ، اگر صدای اعتراض از گوشه ای بلند می گردید ، مأموران پاشنه آهنین تزار به سرکوبی می شتافتند و هر صدای اعتراضی را در نقطه خاموش می کردند یا مبدیان تاریکی و بیداد از درختش هر ستاره ای اگر چه کم فروغ ، در هراس بود ، آنان با سیاهی و تیرگی ما نوس گشته بودند و سود خویش را در زبان دیگران می جستند ، تزاران از خون رنجبران کاخ های سیم اندود می ساختند و قبه های زرین بر فراز کاخ ها و کلیساها که دا می بودند برای اغفال و فریب خلق می نشاندند لذا گرچه این از خود را غی هاو زورپرستان و ستم گیشان و خود کسان گاه های در اثر اعتراض های دهقانان که

به غیر از فرهنگ روس و زبان روس به ادبیات و فرهنگ ملت های دیگر اجازه رشد و باور می دادند و اصولا می کوشیدند که ملت های دیگر را تحت پرچم همان ترین استبداد فرهنگی قرار دهند ، تلاش آنان بر این پایه بنا یافته بود که توده ها را در تاریکی و نادانی فرو گذارند تا آنان از سر آگاهی و دانایی بی به ماهیت کشف آنان نبرند طبقات حاکم و مستر همیشه در طول تاریخ از بیداری توده ها ترسیده چه بیداری خلق سرنگونی خود شان است و باین ملاحظات بود که تزاران و سرمداران خود خواه آن زمان با زور و شکنجه خلق های دیگر روس را و می داشتند که فقط زبا ن روسی را بیا موزند و فرهنگی بومی را کنار بگذارند ، روسیه ی پیش از انقلاب کبیر اکتوبر گذشته عجیبی داشت ، حتی مسایل مذهبی در زیر نظر تزاران باید انجام می پذیرفت تزار خود را وارث حکومت الهی در زمین

۵۹۶

225

1

دولت اتحاد شوروی، در سال ۱۹۷۴ بیش از ۱۰۶ هزار میلیون روبل را، در این چنین خدمات مصرف رسانید.

دولت اتحاد شوروی، سالانه برای هر فامیل چهار نفری، بیش از یکصد و پنجاه روبل را جهت مصرف خدمات صحتی آنها بمصرف می رساند و کل این پول سالانه در بودیجه دولت در نظر گرفته میشود. در روسیه قبل از انقلاب مضاررت خدمات صحتی فی نفر به ۹۱ کپیک می رسید و این مبلغ نیز در حساب و کتاب دولت شامل نبود.

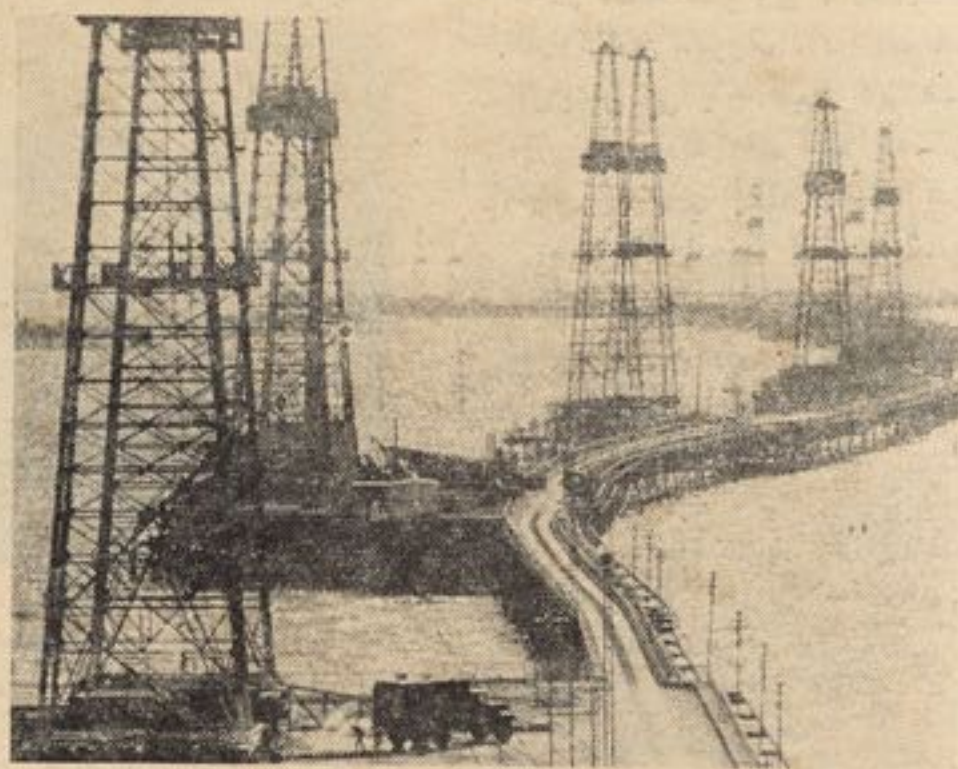
اوسط طول عمر کارگران و دهاقین قبل از انقلاب اکتو بر در حدود ۳۰ سال بود و امروز اوسط طول عمر آنها به بیشتر از هفتاد سال رسیده است و اکثر امراض ساری خو فنانک ریشه کن گردیده در حالیکه در زمان تزارها سالانه

اتحاد شو روی، در زمینه حفظ صحت مردم چنین است:

«سرویس های صحتی شوروی صحت و سلامت جسمی مردم شوروی را بدون تبعیض نژادی جنسی و سن تضمین و طور مجانی معالجه میکنند».

سرویس های صحتی به سیستم جدید مبارزات دامنه دار و فعالیت های خستگی نا پذیری را در از بین بردن امراض مختلف براه انداخته و درین راه مو ففانه پیش می روند. همچنان کمیته های مخصوص بیماری های ساری که بعد از انقلاب بفعالیت های خود آغاز نموده تا اکنون برای صحت و سلامت مردم شوروی خدمات ارزنده - ایرا انجام داده و میدهند.

اینکه اوسط طول عمر در اتحاد جماهیر شو روی هفتاد سال است چنین معنی نمی دهد که بعد از سن مذکور مردم تحت کنترل



منظره یی از چاه های نفت آذربایجان شوروی

یک تعداد زیاد از مردمان روسی را این امراض بسوی نا بودی می کشانید.

همچنان در سالهای پیش از انقلاب در روسیه سالانه اضافی نیم میلیون کودک بائر کو لرا، چیچک و طاعون تلف می شدند.

بعد از انقلاب تمام نیرو و قدرت مردم در راه از بین بردن امراض فقر و بیسوادی و غیره بکار انداخته شد و زندگی تمام افراد شوروی از طرف سرویس های صحتی بر رسی و وقایه گردید چنانچه یکی از شعارهای امروز

طبی قرار نمی گیرند بلکه - مو سسات صحتی در کشور شوروا همیشه و بصورت بیگیر کوشش و تلاش مینمایند تا زمینه خوبی را برای صحت مردم فراهم نموده بطول عمر آنان تا سرحد امکان خدمت نمایند.

باساس همین کوششها و تلاشهای دامنه داریکه در امور طبابت صورت گرفته بعد از انقلاب کییر اکتو بر، داکتران آن سر زمین بر اکثر بیماری ها غلبه حاصل نموده اند.

روی این منظور است که امروز

اضافه از سی میلیون اشخاص که سن آنها از یکصد سال تجاوز میکند در نقاط مختلف اتحاد شوروی بسر می برند بر علاوه بیش از دو میلیون افراد یکه عمر شان از هشتادسال و بیست میلیون کسانی که عمر شان از شصت سال تجاوز میکند در روسیه پهناسور حیات به سر می برند.

امروز معیار و قیات در اتحاد - شو روی بصورت عمو می نسبت بزمان قبل از انقلاب برای هر هزار نفر چهار مر تبه، و در قسمت اطفال یازده مرتبه پایان آمده است.

خدمات طبی در اتحاد شوروی تا مرز امکان در خدمت هر فردی از افراد آن کشور قرار داشته و

هر شخص حق دارد از کمک های طبی از نزد یکترین کلینیک محل سکونت خویش مستفید گردد.

تا سال ۱۹۷۵ در اتحاد شوروی زیاد تر از ۴۱۰ هزار کلینیک معاینه بیماران در خدمت مریضان قرار داشت و طی سالهای اخیر پنجمین کلینیک بزرگ نیز روی این رقم اضافه گردیده است.

هر کلینیک خدمات اولیه طبی، بیست و چهار ساعت بروی مراجعین باز بوده به تدای واقعات عاجل می پردازد. امبو لا نسهای این کلینیک ها نیز که اکثر آنها با وسایل کافی و ادویه لازمه برای مریضان قلبی، مسمومیت ها سوختگی و غیره مجهز می باشند بیست و چهار ساعت در خدمت بیماران قرار دارند.

این کلینیک ها و سائر سازمان های طبی اتحاد شو روی کار های مقدماتی حمایوی را همیشه برای مردم انجام میدهند و آنان را از بیماری ها وقایه می کنند.

خدمات بیمارستان ها:

امروز در اتحاد شو روی، برای بیمارانی که مرض مشخص دارند و بایست داخل بستر شفا خانه گردند بیش از ۲۸ میلیون بستر وجود دارد که این رقم برای هر هزار نفر ۱۱۴ بستر می رسد و عدد مذکور با مقایسه با سائر کشور های جهان به شمول امریکا درشت ترین رقم می باشد.

تا اواخر سال ۱۹۷۵ تعداد بستر های شفا خانه ها در اتحاد شوروی به سه میلیون می رسید که

لطف ورق بزنید

کار ، کارگران بین مو سسات اتحادیه تجارتي و دواير ذيعلاقه بامضاء مي رسد .

طب وقايوي در شوروي

در اتحاد جماهير شوروي ، پرنسپب عمومي در خدمت صحي ، همانا جلو گيري از امراض است . باین اساس اقدامات وقايوي بر علاوه کلينيك های اياتي از طرف مو سسات مخصوص طبي نیز ، همه ساله انجام داده می شود . مراکز طبي وظيفه دارند تا تما می افراد و خلقهای را که در محوطه و دور دست آنها می باشند بطور منظم و بصورت دقيق معاینه نمایند تا امراض مهم را قبل از آنکه گسترش یابند در یابند و از نفوذ آنها جلو گيري بعمل آورند .

بر علاوه سازمان های طبي و کلينيك ها ، از طرف شبکه عمومي صحي نیز ، فعالیت های وقايوي صورت می گیرد . شبکه عمومي صحي که مليون ها انسان صحت مند در آن کار می کنند توجه خاصی در قسمت معاینات اطفال ، محصلان زنان حامله و کسانیکه که درشرایط غير صحي کار میکند مبذول میدارد . دراتحاد شوروي همه مر یضاتیکه

فشار خون بلند داشتند و بیمار یانکه از ناحیه قلب و چشم دچار تکلیف باشند مو ردتوجه بخصوص قرار میگیرند .

از فعالیت ها ، تلاشها و معاینات وقايوي که در فوق ذکر گردید نتیجه قابل توجه ای بدست آمده و بیش از يك مليون نفر بیماری که مواجه بخطر سرطان بودند از شر این مرض خاتمان سوز نجات داده شد و اکنون در حال صحت و سلامت زیست مینمایند . این توا میت طب وقايوي و معالجوی است که در پهلوی فعالیت های اقتصادی اجتماعی ، صحت مندی توا م با سعادت مندی را برای همه ملیت ها اتحاد شو روی ، بوجو د آورده است .

مو سسات تحقیقات طبي

در اتحاد شوروي به تحقیقات طبي توجه خاصی مبذول میشود و برای انجام این کار در آن سرزمین بیش از چهارصد انستیتو ت تحقیقاتی علمی وجود دارد که هر يك با بر ابله های جدا گانه ای

سر و کار دارد .

در جریان چند سال اخیر زیر بنای يك تعداد انستیتو ت های زیاد تحقیقاتی دیگر نیز گذاشته شد که از آنجمله میتوان انستیتو ت های گستر و انتر وجی ، پلمو نولو جی ، نفلو سنتر ا ، پیو ندعضلات انستیتو ت طبي و رانت ، کنترول اد ویه طبي و غیره را نام برد . اکا دمی علوم طبي شو روی ، درین اوا خر یکی از شعبات خود

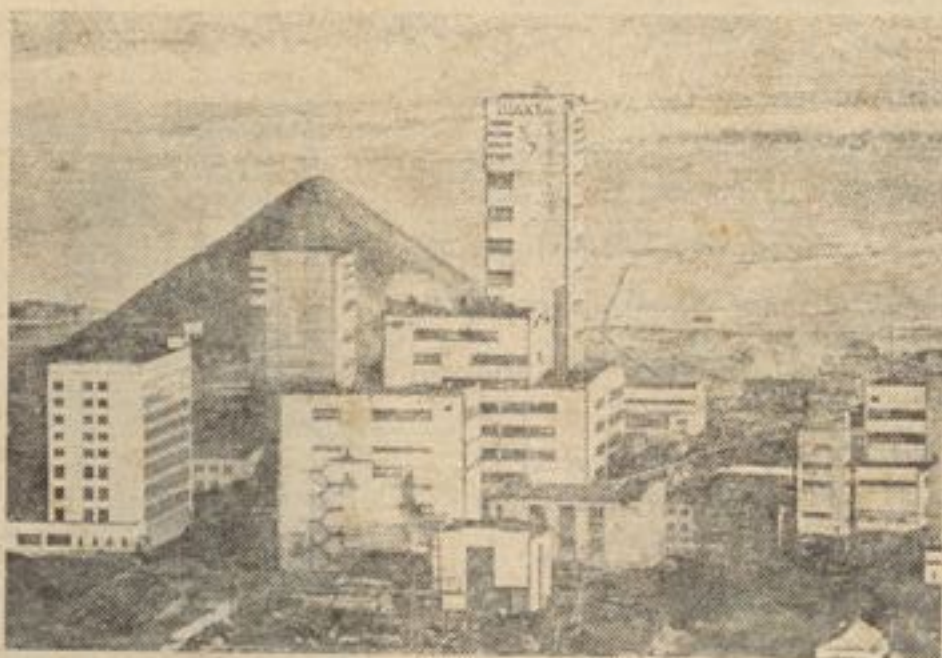
را درسایبر یا نیز افتتاح کرده و تعدادی از دانشمندان شو روی در انجا نیز مصروف مطالعات و تحقیقات سو دمندی می باشند .

بعضی از انستیتو ت های تحقیقاتی تحقیقات بزرگ و دامنه داری را در قسمت جلو گيري و تداوی امراض ویروسی و انتانی قلبی و غیره انجام میدهند و برخی از انستیتو ت

عمده در آمد او میباشد . اما یگانه منبع عایداتی او را تشکیل نمیدهد زیرا کارگران و فامیل های شان ، بر علاوه معاش ، عواید فرعی دیگری نیز دارند و این عواید را ، منحیت حقوق و امتیا ذات شان از عواید ملی بدست می آورند .

کل پولی را که کارگران با این نام بدست می آورند بنام سر مایه مصرف اجتماعی یاد می کنند از این رو ، عواید حقیقی خلقهای زحمتکش اتحاد شوروي عبارت از معاش آنها با ضافه امتیازاتیست که از سرماییه مصرف اجتماعی مستحق میشوند .

به عبارت دیگر ، عواید حقیقی مردم شوروي ، عبارت است از معاش و دستمزد ، تضمین های اجتماعی ، مصرف اجناس متنوع ، انجام خدمات امداد آزاد پولی



صعود و نزول قیم و غیره و این به معنی آن است که عواید حقیقی خلقهای اتحاد شوروي منعکس کننده ارزش هایست که کل آن شاخص اساسی در نشان دادن ، آسایش همه جانبه جمعیت اتحاد شوروي می باشد .

پیشرفت سریع در تولیدات اجتماعی اتحاد شوروي ، توا م با افزایش در عواید حقیقی جمعیت است لذا همان طوری که در اتحاد شوروي سطح تولیدات بلند رفته از سال ۱۹۴۰ تاکنون این عواید برای هر فرد ۵۰ مرتبه بلند رفته است .

امروز سویه زندگی مردم در قریه های نزدیک ، معادل به سویه زندگی مردم شهر یست و در پلان

های بزرگ آن کشور مصروف تحقیقات بپیرامون ، امراض قلبی نسائی و غیره میناشند .

روی هم رفته همه انستیتو ت های تحقیقاتی اتحاد شوروي کار های خیلی بزرگ و مهمی را درجهت خدمت به صحت و سلامت مردم شوروي و جهان انجام داده و میدهند .

افزایش عواید اصلی جمعیت : در سیستم سر مایه داری ، پولی که ، یکنفر کارگر در مقابل کارش ، بدست می آورد ، تنها عایدی است که با آن ما بحتاج مادی و اجتماعی خویش را بدست می آورد و بر آورده می سازد .

در اتحاد جماهير شوروي ، با آنکه عایدی که يك فرد در برابر انجام خدمات بدست می آورد منبع

پنجساله گذشته پنجاه و چهار هزار میلیون روبل برای افزایش عواید حقیقی منظور گردیده و در پلان کنونی مبلغ مذکور به هفتاد و دو هزار میلیون روبل ارتقا داده شده این عمل باین منظور صورت گرفت که يك فامیل چهار نفری از آغاز پلان پنجساله جاری سالانه مبلغ يك هزار روبل بیشتر بدست آورد . پس در پنصورت میتوان گفت که عواید حقیقی فی نفر در اتحاد شوروي به سی و يك فیصد در پلان کنونی پنجساله به مقایسه پلان گذشته بلند رفته است .

منابع اساسی تولید عواید جمعیت همانا بلند بردن اندازه معاشات است که برای کارگران فابریکات و کارکنان فارم ها ، پرداخته میشود . این پول سه بر چهار حصه عواید حقیقی هر کارگر را در برمی گیرد و يك بر چهار حصه دیگران از خزانه پول مصرف اجتماعی برای آنها داده میشود . در اتحاد شوروي ، معاش کارگران و ماموران ، در قدم نخست افزایش می یابد زیرا کارهای مولر و مهارت های آنها باعث تولید معاش اساسی آنان میشود .

طی پلان پنجساله جاری دستمزد ها در سر تاسر کشور و در تمام شعب اقتصاد ملی افزایش داده شد و معاش آنانی که دارای عواید متوسط بودند بلند گردید برای کارگران شب کار ، نسبت به سابق دستمزد زیاد تری تادیسه گردید و برای کسانی که در شرایط نامساعد اقلیمی و فابریکاتی چون صنایع آهن و فولاد کار می کنند و برای خدمتکاران ترا نسپو رتی شبانه ، امتیا ذات جدیدی در نظر گرفته شد که در نتیجه در زندگی همه مردم اتحاد شوروي بخصوص نود میلیون کارگر و کارکنان شعبات گوناگون يك دگرگونی چشمگیر اقتصادی پدید آمد .

همچنان طی این پلان ، دستمزد ها و معاشات مستخدمین متوسط الحال اضافه شد و حد اقل دستمزد تعیین گردید و حقوق متقاعدین به معیار جدید سنجیده و پرداخته شد .

در معاش داکتر ها ، معلمین مکاتب و سازمان های تربیت اطفال قبل از مکتب ، مکاتب ثانوی و مسلکی بیست فیصد تولید بعمل آمد .

کارگر، مو سسات و ساز مان های که کو پراتیف های سا ختمانی را روی کار آورده اند صورت می گیرد.

اعضای کو پرا تیف های سا ختمان اماکن عبارت از کارگرانی هستند که بمیل و آرزوی خود شان میخواهند منزل شان را آباد سازند البته طرح نقشه های آن از طرف مو سسات خانه سازی بر اساس استندرد قبول شده با در نظر داشت خوا هش اعضای کو پرا تیف ها ریخته میشود.

چهل فیصد پول سا ختمان این گونه اپار تمان باید قبل از آغاز کار آن تادیه شود. شصت فیصد باقی پول آن از قرضه دولتی تامین میشود این پول در جریان ده تا پانزده سال باید با سود نیم فیصد واپس بر داخه شود.

دولت تمام تسهیلات حیاتی، از قبیل احداث سر کما خطوط مواصلات، تیلیفون، خدمات کلتوری و اجتماعی را در جوار این خانه ها بمصرف خود انجام میدهد.

در نواحی دور دست عمو ما خود مردم یا بمصرف خویش و یا به قرضه دولت و قارم های که روی آن، کار های دسته جمعی صورت می گیرد، خانه های شخصی می سازند و دولت زمین این چنین خانه ها را، در دسترس کو پراتیف های شهری و دهاتی میگذارد.

یک اپار تمان راحت بخش برای هر فامیل:

در اتحاد شو روی، در ساختمان عمارت، از طریقه های بسیار پیشرفته صناعتی استفاده بعمل می آید. روی این منظور یک تعداد زیاد فابریکات اختصاصی قسمت های عمده عمارت را، در چهار دیوار خود می سازند و صرف برای جابه جا کردن آن به تعمیر آورده میشود.

طی نهمین پلان پنچاسا له خود اتحاد شو روی، توجه خاصی در قسمت جنسیت مواد سا ختمانی و طرح و دیزاین بهتر و مرغو بتر و نقشه خوبتر و مقبو لتر منازل مبذول داشت تا از هر نگاه عمارات زیبایی بوجود آید.

اتحاد شو روی بزودی یک پرا بلم عمده اجتماعی را از بین می برد. یعنی برای هر فامیل یک اپار تمان راحت بخش با تسهیلات لازمه آن مهیا می کند.

هدف از اعمار و توزیع آپارتمان ها، این است تا مردم در آرامشی و سعادت تمدنی زندگی نمایند و از همه ای وسایل و لوازم عصری و مدرن استفاده نموده بتوانند.

کمترین کرایه:

دولت اتحاد جما میر شو روی برای مردم خویش خانه را یگان مید هد اندازه اپار تمانی که به یک نفر داده میشود مربوط به تعداد فامیل اوست. بطور مثال، در فدراسیون اتحاد شوروی اپار تمان ها به اساس ۹ متر مربع فی نفر داده میشود. اما در او کراین این ساحه به سیزده عشاریه شش متر مربع میر سد.

کرایه اپار تمان ها به شمول پول حفظ و مراقبت و خدمات اجتماعی مانند برق، گاز، آب گرم و غیره عموما اضافه تر از چهار یا پنج فیصد بودجه یک فامیل نمیشود این پرداخت ها بر علاوه ای که به هیچ صورت مصارف سا ختمان را که از



منظره از چاه های نفت آذر بایجان شوروی

طرف دولت صورت گرفته تکافو کرده نمیتوانند حتی از اندازه مصرف حفظ و مراقبت آن نیز خیلی کمتر می باشند. باقی مصارف حفظ و مراقبت عمارت از طریق صندوق مصرف اجتماعی تادیه میشود. از سال ۱۹۲۶ تاکنون به کرایه اپار تمان ها افزو دی بعمل نیامده است.

کو پرا تیف های اماکن

سا ختمان خانه های جدید تا چندی قبل در شهر ها از طرف دولت صورت می گرفت اما چون تاکنون دولت نتوانسته صد فیصد احتیاجات اپارتمان هارا برای مردم حل کند درین اواخر خانه سازی در اتحاد شو روی به شکل کو پرا تیف و تحت رهنمایی کمیته های متشکل از نمایندگان طبقه

ایکه در سالهای اخیر پیش از دوازده سال قبل، در شو روی اپار تما نهایی مسکونی اعمار گردیده و با همه سرعت بی نظیری که در اعمار منازل بکار می رود هنوز هم مو ضوع مسکن در آن کشور بطور کلی حل نشده است زیرا مردم شوروی قبل از انقلاب کبیر اکتو بر، زندگی فلا کتباری داشتند و جنگ عمو می دوم جهانی مشکلات فراوان و خرابی های را برای آن کشور بار آورد و طی ده سال اخیر سی میلیون نفر به جمعیت این کشور زیاد گردید.

در طول سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ شوروی ها، هفتاد و سه و نیم هزار میلیون ربل را بمصرف اپار تمان ها رسانیدند و این رقم نظر به پنج سال قبل دوازده و نیم فیصد بیشتر بود. در جریان این سالها بصورت عمو م از پنچصد و هشتاد میلیون مربع متر زمین برای سا ختمان تعمیرات کار گرفته

شد موثریت این پرو گرام ساختمانی را میتوان ازین حقیقت درک نمود که در روند پنج سال تعداد خانه های که ساخته شد از تمام خانه های که در سال ۱۹۵۰ در اتحاد شوروی موجود بود زیاد تر بود و برای بیش از شصت میلیون نفر خانه های جدید کفایت کرد و شکل زندگی آنها را دگرگون گردانید.

آپار تمان ها از طرف دولت توزیع میشود. در اتحاد شو روی، تقسیمات آپار تمان های جدید از طرف حکومت محلی و نمایندگان کارگر ها با همکاری و معاونت اتحادیه های تجارتي و غیره ساز مان ها، در قریه ها و شهر ها صورت می گیرد.

گذشته از آن طی این پلان امداد بولی دولت برای محصلین که موفق به تحصیلات عالی میشوند و مکاتب اختصاصی بصورت قابل ملاحظه ای افزایش یافت و دستمزد ها و معاشات، مستخدمین متوسط العواید مناطق شمال اتحاد شوروی، شرق دور، سایبریا اورال و نواحی قزا قستان و آسیای میانه اضافه گردید.

معاش زنان کارگر، بدون در نظر داشت ایام حاملگی که ۱۱۲ روز را در بر می گیرد صد فی صد اضافه شد و در عواید زارعین در فارم هایشان از سی تا سی و پنج فیصد تزئید بعمل آمد. و در باره بهبود هر چه بیشتر زندگی زارعانی که بصورت دسته جمعی روی فارم ها کار می کنند تصانیمی اتخاذ گردید.

در جهان امروز، داشتن خانه گرم یک پرا بلم عمو می مردم دنیا را تشکیل میدهد و در اتحاد شوروی باین مو ضوع توجه خاصی مبذول میشود تا این مشکل در کوتاه ترین مدت حل شود.

روى این منظور دولت شوروی سالانه، مبالغ هنگفتی را جهت اعمار خانه ها و منازل گرم مسکونی بمصرف می رساند.

چنانچه تنها در طول دوازده سال یعنی از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۲ بیش از بیست و هفت عشاریه سه میلیون اپار تمان در آن کشور اعمار گردیده و در حدود سی عشاریه پنج میلیون نفر یا دارای اپار تمان های جدید شدند و یا شرایط منازل شان بهتر از گذشته ساخته شد.

در سال ۱۹۷۳ دو عشاریه سه میلیون اپار تمان بر علاوه آپارتمان های سابق تحت سا ختمان قرار گرفت و این اپار تما نها شرایط زندگی یازده و نیم میلیون نفر دیگر را بهتر و آسوده تر گردانید. امروز اتحاد شو روی از نگاه حجم کار های ساختمانی و خانه های مسکونی در دنیا مقام اول را حایز است و از نظر تعداد آپارتمان تحت اعمار برای هر یک هزار نفر در ردیف پنج کشور جهان باز هم مقام اول را دارد.

در طول دوازده سال متذ کوره بیش از نصف تمام جمعیت اتحاد شوروی دارای منازل عصری جدید شدند ولی باوجود این و بر علاوه

بیش از نصف تمام جمعیت اتحاد شوروی دارای منازل عصری جدید شدند ولی باوجود این و بر علاوه

بیش از نصف تمام جمعیت اتحاد شوروی دارای منازل عصری جدید شدند ولی باوجود این و بر علاوه

نگرشی بر ادبیات شوروی

دراوا آخر قرن ۱۹، در روسیه تزاری مبارزات طبقاتی روز بروز اوج میگرفت و مخالفت هابری خاس ها ادامه می یافت و همین بود که سازمان طبقه کارگر بوجود آمد.

وای. لینن در مقاله «خاطره هرتس» (۱۹۱۲) می نویسد:

«حرکت خلق ها طوفان است». کارگران بگانه طبقه ای اند که پیش روان مبارزات اند اولین طوفان در سال ۱۹۰۵ به وقوع پیوست و طوفان بعدی آن در پیش روی چشم ما اوج می گیرد». موضوع اساسی جریان ادبی این دوره همانا مبارزات خستگی ناپزیر نو یستندگان و هنرمندان مترقی بغض وجود آوردن دیالیزم سوسیالیستی و ضدیت شان در مقابل هنر ارتجاعی و بورژوازی بود.

ادبیات کلاسیک روس رول بزرگی را در انکشاف معنوی جامعه بازی نمود، زیرا این ادبیات زیر شعار «خلق و دموکرا تیزم» تمام خواسته های توده های عظیم را رسم می نمود. نویسندگان بزرگ ادبیات پروتری چون «اکسیم گورکی، سرافیموویچ، دیمن بیدنی، اکوینان و غیره، مبارزات انقلابی خلق را بغضاطر ایدال سوسیالیزم در آثار خویش بصورت روشن ترسیم نمودند. مقالات نویسندگان مترقی به طرفداری از بلشو یك ه همیشه درجرا بد «ستاره» و «حقیقت» به نشر می رسید. ریالیزم انتقادی در شروع قرن ۲۰ رول مهمی را در روشن ساختن افهان مردم بازی نمود.

لیو تولستوی، چخوف، بونین، کوپرین، ویدی ساف، الکسی تولستوی و همچنان مایا کوفسکی، بلوگ و یسین نویسنده گانی بودند که آثار بزرگ و ارز شمندی از خود بجا گذاشتند. آثار عالی ریالیزم انتقادی این دوره عبارت اند از: «حاجی مراد» و «پس از مجلس رقص» تولستوی، «باغ الو بالو» و «نامزد» چخوف، «اقایی از سانفرانسسکو» بونین و بیتیاری از اشعار مینین بلوگ. نویسندگان در آثار خویش جهات مختلف حکومت آن زمان را مورد انتقاد شدید قرار میدادند و نفرت و انزجار خود را علیه عساکرتزاری مامورین دولت دستگاه کثیف بروکراتی دولتی آشکار می ساختند آنها در آثار خود جامعه طبقه تسی اقتدار و تبعضات را در شرایط کینا لیسم بصورت واضح بیان می نمودند.

حزب بلشویک به رهبری لینن توجه خاصی به هرورد بوجود آمدن هنر جدید پروتری نمود. لینن اساسات تیور یک ادبیات سوسیالیستی را در سال ۱۹۰۵ در مقاله «سازمان حزبی و ادبیات حزبی» آماده ساخت. لینن درین مقاله بر نسب های ادبیات حزبی را بیان نموده است. ماهیت اساسی برنسب های حزبی را در ساحت ایدئولوژی و تیوری، لینن بصورت مشخص در سال ۱۸۹۰ در نوشته های خویش فور مبول ندی نموده است.

هارون یوسفی «حزبی بودن برای ادبیات کارگری» یعنی صف گرفتن در جهت انقلاب و طبقه مترقی معا صروهیچنان فشار و ظلم سیاسی و استثمار را برای خلق هاروشن ساختن است معنی حزبی بودن برای نویسنده، همانا قبول کردن و دانستن ایدئولوژی طبقه کارگر، بخش ایدئ سوسیالیزم، همدردی و عشق به خلق و اشتیاقی از مبارزات ایشان بغضاطر انقلاب را بطه روشن اویا طبقات مبارز، طبقه پیشرو و انقلابی کارگر و حزب آنت است.

لینن به ما آموخت که باید مسائل ادبی قسمتی از کارهای همه کارگران را تشکیل بدهد این مقاله لینن مخصوصا را جع شده بود به «رو شنفکران بورژوازی» و «تصویر» منتقدانه شان در مورد هنر معند و موفقیات آن در اجتماع.

لینن خاطر نشان می سازد که آزادی هنرمند

لینن می افزاید: «در آن زمان ادبیات ادبیات آزادی می باشد وده ها مضمون خلق زحمتکش را که با قدرت اند و مملکت بالای آنها استوار است می نماید».

از بزرگترین نویسندگان پایان قرن نوزده یکی هم آنتون پاو لویچ چخوف است چخوف در ۱۷ جنوری ۱۸۶۰ در شهر کوچک تگائروگ تولد یافت. پدرش مالک شرفه کوچکی بود که در آن جای، بوره صابون و غیره می فروخت چخوف ابتدا در مکتب یونانی شهر تگائروگ شامل و بعدا در خل لیسبه گردید چخوف علاقه شدیدی به ادبیات و هنر داشت. وی در منزل درامه های ترکیب می نمود و خودش با برادر و خواهر در رولهای آنها سهم میگرفت.

بعد از فراغت از لیسبه در سال ۱۸۷۹ به مسکو آمد و شامل فاکولته طب پوهنتون دولتی مسکو گردید. وی در دوره تحصیل خود برای پیدا کردن پول مصرف زندگی خود با بعضی مجلات فکاهی نویس مانند «پیسر کن»، «ساعت رنگ دار»، «تماشاچی» و «آدم بی اشک» و غیره همکاری می نمود.



تولستوی نویسنده نامدار کتاب «جنگ و صلح»

سو عین مجموعه داستانهای وی بنام «در تاریکی» از طبع خسارچ شد و این مجموعه برای نو یسنده انتخاب بزرگی بخشید. زیرا چخوف از طرف اکاد می علوم غفور به گرفتن مدال افتخاری و «شکین» گردید.

اولین نمایشنامه چخوف بنا به «ایوانوف» در سال ۱۸۸۸ روی صحنه آمد و هم در همین سال داستان بزرگ وی بنا به «صحرا» انتشار یافت.

همراه با شهرت چخوف جهان بینی این نویسنده بزرگ هم تکامل مییابد چخوف از لحاظ نظر یا ت خود انقلابی نبود و به همین جهت اکثر نقادان وی را به سبب نداشتن جهت سیاسی مورد انتقاد قرار میدادند مخصوصا انتقادشان زمانی بیشتر میگردد که چخوف موافقه نمود تا داستانهای خود را در مجله «تسرتوین» که سیاست حکومت تزاری آنوقت را پشتیبانی می کرد، به نشر بیاورد.

چخوف مدت زیادی به این منکوره بسود که نویسنده با پسند و ر از مبارزات اجتماعی قرار داشته باشد، ولی در سال ۱۸۹۰ این عکس انما نگرانی را بر سر گرفت چنانچه خود ش می نویسد: «اگر من ادیب و نو یسنده هستم، برایم لازم است تا در بین توده ها زندگی نمایم».

در سال ۱۸۹۲ در «سازمان کسک با دهقانان و گرسنه» نیزنی گورده شامل میشود. درین وقت در قر به «میلیخوف» که در شصت کیلو متری مسکو واقع است خانه ای می خرد و با فامیل خود به آنجا میرود. در آن جا دهقانان را بدون گرفتن پول معاینه و تداوی مییابد و همچنان مکتبی برای اهل آنجا اعمار می کند.

در همین جاست که چخوف داستانهای «اتاق شماره ۶»، «خانه با لا خانه دار»، «دهقانان»، «داستان يك انما ن ناشناخته» و «کاکا وایا» را می نویسد. داستانهای چخوف برای ادبیات روس و جهان، سر ما به بزرگی بحساب میرود. چخوف در مدت بیست و چهار سال زندگی خویش کوا نست این شاخه هنری را تا مر حله تکامل برساند. سیما ها و تمثال های بعضی از قهر مانهای داستان وی گنجینه و شپکارهای ادبیات جهانی گردید. اند.

لیو تولستوی چخوف را با مو یسان ناول نویس معروف فرانسه چنین مقایسه می نماید: «فرانسه سه نویسنده دارد: استاندال، بالزاك و فلو بر و دیگر هم مو یسان ولی چخوف بهتر از آن است».

باید گفت که داستانهای چخوف بر علاوه ملاحظت خنده بی آن، جنبه ها، و سایل حاد اجتماعی و روابط عادی و روز مره را دارا می باشد. بطور مثال داستانهای «چاق

ولاغر»، «مرگ کسارمند»، «بو قلمون»، «ماسک» و غیره که در همه این ها مایل عمده اجتماعی نهفته است. «کارمند یابین» رتبه ای در تیار نزدیک کله تا س جترالی عطسه میزند. از ترس اینکه عبا دا روزی جترال بلایی بر سرش بیاورد، چند یسن مر تبه عفو می خواهد... و بالاخره می میرد. «مرگ کسارمند» این فکا هسی است ولی فکاهی که در آن وضع رو حسی و ترس انما ن را در اجتماع ترسیم می کند.

حقیقت اسلحه و شعار چخوف بود، وی در یکی از نامه های خود می نویسد: «ادبیات هنری را بخاطر ادبیات هنری ژوندون

این اثر در چه اول است و ما نشد
آن کمتر میتوان خلق کرد. گزافه
نگفته ام.

چه نقاش و چه روان شما من بی ماندنی!
در ضمن خواندن این کتاب با رها
چنان مجذوب میشدم که بی احتیاجی رازهای
می جسم و به تو بسند و آن آفرین می
گفتم.

«دکتر ماکو ویلسکی» یکی از دوستان
نزدیک تو لستوی، درباره پشت کسارو
فعالیت تولستوی اینطور می نویسد: «وی
هر روز و هر ساعت می نوشت و عطا لعه
می نمود، نیلی را هرگز نمی دانست...»
آهو زن شخصی تولستوی انسان را به
حیرت می اندازد، قرار گرفته ماکو ویلسکی
تو لستوی در اخیر عمر خود این زیبا
رامی دانست: فرانسوی، انگلیسی، جرمنی
ایتالوی، یونانی، لاتین، زبان قدیم
یهودی، بلغاریا، هالندی و او کرآینی.

در اخیر قرن ۱۹ املاک تو لستوی به
مرکز کلتوری و ادبی تبدیل شده بود.
نویسندگان و اشخاص معروف از روسیه
و ممالک دیگر در آن جا می آمدند تا با
این نویسنده بزرگ آشنا گردند. در آن
جا تو لستوی گمانی چون: «تورگنیف، قیت،
چخوف، گورکی، گادالینکو، و پیری-
سایف و نقاشانی مانند:

رپین، کر مسکوی، گی و غیره و همچنان
مجسمه سازانی مانند: ترو تسکوی،
گنزیورگ و غده بی زیادی از او عینی
دانان می آمدند.

۲۸ اکتوبر ۱۹۱۰ دوریکی از شبهای تاریک
خران «تولستوی» با دوست خود دکتر ماکو-
ویلسکی مخفی و برای همیشه از دنیا
پالیا نا حرکت کردند.

صحت تو لستوی خوب نبود و توان
مسافرت را نداشت. نویسنده در راه
مرض سینه بغل شدید مبتلا گردید. آمر
ایستگاه راه آهن تولستوی را بخانه خود
برد و ۷ نوامبر ۱۹۱۰ این نابغه ادبیات در
گذشت. وی رافرار و صیت خودش در پالیا
سنا یا پالیا نا دفن کردند.

به گفته لینن: «گورکی بدون شک
بزرگترین نماینده ادبیات پرولتسری است»
الکسی ما کسیمو بیچ گورکی (پیشکوف)
۱۶ مارچ ۱۸۶۸ در نیژنی گورود که فعلا
بنام «گورکی» یاد میشود بدنی آمد
پدر گورکی ماکسیم سواتیو بیچ پیشکوفی
نام داشت که در اثر مرضی که او را در سال
۱۸۷۲ در گذشت. در ۱۸۷۸ گورکی مادر
خود را از دست داد.

گورکی گورکی در فامیل پدر کلاش
که رنگبالی بود سیری گردید. مادر کلاش
گورکی تا آخر قایل ملاحظه را با لای
افکار این نویسنده انداخت. وی زنی
بود مهربان، خوش صحبت که با افسانه
های مردمی و دل انگیز خود گورکی را محو
خود ساخته بود.

وقتی گورکی به سن نه سالگی رسید
پدر کلاش به او گفت: «تو مدال نیستی
که در گردن خود بیا ویزمت، این جا جای
تو نیست، برو در بین مردم».

ناهام

تو لستوی دوره مکتب راه پالیا رسا نبرد
شامل فاکتورهای زیبایی و هنر
«گازان» گردید. چون می خواست وارد
کارهای سیاسی شود، بعد از یکسال
درفاگولته حقوق آنجا، ثبت نام نمود
ولی به زودی از کارهای قضایی هم
دلسرد گردید و به همین جهت در درمهای
فاکتور که منتظر حاضر نمی شد و بستن
قات خود را به خو شگزدانی صرف می
نمود.

هنگامیکه هنوز در کاران بود، دارای
خانوادگی را میان وی و برادر ایش تقسیم
نمودند و یا سنا یا پالیا به او رسید.
تولستوی زمانیکه مالک زمین های خانواد
گی خود شد فی الحال سر پرستی حکیمانه
بی نسبت به روسانی ها در دل او بدید
آمد و برای اینکه وضع زندگی آنها را
صورت بخشد و از حالت زورخریدی آنها
را نجات دهد به آنجا رفت.

در سال ۱۸۶۸ دیپلومی از پستو هنتون
پتر زبورگ گرفت. وی خود درین زمینه
می نویسد: «از ادبیات چیزی نمی دانستم»
چنان می نماید که ذوق ادبی او تنها
دو سال بعد از سفری که به قفقاز کرد
است آمو گرفته باشد. زیرا در ماه اپریل
۱۸۵۱ با برادرش «نیکو لای» که در آن
جا ما موریت داشت به قفقاز رفت، این
سر زمین خرمن و شاداب چنان نظیر
تو لستوی را بطرف خود جلب نمود که تو-
لستوی حاضر شد خدمت عمرگی را در آن
جا بگذراند. تولستوی درین زمان در اندیشه
نوشتن رمان بزرگی بود که می خواست
در آن خاطرات و یادگارهای خانوادگی
خود را جمع کند. نخستین فصل این کتاب
را در قفقاز نوشت و در آن خاطرات زندگی
خود را شرح داد و بعد ها کتاب مستقلی بنام
«کودگی، نو جوانی و جوانی» نشر گردید.

در سال ۱۸۶۱ دامستان «پالیو شکا» و
بعدا در سال ۱۸۶۲ دامستان «قراقبا» منتشر
شد.

دامستان «قراقبا» یکی از زیبا ترین و
شاعرانه ترین آثار تولستوی است
که در آن افکار خاص قراقبا را در آغوش
زیبایی های طبیعت قفقاز با بیانی بسیار
شیوا نشان داده است.

در سال ۱۸۶۹ نخستین فصل های کتاب
«جنگ و صلح» را نوشت و در سال ۱۸۷۰ مجله
معروف «پیام آور روس» به انتشار آن آغاز
کرد. کتاب «جنگ و صلح» او نه تنها یکی
از شکارهای این نویسنده بزرگ است
بلکه از جمله شکارهای جا و دان ادبیات
جهانی بشمار میرود.

در مورد کتاب «جنگ و صلح» بسیاری
از نقادان بزرگ جهان بحث کرده اند.
ما کسیم گورگی که اعتقاد زیادی به
تولستوی داشته و در آغاز دوره نویسندگی
خود که مصداق به پالیا نا به دیدنش رفته
بود در یاسنا یا پالیا نا به دیدنش رفته
است در مورد این کتاب می نویسد: «جنگ
و صلح عالی ترین اثر ادبی قرن نوزدهم
است». گو سنا و فلو بر تو لستوی معروف
فرانسه، مؤلف این کتاب را «شکست-
دوم» خوانده و می نویسد: «اگر بگویم

«والگا» مدافع حقیقی ستمدید گمان است.
در نامه بر احسان و پر از غلطی های
املائی که وانگای خرد سال به پدر بزر-
گش نوشته و بدرفتاری های با داران خود
را برای او حکایت می کند، کینه آشکار
نویسنده در مقابل بی قیدی ها و ستمگری
ها میبا شد.

در دامستان «میل به خواب» خرمنگار
فقیری بنام «والیا» کلمه صبرش لبریز
شده مجبور میشود بچه با دار خود را بکشد
تا لافل یکبار در عمرش آرام بخوابد.

آثار چخوف گنجینه پر از ادبیات شور-
وید است. آثار این نویسنده در اکثر زبان
های جهان ترجمه گردیده است.
بنام لیون تولستوی نه تنها خلق شوروی بلکه
خلقهای سراسر جهان آشنا اند تولستوی
در ۲۸ اگست ۱۸۲۸ در یاسنا یا پالیا ناسنا
که در بیست کیلو متری جنوب شهر تو لست
قرار دارد تولد گردید. خانواده پدری اش

می گویم که زادن گری را آن چنان
که هست ترسیم می نماید.
چخوف با زبان ساده و عادی، بدیخی
ها، حقایق ها، محرومیت ها، فجایع و
پریمی های حکومت نزاری روس را در
دامستانهای خود بشرا انعکاس میدهد.
گورکی در یکی از نامه های خود بنده
چخوف می نویسد: «با نوشتن دامستانهای
کوچک خود و طیفه یس عظیمی را انجم
داده اید. دامستانهای شما خلقها را از
خواب عمیق و از زندگی نیمه مرده بیدار
ساخته است».

دامستانهای چخوف تنها سرگرمی
نیست. وی سوا لاتی جدی را در برابر
مردم طرح می کند: «به چه درد میخوری؟
حاصل کار تو چیست؟» این نویسنده
مانند جراح، تیغ بدست گرفته و معا یب
جامعه را عملیات مینماید.
در مجله «مردم نا راضی» یک دسته



گورکی

از روشنفکران بی اصول را می بینیم که از
ایش چشم میگردانند. با بد گفت کسه
آلاروی به هیچ وجه منحصر به روشنفکران
نیست. می توان گفت که نوشته های
چخوف سالها به ادبی آن زمان است.
در نمایشنامه «پانچ آلو با او» صحنه
آشکایی از تباهی، تنگدستی و ضعف
فکری نجبا دیده میشود، آخرین نمایش
گان طبقه ای که قبل از آن معروف بودند
و حتی در دایره المعارف زمان از آنها سخن
می راندند. چخوف را از این مردم حریص
و مال دوست را فاش می کند و مجذوب
مردم ساده طبقه زیر دست و فقیر است.
چخوف در دامستانهای «میل به خواب»

از اشراف بودند، مادوش نیز از نجیب زاده
کان و دختر جنرالی بود. مادر تولستوی زن
مهربانی بود که تولستوی در کتاب معروف
«جنگ و صلح» بنام پرنس مار یسنا از
او یاد کرده است. هنوز تولستوی سه ساله
نشد بود که مادرش درگذشت اند کسی
بعد پدر خود را هم از دست داد.
در سال ۱۸۴۱ خانم «یوش کوبا» که
سرپرستی او را به عهده گرفته بود
متوجه شد که این کودک با هوشتن به
تعلیمات جدی نری ضرورت دارد. همین
بود که وی راه کاران برد و او را چند
سالی در آنجا نگهداشت. در سال ۱۸۴۴

پیرونیز باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان

او مرد بسیار کم حرف و اصولی بود. از اوایل جوانی تا دم مرگ هر يك از لحظات زندگی اش محاسبه گردیده بود. او تحصیلات را به سوره عالی به انجام رسانید و علاقه اش به هنر برای این امکان داد تا کار نیکو و شایسته را اجرا کند یعنی برای نخستین بار در روسیه نمايشگاه علمی ایجاد نماید تا بدین وسیله بتواند شاهکارهای نقاشی روسیه را به جهان نشان دهد. در سال ۱۸۶۰ که هنوز ۲۸ سال داشت و صیت نامیده ذیل دانشمندی «آرژویم صادقانه و قطعی است. سر ما به يك صدو پنجاه هزار روبل نقره را غرض ایجاد موزیم هنری در مسکو بطور ذخیره میگذاریم». و در جای دیگر «اولتر از همه از برادریم سرگسی خواهم نمود. امروزیم را درک کند و بداند که من هنر را بسیار صمیمانه دوست میدارم و کار بزرگی ازین نخواهد بود که بنیان اولین گنجینه هنرهای نقاشی گذاشته شود تا مردم از دیدن آن ها حظ ببرند». اولین تابلو را که ترتیاکوف در سال ۱۸۵۶ بدست آورد شاهکار نیکلای شیلدر «گمراهی» بود.

این تابلو از نقطه نظر هنر نقاشی برتری خاصی ندارد اما واقعیت های زندگی را بیان میکند. از روی ترتیاکوف در محافل نقاشی فوراً پذیرفته شد. دیدگاه نقاشان جوان که از قشر درباریان نبودند بادیدگاه ترتیاکوف مطابقت نام داشت و عقیده داشتند که هنر باید زندگی واقعی مردم را منعکس نماید. ترتیاکوف از طریق نقاشان جوان از برگزینی نمايشگاهها اطلاع می یافت زیرا آنها کلکسیون های ترتیاکوف را نظر به کلکسیون های شاهان و شهباده ها ترجیح میدادند. در سالهای (۱۸۷۰) در روسیه نمايشگاه های بسیار توسط نقاشان جوان ایجاد گردید. عجیب اینست که شاهکارهای معروف مانند «زاغ ها پسواز میکنند» از الکسی ساووی، «صبا دان در استراحت کاه» از واسیلی پیروف، «شب ماه می» از ایوان گرامسکی، «پرواز از شهباده الکسی استسقا ق میثما ید»

از نیکلای گگی و قبیله بعر می نشان گذاشته میشد با لای آنها چنین نوشته شده بود: «ملکیت با ول ترتیاکوف». قبیله بعد هماغه ملوم شد ترتیاکوف آنها را قبل از تکمیل شدن از نقاشان خریداری نموده بوده نقد کننده معروف نقاشی آنوقت ولادیمیر ستاسوف را جمع به ترتیاکوف چنین نوشت: «چیزی را که موسسات بزرگ نمیتوانند اجرا کنند ترتیاکوف آنرا با بسیار ذوق و علاقه



بودترین نقاشی شده ماری لوبوخین سال ۱۷۹۷

از سبوت نیک

ترجمه از احمد شاه

نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف

ترتیاکوف به مسکو آنرا اهدا کرده است.

نشان گذار نمايشگاه با ول ترتیاکوف در سال ۱۸۹۲ در مسکو در یکی از خانواده ثروت مند دنیا آمد.

نمایشگاه ترتیاکوف در اتحاد شوروی است.

مشهورترین موزیم هنری میا شد. در مسکو سفید تعمیر نمايشگاه که در آغاز قرن بیستم در یکی از قدیمی ترین قسمت های بنیان گذاری شده است در سال ۱۸۹۲ مسکو اعمار گردیده چنین حاکم شده. پاول ترتیاکوف با وصیت برادر خود سرگمی

خطائی را مرتکب شده است زیرا که در نمایشگاه خود هنر باستانی روسیه را جا نداده است. آنوقت تصمیم میگیرد تا به جمع آوری تابلوهای باستانی شروع کند و آرزو داشت که به آثار جاویدان تا بقه بزرگ اندری روبلوف دسترس پیدا کند. اما کلکسیون تابلوهای باستانی نزد تریاکوف بسیار ناچیز میا شد.

نقاشان روسیه باستان اگر چه از قوانین و موضوع های مذهب عیسوی و اسلوب افسانوی پیروی میکردند اما باز هم در این چوکنات نکات علیحده به نظر می رسید. به این ترتیب هنر روسیه باستان تصورات ابتدائی مردم را در قسمت عدالت، احترام به نیکوئی بشریت، احترام در مقابل محبت مادر و استواری روحیه مدافعین وطن منعکس میشود.

حملات مغل و تاتارها در قرن سیزده به فرهنگ روسیه خسارات زیادی بار آورد و به تخریب شهرها و از بین رفتن خا طرات قیمت بهای نقاشی انجبا مید. متجاوزین تنها توانستند از انکشاف سریع نقاشی جلوگیری کنند.

از نیمه دوم قرن پانزده به این طرف مسکو منجبت با تخت مرکزی روسیه مستند خته شد. ازین تاریخ به بعد فرهنگ قساط زندگی فرهنگی روسیه رشد سریع ایجاد گردیده محتویات تابلوهای نقاشی مغلق شده و بعضی از آنها به قسم تا بسوی تاریخی که وقایع حقیقی زندگی را ترسیم میکردند ظاهر شدند. به این ترتیب در هنر باستانی روسیه انعکاس قرابت زندگی حقیقی و ارتباط آن با هنر به نظر رسید. در اوایل قرن ۱۸ از برگزینت ریفریم پتر اول در فرهنگ نقاشی تحولات عمیق رخ داد هنر روسی از ایند یا لوزی پوسید و قرون وسطی جدا شد و به اسلوب نقاشی اروپایی غربی توصل جست.

در این اوقات در هنر نقاشی اسلوب های مختلف علیحده نیز خلط شده در نقاشی تغییرات عمیق رخ داد و بعضی جنبه های زیبا پرستی به جنبه دموکراتیک و حقیقی هنر نقاشی رو آورده شده در اسلوب های علیحده ترسیم تابلوهای مناظر طبیعی بیشتر مروج گردید.

در سال ۱۷۵۷ در روسیه اکادمی هنر نقاشی تأسیس گردید و هدف خود را به این شعار خلاصه نمود:

«آثار هنری درخود شکوه و عظمت هنری را باید نهفته داشته باشد».

هنر اکادمیک اگر چه از اسلوب نمونه های افسانوی استفاده می کرد اما باز هم در ضمن آن نکات بشر دوستانه شجاعت و وطن پرستی منعکس میگردد.

فارغ التحصیلان اکادمی در آینده نزدیک شهرت زیاد را کسب کردند از آنجمله الکساندر ایوانوف به شهرت جهانی رسید.

وقت تعداد تابلوهای او به (۱۲۷۶) عدد میرسید.

مردم روسیه ازین کار وطن پرستانه تریاکوف قدر دانی نمودند. به افتخار این کار در سال ۱۸۹۴ او لنین کنگره نقاشان سراسری روسیه دایر گردید و در آن به تریاکوف سند افتخاری تبعه محترم مسکو اهدا گردید.

تریاکوف سعی نموده تا در نمایشگاه خود نبوغ نقاشان روسی را نشان دهد. در زمانیکه نقاشی اکادمیک از طرف نقاشان جوان رد میگردد. تریاکوف به جمع آوری شاهکارهای اکادمیک قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ پرداخت زیرا او این کار را به حیث یادگارهای فرهنگی تلقی نموده. تریاکوف با درکار زندگی اقدامش به خریداری شاهکارهای نقاشان ساجدیند مانند والتین سیروف، میخائیل درویدلایر و داکت.

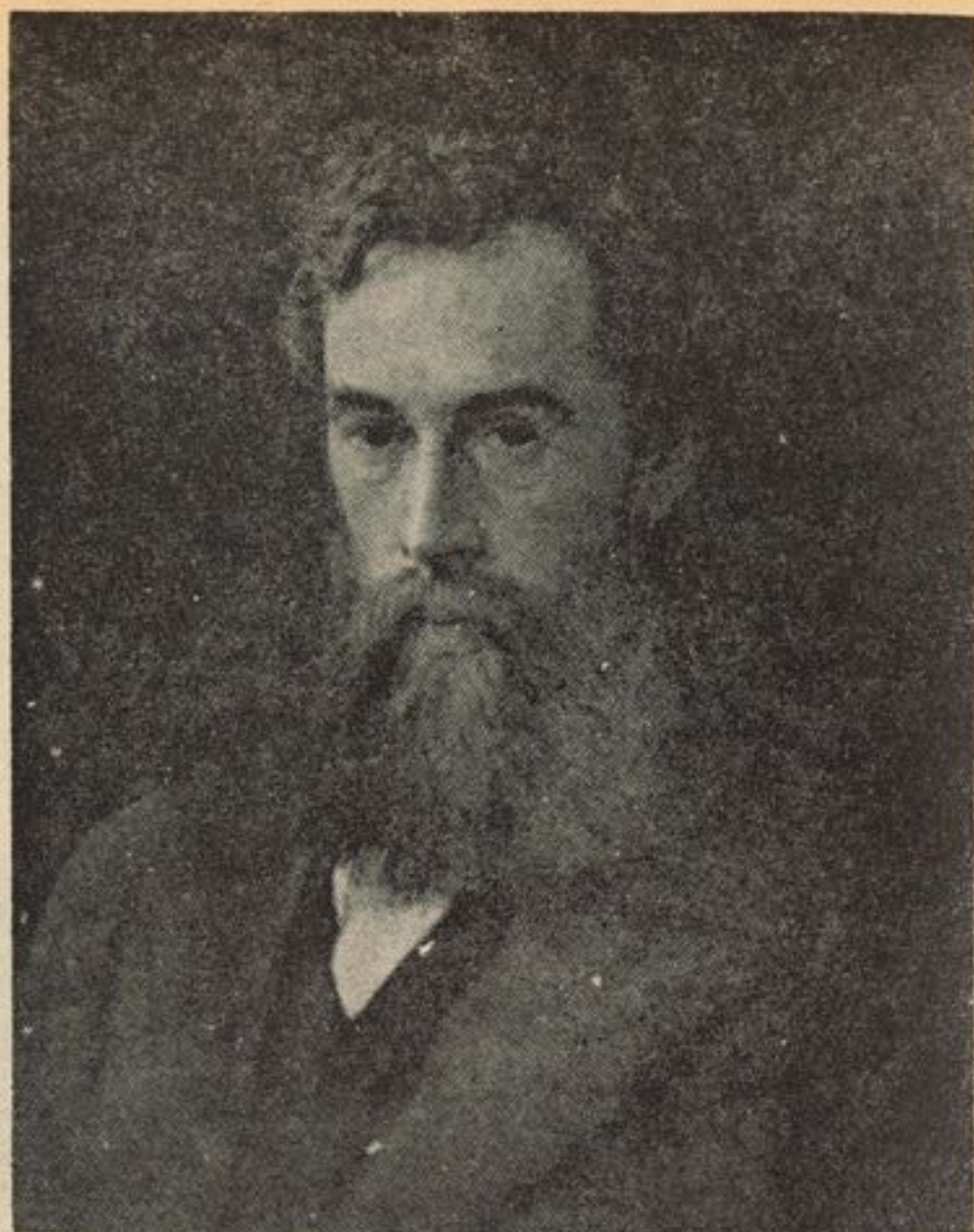
بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثر بر این موزیم بنا به نمایشگاه دولتی تریاکوف مسمی گردید و چندی بعد در نمایشگاه تغییرات جدیدی رخ داد. کلکسیون نقاشی اروپای غربی علیحده شد و به موزیم هنرهای زیبا که در حال حاضر بنا به موزیم نقاشی و مجسمه سازی دولتی یوسکین یاد میگردد تعلق گرفت و از اثر انجلال موزیم ها و کلکسیون های شخصی غنی تر گردید.

این موزیم در حال حاضر با زحمات تو سعه می یابد و در خود شاهکارهای نقاشان شوروی را جا میدهد.

فیلا در نمایشگاه اضافه تر از پنجاه هزار آثار نقاشی، مجسمه سازی قرن (۱۹) الی عصر حاضر وجود دارد.

هنر نقاشی روسیه از قرن یازده الی اوسط قرن چارده :

در سال ۱۸۹۰ در مسکو در موزیم تاریخی کنگره نیم باستان شناسی دایر گردید درین کنگره تریاکوف منجبت مهیا ن اشتراک نمود و به مطالعه نمایشگاه باستان حیات خود به مسکو اهدا نمود که درین شناسایی پرداخت. او درک کرد که چه



پاول تریاکوف

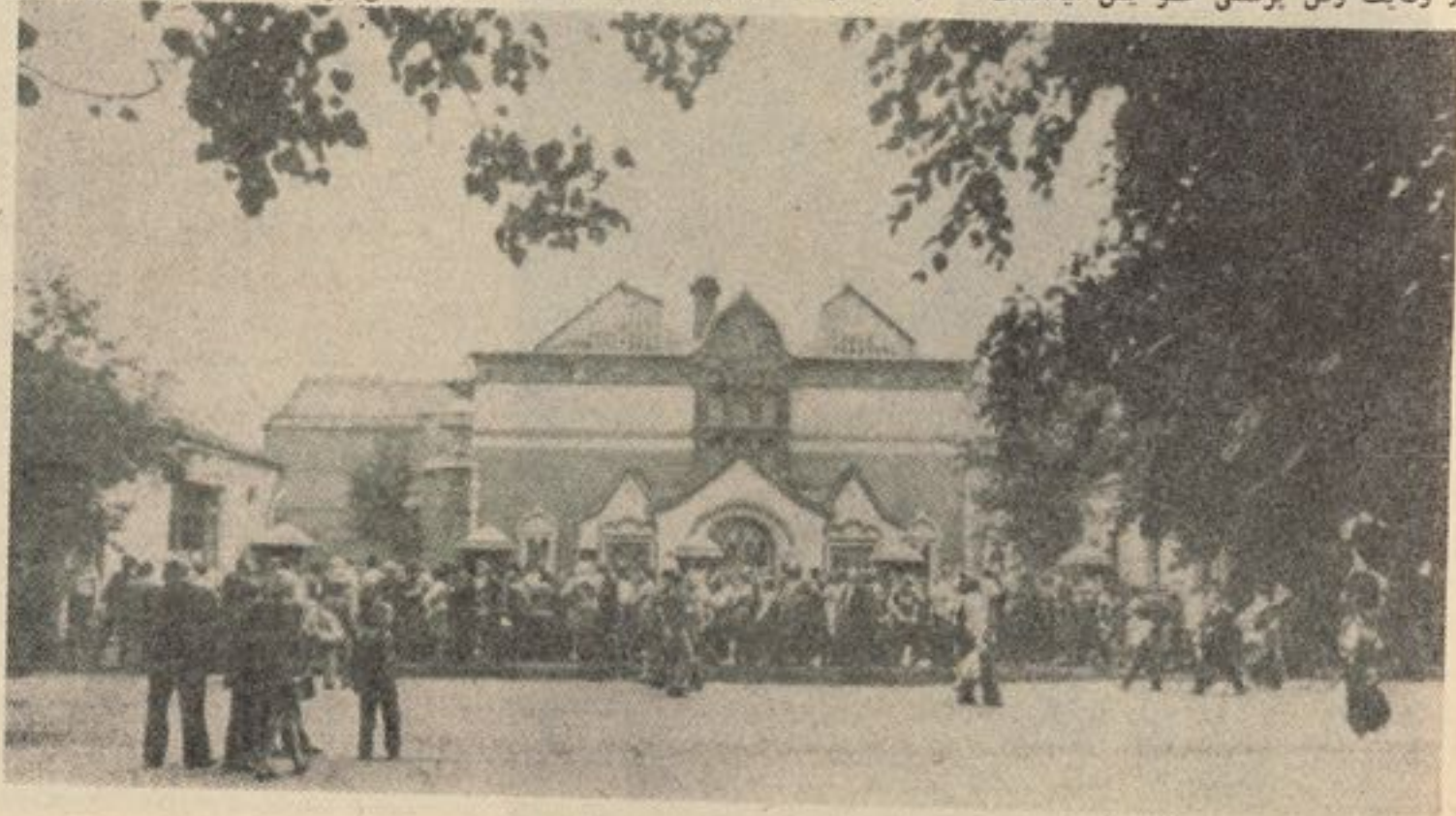
نقاشی ایوان کرا مسکی

موزیم تریاکوف در کمترین وقت گنجایش تمام نقاشی ها را نداشت. در زمان حیات خود تریاکوف پنج یا شش کلکسیون های خود را تغییر داد. زیرا که سالون های تعمیر وقت به وقت توسط شاهکارهای نقاشی جدید پر میشد.

در سال ۱۸۹۲ بعد از مرگ برادر خود سرگی تریاکوف تصمیم میگیرد تا کلکسیون خود و برادر خود را در زمان حیات خود به مسکو اهدا نماید که درین شناسایی پرداخت.

انجام می دهد و علاوه ازین هیچ کسی به این اندازه از نقاشان غنچه آری نمیکند مثل اینکه تریاکوف از وضع زندگی آنها واری می نماید.

یکی از اولین اقدامات تریاکوف ایجاد «موزیم در موزیم» بود. در این موزیم تریاکوف تمثال های نویسنده ها آهنگ سازان، اکتور ها، پیشرو های فرهنگی را جمع آوری نمود. او این کار را یکی از وظایف وطن پرستی خویش میدانست.



نمای بیرونی نمایشگاه مشهور نقاشی تریاکوف



تابلوئی که به شیوه خاص کار شد - در نمایشگاه ترتیاکوف



نقاشی کارل برو لیوف سال ۱۸۳۲

تجربه گری چون آن «جلوه د هندام» واضح بود که این کفر سبک مغزی نبوده بلکه نوعی از مبارزه را علیه جا مدفکری و کهنه پرستی نشان میداد که از مسایل مبرم حیات برای سرچشمه میگرفت.

این شجاعت «چا رده نفر» در محیط نقاشی شور و هیجان را بار آورده و متعلمین صنوف ابتدائی از این تا ریخ به بعد، مانند سابق به سخنان پرو-فیو را ن خود چندان گوش نمیدادند، و به طرف نقاشان آزاد رومسی او ر دند در روزهای معین میرو و «چارده نفر» گرد هم می آمدند و با همدیگر مسایل مبرم نقاشی را مطرح می ساختند. در مسایل مبرم زندگی، اهداف ادبیات و هنر نقاشی جنبه هنر ریا دستان به بسیار سرعت تبارز میکرد. رهبر گروه «چارده نفر» ایوان کرامسکی انسان بسیار عاقل، استوار و در مقابل حوادث بسیار پسر د بیار بود. ایوان کرامسکی از خود شاگردان بسیار با استعداد داشت و او امر او را از هر چیز حتی از نشان افتخار اکادمی بلندتر میشمرد.

یکی از اعضای همیشه گری این گروه نقاش معروف سالیهای (۶۰) و سالی-پیروف بود. در آن زمان شا هکارهای پیروف که تمام آنها جنبه انتقادی داشت با بسیار احساس ژرف زندگی واقعی ده قین روسیه را منعکس مینمودند. در اینجا از شاهکارهای معروف او «مشایعت متوفی» «کراچی سه اسبه» میتوان نام برد.

ترتیاکوف این آثار را به زودتر پس فرست بدست آورد.

در سال (۱۸۷۰) ایوان کرامسکی و پیروف که سال زماندها ن اسامی نام نمایشگاه بسیار بودند در قطار خود نقاشانی را جا دادند که آثار آنها جنبه زیبا پرستی و فرمالیزم را نداشت و به زندگانی واقعی خلق ها مطابقت داشت.

به زودی نقاشی این گروه شهرت زیادی را کسب کرد زیرا که نمایشگاه ها نخست در پتر بورگ و بعدا در شهر های دیگر روسیه به معر ض نما یش قرار میگرفت. نیکلای کسائیکن در یادداشت های خود چنین مینویسد: «اگر به هر سو از شمال تا جنوب، از بخیره بالتیک الی بحیره سیاه، از وار مساکا والگا نظر بیا فکنید دید ه میشود که این نمایشگاه تو چه پنج ملیون نفر را که دارای موقعیت اجتماعی مختلف و سن های مختلف میباشد جلب نموده است. ظهور آن نهاد در جا از طبقه مطبوعات همان محل شور و هیجان بر پا مینمود. مقامی که درین مورد از طرف نویسندگان مشهور روسی نوشته میشد شهرت نمایشگاه های بسیار را قبل از ورود آنها به منطقه پخش مینمود و به اهمیت آنها می افزود.

زمانیکه کلکسیون ترتیاکوف ترتیب گردید، اکادمی نقاشی تا اندازه بسیار اهمیت خود را از دست داد. در آثار هنری بیشتر ریا لیزم انعکاس می یافت و کسانی که تابلو هارا جمع آوری مینمودند به آثار هنری قرن هزده اعتنا نمی کردند اما ترتیاکوف از اهمیت آنها آگاه بود.

او بیشتر اوقات در مغازه های عتیقه فروشی میبود به امید اینکه آثار هنری نقاشان معروف را بدست آورد که این کارش چندین بار به مو فقت انجامید. ترتیاکوف این رانیز میدانست که تعداد زیادی از تمثال های معروف و باستانی در خانه های شخصی مردم موجود میباشد از دوستان خود خواهش نمود تا درین مورد به او اطلاع دهند، ترتیاکوف خود نیز با خانواده های قدیمار بسیار مکتوب میگردفت و از آنها خواهش می نمود تا تمثال ها را به نمایشگاه او واگذار شود. به این ترتیب تقریباً چهل تمثال قرن هزده را جمع آوری نمود که درین جمله آثار هنری نقاشان معروف لیکتینس، لیوتسکی، روکوتوف شامل میباشند.

نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف شورش چارده نفر:

اساس و منجه در خشان کلکسیون ترتیاکوف را سال ۱۸۶۱ یعنی سال است که در روسیه ریفوریم بنیان آمد تشکیل میداد. این شاهکار بزودی در نمایشگاه روسیه پخش گردید و علاقه مندان هنر نقاشی را به هیجان آورده آنها قسمتی از آنها درین مورد از خود تابلوهای شان میدادند. نقاشی های مذکور در میان روزه با نقاشی های یک صنف جنبه اکادمیک و رسمی داشت مقام مناسب را کسب نموده است. این میان روزه نه تنها علیه اکادمیزم و علیه سبک هنری بود بلکه مبارزه جهان بینی های متضاد بود که با لخره به شورش چارده نفر انجامید.

این چارده نفر به سرکردگی ایوان کرامسکی در سال (۱۸۶۳) از روش رهبران اکادمی نقاشی عدم رضایت خود را اعلام نمود و برای ابد با اکادمی قطع علاقه نمودند.

در نیم نو میر سال ۱۸۶۳ محصلین اکادمی غرض امتحان نمای گرد هم آمدند. رئیس اکادمی منیخ سوال امتحان اعلام داشت تا در قسمت نقاشی هائی کار کنند که موضوع افسانوی را دارا باشد.

درین اثنا ایوان کرامسکی از جای برخاست و اظهار داشت که چارده نفر درین امتحان اشتراک نخواهند ورزید زیرا که شورای اکادمی پیشنهاد آن ها را یعنی بر انتخاب آزاد موضوع پذیرفته است.

هر يك از اعتصاب کنندگان اظهار تخریبی با لای میز گذاشته و برای ابد اینها ط خود را با اکادمی قطع نمودند. بعضی از مداحین وقت این عمل آنها را میخواستند «سبک مغزی و بی

مسلم دوستانه به تمام خلق های جهان که در راه آزادی و استقلال و رفاه اجتماعی مبارزه نمایند

معروف و مشهور در نما یشتگا و ترنیاکوف وجود میا شد. در سال های (۱۸۹۰) واسیلی پولنوف بجهت امتداد نقاشان ظهور نمود. در این وقت میخواهند در شا هکاری های خود هر چه اضافی تر نکات شاهرا نه را جا دهند. این قسمت صفحه دیگر هنر روسیه را نشان میدهد.

پتراول بود نقش شده است. پس از وفات پتر اول منشیکوف میخواست زمام امور را بدست گیرد اما در پلان خیر اندیش خویش موفق نگردد. اما به او اول تروت اش ضبط شدو به سایر پادشاهان بعد بر می برد. سوزیکوف منشیکوف و خانواده او را در خانه محقر نشان می دهد. علاوه از شاهکاری های فوق آثار هنری نقاشان

جبران نا پذیر بدو در مقابل پسرش حکایت میکند. چون این تا بلو خاصیت افشاء گری را دارا بود ترنیاکوف به بسیار نکات ایف تو امنت تا آنرا به عرض نمایان بگذارد.

در شاهکاری واسیلی سوزیکوف «منشیکوف در بر زوی» زلدگی تر ازیدی و پر مشقت منشیکوف را که از بین مردم برخاسته بود و هم زب

آثار این گروه در نما یشتگا و ترنیاکوف بلون کم و کاست آن وجود دارد. بطور مثال آثار ایوان کرامسکی یک سالون بزرگ را اشغال نموده است. ایوان کرامسکی را جمع به تا بلو خود «حضرت عیسی در بیابان» چنین مینویسد: «هر شخصی در زندگی خود با لحظه مواجه میشود نمیداند بطرف راست و یا چپ برود. بطرف چپ یا راست برود و یا یک قدم در مقابل فجایع پابه عقب بگذارد». این تا بلو یکی از شاهکاری های بود که ترنیاکوف آنرا بسیار دوست داشت.

اهداف که درین نقاشی گنجینه شده است به روحیه و مفکوره روشنفکران پیشرو سالهای (۱۸۷۰) که مفهومی زلدگی را در منصف شدن از زندگی شخصی بخاطر تحقق آرمان های مردم می دیدند بسیار قرابت داشت. یکی از قسمت های نما یشتگا و ترنیاکوف را تا بلو های انکلاهی که نقاش مشهور بود

و مانند کرامسکی در نقاشی های خود از مان های مردم را تشکیل نموده بود تشکیل داده است. این موضوع را یکی از شاهکاری های او بنام «پتر اول از پسر خود شپزاده الکسی استنطاق مینماید» و نقاشی های دیگر او که در اواخر زندگی خود تحت رهنمایی های لاف تو مستوی که در عین دوست بسیار صمیمی گمی بود ثابت مینماید. در قسمت انته دوم قرن نوزده تا بلو های منظر طبیعی انکشاف می یابد. در نما یشتگاه سیار خود الکسی ساوود اسوف یکی از شاهکار های خود را بنام «زاغ های پرواز نموند» به نمایان گذاشت که به گفتار کرامسکی ازین لحظه طبعی به قلب «طبیعت روسیه» آغاز میگردد. در پیشرفت های که نمایانگاه سیار به آن نایل آمد استعداد های مانند ایلین و واسیلی سوزیکوف رول مهمی را بازی نمودند بطور مثال علاقه خاص ریپین به حوادث در اما نیک در بسیاری از شاهکاری های او مانند «انتظار نه کشیدند»، «ایوان گرو زنی و پسرش ایوان» در ۱۶ نوامبر سال ۱۵۸۱ «از بویغ او در مورد هنر نقاشی حکایت میکند».

یکی از شاهکاری های «ایوان گرو زنی و پسرش ایوان» ۱۶ نوامبر سال ۱۵۸۱ روی واقعیت استوار است. در این شاهکاری ها دیده میشود که ایوان گرو زنی در لحظه غلبه خشم پسر خود را بقتل می رساند.

تمام نکات شاهکار از خطا و عمل



نقاشی فدو تف بنام عروسی قوماندهان سال ۱۸۴۸

۱۷۰۰

مقدمه بر مردم اتحاد شوروی که جامعه خوشتر و بدون طبقات را ایجاد میکنند

ماده علمی «نیرو»

انقلاب کبیر سوسیالیستی

اکتوبر یا سر آغاز تاریخ

نویسن بشریت

هفت نوامبر سال ۱۹۱۷ که از آن مدت تاکنون شصت و دو سال سپری گردیده است، جهان رستاخیز زرف و رویداد مترگ در سرزمین روسیه به وقوع پیوست که در نهانکده دیوان کهنسال زمان و در آینه پروسه تکاملی جوامع بشری هیچ رویداد و رستاخیز، بسا چنین اہست و شکوه کبیر ما هیت سیر تکاملی زمان و زندگی اجتماعی را دگرگون ساخته باشد درج نشده و باز تاب نگردیده و نمیردد. این رستاخیز همانا انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ در روسیه بود که واقعا جهان بشریت را تکان و تحریک شگرف بخشید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ۱۹۱۷ اولین انقلاب پیروزمند پرولتاری بود که در فروغ نیوغ رهبر داهی حزب بلشویک و موجود و آموزگار احزاب طراز نوین پرولتری ولادیمیر ایلچ اولیانوف (لنین) و بروقی اراده پرولتاریای رزمند روسیه و در نهایت بمشابه ضرورت عینی تاریخ جامعه آنجا بظہور رسید. گر چه تاریخ انقلاب با ت زیادی رادیده است، اما انقلاب سوسیالیستی اکتوبر با همه انقلابات پیشین که در مسیر زمان بوقوع رسیده بود تفاوت کفی دانسته و به هیچوجه نمیتوان چنین انقلاب عظیم و انسانی را با آنها در مقایسه گرفت. بطوریکه همه انقلابات پیشین تنها یک فرمایشون اقتصادی، اجتماعی را بدون اینکه در مہیت استثماری آن دگرگونی انقلابی وارد آورد، بجای فرمایشون اقتصادی اجتماعی دیگر قرار میداد و اما انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ از لحاظ شکل و مہیت و هدف و وظائف خود تنها در مہیت و مضمون تاریخ جوامع بشری تغییرات شگرفی رونما ساخت بلکه اولین بار قدرت سیاسی را از جنگال جباران و استثماریان رها کرده و بدست استثماریان شوندهگان انتقال داد که این اساسی ترین تفاوت کفی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف در بویہ تاریخ به شمار می آید.

انقلاب کبیر اکتوبر سر آغاز ساختمان جهان و جامعه نوین و بمشابه آغاز گر انقلابات پیروزمند ملی، خلقی و کارگری در سراسر جهان دارای اہمیت و مقام تاریخی و جہانی بوده که چه از جہت مہانی طبقاتی خود و چه از نگاه پایه های ایدئالوژیک و سیاسی اش فرا راه تجربی و علمی همه انقلابات پرولتری قرار گرفته است. اما در اینجا باید گفت که این انقلاب نه اینکه آغاز انقلابات کارگری در جوامع بشری میباشد بلکه در فروغ همین انقلاب بود که نفیست های رهایی بخش ملی و انقلابات ملی و دموکراتیک از مرحله کلاسیک خویش بیرون چہید و وارد مرحله طراز نوین گردیدند، زیرا تا زمانیکه هسته جهان سوسیالیزم بوسیله فعل و انفعالات تاریخ انقلاب کارگری اکتوبر نقش و تکوین نیافته بود سخن از انقلابات ملی و نفیست های رهایی بخش ملی به شکل نوین در میان نبود بدین مفهوم که قیلا هدف نفیست های رهایی بخش ملی را صرفا حصول استقلال سیاسی احتوا میکرد در حالیکه بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر کلیه نفیست های نجات بخش ملی وارد مرحله طراز نوین گردیده و از آن به بعد تنها با حصول استقلال سیاسی کشورها بسنده نمیردد از جہت دیگر نفیست های رهایی بخش ملی و انقلابات ملی و دموکراتیک در جهان بشوانه ویشاهنگ بهتر و برتر از اردو گاه سوسیالیزم ندارد که این اردو گاه محصول پیروزی انقلاب اکتوبر و در آورد تکامل پر و سهی تاریخی و جہانی است.

این انقلاب، واقعا دارای ویژگیهای ملی، اہمیت جہانی، مقام تاریخی مہیت انقلابی، اهداف انسانی و در بردارنده فورم و محتوای بی سابقه و بی نظیری بوده و هست که میتوان در بیان هر یک کتب و رسالات متعددی در قید نگارش کشید اما این مقال از حوصله بیان و بازتاب و وصف کلیه جہات چنین مختصات

آن عاجز است ولی لازم می بینم که نکات زیرین را بصورت مختصر از نظر خوانندگان مجله وزین ژولنون عبور دهم:

- ۱- مہانی ایدئالوژیک انقلاب سوسیالیستی اکتوبر.
- ۲- مہانی طبقاتی و اجتماعی.
- ۳- اہمیت ملی.
- ۴- اہمیت بین المللی.
- ۵- مقام تاریخی.
- ۶- اهداف.

۱- مہانی ایدئالوژیک انقلاب سوسیالیستی اکتوبر:

انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ که برای اولین بار بنیاد استثماری رادرم ریخت دارای جہانی مہانی ایدئالوژیک بود که آتش خاموش نشدنی رادرخمین ایدئالوژوی های بورژوازی و ارتجاعی افکنده و نه تنها برای نخستین بار با فرو ریختن کاخ استثماری در سرزمین روسیه پروسه افول و زوال قطعی استثماری را در مقام جهان آغاز نهاد بلکه به نحوی علمی و عملی بی پایه بودن و مہیت ضد انسانی ایدئالوژوی های ارتجاعی را که هواره بخدمت طبقات میرنده و روبه زوال عمل میکنند نیز افشا و برعلا ساخت زیرا همانطوریکه ایدئالوژوی های طبقات میرنده و تاریخ زده اجتماعی در سنگرامستمار قرار گرفته و استثماری را جاودانه توصیف میکند انقلاب کبیر اکتوبر که در فروغ و بر بنیاد ایدئالوژوی علمی پرولتاریا به تحقق رسید به همان سان ایدئالوژوی های ارتجاعی را مہیتا افشا کرده و اثبات کرد که تمام ایدئالوژوی های ارتجاعی به هر شکل و نحوه ای که عمل میکنند قادر نیست که دردی از درد های بشریت زحمتکش را درمان کرده و یا آدمیان را بصوب قیل آرمانیهای بلند پایه و مرز سعادت واقعی آنان رهنمون واقعی باشد که یکی ازین شواهد همانا زوال خود استثماری در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر در روسیه بود بدین مفهوم که این ایدئالوژوی ها، استثماری را جاودانه و دایمی توصیف کرده و برای همیشه پایدار می دانستند اما مہیتیکه مناسبات استثماری گرانه بین انسانها در روسیه درهم شکست مسلما از یک طرف بی پایه بودن ایدئالوژوی بورژوازی و بنیاد عاوتصورات طبقات استثماری و موعظه های دروغین ایدئالوژیک های این طبقات عملا به اثبات رسید و از جانب دیگر با فروریختن دژهای استثماری، این حکم علمی آیدیو-لوژی علمی طبقه کارگر که سالها پیش از رهبر انقلاب اکتوبر بوسیله مارکس و انگلس تدوین شده و بوسیله ولادیمیر ایلچ لنین در پیروزی انقلاب اکتوبر به حقایق رسید نیز ثابت گردید که استثماری همانسان که در تاریخ همیشه وجود نداشته و در یک سنتز عالی جامعه نیز به کلی نابود میگردد.

ایدئالوژوی ای که در پرتو آن از جامعه روسیه و اوضاع جهان شناخت درست به عمل آمده و لنین برپایه آن حزب طراز نوین پرولتری را ایجاد کرده و تکامل داد که در نتیجه مبارزات هدفمند و آگاهانه این حزب انقلاب کبیر اکتوبر مطابق اراده پرولتاریای یکبارجوی روس به پیروزی رسید و در نهایت این انقلاب نیز بر اساس همین ایدئالوژوی و در پرتو رهنمود های خلاق آن گسترش و تکامل یافت همانا ایدئالوژوی علمی طبقه کارگر بوده که علمی ترین، پرتوان ترین و واقعی ترین و برنده ترین ایدئالوژوی ها بوده که در سنگر منافع طبقات زحمتکش و موافق به واقعیت های زمان و رشد عینی تکامل جوامع بشری عمل می کنند.

ایدئالوژوی طبقه کارگر که مہانی ایدئالوژیک انقلاب کبیر اکتوبر و سایر انقلابات پرولتری جهان بوده و میباشد از جامعه و جهان شناخت درست بدست میدهد، پدیده های اجتماعی را به نحوی علمی بررسی میکند. استثماری را جاودانه نمیداند و با اینکه خلق را سازنده تاریخ میداند و باورمند است که در سراسر جهان صلح و ترقی اجتماعی به پیروزی رسیده و بر تمام مظلوم ملی و طبقاتی و نمود های ضد ترقی و ضد انسانی پایان داده می شود. از نظر گاه ایدئالوژوی علمی طبقه کارگر جامعه سیر بویایی داشته و از سکون و سکوت بعید میگردد. ایدئالوژوی علمی طبقه کارگر، آینده را از پرولتاریا میداند و پیروزی حق را بر باطل و علم را بر جهل و در فرجامین سخن غلبه ارتقا را بر ارتجاع ضرورت تاریخ و حکم آمرانه داور زمان بیان می کند از نظر ایدئالوژوی علمی طبقه کارگر کهنه زوال می یابد و جای خود را به نو میگذارد.

این ایدئالوژوی امروز رهگشای پرتوان و مشعل فروزان همه بشریت زحمتکش بوده که هیچ ایدئالوژوی دیگر را توان مقاومت و نبرد در برابر آن نیست زیرا این ایدئالوژوی یگانه ایدئالوژوی علمی، واقعی، بران و فروزان بوده که در سنگر پرولتاریا و دیگر زحمتکشان قرار دارد و انقلاب کبیر اکتوبر در پرتو و برپایه همین ایدئالوژوی به پیروزی رسیده و تکامل دیده است و این اولین و مهم ترین انقلاب در تاریخ بود که در پرتو چنین ایدئالوژوی تحقق یافت و بر بنیاد همین ایدئالوژوی استحکام و تکامل کرد.

۲- مہانی طبقاتی و اجتماعی:

در بند پیشین دیدیم که مہانی ایدئالوژیک انقلاب کبیر اکتوبر همانا ایدئالوژوی علمی طبقه کارگر بود چون ایدئالوژوی طبقه کارگر سلاح همه زحمتکشان در نبرد با دشمنان ملی و طبقاتی شان میباشد لذا اولین انقلابیکه آرمانها و خواسته های طبقات استثماری شونده

را در آینه مرام انقلابی و در پروسه عمل خود منعکس ساخت همانا انقلاب کبیرا کتوبر بود مثلا قبل ازین انقلاب، در انقلابات دیگر اهداف و ماهیت شان به سود اکثریت نبود. تنها با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بود که کارگران و دهقانان که مطابق اصول علمی ایدیالوژی پرولتاریا متحدین نزدیک آنان در مبارزه علیه ارتجاع، استبداد و امپریالیسم محسوب میگردند، بهم متحد شده و در پیشانی دیگر افشار و طبقات زحمتکش و مولد اجتماعی در حفظ و حراست و تکامل انقلاب خویش و در امر درهم شکستن مقاومت بورژوازی و سایر دشمنان طبقاتی شان تحت رهبری دولت دیکتاتوری تپ نوین ایشان که مولود انقلاب اکتوبر بود در دو جهت یعنی در ساختمان جامعه نوین و در برابر دشمنان خویش کار و یکپارگی انجام داده و میدهند.

بنابراین انقلاب کبیر اکتوبر بحیث نخستین انقلاب پیروزمند کارگری نه اینکه علی الرغم دیگر انقلابات، در پرتو ایدیالوژی علمی پرولتاریا و برپایه این ایدیالوژی به پیروزی رسید بلکه اولین بار در تاریخ پایه های اجتماعی چنین انقلاب را علما و عمال کارگران دهقانان، پیشه وران و اهل کسبه، کارمندان زحمتکش دولتی، روشنفکران و دیگر اقشار و اصناف مولد و زحمتکش تشکیل میداد که در انقلابات گذشته هیچ سابقه نداشت.

ماهیت این انقلاب طبقاتی بسوده و نه روی ملاکهای محلی، مذهبی، ملی و قومی بلکه روی ملاکهای طبقاتی پایه و مایه داشت.

بدین مفهوم که انقلاب کبیر اکتوبر راه نجات کمائی را به پیش گشود که سازندگان واقعی تاریخ و مولدین اصلی نعمات مادی و معنوی بودند. واقعا این رویداد ژرف و شگرف در تاریخ بشریت بی سابقه بود که قدرت سیاسی برای نخستین بار از دست طبقات استثمارگر بدست طبقات استثمار شونده انتقال یافت. در اثر انقلاب اکتوبر بود که دولت مستبد تزار و ازگون شد و در جای آن دولت دیکتاتوری پرولتاریا مستقر گردید. و بدین ترتیب دولتی پدید آمد که در سنگر دفاع از صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی قرار گرفته و درفش مبارزه آگاهانه طبقاتی را در برابر غول ارتجاع و استبداد به اهتزاز در آورد.

در پایان این بند باید گفت که یکی از صفات کیفی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف آن همانا میانی طبقاتی آن بود که عبارت از کارگران و دهقانان و سایر زحمتکش و مولدین نعمات مادی جامعه بودند و این واقعا چرخش ژرف و عظیم تاریخی بود که طبقات استثمار شونده صاحب قدرت سیاسی شده و بابت سرکشتن خویش در راه اعمار جامعه بدون طبقات و در راه صلح و ترقی اجتماعی به کار و یکپارگی آغازیدند.

۳- اهمیت ملی :

انقلاب کبیر سوسیالیستی در روند گسترش ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دگرگونی های ژرف و همه جانبه را در جامعه روسیه پدیدار ساخته و در پرتو همین گسترش چند بعدی، انقلاب اکتوبر بوده که اکنون کلیه جمهوریت های اتحاد شوروی

دارای زندگی آبرومندانه و شگوفان و مرفه می باشند. زیرا همیشه انقلاب کبیر اکتوبر به پیروزی رسید ماشین ظلم و ستم دولتی بورژوازی تزار درهم شکست، دولت نوین پرولتاری ایجاد شد. کارگران و دهقانان بهم متحد شدند. طبقات استثمارگر از سریر قدرت فرو افتیدند اولین بار اهمیت و نقش صلح به نحوی همه جانبه ارزیابی شده و درفش آن به اهتزاز درآمد. فرمان مساله اراضی صادر شد که مطابق آن مالکیت ملاکان بر زمین یکجا برای همیشه و بلاعوض ملغی شد. زمین به مالکیت خلق درآمد در اجرای این فرمان یکصد و پنجاه میلیون هکتار زمین زراعتی مجانا به دهقانان واگذار گردید.

علیه بیسوادى مبارزه گسترده آغاز شد. در جهت احیای فرهنگت ملیت های مختلف اقدامات به عمل آمده و در زمینه حق تعیین سرنوشت ملل، اصل آزادی ملت ها در منصفه عمل نهاده شد. قروض و اقساط دهقانان ملغی اعلام شد و عملیات و اقدامات انقلابی جهت شگوفائی کشورشورا ها و بمنظور اعمار جامعه بدون طبقات بسرعت گسترش یافت و طلعه ارمغان انقلاب کبیر اکتوبر باین ترتیب درخشان تر گشت که : «صلح برای کشور، زمین برای دهقان، آزادی برای زحمتکشان، مساوات برای زنان، رهایی از ستم ملی برای خلقها، نجات از ستم و امتیازات طبقاتی و ستم اجتماعی».

در پروسه انقلاب کبیر اکتوبر بعد از درهم سوسیالیستی ارضی، پروسه مکانیزه شدن عمیق زراعت آغاز نهاده شد صنایع ثقیل و سبک به نحوی شگرفی توسعه و انکشاف داده شد راه های آهن احداث گردید و آنچه که قبلا وجود داشتند همه ملغی شده و در اختیار خلق قرار گرفت. بانک ها ملی گردید. یعنی در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر بود که وحدت خلقهای برابر وابسته به ملیت ها و ملل گونه گون سر زمین پهناور شوروی تامین شد زنان برای اولین بار از حقوق طبیعی و اجتماعی شان به نحوی نصری و دموکراتیک برخوردار شدند. تعلیم و تربیت اطفال و جوانان مطابق روحیه انقلاب و در پرتو جهان بینی علمی روتق انقلابی یافت، مبارزه علیه انواع بی عدالتی، تبعیض، ارتشاء، یکپارگی، بیسوادى، بیماری، فقر، جهل، رخوت سیاسی عقب مانى اقتصادی، نابرابری های اجتماعی، زور و زور گوئی و نظایر اینها تشدید یافت و کار و یکپارگی در جهت استفاده از ذخایر سرشار طبیعی و فعال ساختن همه جانبه قوای بشری در دهکده ها و مراکز شهری گسترش داده شد و بدین نحوه خلق شوروی در پرتو انقلاب کبیر اکتوبر راه بهتر و برتر و انقلابی زندگی را جلو انداختند و روز بروز بر معایب مشکلات و مصایب گونه گون غلبه می آوردند.

اما در چنین حالات ارتجاع داخلی و خارجی نیز آرام نه نشستند و به عملیات، توطئه ها، تجاوزات مسلحانه و تخریبکاری ها و تبلیغات بشیرمانه و خصمانه نیز دست پا زدند. مرتجعین داخلی و بازماندگان تزار بیسواد ارتزاقی را با پول از بازار ها و مارکیت ها خریداری کرده و یا بخاک پنهان میکردند و یا به دریا ها می انداختند. بازچه های گونه گون

جمع آوری شده و به آتش انداخته می شدند قرار گرفت کار شکنی و سیوناز، اختلال و دهشت و ترور، و تخدیر اذهان به شدت دامن زده می شد. لیزم قرین و پیوست گردیده و همین حالا جنگهای داخلی مشتعل گشت، تجاوزات مسلحانه دشمنان خارجی انقلاب اکتوبر، براف افناد چنانچه در برابر دولت جوان شوروی (چارده) کشور امپریالیستی دست به تجاوز بردند تمام منابع تبلیغاتی و نشراتی امپریالیزم و استعمار شب و روز از سقوط و شکست و ناکامی انقلاب کبیر اکتوبر واز نا بسودی بلشویک ها گذارش میدادند. اما در چنین شرایط انقلاب به پیش می رفت و دشمنان انقلاب پیوسته روسیه واقفا می شدند خلق و دولت شوروی در دو جنگ اول و دوم جهانی خسارات زیادی متقبل شدند اما از انقلاب خویش تا پای جان حراست و حمایت کردند و همان است که در طی شصت و دو سال کشورشورا ها از به اصطلاح پیشرفته ترین، متمم ترین و عصری ترین کشور های بورژوازی جهان پیشی گرفته و جهان جامعه بی اعصار گشت که اکنون میتوان گفت که در روند آنجا تنها ترقی و صلح و سعادت و ترقی اجتماعی می نابد و اکنون دارند که وارد مرحله دوم جامعه نوین گردند.

۴- اهمیت بین المللی :

انقلاب کبیر اکتوبر دارای اهمیت عظیم بین المللی بوده چنانکه از هماندم که به پیروزی رسید بنیاد استثمار و سرمایه را در سراسر جهان به ارتعاش افکنده و تمام صفحات گیتی که در سایه سیادت استثمار قرار داشت به دولیم بخش کرده و بدین ترتیب نه تنها قوت استعماری جهانخوا را ضعیف و ناتوان ساخت بلکه در همه جا پروسه تلاشی سیستم استعماری سرعیا آغاز یافت جهان به دو اردوگاه متخاصم سوسیالیستی و امپریالیستی تقسیم گردید. در سراسر جوامع سرمایه داری نهضت کارگری و انقلابی پرولتاریا اوج گرفت و در کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین درفش حریت طلبی و مبارزه علیه استثمار به اهتزاز درآمد چنانچه در پرتو تأثرات امواج نور انقلاب کبیر اکتوبر بود که خلق قهرمان هائیز با قیام مسلحانه خویش برای نخستین بار به سیادت مستقیم استثمار بریتانیاد در کشور شان پایان داده و باین شکل یکر از حلقه هائیز استعماری راهزین صفحه گیتی از هم فرو پاشیدند خلقهای ایران، هندوستان چین و کشور های دیگر علیه ارتجاع داخلی و تسلط استعماری به یکپارگی برخاسته و بدین نحوه هر روزی که میگذشت کشوری آزادی خود را از دست استثمار باز می ستاند.

در ادامه پروسه تکامل همین انقلاب بود که بعد از جنگ دوم جهانی يك عده کشور های دیگر در اروپای شرقی دارای نظام های خلقی و کارگری شدند و روز بروز سیستم سوسیالیزم گشتش و نیروی جاذب شگرفی در میان خلقهای جهان باز یافت و هم اکنون اکثریت مسکونیین سیاره ما راه سوسیالیزم را در پیش گرفته اند.

یعنی انقلاب کبیر اکتوبر مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهان نیز تشدید کرد و درفش صلح و آزادی خواهی در همه جا بلند شد، و امپریالیزم در آستانه زوال

کلیه نهضت های ملی و انقلابی با سوسیالیزم قرین و پیوست گردیده و همین حالا به روند نیرومند انقلابی جهان یعنی سیستم جهانی سوسیالیزم، نهضت بین المللی پرولتاریا و جنبش های رهایی بخش ملی که علیه استعمار، ارتجاع و امپریالیزم مجدا نه یکپارگی می نمایند همه محصول مستقیم و غیر مستقیم پروسه تکاملی انقلاب کبیر اکتوبر میا شد.

۵- مقام تاریخی : انقلاب اکتوبر بر پروسه تاریخ و تعیین سیر تکاملی آن نقش انقلابی بجا نهاده و سمت گرایش تکامل جوامع بشری را پیش از پیش مشخص گردانید، بویژه اینکه ما میگوئیم مفهوم دوران کنونی را گذار از بورژوازی به سوسیالیزم تشکیل میدهد حرف ساده نبوده و چنین مفهومی تصادفی شکل نگرفته است اما این بدان معنی نیست که از تکامل قافله نمند تا ریخ انکار کنیم و مرحله سوسیالیزم را که مطابق سیر طبیعی تاریخ و برپایه جبر زمان بصورت محتوم آمدنی بود تنها فرآورده محض انقلاب کبیر اکتوبر و دیگر انقلابات کارگری و خلقی قبول کنیم زیرا سیر تاریخی و بحرکت است. اگر ما بخواهیم

و یا نخواهیم روزی در سراسر جهان بشریت درفش صلح و ترقی اجتماعی به اهتزاز آمده و بر همه بدبختی ها و نا براری های اجتماعی و جنگ و تجاوز و استثمار پایان داده میشود این ضرورت عینی زمان ورشد قانونمند پروسه حدود ناپذیر تکامل اجتماعی بشری بوده که فرمل سیر و اقتصادی اجتماعی سوسیالیزم روزی در مقیاس گیتی مسلط خواهد شد و همه جوامع به سیر تکاملی خود به مرحله فاقد طبقات ادامه میدهند اما باید اذعان کرد که حقیقت و امر پیروزی آن به دفاع ضرورت دارد، لذا صلح و ترقی اجتماعی نیز ساده به جهان حاکم نمیگردد همانطوریکه به منظور روش لاله های دلکش صلح و سوسیالیزم در بر خسی از کشور های جهان، خون هزاران انسان مبارز و صلح طلب و ترقی خواه چهره زمین را گلگون کرده و این لاله ها را از خون خویش و به قیمت خون شان آب داده و طراوت و غر مرمی بخشیده است بهمان سان استقرار جهانی صلح و سوسیالیزم چنین قربانی ها را بدیال دارد زیرا طبقات مرتجع و امپریالیست هابه سهولت و سرعت مواضع خویش را رها نکرده و تا پای جان در برابر مبارزات نیرو های تحول طلب و انقلابی مذبحخانه تلاش می ورزند.

ولی فراداده مبارزات تند و شعوری و پرتوان و کثیر البعد تمام خلقهای جهان مشعل ایند یا لوزیک و تجربیات انقلاب کبیر اکتوبر گردید زیرا با این انقلاب در ماهیت و نحوه تاریخ تکامل جوامع بشری سر یعانه تغییر وارد آمد و سر زمین شور و ها و انقلاب پرولتاریای آن به زودی بقیه در صفحه ۲۹

ضعیف ... (بعد سوداگر به آواز خوانی میردازد) :

آدم مریض میمیرد و آدم قوی به پیش میرود .

اینست رمز خوب زندگی .

آدم ضعیف را کمک کنید آدم قوی را لگدمال .

اینست رمز خوب زندگی .

نگذار بیافتد ، آنچه که میافتد

به او ضربه بزن که زودتر بیافتد

چونکه ، اینست

رمز خوب زندگی

جوالی آهسته نزدیک میشود ، سوداگر که متوجه آمدن او شده با خود میگوید : آه ،

مثل اینکه گپ های مره ناما شنیده باشه ... از ترس خطاب به جوالی میگوید : ایستاده

باش !! پیش نیا، جی می خواهی؟

جوالی: صاحب ، می خواستم عرض کنم که خیمه شما نیارس و شما میتاین استراحت کنین ...

سوداگر: دری تاریکی شو بطور خفیه اینطرف و آنطرف ترو، ازی کارها خوشم

نمیا به ... هروقت که نزدیک به میایی، مر

خواهم که پیش از آمدن صدای پایشه بشنوم ... راستن خوب فکر نه بگر، هروقت

که به هرات گپ میزنم، می خواهم که به چشمهایم ببینی فهمیدی ؟ ... (بعد به مغفوف

امر میکنند) برو... خوکو... تره به به غرض نیس که خوکم یانه کدم ...

جوالی بر میگردد که برود ... سوداگر مثل اینکه حرفی به فکرش گشته باشد

خطاب به جوالی صدا میزند : ایستاده باش. توبروده خیمه خوکو، به اینجا میا نم ...

به به هوای تازه عادت دارم . جوالی به خیمه میرود .

سوداگر : دلش اس که مره ده خیمه تیر کنه و باز سرعه حمله کنه ... فقط به نمی

فهمم ... می خواهم بفهمم که چقدر از اشعار مره ای شنیده ... (بعد از لحظه سکوت)

سوداگر : جی میکنه ؟ فکر میکنم هنوز هم پسلان می سنجه .

سایه جوالی بروی پرده خیمه ظاهر میشود که مصروف آماده ساختن بستره میباشد .

سوداگر : ای حماقتس! گه به مستوجه خود نیاشم . اعتماد حماقتس، دست او به

خاطر به شکست و فکر میکنم که ده زندگی دیگه جوهرم نخواهد شد . البته که او حق

داره از به انتقام بگیره ... به باید متوجه خود باشم، بیدار میمانم ... آدم قوی اگه

خوابشه به اندازه آدم ضعیف که بیدار است، زور نداره ... اصلا آدم ده زندگی نیاید

خوکنه ... (مثل اینکه کمی سردش شده باشد) میگوید: اما بهتر است که ده خیمه

بیدار باشم : ده هوای آزاد امکان داره مریض شوم، اما کدام مرض میتانه به اندازه

اینطور آدمها خطرناک باشه . بخاطر یک پشه ناچیز چند روزش که پشت پشت به

میاه و نوکری مره میکنه بخاطریکه به پشه دار هستم . گرچه که راه به اندازه کافی بری

هر روی ما مشکل بود ولی او باید بامر میرد... وقتیکه گفت مانده هستم، زدمش، وقتیکه

دانشی هراتش دست دومتی داد، دستشاه کوتاه کدم . دانشی هم رفت پشت کارش.

وقتیکه او بخاطر دزد ها چاب های پای ماره پاك میکرد به به اس بی اعتمادی کدم .

جوالی از سوداگر تمنایکند و میگوید :

پس اجازه بتین گهه افلا نیم روز استراحت کنیم . ازین که بار بردیم خسته شدیم .

و ختیکه به ماندگی خوده گرفتیم باز امکان داره بتانم خودمه به اوطرف دریا برسام .

سوداگر : به چاره بهتری را بلد هستم، حالا لوله تفنگچه ره به پشت میمانم و شرط

میکنم که نوازه بیشتر به او طرف دریا عیرسی .

(سوداگر جوالی را با میله تفنگچه نزدیک نموده میگوید) برو ... پیش برو ... پشه

به ای قدرت ره بری به میته که به از درد هانتروسم و دربارده فراعوش کنیم ... (سوداگر

در حالیکه جوالی رایه داخل دریا مجبور میسازد به آواز خوانی میردازد :

به اینترتیب انسان فراعوش میکند . دشت و بیابان و دریای خروشان را

به اینترتیب انسان خودش را فراعوش میکند .

و نیل را، طلای سیاه را، بدست می آورد. شب سیاه :

تاریکی شب فرار رسیده . جوالی با آنکه یکدمش شکسه و بدستمال کهنه و چرک

آرا به گردن خود آویخته است، می خواهد خیمه را برای استراحت سوداگر ایستاده

کند . سوداگر در گوشه متفکر نشسته است .

سوداگر خطاب به جوالی نه خو گفتم که چون دسته ده دریا شکستاندی و امکان

داره کمی دردم داشته باشه، ازی خاطر به خودم خیمه ره ایستاده میکنم ..

(جوالی بدون توجه به سخنان سوداگر به آماده کردن خیمه ادامه میدهد) :

سوداگر: اگه به تره از دریا نمیکشیدم، وخت غرق شده بودی .

(جوالی باز هم بی اعتنا به کار خود ادامه میدهد) :

سوداگر: گرچه به در شکستن دست تو کدام گناه ندارم ولی چون غیر از به کس

دیگی نبود، از ای خاطر کمکت کنیم، اگه نی به به جی، امکان هم داشت که او تنه درخت

بدست به می خورد و دست مره میشکستاند. در آنصورت تومره کمک هم نمیکدی. شاید

هم نمی خواستی کمکم کنی، چون تو فکر میکنی که ده جیب به پشه زیادسی، اما به

خاطره جمع میکنم . خوب گوش کو، به ده جیبم پشه زیاد ندارم ، اما به جورگا که

رسیدیم بازار پاك میگیرم و مزد تره میت . جوالی : خوب صاحب .

سوداگر (با خود) : اصلا دلش نمیشه که درست جواب به به، خوب صاحب ... بلی

صاحب ... اینطور طرفم میل میکنه که فقط دسته به شکستاند به بشم . ای جوالی ها

انسانهای کثیف و بیکاره هستند ... (خطاب به جوالی) : برو ... خوکو ...

جوالی کمی دور تر میرود و بگوشه میشیند... سوداگر (با خود ادامه میدهد)

انسانهای تنبل و بیکار ... حتی او بازی ره هم یاد نداره، جی ره یاد داری، از هان

طفولیت تنبل و بیکاره تریه میشن ... اینها بارفوش ما هستند ... شجاعت، دلیری

اصلا در نهاد اینها نیس، همینطور که آدم چیزهای کثیف و بیکاره ره از خانه خود

بیرون میاندازد باید ما اینهاره هم از جامعه بیرون بریم . مفت خورها انسانهای تر سو

سوداگر: ما، فقط ما... ای کار به هنر سفر مابندس، به به، به تو، فکر کو، چشم

ملیو نه انسان همی لحظه به طرف توس، بطرف تو انسان کوچک و ناچیز

و تو هنوز هم غفلت میکنی و وظیفته انجام نمینی .

جوالی در حالیکه از ترس بعد از هر کلمه سوداگر سر خود را به علامت مثبت تکان

میدهد ، در اخیر جملات سوداگر میگوید : به او بازی ره یاد ندارم ، غرق میشم ...

سوداگر: زندگی به هم ده خطر، به از زندگی خود تیر میشم اما تو انسان که هیچ

چیز نداری، باز هم جرئت نمیکنی، به میفهم، تو اصلا خوشنیمستی که مازودتر به جورگا

بریم ، چونکه بری تو ، روز مطرح اس، تو روزانه مزدنه میگیری و هر قدر که مادی ره

راه باشیم، فایده نس، به ای گپ هواره می فهمم توبه غیر از مزدن دیگه به هیچ

چیزد های سفر علاقه نداری . جوالی که به کنار ساحل وخت زده

ایستاده است میپرسد : به چطور کنیم ؟ بعد به آواز خوانی میردازد :

اینهم دریا دریای پر خطر ، خطر مرگ

در ساحل دومرد ایستاده اند . یکی شنایکند، اما دیگری معطلی دارد.

سوداگر: هو، از خاطر دزدها؟ ... اما به میخونه ؟

می خواهم که مرهم بفهمند که تومره کجا میری . چاب پای مره که پاك کنی هیچکس

نمیتانه بفهمد که تومره کجا میردی ... (بعد بحالت مشکوک) : برو، توبش برو ...

به از پشت می آیم . سانبها راه خود را ادامه میدهند بدون اینکه

حرفی باهم تبادل نمایند . سوداگر با خود میگوید : روی ایدیکسها

چاب پای به صراحت دیده میشه، بهرامت که چاب پای ره پاك کنیم ...

جوالی : معاصاحب، راه ره بالکل درست آمدیم. هیچ غلط نکردیم، اوله، اوله به بهین . (بالگشت اشاره میکند) دریا ...

دریازه... دانشی مره گفته بود که دریا میابه (با خوشحالی) ماراه ره شکر غلط

نکردیم . او گفت که ده ای وخت سال او دریا اوقه زیاد نیس، و ما میتانیم به آسانی تیر

شویم . واگه میل آمده باشه باز دیگه خطرناک اس و تیر شدن هیچ ممکن نیس .

- هر دو بدریا نزدیک میشوند . صدای دریا بیاتگر طغیانی بودن دریا است .

جوالی : اوه میل آمده ... سوداگر : موقت نداریم ، باید تیر شویم.

جوالی : نمیشه ، خطرناک اس، هشت روز باید صبر کنیم تا دریا آرام شوه .

سوداگر : ما میتانیم یکروز صبر کنیم ، برتولت برشت

ترجمه دکتور نجیب الله یو سفی

برتولت برشت

قاعده و استثناء جوالی

قسمت دوم

آیا آن یکی شجاع است ؟ آیا آن دیگری ترسو است ؟

به آنطرف ساحل یکی از آنها در انتظار معامله بزرگ و گنج بزرگ

است . یکی از خطر میبرد و

نفس سوخته میرسد به ساحل تسخیر شده او به جایگاه خود میرسد

او غذای تازه می خورد اما آن دیگری

از خطر شناورده می جهد در آغوش هیچ تن ضعیف اورا

خطر دیگری در آغوش میکند آیا هر دو شجاع هستند ؟

آخ : از دریای مشترک مغلوب دو برنده مساوی

بیرون نمی جهند ما ، من و تو

اینها همه یکی نیستند ما موفقیت بدست خواهیم آورد

ولی تو بر من غالب میشوی صدای طغیان دریا صدای جوالی را تحت

تأثیر قرار میدهد . بعد از لحظه سکوت

نوخ هشت روز میگی، ما باید تیر شویم . جوالی : پس باید يك کشتی یا تنه درخت

پیدا کنیم که غرق نشیم . سوداگر : نمیشه وخت کم است، دیسر

میشه . جوالی : به که او بازی را یاد ندارم .

سوداگر : او چندان زیاد نیس که تره غرق کنه ...

جوالی پای خود را بدریا داخل نموده و (به صلاح قداو) میکند . دو باره به عجله

و ترس زیاد از دریا خارج شده میگوید : اوز یادس ، از سرم میبره .

سوداگر : وقتیکه داخل دریا شدی باز خود بخود او بازی کنه میتانی ، به میفهم،

تو نمی فهمی ... جوالی : آخر ماجرا به جورگا بریم ؟

سوداگر : آدم احمق، تو نمی فهمی که ای يك خدمت بزرگ برای انسانها خواهد بود،

اگر مائیل بدست بیاریم، وختی تیل بدست آوردیم، اینجاره، استیشن ریل میسازیم و

زندگی مرهم بهتر میشه، نان، لباس، و خدا عیداند که چه چیز های دیگی برای مرهم

تنیه خواهد شد . جوالی : نان، لباس ... ای کار هواره کی

انقلاب کبیر سوسیالیستی

نیروی در خشان و پر کشش در میان همه انقلابیون ورزندگان را به آزادی، برابری، برادری، صلح و سعادت همگانی گردید. و از انقلاب کبیر اکتو بر به بعد خلقهای جهان در امر سازندگی تاریخی و بنظیر تا مین آزادی شان پیش از پیش نیرومند تر، هدفمند تر و آگاهانه تر عمل کرده و یقین حاصل کردند که ظلم و استبداد و استعمار و امپریالیزم پایدار نیست.

انقلاب کبیر اکتو بر سیر حرکت تکاملی تاریخ را آهنگ سریع السیر داده و کلیه بشریت مترقی، تحول طلب، آزاد بخواره و صلح دوست را در جهت مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر علیه ارتجاع استبداد، استعمار و امپریالیزم بسیج کرد. مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهان بخصوص بین اردوگاه سوسیالیزم و امپریالیزم به میان آورده و تشدید بخشید با سقوط نظام مندرس بورژوازی تزار

شالوده پانچمین مرحله تاریخی یعنی سوسیالیزم را پایه گذاری کرده و تکامل داد. بلی: اولین انقلاب، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتو بر بود که بشریت را در استان مرحله نوین تاریخی قرار داده و پیروزی صلح و ترقی اجتماعی را در مقیاس سیاره ما امر حتمی ثبوت کرده.

این انقلاب کبیر اکتو بر بود که با سرنگونی نظام سرمایداری تزاری، بنیاد سرمایه را در همه جا لرزاند و تاریخی بشمیت را سر و آهنگ نوین داد. زیرا تا قبل از انقلاب کبیر اکتو بر پیروزی سوسیالیزم و عبور بشریت به مرحله نوین تاریخی که در آنجا سیادت ارتجاعی بورژوازی نباشد یک ایدئال و بشا به یک شیخ تصور میگردید چنانچه ایدئالوگهای بورژوازی چه در دوران ما و کس وانگلس وجه در دوران لنین بزرگموقتی که سخن از ایجاد جامعه سوسیالیستی در میان می آمد، پوز خند زده مساله را به باد استیزا و پندار واهی می گرفت.

اما با انقلاب کبیر اکتو بر نه اینک به تاریخ وارد مرحله نوین خود گردید بلکه به اثبات رسید که جامعه سیر ایستایی نداشته و زمان درنگ نمی پذیرد بنابراین جامعه بورژوازی و ظلم و نابرابری های اجتماعی بر ای هایش پایدار نیست. معینا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتو بر چرخ عظیم انقلابی در روند تاریخ پدید آورده و پیش بینی های مارکس، انگلس و لنین را کاملاً در زمینه پیروزی و ایجاد جامعه بدون طبقات حقیقت بخشید بر پندارهای واهی ایدئالوگهای بورژوازی که نظام بورژوازی را تغییر ناپذیر و جریانی تاریخی را بر هم و در هم و تصادفی می انگاشتند یکباره خط بطلان کشید.

اهداف انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتو بر: انقلاب کبیر اکتو بر ۱۹۱۷ در اتحاد شوروی دارای هدف کویک و بسته به نیاز مسکونین یک محل و کشور نبوده بلکه دارای اهداف انسانی بوده که هم نا اعمار جامعه بدون طبقات و پیروزی صلح در سراسر جهان بوده و است این اصل از اهداف

انقلاب کبیر اکتو بر ۱۹۱۷ در اتحاد شوروی دارای هدف کویک و بسته به نیاز مسکونین یک محل و کشور نبوده بلکه دارای اهداف انسانی بوده که هم نا اعمار جامعه بدون طبقات و پیروزی صلح در سراسر جهان بوده و است این اصل از اهداف

انقلاب کبیر اکتو بر ۱۹۱۷ در اتحاد شوروی دارای هدف کویک و بسته به نیاز مسکونین یک محل و کشور نبوده بلکه دارای اهداف انسانی بوده که هم نا اعمار جامعه بدون طبقات و پیروزی صلح در سراسر جهان بوده و است این اصل از اهداف

جوالی میایستد ولی چشمپاشی به زمین دوخته است.

سوداگر: مه تره نگفتم که هر وقت همرایت گپ میزنم به چشمپاشی بین چرا طرف مه سبیل نمی کنی؟

جوالی: مه فکر کردم که شرق اونجهس. سوداگر: صبر کو، حالی مه تره شرق نشان میتم، حالی مه تره نشان میتم که چطور به راه راست بری. (تاجر او را به دست افکارش میزند): حالا فهمیدی که شرق کجاس؟

جوالی فریاد میزند: بدست اوگارم نزلین، شماره بخدا بدست اوگارم نزلین. میزند و میبرد:

سوداگر: شرق کجاس؟؟ جوالی: اونجه (به سرشاره میکند).

سوداگر: خوب کاریز ها کجاس؟ جوالی: اوطرف (به سر اشاره میکند).

سوداگر: اوطرف... اما تو خو اوطرف میرفتی.

جوالی: نی صاحب.

سوداگر: خی او طرف که نمی رفتی. پس کجا میرفتی. (او را میزند):

جوالی: از شدت درد فریاد میزند. بلی صاحب.

سوداگر: کاریز ها کجاس؟ جوالی: سکوت میکند.

سوداگر: (ظاهر به محبت و آرامی): تو خو لحظه گفتی که کاریز ها کجاس، بگو کاریز ها کجاس؟

جوالی سکوت میکند. سوداگر: او را میزند و فریاد میکند: می فهمی که کاریز ها کجاس؟

جوالی: بلی صاحب. سوداگر: باز میزند و میبرد: می فهمی که کاریز ها کجاس؟

جوالی: نی صاحب. سوداگر: مه پتک اوتو.

جوالی: پتک آب خود را میدهد. سوداگر: خوب، مه میتانم حالی، ولواکه از تشنگی هم بمیری، بریت هیچ او نم.

اما... گرچه مه راه غلط بردی، باز هم به ای کاره نمیکم. بگیر یک شپ اوبخور و پراه راست برو.

جوالی هنوز کمی آب نخورده که سوداگر پتک آب را از دستش میگیرد و میگوید:

پس است. برو دیگه... (آنها میروند).

سوداگر باخود میگوید: مه اوره نباید به ای سرحد میزنم. اوه... مه کنترل خودم از دست دادم. (آنها میروند).

سوداگر: (بعد از لحظه) اینجه خوب بودیم. اینه چاپ پای ما.

جوالی: فکر میکنم که از همینجه راه ره گم کردیم.

سوداگر: خیمه ره ایستاده کو. پتک او باخالی شده و پتک خود هم هیچ اوندارم.

جوالی به آماده ساختن خیمه میپردازد. (نا تمام)

سوداگر: خیمه ره ایستاده کو. پتک او باخالی شده و پتک خود هم هیچ اوندارم.

جوالی به آماده ساختن خیمه میپردازد. (نا تمام)

سوداگر: ایستاده باش.

و فتنه از دریا ترسید، فتنه که مه ترسیده براند. همرای اینطور آدم که دلش پرازگینه است، چطور میتانم به یک خیمه خوش کنم... او میتانه که ای چیزها ره فراموش کنه... می خواهم بفهمم که او ده مابین خیمه چی میکنه و کشک چی ره مینه؟

سایه جوالی از بیرون دیده میشود که می خواهد بخوابد... لحظه بعد جوالی استراحت میکند (دراز میکشد).

سوداگر: مه خو دیوانه نیستم که همرای او یکجای خوش کنم...

فرای آروز باز هر دو به راه خویش ادامه میدهند، سوداگر که به جوالی اعتماد ندارد از عقب جوالی در حرکت است. آفتاب ظهر دشت، قدرت و توان جوالی را خیلی کاسته است. جوالی میایستد.

سوداگر: برو چرا ایستاده شدی؟ جوالی: سرک اینجه خلاص میشه.

سوداگر: به قهر به طرف جوالی میرود و میگوید: خوب، یعنی چی؟

جوالی: صاحب، اگه مه میزنم، شماره بخدا که ده دست اوگارم نزلین... راه از پیشم گم شده، ازی به بعد مه راه ره بلد نیستم.

سوداگر: اما او شاگرد هونلی خو بری نوره ره نشان داده.

جوالی بلی صاحب. سوداگر: ووقتی که از توپرسان کیم که راه ره بلد شدی گفتی آ... وکلش به قبل مرغ واری شور دادی.

جوالی: بلی صاحب (لحظه سکوت). سوداگر: تو گپ های شاگرد هونلی ره اصلاً نفهمیدی، درست است؟

جوالی: بلی صاحب. سوداگر: خی چرا گفتی که مه راه ره بلد شدم؟

جوالی: مه ترسیدم که اگه میگفتم که راه ره بلد نیستم، مه هم جواب بتین، همینقدر نفهمیدم که شاگرد هونلی گفت ده راه یکدریا میایه و باز کاریز ها...

سوداگر: خوب او کاریز ها کجاس؟ جوالی: نمی فهمم.

سوداگر: برو پیش برو و فکر نکو که مه آدم احق هستم و گپ های تره قبول میکنم... مه خوب می فهمم که توره ره بلد هستی و چندین دفعه ده ای ره آمدی و رفتی...

جوالی: مه ازی به بعد راه ره بلد نیستم. بهتر است که مانتظر دیگر ها باشیم که از پشت ما می آیند.

سوداگر: خو، منتظر باشیم؟ و تو باز تا اووخت استراحت کنی ها، چطور؟

برو پیش برو... (آنها میروند).

سوداگر: کجا میری؟ ای خو بطرف شمال س که تو میری؟ شرق اونجه س.

(جوالی بطرفیکه تاجر میگوید پیش میرود). سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

سوداگر: ایستاده باش.

ثور واکتوبر

باد از جانب کوه آمد
آمد و جامه را هفت را
بوی باروت گران بر میخواست
زود در پرتو خورشید انداخت
بر لبش قصه جنگ
در کش دسته گل موخته داشت
گفت: آنگاه که زمین ملکیت دهقان شد
آتش کینه فروزان گردید
گفت: ارباب
نوکرش
نوکر نوکر ارباب
خشمگین جانب کپسار به راه افتادند

باد گفت:
وزمجویان سپاه مردم
که به پشت دشمن
نام شان با قلم تیره جا میماند
بر فراز سر شان برق سرخ ثور است
و به بازو هاشان
خون پاکیزه «اکتوبر» توان میبخشد
و به هر سنگر پیکار دفاع مین
ارزش خلق دو شعل دارند
یکی از «ثور» و یکی از «اکتوبر»

باد گفت:
به تلاش دل‌دویا
و به آزادی خویشم میروند
که بدان عینانم
آنسوی مرز
دست آلوده چندین دشمن
با یکی وحدت ناپاک
و با نیت شوم
شرم امضای یکی پیمان را
بر جبین میپوشند
هر کجا
آنسوی مرز
در سیه خانه دهقان
و چراگاه بزان شیرین
و به هر ناکستان
آتش جنگ فرو میکارند

باد گفت:
تاتار باغرش برهول بلندگ
راه بردشمن رهزن بسته
لشکر «ثور» به هر یک سنگر
خشم را بازو و سر بشکست

باد گفت:
در همه راه شنیدیم از خلق
جاودان بادا ثور!
جاودان باد «اکتوبر»!

آفرین باد به باد
که چنین مژده جانبخش داد!
کابل ۷ عرق ۱۳۵۸

طلوع مقدس

در دنیا
اگر صدایی
بماند
اگر سرودی
بماند
اگر کلمه‌ی
بماند
صدای انسان،
سرود انسان،
در این کلام است:
عشق من، ای رهایی پرواز از قفس!
آزادی ای طلوع مقدس!



یادی از اکتوبر کبیر

از دوره نخست سر آغاز بردگی
تا اینزمان که عصر رهایی توده هاست
دیدست این جهان
این زال سالخورده
در طول قرن‌ها
در سیر حادثات
پس انقلابها

با کبر و دار غرش و توفان جنگها

آری به هر زمان
هر جا که غول وحشی استمگر پلید
بر خلق بینوا
بیداد کرده است

آخر بکیفرش

جوشیده خون خلق
عصیانها با شد بر ضد این و آن
واژون گشته کاخ ستم با ستمگران

اما ...

اماندیده تابه کنون چشم روزگار
آنان که در زمان «لنین»
خلق دلچیز
دهقان و کارگر
بر رهبری حزب جهانساز بلشویک
در آخر بن قیام خود از خشم انتقام

توفان سیل خلق
مواج و بر خروش
لرزاند دشمنان سیه کار توده ر
شد واژگون نظام ستم، آن نظام شوم
ویران گشت کاخ خدا یان زود و زر
پیروز گشت جنبش پیکار کارگر
بر بار اولین
در کره زمین
نابود گشت دشمن بد خواه توده ها
تزار خونخوار
با جمله خائنین
بهر ابد ز صحنه تاریخ محو گشت

بر جان آن بنای خرافی ارتجاع
اعمار شد کاخ نوین امید ها
کاخ شکوه خلق
ایجاد شد نظام نوین برابری
بر پایه تعاون و عدل و برابری

در یاد آنزمان
از مادرود باد به آن «خلق قهرمان»
و ز مادرود باد به آن «پیشوای خلق»
بر «لنین کبیر»
آموزگار و هم‌ره و هم‌زم کارگر
هم‌درد و هم‌نبرد و هم‌آهنگ دهقان
آن بهترین رفیق گروه ستمکشان
آرزومند

به

سور خلقی بیرغ

پیشوای

انقلاب

کبیر

اکتوبر

لنین آورده پیغام بهاران
به خاک افکند او کاخ تزاران
به آیین عدالت روی گشوده
یکی را کشته از بهر هزاران

غلاب نیز بین ولادیمیر است
کمی او سربازان که سخت گیر است
سریر سروری او را مسلم
که بتک فرق سلطان و امیر است

تزاران را ز پا لنین بر افکند
اهو را شد رها و دیو در بند
چپانی آفرید او شد دمانه
چکش را داده او با داس پیوند

لنین با عزم و با نیروی ایمان
ستم را ریخته کن کرده زبنیان
ره روشن گزید و راه پیمود
رفیق کارگر شد بار دهقان

م. عاقل بیرنگ کو هدامی

مرگ

من اگر روزی مریم
با میثاقم خاکم کنید
وزیرش

من اگر روزی مریم
میان درختان نارنج
وبوته های پونه

من اگر روزی مریم
و اگر خواستید خاکم کنید
مرا در درختی افراشته ببچید

من اگر روزی مریم
فدیکو کارسیالورکا

دغه سور بیرغ چه گوری
داد لوی افغان غیرت دی
دایه ویتو گپل شو دی
دشپید دبا کی وینسی

دغه تپه د عزت ده چه خلقیان پری ویا ییدی
نمو نه د شرافت ده چه خلقیان پری نا زیدی لی
داد خلقو لوی قدرت دی
دبا با لویه سینه کنسی
سلیمان دمو دو ورو سته
به شرور با ندی ولادی

داسمبول دآزادی دی افغانان پری را بول شوی
دغه تپه د عزت ده چه خلقیان پری نا زیدی لی
دی کنسی ستوری داقبال شته
دی کی ژوند دکار گر دی
دغمو وری گورو ره
دی کی خلق را بول شوی

هسک ریبیری هسک ولا دی د شهنشانی شرمیدی
دغه تپه د عزت ده چه خلقیان پری ویا ییدی لی
دا قدرت دی دیو زلو
دا قوت د قوی مته
دعمرونو زور ید لسی
اخوانیان او د شهنشانی به

دامو ژوند دامو آبروده دشمنان پری دردیدی
نمونه دشرافت ده چه خلقیان پری نا زیدی لی

جگون رحمن الدین (اکبری)



در قلب دشمن

نیشتر گردی

سواد آموز جانم ! نا تو هم صاحب نظر گردی
برای خویش و خلق خویش نور بصیر گردی
اگر خواهی شوی فارغ ز قدیم ترین دنیا
توجه کن به آموزش که تا روزی نرسیده
بهر و قشکه گیری دامن دانش مده از کف
ترا منزل رسا ندگر تو دا به هم سفر گردی
چراغ معرفت آنگه تو چشمت میکنند روشن
که آموزی سواد از حال یک دیگر خبر گردی
نکردند برده تاریک دور از پیش چشمات
برای اینکه در بحر تغافل غوطه ور گردی

شده فرصت میسر راه دانش را بذر آسود
که تا در زندگانی واقف از هر خبر و سر گردی
ز تاریخ درخشان لیاکان درس ها آموز
تو گر آئی بخود در قلب دشمن نیشتر گردی
بنازد هاشمی دست رسایی را که از گرداب
نجات داد کر نیروی وحدت بهرور گردی

آقا میر محمد کاظم هاشمی

دهقان

باغ هستی خرم و سرسبز چون بستان نبود
گر تلاش صبح و شام فعله و دهقان نبود
جمع ما آشفته و درهم چو زلف یار نبود
کار ما گریایه اش بر وحدت و ایمان نبود
دهقان چون برده روز و شب اسیر رنج کار
با چنین رنجی ورا سهمی ز گنج خان نبود
کارگر جان میکند در کارگاه و مزد نیست
دهقان را با همه زحمت به اربابان نبود

کار فرما ، کارگر را بنده پندارد ولی
اجرایی این بنده : را از آنپه فرمان نبود
نان به نرخ جان بدست آرند خیل رنجیر
اینچنین نانی بدست آورد نش آسان نبود
گر کسی دم زد ظلم کار فرما ، پاکه خان
دافرس او را بجز تبعید یا زندان نبود
بشت دهقان زخمیدار از ضربۀ شلاق خان
این چنین مزدی سزای زارع افغان نبود
طفل دهقان در غم نان دیده اش گریان جوار
بزم خان را جز شراب و سرۀ بریان نبود
این چنین ظلمی خداوند جهان کسی آفرید ؟
این مستکاری عنایت در کف بسزدان نبود
آنکه گفت : عزت و ذلت از او بر ما رسد
آن بلید زشت طینت پیرو قرآن نبود
قدرت سرما به این بنیاد را بر بنا نهاد
گرچه بنیادش بدوران سخت و جاویدان نبود
دهقان زنجیر محنت را ز دست و پا گشود
این چنین کاری ز دهقان قابل کتمان نبود
اوبه آزادی رسید و من به آبادی رسیم
گرچه شهر عزم من هم آنچنان ویران نبود
جان من بسا نثار دهقان و همتش
غیر از او «پرو» را در زندگی جانان نبود
«پرو»

هیچکس

هیچکس جز تو نخواهد دید ،
که چگونه در میان صخره های سرخ قلم ،
یک درخت عشق می روید ،
و فراز شاخه های رنگداری درخت عشق ،
هیچکس جز تو نخواهد دید ،
که چگونه نور می درخشد ،

هیچکس جز تو نخواهد دید ،
که چگونه در نگاه نشسته ام خورشید می روید ،
هیچکس جز تو نخواهد دید ،

دنیای اطفال

اطفال و سوء تغذی

گراف و احصایه هائیکه در دست است سوء تغذی بعد از افتانات تنفسی و عضمی رقم عمده وفيات در اطفال میباشد . از آنجا نیکه اطفال از تگناه هستی مادی و معنوی يك جا معمه مهمترین قسمت آن محسوب می شود ، قدرت و نیروی آینده جامعه و کشور را تشکیل میدهند رول ارتقا و تکامل جوامع بشبری را ایشان ایفا نموده و این موجودات با ارزش جامعه در سیر نشو و نمای جسمی و روحی خود با انواع خطرات و واقعات ناگوار مواجه می

باشند جهت رشد سالم ، تربیه درست و مصوویت از هر نوع افات و امراض جسمی ، دماغی و روحی خود به تشریک مساعی و جهد پیگیر . موسسات و ارگانهای مختلف اجتماع ضرورت دارند . قبل از انقلاب ثور به حال اطفال زحمتکشان که اکثریت جامعه مارا تشکیل میدهند از طرف حکومت های پوسیده فیو دالی و مستبد گذشته کمتر ین توجه بعمل نیامده و اطفال دستخوش انواع بیماریها گر سنگی و بیسواد دی بودند . دایر نمودن سیمینار های علمی و

معلوماتی از طرف مقامات بصلاحیت جهت حل پرابلم های فقدان و فقر غذائی ، در امان نگه داشتن اطفال از شر آفات و بیماری های گوناگون و قابل وقایه بی معلوماتی در باره رشد و نمو سالم اطفال و فراهم آوردن امکانات خیلی علمی و تربیتی در بوجود آوردن يك نسل سالم و نیرومند ، شجاع و رزمنده و وطنپرست در خور اهمیت زیاد است .

سیمینار تغذی و تربیه طفل

بمناسبت سال بین المللی طفل از طرف سکرتریت سال جهانی طفل بهمکاری موسسه صحت طفل موسسات ذی علاقه و مساعیست

اداره یو نسف در کابل چندی قبل دایر گردید که در بلند بردن سویه مشمولین این سیمینار نهایت مفید واقع شد .

ما پیرامون این سیمینار مصاحبه ای با دو کتور سو نا رام رئیس موسسه صحت طفل و سکرتر سکرتریت سال بین المللی طفل بعمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد :

سروی کدام منظور سیمینار تغذی و تربیه طفل افتتاح شد ؟

چون اطفال قشر مهم جامعه میباشد و قبل از انقلاب ثور در قسمت آنها توجه ای نشده بود این نونهالان ما دچار انواع و اقسام بیماریها می گردیدند . و نظر به احصایه هائیکه در دست است سوء تغذی بیشتر سبب مرگ کودکان ایکه در فقر زندگی می کنند می گردد .

سیمینار تغذی و تربیه طفل را بمنظور شروع مجادله به این آفت و متوجه ساختن والدین افتتاح و دایر نمودیم ، در سیمینار متذکره معلمین مکاتب ابتدائی ، معلمین کود کستانها ، بعضی از والدین و منسو بین وزار تخانه ها اشتراك نموده بودند که تعداد شان به دو صد و هشتاد و هفت نفر می رسید - تدویر چنین سیمینار ها تاچه حد مفید بوده و آیا قبلا نظیر این سیمینار ، سیمیناری دایر گردیده یا خیر ؟

البته که تدویر چنین سیمینار ها نهایت مفید و موثر می باشد و اشتراك کنندگان بصورت درست گردند ، تا حال گرچه چندین سیمینار تغذی اطفال دایر گردیده مگر چنین سیمیناری بر گزار نگردیده است که این تعداد اشتراك کننده داشته باشد .

از دو کتور سو نا رام خواستم تا نتایج این سیمینار را برای ما توضیح کنند .

گفت : نتایج سیمینار را که حاوی مقالات و مطالب نهایت مفید و دلچسپ بود طور آتی خلاصه میکنم :

پرابلم ها و مشکلات فعلی ایکه اطفال ما به آن مواجه اند :

۱- فقر غذائی یکی از عوامل



سوء تغذی در اطفال سبب لاغری زیاد و امراض گوناگون می گردد.



عمده بیمار یهای اثرات سوء تغذی و وفیات اطفال در افغانستان محسوب می شود ، فقر نه تنها مقاومت اطفال را در مقابل امراض انتانی پایین می آورد بلکه تأثیر مستقیم در نشو و نما ی فیزیکی و حتی رشد دماغی و روحی آنها دارد که در عقب ماندگی استعداد ها ، قدرت و نیروی تولیدی آینده اطفال تأثیر نا مطلوب و سوء دارد .

قابل تذکر است که يك سوم تمام اطفال لیكه زنده بدنی می آیند در اثر فقر غذائی و امراض ناشی از آن قبل از آنكه به سن پنج سالگی برسند نیست می شوند .

۲- امراض انتانی و از آنجمله اسهالات ، پیچشها ، انتانات طرق تنفسی ، توبرکلوز و امراض پرازیتی یا طفیلی عمده ترین اسباب وفیات اطفال را تشکیل میدهد . که اطفال دارای سن قبل از رفتن به مکتب در کشور ما بیشتر قربانی این مرض می شوند .

۳- پائین بودن سطح حفظ الصحه محیطی و عدم توجه جدی فامیل ها به صحت جسمی و روحی اطفال زحمتکشان این سر زمین که ناشی از شرایط ناگوار اقتصادی و اجتماعی ، مشکلات فامیلی ، رسوم و عادات خرافاتی و عدم داشتن معلومات کافی در مورد استعمال درست مواد غذائی که همه آنها میراث عقب نگه داشتن جامعه ما توسط حکومت استبدادی و طفیلی و فساد گذشته اند .

۴- توزیع غیر متوازن خدمات صحتی ، تعلیم و تربیه و غیره بین مناطق شهری و روستائی و عدم موجودیت پرسونل کافی درین ساحت .

۵- جهت حل مشکلات فوق درین سیمینار چه توصیه های داده شده؟ وی در ادامه صحبت خود گفت : توصیه هائیکه در سیمینار تغذی و تربیه طفل جهت حل مشکلات فوق داده شده قرار ذیل می باشد : اول در ساحت خدمات معالجوی : ۱- بسط و گسترش هر چه بیشتر مراکز معالجوی طبیبی در فواصل نزدیک مخصوصاً در روستا ها جهت بررسی و حل پرابلم های معالجوی اطفال .

۲- توسعه ، تقویه و از دیاد مراکز رفاه و حمایه طفل و مادر

در سراسر کشور تا درین زمینه از روز های نخستین حیات داخل رحم طفل ، بوی توجه جدی مبذول شده باشد .

دوم اقدامات اصلاحی ضروری : ۱- در نصاب تعلیمی مکاتب و از طریق تعلیمات سمعی و بصری جدا گانه در باره بیا لوزی انسان ، علم غذائی ، حفظ الصحه محیطی ، مضرات دخانیات و مواد نشه آور (چرس ، تریاک ، هروئین ، الکول و غیره) با در نظر داشت سطح دانش کلتور ، فهم و عادات اجتماعی هر منطقه ارائه معلومات کافی .

۲- برای نشو و نما ی سالم طفل تغذی با شیر مادر يك اصل انکار نا پذیر ، حتمی است تمام سعی

و کوشش در جهت تنویر و تشویق تمام مادران به پیروی ازین اصل بعمل آید ، توصیه های تغذی طفل با شیر مادر چه از راه تعلیمات صحتی و چه از طریق نشرات رادیو ، تلویزیون ، روزنامه ها ، جراید و مجلات مفید است .

در توريد انواع شیر های بودری و چو شکها تجدید نظر بعمل آید و اشتها رات تجارتي نا مطلوب درین زمینه منع قرار داده شود .

۳- مواد غذایی که همراه با شیر مادر ضرورتاً عوض آن به طفل داده می شود نوع و طرز تهیه آن تعلیم داده شود و کوشش بعمل آید تا از مواد غذائی محلی وارزان

قیمت شکر غنی از مواد ضروری که در هر منطقه و محل کشور در دسترس باشد استفاده بعمل آید . ۴- بسط و از دیاد تعداد شیر خوار گاه ها و کو دکستان ها و توزیع رایگان يك وقت غذا در تمام کو دکستان ها و در صورت امکان برای صنوف اول و دوم ابتدائی همچنان در صورت امکانات مالی از بین بردن فیس و اجرت کو دکستان ها .

۵- بسط و توسعه مراکز رهنمائی خانواده ها و توزیع بعضی مواد غذائی مخصوصاً شیر بودری به فامیل هائیکه اطفال کمتر از سن پنجساله دارند .

بقیه در صفحه ۴۳

داکتو بر ستر سو سیالستی انقلاب

دوه شپيته کاله دمخه دشو روی اتحاد خلک په دی بریالی شول چی داکتو بر ستر سو سیالستی انقلاب سر ته ور سوی .

دایو منل شوی حقیقت دی چی کارگری انقلاب دکار گرا نو دطبقاتی مبارزی تر ټولو لوړ پړاو دی. کارگری انقلاب دټولو پخوا نیو انقلابو نو څخه په خپلو څو مهمو خصوصیاتو سره تو پیر لری . ددغو خصوصیاتو تو تر ټولو مهم خصوصیت دادی چی که ټولو تیرو انقلابو نو داستثمار دیوه شکل په خای داستثمار بل شکل ته خای پرېښوده ، کارگری انقلاب له سړی څخه دسړی بله واسطه پر استثمار ولاړ نظام له منځه وړی او په نتیجه کی دطبقاتود پیڅی له منځه وړلو سبب کیږی . د کارگری طبقی د گوند په لارښوونه کارگری انقلاب دبی عدالتی اوستم دټولو دو لو نو له مظا هرو څخه دټولنی دآزادی په معنی دی ، دانسانانو تر منځ درښتینی ورو ری او برابری ددوران پیل دی .

داکتو بر ستر سو سیالستی انقلاب چی په رو سیه کی د(بلشوویک) دگوند په لارښوونه منځ ته راغی دکلمی په رښتینی معنی سره یو اصیل کارگری انقلاب ؤ . داکتو بر انقلاب ددو لت واکی دخلکو په لاس کی ور کړی ، زیار ایستو نکو ته یی له استثمار څخه نجات ورکړ او دهیواد ټولی طبیعی زیر می ، ټولی تو لیدی مو سسی ، بانکو ته او د اوسپنی لاری یسی دوی ته وسپار لی . ځمکه یی په مجانی ډول سره بز گرا نو ته ورکړ او ملی ستم یی چی دروسی له نیمايي څخه زیات خلک رنځول له منځه یو وړ ، او هیواد ته یی له امپریالیستی جنگ (لومړنی نړیوال جنگ) څخه نجات ورکړ . چی ترازوی دولت دغه هیواد دخلکو دغو ښتنو په خلاف جنگ ته ور کش کړی ؤ .

دټور دپر تمین انقلاب زړ و ز او قهرمان قوماندان ، دافغانستان دخلکو ددمو کرا تیک گوند دمر کزی کمیټی عمو می منشی دانقلابی شورار رئیس او لومړی وزیر حفیظ الله امین په خپل نامتو اثر

(دټور انقلاب تیوری) کی داکتو بر ستر سو سیالستی انقلاب اهمیت په باره کی داسی لیکي :

«دټوری په تاریخ کی راز راز پیښی شویدی . چی دټو لنیزی پر مختیا دلاری دپړ اوونوخر گندی ښی بلل کیږی او د هغو اهمیت دهغی اغیزی له وسعت سره برا بر دی چی د بشری ټولنی په مادی او معنوی ژوند کی یی کوی . په هره اندازه چی دهغو داغیزی ساحه پراخه وی د بشریت پا منر نه زیاتنه ځان ته اړوی . دبشری تمدن په سر نوشت کی ددغو پیښو داغیزی له پلوه هیڅ یوه یی داکتو بر له ستر انقلاب سره دمقایسی وړ نه ده . پرو لټری انقلاب لومړنی مشر ستر لنین داکتو بر ستر انقلاب په بری پسی ویل ، په دی ورځو کی دبشری ټولنی تاریخ خپلی ډیری لوی او ډیری سختی څرخیدنی سر ته رسوی . دغه څرخیدنی بی پایانه اهمیت او له یوی زری مبالغی پر ته ویلی شم تاریخ نیوال اهمیت لری .

« دامر یکا دمتحده اضلاعو انقلابی متر قی لیکوال جان ریډ ویل ، داکتو بر لسو ورځو نړی ولې زو له ، نن په تاریخ کی دغه ثبت شوی ویناوی خپل حقا نیست زیات څرگند وی . داکتو بر ستر انقلاب دعلمی سو سیالیزم تیوری پر تمین بر یالیتوب و چی هغه دژور درک ، فهم او هر اړخیز تحلیل په نتیجه کی دشو روی اتحاد دکمو نست گوند په برخه شو . دبلشوویکا نو گوند وکو لای شول چی دکارگری طبقی دوران جوړوونکی تیوری دروسی په لانجمنو او پیچلیو شرا یطو کی تطبیق کړی . هغوی وکو لای شول چی ددغی انقلابی تیوری په پیروی دروسی داستثمار گرانو او ستمگرا نو نظام را نسکور کړی او د لومړی ځل دپاره په نړی کی دپرو لتاریا خورا بریالی نظام ټینګ او داستثمار گرو ستمگرا نو له منځه څخه دټول بشریت دخلاصوون لاره پرا نیزی ... »

په روسیه کی داکتو بر ستر

سو سیالستی انقلاب بر یالیتوب اود خار چی پر غلکرو دتیری او تجاوز په مقابل کی چی دانقلاب په ضدرا ولاړ شوی وو ، دشو روی حکومت ټول ورو سستی بریا لیتو . یو نه او دسولی په لاره کی دشو روی اتحاد دخلا نده دریځ ، داکتو بر ستر انقلاب دلار ښو دله نامسه سره شلیدونکی او یکی لری ځکه چی داکتو بر دانقلاب ستر لارښود په تل ویل :

دجنگو نوختمول ، دملټو نویه منځ کی سو له منځته راوړل ، دژور او تالان پای ته رسول زمونځ خاص آرمان دی ...

شوروی دولت ته له تزار یزم څخه یو داسی هیواد په میراث پاتی شو چی داقتصادی رشد بله لحاظ په خورا ټیټه سطح کی واقع و . اوه کاله جنگ ، بله لومړی سر کی امپریالیستی جنگ او وروسته بیا دا خلی جنگ چی دانقلاب دښمنانو له خوا پیل شوی ؤ دشو روی هیواد اقتصاد دی سطح یی دو مره را ټیټه کړی وه چی دانقلاب څخه دپخوا شاخص په نسبت یی هم تو پیر در لود . د شوروی اتحاد ځوان حکومت د خپل موجودیت له همغو لومړنیو ورځو څخه دټولنی دیبا جوړولو په کار پیل وکړ .

داکتو بر دانقلاب ستر لار ښو د خپل ډولو لوډک ژوند او ټول فعا لیتو نه دزیار ایستو نکود سعادت او گټو په خاطر ، مبارزی ته وقف کړی و .

دټولید په وسایلو باندی دخصو صی مالکیت لغوه کول ، دټو لسو صنعتی امتیا زاتو لغوه کول ، اتو سا غټو نو ته دکار را ښکته کول ، دنارینه وو او ښځو دحقو قو برا برتیا ، په ښوونو او روزنه کی ددموکرا تیک رفورم منځ ته را وړل ، دپوهنی دودی په تالار کی زیار او هڅه ، دنوی او متر قی هنر پراختیا اود ملی هو سیا ښی منځ ته راوړل ، هغه ټول مسا یل وو چی دشو روی ځوان حکومت دهغوی دخل کولو له پاره په فعا لیت پیل وکړ .

دشورا گانو ځوان جمهوریت

خپل ټول خلاق او ایجاد کوونکی قوت داقتصادی وروسته پاتسې والی ، دمرضو نو دله منځه وړلو او دغښتلیو کدرو نو دکمبود دپوره کولو له پاره په کار واچاوه . چی دشو را گانو دهیواد څیره دسو سیالیزم له جوړولو وروسته داسی بدله شوه چی چایی تصور هم نه شو کولی ، هیواد له یوه وروسته پاتې حالت چی له څلورو بر څو

څخه یی دری بر څی او سیدونکی دسوا دله نعمت څخه محروم و وړد شما لی سیمو ، سا پیریا اود منځنی آسیا ځینی بر څو یی حتی القبا هم نه درلودل په یو مقتدر صنعتی او زراعتی دولت چی دلور او عالی فرهنگ څښتن دی بدل شو او بیسوا دی یی پیڅی له منځه یو وړه . دشو روی اتحاد خلکو د علمی سو سیالیزم دارمانو نو په رڼا کی وکولی شول چی په ډیره لږه موده کی داسی ستر بریا لیتو بونه لاس ته راوړی چی نړی ور ته حیرانه شی . په شو روی اتحاد کی دسو سیالیزم دجوړولو تجرب بله دا ثابتوی چی آزاد شوی خلک یوازی دټولنی په اجتماعی او اقتصاد دی سا ختمان کی دجدی تحولاتو په اجرا اود یو غښتلی ملی اقتصاد په جوړولو سره کولی شی چی خپل واقعی استقلال تامین کړی . داکتو بر ستر انقلاب دخلکو قوت دنوی ټولنی دجوړولو بله

لور را وگرځاوه چی په هغی کی لکه څنګه چی دشوراگانودحکومت مو سس اود اکتو بر دانقلاب لارښود ویلی وو : «چی نه د امتیا ز له پاره خای شته او نه دی انسان له خوا په بل انسان باندی دستم له پاره خای شته ... »

لنډه دا چی دشو روی اتحاد دخلکو دټولو تر قیو او پر مختگونو او دهغوی دسو سیالستی ژوندانه رینیسی د۱۹۱۷ کال داکتو بر له انقلاب څخه او په خوری . هر څه له هغه ځایه پیل کیږی . اقتصاد ، فرهنگ ، دسو سیالیزم معنوی ارزښتو نه اود انسان نوی څیره داکتو بر ستر انقلاب دپر کت مرون دی .



فادیژ داتینا نکو محصل شو روی بایکی از محصلین پیرو .

اگر محصلی در مدت یکسال در کورس مقدما تی آما دگی کا فی گرفته نمی تواند او اجازه دارد تا مدتی که بتواند از عهده رشته انتخابی بدر آید در کورس مقدماتی بدورس خوشی ادامه داده میتواند .

محصلین کورس های زیاده ی خرج میدهند و در فرا گیری دروس زحمات زیاده را متقبل میشوند .

آنها سا ختمان آخرین نوع ما شین آلات، ما یکر سکوپ الکترو نیکو استفاده از اشعه لایزر و غیره را می آموزند .

دو کتوران جوان انا تو می، فر-

یو لوژی، درما نشناسی و تمام موضوعات پیچیده طبی را که در لابرا توار های پوهنتون و شفا-

خانهای مسکو مهیا دیده شده است مطالعه و تحقیق میکنند . محصلین تحت نظر استادان مجرب و ورزیده در لابرا توار و کتا بخانه ها و کارهای عملی و نظری انجام میدهند .

محصلین میتوانند بصورت داو طلبانه اساتید هنر های زیبا را بخوانند و در مباهات تاریخ تیا تر، موسیقی و نقاشی شرکت کنند همچنان این پوهنتون دارای یک تالار شعرو قصه خوانی بنام (قوس قزح) و یک ورکشاپ برای ژورنالستان دارد سپورت و تربیت بدنی از جمله مضامین اجباری این پوهنتون میباشد .

زندگی این محصلین (گرد هم آیی بین المللی محصلین) متکی بر اصل دموکراسی و دوستی طرفین میباشد . اشتراک محصلین در جلسات و مباهات از طرف اتحادیه



یکی از محصلین هندی در صنف جیالو جی در حال مطالعه اساتید کیمیاوی فزیک .

بین المللی دوستی محصلین تنظیم میگردد .

شورای محصلین به همکاری استادان مباهات علمی روی پر ابام های اجتماعی دایر و زمینه ملاقات هارا با ساینست های معروف ، نویسندگان ، شعراء و هنرمندان و آرتیست هامهیا میسازد محصلین جدیدالشمول پوهنتون را با کورس اجباری مقدما تی که مدت یکسال رادر بر میگیرد آغاز مینمایند . محصلین رشته ای را که در پوهنتون تعقیب خواهند نمود در سال اول به صورت عمومی خوانده و در طول این مدت لسان روسی را نیز می آموزند .

پوهنتون

دوستی خلق

این پوهنتون به اساس تصمیم دولت شوروی تأسیس گردید که از تأسیس آن به مقایسه سایر پوهنتون های اتحاد شوروی وقت کمی نمیکرد . زیاده از شش هزار متعلمین و فارغ التحصیلان مکاتب از صد مملکت مختلف جهان درشش پوهنخی مختلف این پوهنتون در رشته های انجینیری، فزیک، ریاضیات، علوم طبیعی، طب، زراعت، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، تاریخ و زبان شناسی مصروف تحصیل میباشد .

محصلین این پوهنتون نظر به احتیاج و نیاز مندی های مملکت خود در رشته طرف ضرورت مشغول تحصیل اند .

فارغان پوهنتون دوستی در ختم سال تحصیلی دیپلوم دریافت میکنند که مساوی به دیپلوم های سایر مؤسسات عالی تعلیمی اتحاد شوروی ارزش و اعتبار دارد .

اعضای تدریسی پوهنتون اعم از پرو فیسوران، استادان و لکچرر دهندگان به دوازده صد میرسد که شامل معروفترین ساینست ها میشود .

همچنان هریک از استادان از



لیف بلیا کوف اسیستانت پرو فیسور در حالت توضیحات در مورد جغرافیای عمومی .

لغوي پيژوندی دی

ژان لافایت

(تیرپس)

فرانسوا د هغو سگرتو په بدل کې چې موږ ورته ورکړی و، دوه خوراګه اخیستې تر- لاسه کړې دي، ژوول هم یو خوراګه اخیستې ته راوړې دي. له بلې خوا نه زموږ نور ملګري هم خبرې ښه کارونه سرته رسولې دي. په تېره بیا دومره بده ورځ نه وه. ژوند ادامه لري. وګورئ چې سبا کوم شی زموږ انتظار با سي.

د موټېزون نه ماتیدونکي تیري:

آین، زوه ی، دوه ی، و پر ... (آلماني کلمې یعنې یو، دوه، درې، څلور ... موټون... آب. (آلماني کلمې یعنې خولې وېاسي) په پنځه کمیزو ډلو کې او بداسې حال کې چې خپلې خولې موبه لاس کې اخیستې دي اولاسو ته مو په دواړوخوا و ګي ځوږ لږ نیولې له یوې دروازی څخه تیرېږو. ددغه وخت احساس مو هېڅکله نه هیر یږي. د شنه سپار په هوا کې په زرګونو بندیان دارد و ګا. څخه دکار ځایونو ځوانه روان دي.

د تیري نه جوړ شوی دروازی لاندی دیولوی ساعت په څنګ کې چې پنځه نیمې بجې نیسي یو میزا ښودل شوی. اس-اس د هرو ملو- کمو د تیریلونه وروسته یو ټکی پر کاغذ ږدي. د ځوان اس-اسونو په منځ کې چې ځلانده بوټو نه یې په پټو کې دي یو ستر متصدار ولاړ دی او موږ ته په ډیر غرور سره ګوري، دغه متصدار دارد و ګا. رئیس دی.

هغه ساتونکي چې دده شاوخوا نه دریدلي دي دهغو کسانو څارنه کوي چې پټي یې غلطې شي او یا د لیک څخه بهر ووځي. په هر حال کې د سوکا نو اولفتو گذارونه پر لیک باندې جاری دي. یو نور بیرغ د جمجمې د علامت سره د دروازی په سر کې ږیږي.

کله چې د دروازی څخه تیریدو، با ید داس-اس د ساتو ټکو ددو صفو تو له منځ نه چې د دیواله په شان ولاړ دي تیرشو.

دوه سوه پنځوس یا درې سوه تنه وسله وال میراد ورته (دڅارنې برجو نه) ډیر ته ستنیدو انتظار باسي.

دغه قوي نمایش ددی لپاره ده چې بندیان خپله روحیه له لاسه ورکړي. موږ ښه پوهیږو چې دغه ساتونکي هر یو ستر جنايتکاران دي او هغه سبي چې څنځیرونه یې په لاس کې لري دانسا نا نو د څیړو لپاره ساتل شوي دي.

مو ټرن ... اف (خولي برسر)

په بدل کې ډوډی واخلي، موږ ګورو چې هغه دیوه قطي سگرت په بدل کې یواځې یوه ټوټه توره ډوډی اخلي.

(فرانسوا) (اندره) ته ګوري او وایي: سگرت دی یا پللی دی، دیو ی ټوټی توري ډوډی په بدل کې دی یو قطي سگرت ورکړ. یو نفر روس زما لستو کې کټ کاږي او یو پاکت پوره راته ښیې ښایي چې پنځه قا شو نه پوره ولري.

(دیه سیات پاپیر وس) رو سی کلمه یعنې (لس داني سگرت)

(فرانسوا) ډوډی پاکت په لاس تلې خپله ګوري ته پاکت کې ښه باسي او ددی لپاره چې ډوډی له شته والي څخه ډاډه شي خپله ګوري ته په خوله کې ښه باسي او هغه څپي وروسته بیا ځواب ورکوي.

لفف؟ (آلماني کلمه یعنې پنځه) پلورونکي په ډیر ځپګان سره له موږ نه لږي کیږي او کله چې ګوري چې موږ هم خپل شاورته مړ ځوږیږته را مگرځي. شش. (شیر)

فرانسوا له داسې ښې سره چې ښکاره کوي چې دا یې وروستی خبره ده وایي. لفف آوند هاب ریګا رتن (آلماني کلمې یعنې پنځیم داني سگرت).

معامله پای ته رسیدلې ده. زه خپل سگرتو ته ورکوم، غواړم چې یو سگرت فرانسوا ته هم ورکړم خو هغه یې نه مني. په ظاهره توګه هماغه نیمایي سگرت چې را پاتې ده هغه ته کافي ده. په خو شجالي سره را ته وایي:

ښه معامله دی وکړه پوره ډیره لږه پیدا کیږي.

خو داراته ووايه چې دا پوره له کومه تر- لاسه کړي ده.

زه پدی نه پوهیږم. دلته داسې کارو ټوټه (ارګا نیژ اسیمون ټول کیږي) با ید اقرار وکړو چې روسان پداسې کارو لاسو کې نځه دي. له همدغونه یو تن چې زما ځو لي یې غلاکړی وه دیوه ګاسه آس په بدل کې یې بیرته را کړه.

زموږ څلور کمیزه ډله اندره، شار لو، ریموند. او زه کله چې بلوګ ته بیرته را ستنیږو هغه منځ موچي لاس ته راوړي پرته نیزو، درې ټوټی ډوډی، پوره لږ څه غوډی یو دانه پیاز او ددغو شیانو په بدل کې مو خپل دسگر ټوټیما یې برخه شتمنی له لاسه ورکړي. او بر سیره پر دی پس له دی نه نشو کولای چې دبلوګ نه بهرله چا سره اړیکې ټینګې کړو ځکه چې زموږ اړیکې د بهر سره یخې غو ځي شوي دي.

اوس هغې زینې کې یوچې دځاه لاند نیسې برخې ته رسیدلې وې. پټې دیند یا لږه پای ته نه رسیدونکي لیکلاروان دي، بندیان لکه اتو ما ټیکو ما شینو نو غوندې له دغه دتیر و نه جوړ شوي و داني څخه ښکته کیږي، داسې یوه منظره چې په عین حال کې ستره ده دویری نه ګرځي همدغه تقریبا دژینو په وروستیو پټو کې ژول راته وایي:

آه! (مترو پولیس) فیلم لید لی دی؟ نه!

په دغه فلم کې یې ما شینې انسا ښودل ماهم ددغو ۱۸۶ پټه ایږي زینې څخه دښکته کیدلو په وخت کې دهغه غو انسا نا توبه شا وخوا کې فکر کاوه.

اوس د محو ملي په لاند یې برخه کې یو، بندیان په چپه خو له یو په بل پسې دریږي. د حاضرې وخت دی. یواځې د (او بر-کاپو) وچ فرما نو ته د چا پیر یا لږه پټیا له منځه وړي (او بر-کاپو) دکا پود مشر نوم دی. هغه هم دیند یا نو له منځ نه انتخابیږي پدغه وخت کې (زا ریمبا) هغه کارسرتو رساوه چې دهغه دجنایا تو په شمیر هیڅوک نه پوهیده او یو ځل بیا چو په چو پټیا ده زموږ په گرد چاپیر کس یواځې د تیر و دیوالونه دي. ددغې محو ملي په منځ کې درې سترې ځاګانې کیندل شوي چې نه هغو کې ډېر وړی او سترې ټوټې اچول شوي دي. د آسمان د لید و لپاره باید سرو نه پورته ونیسو، دهغه ښار اوسیدونکو ته ورته یو چې په ناڅاپي توګه د یو یو زلزلې له کبله په مخکې ننوتلي وی د نبات او حیوان هڅ ښه ښانه نښته، طبیعت دمړي ښه لري. داد (موټېزون) کار- ګاه ده.

(کومانډ و نو هر) (پر ټوله کار ګاه باندې څارو ټکی اس-اس) او په هغه پټی (او بر-کاپو) پداسې حال چې خپله خو لسي یې د پلان په درز کې نیولې، روان دی او د لیکو په وړاندې تیر یږي. دڅلو ښځل لپاره موږ شمیر ی ورو مني فرمان اوریدل کیږي:

(ار بیس کو مانډو) (به کومانډ و کسې دکاریل)

بندیان په کار ځایونو کې سره ټو لږي ځه با ید و کړو؟ چیر ته با ید لار شو، له لیکه به څه (فرانسوا) له موږ سره دي. په هغه پسې روانیږو او دهغه په کومانډو کې ځای نیسو. بیا هم حاضرې یو ځل بیا موږ شمیر ی. یو کاپو زموږ د نمر و یاد داشت نیسي او هر څوک خپل کار پسې ځي، فرانسوا هم با ید خپل کار پسې لار شي اود (مته کار) په ټوله کس کارو کسې پدغه وخت کې ما شینو نه په کار لویږي او بندیان په کار پیل کوي. دتیرو دماټیډونه ځاوري او ډوډی پورته کیږي. زموږ په سر پوړی، په ډیرش سریزه و آښکې، متحرک هوايي پلو ته او دتیري چلو لږو واګونونه له څاڅه پورته کیږي.

اوس با ید دسپار شپږ بجې وی. موږ له اکثریتو بندیانو سره دپنډیا نو (جوالیان) په خبر کار کوو. پخپلو لاسو کې تیري وړو. دکمبرسورونو، کومو تیفونواو واګونو نو ټولون

غرونه چي دپتلي پرمخ ښووليزي د (کاپو) غرونه نه چي ناري و هي يو کون کون و نکري مېنونه يې منځ ته راوړي دي او ددي لپاره چي به دري قدمي واټن کي يو د بسل غرونه و او يو يا بد چيغي ووهو. فرانسوا چي د هغه را تگ ته متوجه شوي نه يې، ز ما بيه خټک کي خاي نيسي. گرد چاپير ته گوري او مقدماتي توصيفي او دستورونه ما ته رسپاري.

(کاپو) هغه کسان دي چي متر و کي به لاس کي لري. هر کله چي ددوي سترگي درباندي لويږي بايد وڅو خيسري او په تيره بيا بايد زمونږ دولتي د (کاپو) سره ډير احتياط وکړي. دې هماغه سړي دي چي خپلي کونډي خوا ته روان دي. همدا اوس د هغه گرځندل پيل کيږي. هغه دوه ښه هسپانوي مرستيالان لري چي معمولاً فرانسويان نه وې. سره له دې هم بايد توجه ولري د (اوپر کاپو) څخه هم چي سپار دي هغه وليد يا بد خان لري و سا يې دوي هر چير ته حاضر دي. (کو ما ندو خو هر) هم پرله پسې په هغو کسانو پسې دي چي کارنه کوي. هغوي ته مخيدو اوسيزه دوي تر ټولو خطرناک دي.

او په پای کي بايد اسانس ته هم متوجه و او سيري. دا اصول له لحاظ نه ښايي چي ددوي کوم يو سړي دکا ر بيه وخت کي گير کړي.

زه دغه سپارښتنې او دستورونه خپلو ملگرو ته رسوم، خودزده کسري وړ ښايي نو مړه زيات دي چي سړي ټو او نه خبر کيدلای ټپي.

مونږ اوس ددوي سترې ټپري پر منځ نا ست يو او داسي خر گند وو چي غواړو هغه له خايه و ښور و و خور ښتيا خبره داده چي هيڅ قوت نه عصر فو و. مو ټول پدي هڅه کي يو چي تر ممکنه حده پسوي لږ کار وکړو او دا کار دوه مره مشکل هم ندي.

هغه ډبره چي زموږ خوا ته گذار شوي د اندره له څنگه تيريزي او پريو واگون باندې لگيري زه پورته موزم هلته يو اس - اس و لاهدي او موږ خاري. سملگر و! هغه اس - اس موزمه خبر دي ښايي چي ټپت شو.

زمونږ د سوچ پر خلاف د الما ليا نوم د لگي کول دوه مره آسانه کار نه و. يو کاپو (سيمون) خوا ته راځي او دي (سيمون) هيڅ متوجه ندي غبر پري کوو خو له بده مرغه ډير خنډ شوي دي. سيمون پر ستر باندې د قمچينو گذارونه پيل کيږي او امر پري کيږي چي ددې پروغي ټوټي له مخکي څخه پورته او په منډه يې واگون ته ورسي او دغه کار بايد يې له تم کيدونه سر ته ورسوي. موږ په ډېره وړه ته گورو. گورو چي پر طاقه شوي دي خپل غاښونه يو پر بل باندې سولوي او بيا هم خفلي او کاپوبي له خټبه زمونږ دغه ملگري په قمچينو و هي او هغه دالماس له قدرت څخه او جت کارونو ته هڅوي.

اوس نو سيمون ټپي کوي چي ټپري واگون ته پورته کړي او هر حرکت پورته

ډير مشکل دي. سره له دې هم صحنه تکراريزي او بيا ځي هغه وخت پاي ته رسيد پري چي (سيمون) له ټپو نه و لويږي. اوس به دغه جلا د (کاپو) هغه ووزني دنا تو نسي او کرکي او ښکي زمونږ په سترگو کسي راځي سيمون پخپل وروستي قدرت سره بيا هم له خايه جگيږي. داسي ښکاري چي دژوند پاي تي کيدو لپاره وروستي هلسي ځلي کوي دا ځلي (کاپو) هغه سره غرض نه کوي موږ هم لږ هو سا کيږو هغه سړي چي زمونږ ملگري يې ونگاوه له يو شيطاني موسکا سره موږ ته موري او په لږ و غبر اعلانوي چي:

ناشت مال ... کاپوت. الما لي کلمې (بل ځلي ... مرگ)

او دجهنمي مېنه مو ټپي په ترڅ کي بيا هم کار پيل کيږي (کاپو) اوس دخوتو روسانو سره غريزي موزم دفرصت څخه په استفادي سره دکا ر د شدت څخه کم و. موږ نه غواړو چي دستر الما ټپي لپاره کار وکړو. يو کاپو ډکار سا غولي ته ننوځي او د ټپي وديو غر تر څنگ دريږي (فرانسوا) ددو هم ځل لپاره موږ ته نژدې کيږي او وايي:

ساعت او ه بجي دي. دکا ميوږ ددې کولو لپاره ټول هغه کسان درو سي چي پخپلو لاسونو کي څه شي نلري موږ هم خپلو.

پس له پنځو دقيقو څخه کاميون د کيږي او حرکت کوي. دوا گوري نو فطاردموږ خاي نيسي. واگونونه هم په هماغه چټکي سره د کيږي. بند يان ددي لپاره چي د ټپي و ټوټي پيدا کړي يو ډبل سره تکراري موږ اوس يو هيدلي يو چي يا بد تر ممکنه حده پوري لږ کار وکړو او خپل قوت زېرمه کړو.

بيا هم مو ټپي نه رارسيږي او بيا هم اور سا ټي دمو ټپي او خايونه نيسي. موږ بيا ځي دد غواړو لږ ټپي او په منځ کي کولي شو لږ څه دمه وکړو. او سره له دې نه ښايي چي (کاپو) هير کړو ځکه چي په ډير خبر سره موږ خاري.

اوس د لمر وړانگي کار سا ورو شا نه کوي او د ټپي و شين رنگ په ډير ښکلا سره خر گند وي.

خوساعته کيږي چي کار کوو؟ هلته دزيتو په سرو يو تور ټکي سيوري اچولې ساعت لس بجي دي دغه سړي د (کوماندو فوهر) لپاره ښور و را وړي ده او د همدې کار لپاره دزيتو څخه پورته کيږي (دغه موضوع شارلو ماته وايي). هغه هم د فرانسوا څخه اوريدلي و.

اندره زما په غوږ کي وايي: ټپري وړي يم.

ټول وړي يو. ډير وړي يو. څه وخت به ټپي را کړي؟

اهای يووچ غبر پورته کيږي څه خبره ده؟ خپل سرو نه پورته کوو. داسي ښکاري چي ميرا تور (دخاري برج) ته نږدې اغزي لرونکو موزو باندې دکالسي ټپي

بند شوي دي ښه خبر کيږو هغه يو سړي دي. پسي و زلي غوښته چي دکا پسي د منگلو څخه و ټپي او په همدغه ترڅ کي له ممنوعه يو لسي څخه تير شوي و اوس به يو سا ټو ټکي ددغي منظرې عکس ونيسي او ددغه بندي په دو سبه کي به يسي ونښلوي او په ليکي چي:

دټپيد و په وخت کي ووژل شو. ددغه دو سبي په خبر ا ته و ښت زره دو سبي د جيل خانې په دفتر کي شته. (ژول) را نه کسه کوي هر کله چي کوږ بند ي مړ شي د هغه دمري عکس دهمدغو موزمه نيسي او هماغه مشهوره جمله ټکي ليکي.

تا زبان پخپلو کارونو کي داصول مراعات کوي. (11)

داسي پيښي په کار ځايو ټو کي يسي عادي کار دي ځکه چي څوک ټو جه نه کوي او پخپلو کارونو بوخت کيږي خو ورځي وروسته ما د ماشين گنو دگو لو يسي غبر و او ر بدجي دغه ټپي تل پر الما نا نسي باندې کيدلي.

دکا ر دپاي ته رسيدلو اعلان کيږي. غرمه ده. کار پاي ته رسيدلي دي.

(کو ماند و) سره ټوليزي. آيين زوه، دره ي. وېر ...

په مړ ټپي کي ټو کي دټپي خو د لسو لپاره خو دټپي خوږلو خاي، کارخاي ته

خير مه واقع دي او هغه ديو واپ په خبردي چي بند يان په پنځو لکيونو و ټپل کيږي دهر يوه ليک په وړاندي د آتش پنځوس ليتر يزه لو ټپي ايندو دل کيږي. يو کاپو پدا سي حال کي چي خپل لستو يې پورته

کړي دي او يوه لويه ملاقه يې په لاس کي ده او هغه د آتش په لوستي ننه باسي او ټپي روي يې. د (رو نابا گاس) آتش پسې موږ په پوځ کيږي دي بايد چي د آتش پوځاڅکي هم پيځايه ټو ټپي نشي ځکه چي ملاقه دهرجا دپاره يو ځلي پورته کيږي زه دټپي په لوستو يې شپو کسي ورسيدم نو ځکه پواځي او به را ته ور سيدلي او پس.

شا ر لو چي زما نه نيکمرغه و د ټپي ټو دري ټوټي يې په نصيب کي شو. هغه وروسته رسيدلي و نو ځکه دلو ټپي وروستي برخه ورته ور سيد. آتش په ولاړه خوړو او خورا خو ند را کوي خو زموږ د څو شپي مخکي دلو ټپي حالت لا هم با ټپي دي نو بيا ښايي چي زموږ زماشته ډيره شوي دي.

دخواړه و ښي پاي ته رسيدلي دي او مونږ ددي لپاره چي دد ټپي د لاندې پر څسې څخه يو څه لاس ته راوړو په هلي ځلسي لاس پوري کوو خو مېنه موزمه زياته ده چي څوک نشي کولي ديگي ته ټپي دي شته.

مو موضوع زموږ په مېنه ده ځکه چي دزيتي مېنه گوني له کيله (کاپو) خپريږي او راځي او په خپل ټول قوت سره بند يان ټکوي او په نتيجه کي څو کسه پر ځمکه لويږي او د مخو ټو څخه يې ويني پيښي داسي ښکاري چي يو څو ښکاري سپي دټپي

د لي وړو گيلو ټو په منځ کي لو يدلي وي. د شكيل غبر پورته کيږي د غرمي رخصتي پاي ته رسيدلي دي. دټپولي پيښي يواځي نيم ساعت وخت نيسي او موږ دکار ځايو نو خوا ته درو مو.

فرانسوا زه فرانسوا زه ... (فرانسوي ...)

يو سړي چي اوږد قد لري زما لاس کش کا ټپي ښايي چي (کاپو) وي ځکه چي په لاس کي يې کو ټک دي.

کمل ترا گر، کمل ترا گر ... (د ټپي يو سي ديگي يوسي).

سوچ کوم چي د خان تير ا پستل به په مېنه نه وي له همدې کيله بير نه گر خواړه او ټپي (کاپو) هم را پسې روانيږي اتکلا ټول فرانسويان دتسو د يگيو په شاوخوا کي و لاهدي. موږ يې نن د تسو ديگيو دوږلو لپاره پخلنځي ته انتخاب کيږي.

يو، هر د ټپي د پنځه ډير ش کيلو بيه شاوخوا کي وزن لري او موزمه ډير زيات

سره ديگي پخپلو اوږو باندې جگي و او د (کاپو) تر ځاړني لاندې روا نيزو.

له منو ټکي پيگا ري ده لار او مېه پنځه سوه مړه واپان باغه دي خو موږ ډير ستري شوي يو پنځه سوه مړو لاروڅو اوزينو ته رسيدو او بايد اوس ديو سلوشير اټاټيو

څخه پورته شو. موږ دسمندري اسونو په خبر ستمير و پداسي حال کي چي ارمپرونه موږ دترانه بارله زوره کاره شوي دي او له دي ډاره چي و نه پر زو خپل با رو نه خاي په خاي کوو. زه ددغي ټپي په منځ کي يې

او (پي لوني) پداسي حال کي چي خپل وروستي سلگي و هي زما په خټک کي دي ډيري ستر ياله زوره خپل غاښونه يو پر بل باندې سولوي او موږ خپله هم حيران يو چي خر لکه کولي شو دغه درو ند بار ددغوزينو څخه پورته کړو. د مخکيني ملگرو پواځي

دري پيښي راته ښکاري چي د (شا رلو) پيښي هم دهمدغو ټپو په منځ کي دي. تر شا مې د مېنه گوني غرونه پورته کيږي خو د مړ خيدو او ليدو مو موضوع مطرح نده خو وروسته پوه شولو چي يواځې ساس خپل جاده (دريمون) پر شا نه باسي او بير ته يې باسي دا ځکه چي هغه لږ څه بيرته پاتي و بيا هم يو رته

خو، ما دزيتو ټپو په شمير لو پيل کړي، خو ډير ژر يو څه شوم چي دکار هم ممکن ندي ځکه چي د مخکينو ملگرو گر ند ټپو ب زياته شوه او (کاپو) هم پخپل کمر بند سره زمونږ په و هلو پيل کړي دي.

ششل، ششل ... (ژورژ ...)

اودادي وروستي پيښي ته ورسيدو خواړه دوگاه ته درسيدو لپاره ښايي چي ديو لورډ واپ څخه تير شو نوربيا

واپ څخه تير شو. (نوربيا)

ترکمنستان چې د شوروي اتحاد له پنځلسو جمهوريتونو څخه يو جمهوريت دی او د شوروي اتحاد په جنوبي برخه کې د لغمان د ختيځې سيمې په څخه زره کيلو متره مربع ده .

دغه هيواد دوه مليو نه اته زره تنه نفوس او د افغانستان او ايران له هيوادونو سره ګډې پولې لري .

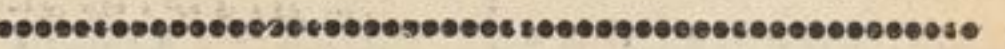
دا کتونکي پر له انقلاب څخه مخکې هلته يې سوادې زياته وه او د ترکمنستان خلک سخت استثماريدل د انقلاب څخه دمخه د ترکمنستان خلک د جابر و جاګير دارانو له خوا په ډول ډول کړاونو سره مخامخ وو او کله چې د ۱۹۱۷ انقلاب پرانيد شونو د ترکمنستان زړه ور خلک فېو ډاليزم ډېر وې کړ او د استثمار کړی يې سره و سلولې .

له انقلاب څخه وروسته ددغه هيواد په هره برخه کې ستر مهم اوجياتي تحولات منځ ته راغلي او په هره ساحه کې دخلکو په ګډه مهم مترقي ګامونه او چټ شول که څه هم له انقلاب نه مخکې شوروي ترکمنستان د کار پوهانو له کمېټې سره مخامخ و خو دغه نيمګړتيا د شوروي اتحاد دنورو جمهوريتونو څخه پوره کړه . په داسې حال کې چې ددغه

دغه ښارګوټي د پکړانو داودانو فابريکې شته او دغه راز شل دو چولو فابريکې وجود لري په دغه ښار کې دخوراکي موادو فابريکې ښه وده کړې او ښه فعاليت کوي د چرچو او نو رو ښارونو کې دغو د يو فابريکې شته د عشق آباد ښارونه نږدې دودا نيسو چوپړلو او لوله (کړۍ) چوپړلو فابريکې وجود لري چې د توليد او تو سطحي زيات نه ده .

په دغه هيواد کې د غا ليو او بد لسو صنعت زيات نه پر اختيا کړي او دغه کار رڼو ما ښځې سره رسوي او د ترکمنستان ښځې ددغه صنعت ډېر اختيا لپاره په زړه پورې رول لوبوي .

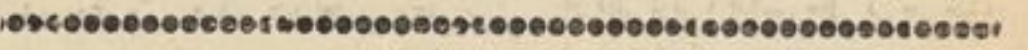
د قرا قرم کا نال چې ددغه هيواد په کر نه او سمندر تيا کې زياته مرسته کوي داو يا کيلو مترو په شا وخوا کې ډيرې چلولو لپاره مساعده ددغه راز داو- سپني لاري پر اختيا مو ند لي او د مو تر چلو او لپاره ډيرې لاري جوړې شوي دي . دغه هيواد ديو هسې له پلوه زيات نه پر مختيا کړی او په دغه هيواد کې ۳۰ لیسې او شپږ پوهنتونونه موجود دي په دغه هيواد کې د کسې له غر و لسو



د شوروي تر کمښتان

په باب معلومات

قسم حسن



هيواد په کورنيو جګړ و کړانګليسي استعمار- ګرو د ترکمنستان په خاوره کې د خپلې کولې خو دوی و کولای شو اي ددېښ دغه ناوړه عمل نه په کلکه ځواب ووايي او دېښ نه ما ني ور کړي او دغه جګړه په ۱۹۲۰ کال کې پای ته ورسېده .

د ترکمنستان خلکو څوموده مخکې د خپلې خپلوا کې پنځو سيمه کاليزه په شا نډارو مراستو سره و ليا نځله څر نگه چسې مخکې وو بل شو او پې په دغه هيواد کې صنعت پر مختيا کړی او ډيرې فابريکې پکې توليد کوي د هنداري جوړ و لو او پولې اوږد لو فابريکې يې مشهورې دي .

دغه راز د ترکمنستان د تيلو ويستلو فابريکې چېک پرمختګ کوي او له هغه څخه به زړه پورې ګډې اخستلې کيرې تر کمښتان په خپله ۲۰ فيصده گاز توليدوي د شيميا صنعت وده کړې او ډامير و اسفالت) د فابريکې توليدات زيات شوي دي د عشق آباد په ښار کې د چيني چو پولو فابريکې شته او ددغه ښار ډير ښا توليد يوا ځي اوه ملياره کيلو واټو نه رسيدلي چې دغه رقم يو زيات رقم دی په

لري ددغه اکاډمي زيات زړه کوي نکسې د ترکمنستان خلک دي د ترکمنستان دغلو مو اکاډمي په اوسني وخت کې په در يو برخو ويشله کړې:

- ۱-د فزيک برخه
- ۲-د تخنيک برخه
- ۳-د شيميا برخه

په دغه اکاډمي کې د زولې دېښيښي پو هنځي او د لمر څخه دانر زي دانستادې پو هنځي شته بابا يف د ترکمنستان د غلو- موداکاډمي ر نيس د تو ضيعا تو په ترڅ کې داسې وويل : څرنگه چې ترکمنستان د افغانستان په څير زيات لمر لري نو موږ دا هڅه کوو چې د لمر دانر زي څخه ګټه واخلو چې له دغه کار څخه مو ګټورې نتيجې تر لاسه کړي دي دغه اکاډمي دصحرایي پو هنځي په نامه يو پوهنځي لري چې د ټول هيواد لپاره فعاليت کوي او په دغه اکاډمي کې هرکال د زرو ټوکو څخه زيات علمي کتابونه چاپيږي .

دغه اکاډمي پر له پسې څلور مجلې خپروي چې دغه مجلې د ترکمنستان دغلو مو په نامه يادېږي ددغو مجلو مطالب عمو ما کيولو زيک او فيزيکيولوزيسک تشکيلوي د ټولنيز غلو مو او بيا لوی زې په نوم د وې لوري مجلې خپروي او يوه مجله د صحرا- يې ستو نرو په نامه چاپيږي چې له دغه مجلې څخه ټول د شوروي اتحاد خلک استفاده کوي په ترکمنستان کې مطبوعاتي چارې زياته پر مختيا کړې په ترکمنستان کې اوه ورځپاڼې چاپيږي او د خلکو دانستادې وې ګر ځي . ترکمنستان پنځه ولايتونه لري او په هر ولايت کې ورځپاڼې په رو مسي او ترکمني ژبو چاپيږي .

د پنځو ځوانانو نواو ماشومانو د مطالعې لپاره مجلې او ورځپاڼې خپري دي د مثال په ډول يوا ځي ديو نډ په نامه ورځپاڼه د ۱۸۰ زرو په نيزاخبريږي .

د ترکمنستان خلکو نه پخواخې د صنعت له خوا پر مختګ کړی بلکه د زوند په ټولو برخو کې يې فو ق العاده امتيا ز تر لاسه کړی او د صنعت په څنگ کې کر نه هم زياته پر اختيا موند لي ده .

دېز ګرانو لپاره ۱۹۲۷ او ۱۹۲۹ کلو نو تر منځ د زوند نه اسا تيا وي پرا بري شوي او هلته ستر کلخو زونه ايجاد شوي دي د ترکمنستان بزر ګران په کلخوزونو کې را ټول دي اوله هر ټول استثمار څخه خلاص ژوند لري .

امان عيد وف د کلخو ز په باب داسې معلومات ورکړل:

ز مسو د کلخو ز په ۱۹۲۹ کال کې جوړ شو او سا حه يسي ۲۶۶ زره هکتار څخه ده او ددغه کلخوز مسلکي فعا لیت دڅارو يو او ميو روزل دي .

اعان عيدوف وويل : مسوږ وکولای شواي چې تير کال ۲۷ زره ټنه تر باره لکه خټکې - هند واني - غوښه رو مي با نجان- پياز او جمبر خيال حاصل واخلو او هغه صادر کړو ز مو د تير کال حالات جز وار داسې خلاصه کيږي:

هندواني اوختکي څلور سوه زره اودوه سوه

ټنه ، غوښه - ټپه سوه تنه- غنم څلور زره تنه اونوري ميوې د سپرو سوو او پنځه سوو ټنو په شا و خواکې ۰ موږ په خپل کلخو ز کې ۵۰۰۰ ټول ټول حيوانات تر روز لي لاندې

ليو لي دي او دغه راز ديو سلو نو ي زرو په شاوخواکې الوتکې مر غان په دغه کلخوز کې روزل کيږي او موږ تير کال يوا ځي ۲۶ ټنه ورشمين حاصل واخيست ۰ ده وويل په او مني حال کې ز مو د کلخوزيو سلو اوبارا کتوره ۰ ۱۳۰ موټري او له شپږ و سئو څخه زيات د کر نسي ما شين الات لري او په دغه کلخوز کې پنځه زره پنځه سوه تنه کار کوي چس يوا ځي د تير کال د محصول لانو يسه ۱۲۶۸۸۰۰ روبلونه ورسېده .

په دغه کلخوز کې د کلخوز جيانو لپاره د زوندانه ټول مسا يل حل دي لکه څنگه چې وليدل شول په دغه کلخوز کې څلور لیسې فعاليت کوي چې له هغه څخه کلخوزچيان په لوړه سو په استفاده کولای شي .

د کلخوز چيا نو ژوندانه ته پوره پاملرنه شوي او د کلخوز په هر کور کې ټلويزيون او راډيو شته په دغه هيواد کې د ځوانانو لپاره هر ټول وسايل موجود دي .

د ترکمنستان د خلکو د هو سا ژوند لپاره دومره ستر او بريالي کارونه ستر په رسيد لي دي چې باسني تشرېح تر مست ټو نه څو ار څخه هم لږ ده داڅکه چې دغه خلک له انقلاب څخه مخکې هيڅ نه درلودل او د استثمار ګرانو له خوا به سخت استثمار- يدل . پي سوادې دومره پکې زياته وه چس حد يې نه و .

لوړه . پي سوري او برېښ تيا ديخوانسې چارو حکو متونو جبري تحميل و چې د ترکمنستان په زيار استو نکو تحميلېده . خو او س په دغه هيواد کې د شوروي اتحاد دنورو هيوادو په څير خلک سو- کاله اوبسيا ژوند لري .

هلته لوړه نشته هلته خلک يې کوره نه دي هلته برېښ تيا نشته او د ټولو خلکو لپاره د ژوند ضروري شيان پوره شوي دي پي سوادې ور که شوي او اوس د ترکمنستان خلک د علم په رڼاکي خپل ورځني کارونه سره رسوي چې البته دغه کار رددې باث ګرځيدلي چې ترکمنستان د ټول شوروي اتحاد د جمهوريتونو له خلکو سره مرسته وکړي .

هلته خلک يې نشو ښه ژوند کولې هلته هيڅ تشوېش له جاسره نشته خو سو تشوېش چې دهغه ځای خلک ور سره مخامخ دي هغه دادي چې څنگه کولای شي چس خپل هيواد لاسمېور او ودان کړي .

دغه ټولې نېکمرغي چې او س د ترکمنستان د زيار استو نکو خلکو نه ور يسه برخه شوي دهغه ټولې محصول دي چې په هغه کې د ميري څخه دميري استثمار نه وي او په دغه هيواد کې د ميري څخه دميري استثمار بيخي محسوس دی .

(پا)

واژه‌های سیاسی، اجتماعی

واقتصادی

روابط انسانها بین هم و نیروهای مولده و مناسبات تولید:

در حالیکه چنین تصویری از انسان تولید کننده و جامعه ای انسانی به هیچ وجه با واقعیت و فقی نمیدهد و مطلقاً غیر علمی است. انسان هرگز حتی در ابتدا نی توانسته بود تا به این حد پیشرفت کند. تا اینجاست که ما در مورد انسان و نیروی کار و موضوع کار در مجموع و خورش و سایر تولید نامیده می شود که انسان با نیروی کار خود آنرا بخدمت میگیرد تا خواسته های مورد نیاز خود را تولید کند. مجموعه ای و سایر تولید و نیروی کار را که در روند تولید بهم می آمیزد است نیروهای مولده می نامیم. تا اینجا ظاهر مسئله ساده است دهقانان شخم می زنند، بذر می پاشند و گندم تولید می کنند، کفایش چرم را می برد و میدوزد و به قالب می کشد و بوت تولید می کند، اما در همین جایگاه تکنیکی وجود دارد که باید با آن توجه کرد. و آن اینکه هر دهقانی در هر زمان و مکانی بذر و زمین و وسایل کار و غیره ندارد و هر کفایش صاحب چرم و افزار کفایش نیست. و لذا برای اینکه گندم و یا کفش تولید شود دهقان و کفایش باید شرایط معینی را بپذیرند تا بتوانند به وسایل تولید دسترس پیدا کنند. این شرایط اقتصادی و مربوط به هر تولید کننده جدا

انسان مولد نه بصورت انسان جدا از

جامعه. بلکه بصورت جزئی از یک جامعه ای مفروض تولید و مصرف می کند. تولید امری اجتماعی و سازمان یافته است و لذا بجای آفریدن انسان فرعی منفرد در عالم خیال و تصور، باید انسان واقعی اجتماعی در درون چه مناسبات تولیدی و چه مناسبات (استروکتور) اقتصادی مشغول تولید است و این مناسبات اقتصادی چگونه و موافق کدام قوانین تکامل میابد و چه نقشی در پیدایش و تکامل سایر مناسبات نهاد های اجتماعی و سیاسی دارد.

برای درک این مطلب باید توجه داشت که هر انسانی بطور جداگانه برای خودش بوت، کلاه، لباس، نان خانه و ... تولید نمیکند همه ای این وسایل و نیازمند بپای زندگی و یا بنا به اصطلاح اقتصادی «خواسته های مادی» بطور اجتماعی تولید می شود و بسته به سطح تکامل جامعه، تولید اجتماعی نظم معینی دارد و میان افراد جامعه و در جریان تولید مناسبات معینی برقرار می شود. موضوع را بیشتر توضیح می دهیم: برای تولید خواسته های مادی انسان و کفش و کلاه گرفته تا ماشین و قطار و تجهیزات کارخانه ها و مسکن و بندر و سرب و ... و خود سه عامل ضروری است.

۱- کار انسانی

۲- وسایل کار

۳- مجموع یا موضوع کار

انسان کارگر را که با مهارت معینی که دارد وسایل کار را بکار می اندازد و وسیله ای آن روی زمین، یا عاده ای اولیه تا تسهیل می گذارد. تا آنرا بصورتی که برای رفع نیاز زمند بپای خودش لازم دارد در آورد. مثلاً برای تولید گندم، دهقان گندم کار، یعنی انسانی که مهارت معینی و قدرت جسمانی معینی دارد و وسایل کار: یعنی ابزار شخم زنی، بذر پاشی، آبیاری، قرو و غیره ... را بسته بدرجه ای تکامل (از بیل و خش گرفته تا تراکتور و خرمن کوب مدرن) بکار می اندازد تا روی موضوع کار، یعنی

مالک آن عامل تحویل دهد. البته این نظام ارباب رعیتی در نقاط مختلف کشور خصوصاً صیانی داشت ولی بر صورت اصولی کلی و شالوده ای اصلی آن که مالکیت اربابی بر زمین زراعتی بود در سراسر کشور حاکم بود و نیروی کار و وسایل تولید در اقتصاد زراعتی افغانستان به سلسله این نظام بهم می پیوست. و تنها درون آن بود که تولید اجتماعی ممکن می شد و تنها بپذیرش آن بود که دهقان (رعیت) میتوانست به کار زراعت بپردازد. تا سپس از حاصل آن و در حدود سهمی که به او میرسید بخورد، بیوشد بنوشد و مسکن داشته باشد.

بعبارت دیگر رفع این ابتدائی ترین مناسبات تولیدی های یک انسان در جامعه ای که مناسبات تولیدی قبیله دالی (ارباب رعیتی) بر آن حاکم باشد معقول به پذیرش آنست. و لذا این مسئله ای ظاهراً ساده که انسانها باید بپذیرند و بپذیرند و بنوشند به مسئله ای بسیار مهم مناسبات تولیدی مربوط می شود.

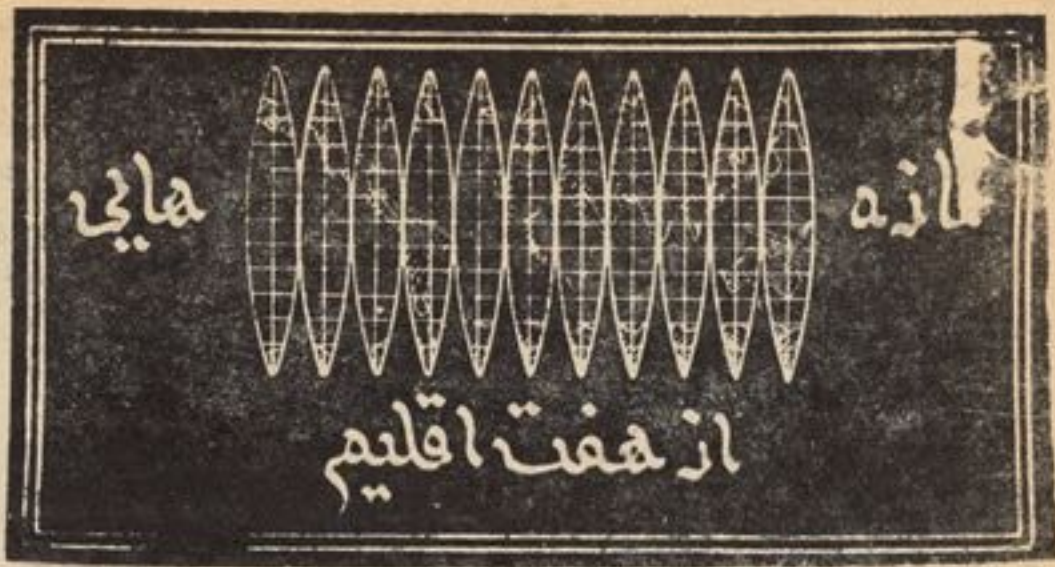
و همین طور بود در مورد تولید بوت و شراب مسلط بر کفایش در کشور ما که انسان زحمت کش را با وسایل تولید و شراب حاکم مربوط می سازد. حال لازم است که مناسبات تولید را به جز و مختصر تعریف کنیم:

(مجموعه ای مناسبات اقتصادی که در روند تولید اجتماعی میان انسانها برقرار می شود مناسبات تولیدی نامیده می شود. مهم ترین بخش این مناسبات عبارتست از مجموعه ای روابطی که در درون آن نیروی کار انسان مولد به وسایل تولید و مالکیت و سایر تولید است.

حلقه ای مرکزی مناسبات تولیدی عبارتست از شکل مالکیت و وسایل تولید، بسته به اینکه مالکیت وسایل تولید چگونه باشد انواع مناسبات تولیدی و اشکال سازمان اجتماعی تولید و یا ساخت اقتصادی یعنی مجموعه مناسبات تولیدی بوجود می آید.

اما باید توجه داشت که شکل مالکیت در عین حال که اساس مناسبات تولیدی است، همه ای این مناسبات نیست. کسار انسانی جنبه ای اجتماعی دارد و مناسبات تولیدی شبکه ای بسیار وسیعی از مناسباتی را که میان میلیون ها اعضای یک جامعه در جریان و روند تولید، توزیع، مبادله و مصرف خواسته های مادی بوجود می آید در بر می گیرد. مثلاً در جامعه ای که بر مبنای مناسبات تولیدی حاکم می باشد و سر ما بدار یعنی انسان محروم

از وسایل تولید و انسان مالک و سا یل تولید رابطه ای مزدوری برقرار می شود که اساسی ترین حلقه مناسبات تولیدی سر ما بدار است. اما علاوه بر این میان خود سر ما بداران و کارگران نیز انواع مناسبات برقرار است که باید جزو مناسبات تولیدی بحساب آورد. سر ما بداران با یکدیگر در رقابت اند. بزرگترها کوچکترها را می بلعند. میان وایم دهنده و وایم گیرنده، با نیکوکار و صاحب کارخانه، رشته ای حمل و نقل با رشته ای زراعت و غیره و غیره هزارا رولت پیوند برقرار می شود تا روند تولید پس وقفه جریانی یا بد، عبارت دیگر وقتی از سر ما بدار سخن می گوئیم نباید شک سر ما بدار منفرد را در نظر بگیریم، بلکه باید طبقه سر ما بدار را در نظر بگیریم. و آن مناسبات اقتصادی و تولیدی را که آنها را بهم پیوند می دهد و بصورت یک طبقه در می آورد جزو مناسبات تولیدی بدانیم. هم چنین در مورد کارگران نیز نباید یک کارگر تنها را در نظر گرفت، بلکه باید طبقه ای کارگر را در نظر داشت و رقابت میان کارگران برای بدست آوردن کار که در مرحله ابتدائی رشد جنبش کارگری و جود داشته و اتحاد و تشکیل کانونی آنها را در اتحادیه های کارگری و سازمان های طبقه ای که کارگران برای دفاع مشترک از منافع و حقوق خودشان تشکیل داده اند جزئی از مناسبات تولیدی دانست. زمانه ای که از تولید سخن میماند به مثلاً از تولید گندم یا بوت چه بسا در نظر اول روند تولید در معنای کاملاً محدود آن در نظر مجسم می شود: بصورت تولید گندم در مزرعه و تولید بوت در کفایش در حالیکه وقتی از تولید اجتماعی سخن می گوئیم باید تولید را به معنای وسیع آن در نظر گرفت و توجه داشت که گندم در گسترش و کشت در دکان کفایش فقط مرحله ای معین از تولید است و این محصولات و قتی می توانند نیاز مصلحتی انسان را بر آورند که مرحله بعدی تولید را نیز طی کرده و بدست مصرف کننده برسند بر سر سفره قرار گیرد و یا کسی را بپوشاند. بنا بر این تولید اجتماعی و مناسبات تولیدی را باید بعد از وسیع و در میکمل کاملاً تولید: از تولید به معنای اخص تا توزیع و مبادله و حمل و نقل تا مصرف در نظر گرفت و توجه داشت که مناسبات اقتصادی ای که میان انسانها در جریانی توزیع و مبادله و حمل و نقل تا مصرف برقرار می شود جزئی از مناسبات تولیدی است. (در اینجا باید یک نکته اساسی توجه داشت و آن اینکه توزیع و مبادله و مصرف جدا از تولید وجود ندارد و نباید جدا از تولید بررسی شود.) برخی از دانشمندان به رزوا چنین می کنند و بجای بررسی تولید تنها به بررسی مبادله و نو سانیهای بازار می پردازند و به نتایج نادرستی می رسند.



ترجمه و تنظیم از: میرحسام الدین پرومند

صرفه جویی دیکتاتور رژیم پینوچت در بانکهای خارج و ورشکستگی اقتصاد چیلی

«میلتون فرید مان» یسگتن از مفسران اقتصادی جهان مینگارده که رژیم چیلی با وصف تلاش و دست و پا نمودن زیاد بهیچوجه نمیتوان خود شی را از رکود اقتصادی و رماند چه هزینه هنگفتی وقت خریداری بيمورد اضافه از حد اسلحه و صرفه جویی شخصی در بانک های خارجی گردید هاست. قیمت اشیای لوکس بی نهایت بالا رفته و میزان اقتصادی پول هر آن در کشور مذکور قوس نزولی خود را می پیماید. در چیلی مجادله مردم با رژیم فاشیستی چیلی مجدانه ادامه دارد و مردم ضمن تظاهرات خواهان کار، عدالت، آزادی و دموکراسی اند. از همینرو بتاريخ اول می که مصادف بود به روز تجلیل ازروز کارگران سرامر جهان، و هر سال در همین روز جشن کارگران در سراسر جهان بر گزار می یابد، برای دیکتاتور چیلی اظهار نامه از طرف (۸۰۰۰) نفر کارگران رزمنده ترو آبدیده تر ساخت.



یکی از زنان در حال تطبیق دارودر تحت نظر سازندگان ادویه مذکور

داروی جدیدی بجای قرص های ضد حاملگی

از آنجاییکه اکثر هضم قرص هاییکه خانمان برای جلوگیری از زایمان میگردند به اثبات رسیده که بعضا نتایج زیان آوری در قبال داشته است و عده بیشماری از خانمان ها با گرفتن قرص های ضد حاملگی دچار زخم معده، یبوست، سردی و جود، زیادت وزن، سرگیجه، خرابی گردن ها و ده ها مشکل دیگر گردیده است. محققین و علمای طب که پیوسته در صدد کشف داروهای جدید اند روی همین اصل مهم و درخور توجه بشری اینک یکدکتور سوئدنی که زن نامیرده نیز دکتور ولادی و نامایر است بنام «گریتسر بریکو یست» داروی جدیدی ساخته اند. مشخصات این دارو در تشریه طبیب سوئد بنام «هو سبالا» منتشر گردیده است. درین خبر طبیب گزارش یافته است که دیگر زنان نیازی بگرفتن قرص های ضد حاملگی نخواهند داشت. چقدر جمله که به اشتراک (۲۷) زن طبیب از کشور های مختلف دایر گردید بکنوع مایع جدید که اس نادر و کمیاب و قیمتی است نظر به آزمونهای قبلی ماده موثر و عاری از هر گونه ضرر، برای جلوگیری از آیدین زنان تلقی میگردد. این دارو که برای دانشمندان ارزش بس مهم دارد تازه گی ها کشف گردیده و بعد با سایر دارو ها اختلاط و از آن اینک بعیت داروی ضد حاملگی استفاده بعمل آمده میتواند. این داروی مایع برخلاف قرص های ضد حاملگی که تا قبل ازین تهیه گردید هیچگونه اثرات سوء و ناخوشایند و باکتری برای استعمال کنندگان آن بجا نخواهد گذاشت. (بریکو یست) که خود در پیو نیورستی «هو خیرالا» در سوئد در مصروفیت دارد مدعی است که: تجارب طبیبی برای ما ثابت ساخته که موثریت این دارو بیشتر از داروهای قبلی میباشد. طرز استفاده ویکار گرفتن این دارو همانست که فقط یک قطره از این داروی مایع را سه بار در روز یکبار صبح، یکبار غایت ویکبار شب با بد بدمایع رسا اند.

مذاکراتی بعمل آورد تا مگر بتواند راهی برای دریافت اسلحه پیدا کند. ناظرین و دیپلمات ها این ملاقات را که شکل شخصی داشته، دنباله ارتباط قبلی چیلی با مقامات غربی میدانند. با یاد متذکر گردید که با ری یکی از حکومت کارگری در سال ۱۹۷۵ به سفیر سابقا گو خبر داد که پلیس مغفی چیلی در ضمن شکنجه های غیر انسانی خود با دکتور «شا یلا» گامسیدی «که یکی از دکتوران ورزیده آنجا بود، رویه ضد کرامت انسانی نموده وبشکل فجیعانه بیچاره زن مذکور را شکنجه نموده است. قرار یک گزارش دیگر «گاییلو ز» درماه سپتمبر با مقامات جمهوریت فدرالی آلمان نیز به غرض دریافت کمک ها در تماس آمد.

در نشریه «لاس انجلس» تا یوماز قول پراس فر ستاده از امریکای لاتین آمده است: یکتعداد از ناظرین ادع دارند کهظاهرا دیکتاتور چیلی طوری وانمود مینماید که گویا در چلی مجازات و شکنجه از بین رفته است و لیکن دیکتاتور مزبور بخاطر بقای خود وادامه دادن به روش های ضد انسانی وفاشیستی خویش اینک خواسته سرپوش قانونی بگذارد چه مو صوف اینک به اعمال مستبدانه ودیکتاتورانه خود میخواند شکل شرعی و مدعی بد همد به استناد یک گزارش اینک تنها در مرکز چیلی (۲۵۰۰) نفر بیگناه بدستور فاشیست پینوچت باریدمان ها بسته اند و شب وروز تحت شکنجه های طاقت فرسا گرفته شده اند و پینوچت با چنین رویه مخالف بشر دوستی خویش خواهان جلب همکاری های فرا واتر نیز است. آیا زیر پا گذاشتن کرامت انسانی، با اعمال مایع خشن حقوق بشر و عدول از موازین ویر تسمیه های اخلاقی محض برای دیکتاتور فاشیستی پینوچت، جنابت محض نیست و یوروفیسورا

دوست شش سال از کودتای چیلی که بوسیله فاشیست ها صورت گرفت، میگذرد. رژیم پینوچت که شکل دیکتاتور را دارد پیوسته تحت حمایت اقتصاد کشورهای امپریالیستی قرار گرفته نشریه «اف» منتشره جمهوریت دموکراتیک آلمان به استناد راپور های مستند و موثق در یکی از شماره های خود گزارشی پیرامون ورشکستگی اقتصادی چیلی مینویسد که: اقتصاد چیلی به یک ورشکستگی جبران ناپذیر رو بروست بدینکه نامال ۱۹۷۸ بیش از (۸۰۰) میلیون دالر در بانکهای کشورهای خارج بوسیله دیکتاتور رژیم چیلی آنهم بحساب کاملاً شخصی وی پس انداز گردیده که روی این ملحوظات بودجه اقتصادی آن کشور کمر بزرگی وارد آمده است. در چیلی اکثر این سوال پیش آمد که صد میلیون دالر قرصه یکتنگ در چه قدر کی صرف گردیده. از طرف فاشیستی های چلی اسلحه های فراوانی را که امرائیل آن ها را از امریکا خود خریداری نموده، دریافت مینماید چه چیلی مستقیماً از امریکا نمیتواند اسلحه خریداری نماید. خرید اسلحه بمنظور بقای دیکتاتور فاشیست مذکور ووقف نمودن یک مقدار قابل توجه پول در زمینه، در پهلوی صرفه جویی دیکتاتور مذکور در بانک های امریکا از عواید دیگر است که اقتصاد چیلی را کاملاً تضعیف وچسیره حریمانه و آزمندان دیکتاتور مستبد مذکور را بیشتر برعلا میسازد، چون به حقوق انسانی و کرامت انسانی بوسیله زما مدار فاشیستی ارج گذاشته نمیشود معذالک کشور های غربی بوسیله فیصله یکی از کنگرس های حقوق بشر حق فروش اسلحه ها را با لای رژیم پینوچت ندارند.

بنابراین عا «گو بیلوز» وزیر خارجه چیلی به لندن رفت تا با مقامات امریکایی

با یسکل سواری که توانسته تا کمون فاصله ۱۵۶۰۰۰ کیلومتر را با یسکل

پیمایند

او و همسایان برای فرآگیری و آموختن آبیاری خودشان را در یک بحر پرتاب کردند. «آفو» هفت ساله بیش نداشت که بر بالای یک درخت شاخ بلوط برآمد. لکن از بالای درخت افتیده و پاهایش هر دو شکستند.

در سنی ده سالگی وی روز یک قطی سگرت می‌کشند وی در قطعه پایی بلدیت کامل داشته حتی به قمار متوسل گردیده بود، در دیوارها تکیه بیش از بیست متر بلند داشت می‌پرآمد. آخر الامر او در میدان مرها کی روی میخ پانگداشت، در هر کجا همبازی‌ها پیش بد نش بودند بازی ترینر مکتب ورزشی اطفال به او در خرد سالش گفته بود: «آفو» آیا گاهی با خودت اندیشیده‌ای که چرا چنین نحیف الچه و کوچک اندام هستی، برای اینکه سگرت دود می‌کشی؟! و آنوقت بود که «آفو» یکباره به کشیدن سگرت پاییان داد، و در تابستان همان سال بود که قدش هفت ساله می‌شد «آفو» در اولین مرتبه که سوار بایسکل شد خودش در یافت که چه تند میراند، سرعت تند رانی او حتی مایه شگرف خودش گردید، از طرفی یکی از ترینرهای خاطر مهارت‌های چشمگیری «آفو» به نامبرده یک بایسکل جدید اهداء کرد که با یسکل مذکور در فاصله (۱۸۰) کیلومتری ایشان بود آفو به سواری موتور به نقطه مذکور رفته و سپس همان فاصله ۱۸۰ کیلومتر را بدون کوچکترین توقف به اصطلاح با یک نفس آورد، متعاقباً سه ساعت تمام مصروف بازی تیش گردید، این حرکت «آفو» ترینر مذکور را بعدی برافروخته ساخت که بناچار بایسکل را ن مذکور را نکوهش کرد. «آفو» در راندن بایسکل مهارتی دارد که هیچ بایسکل سواری صاحب چنان مهارت نیست، صرف نظر از اینکه راننده اصولی است، در گولایی‌ها یا چابکی بیک میزند. با یسکل راه اطراف خویش حین سوار با زاویه‌های مختلف می‌چرخاند در بهار سال ۱۹۷۳ بود که «آفو» آنهم محض برای یکبار از مقام قهرمانی افتید اما در ظرف همان سال ریکارد قهرمانی تمام قهرمانان بایسکل را شکست و با اشتراک در مسابقه موسوم به «مسابقه صلح» که در ردیف دوم قرار گرفت و شش تیش با آنهم فزونی یافت.

«الکساندر کوز» یا «پتیکوف» کپیتان مسابقات ورزشی شوروی در یادداشت‌هایش مینویسد:

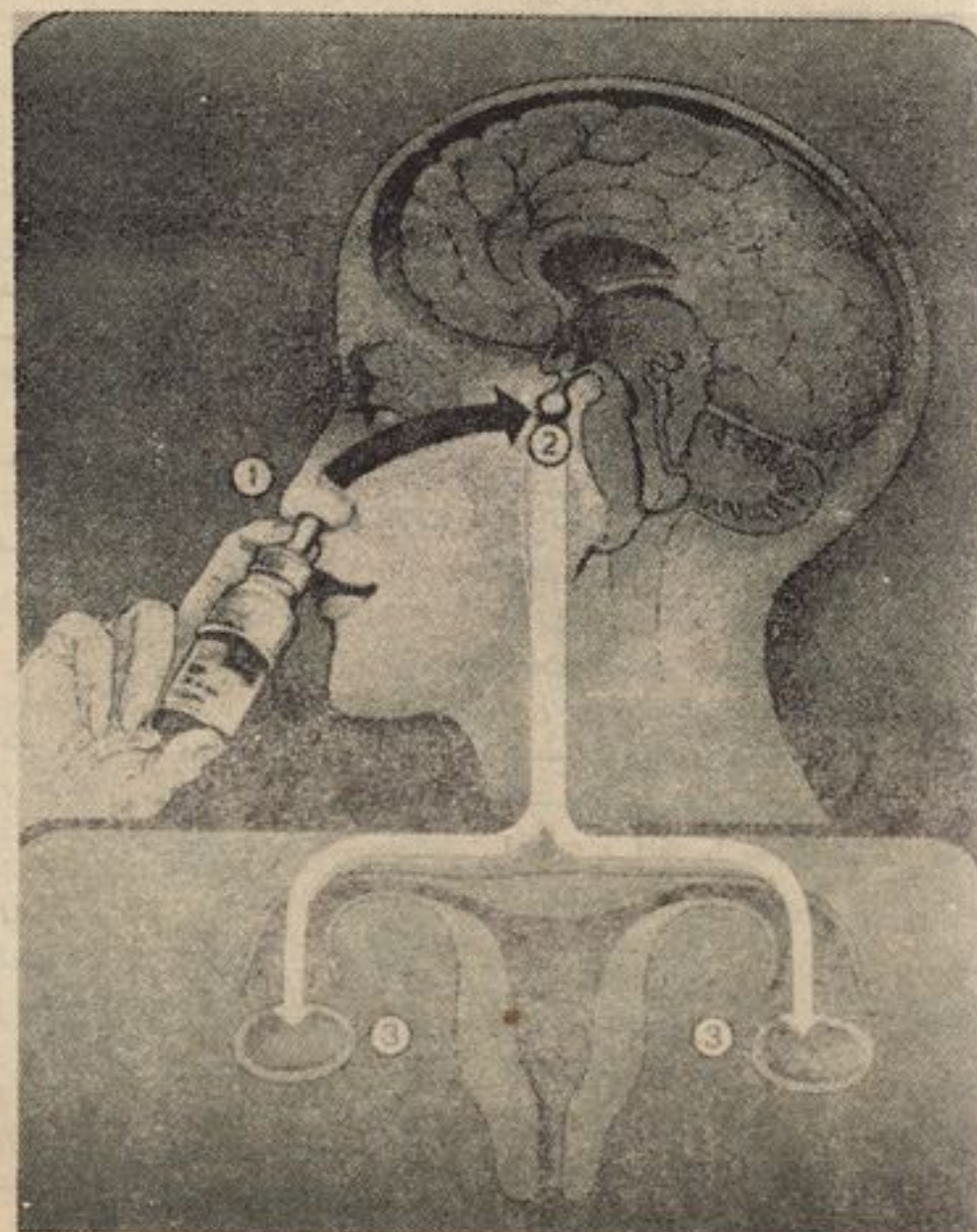
«بسان تو هیچ راننده بایسکل نمی‌راند وی در پاسخ گفت: من میخواهم بیشتر بقیه در صفحه ۶۶»

در اینجا گزارشی ارائه می‌یابد در مورد یک معلم سیورت، معلمی که زیاد جوانست یعنی تازه به ۲۳ سالگی پا نهاده است. وی «آفو» بیکو ووز نام دارد و توانسته تاکنون در (۷۵۰) مسابقه بایسکل را نی‌کنسرت و مجموعاً فاصله (۱۵۶۰۰۰) کیلومتر را سواری با یسکل تاکنون پشت سر بگذارد. موصوف از جیره‌های تابان ورزش است که بخاطر سپهگیری در مسابقات با یسکل دوانی بازی‌های المپایی «مونتر پال» توانست به احراز قهرمانی نایل آید. روز نخستینکه وی سوار بایسکل می‌شد پاهایش و گاه‌گاه‌ها تمام اندامش درد میکرد، اما دفعات این با یسکل سواری عادی توانست سرو عذاب در حلقه‌های هنری راه بیندازد و مسئله در خورد دقت و بسیار بسیار جالب اینست که با یسکلی را که در مسابقات المپایی «مونتر پال» نامبرده سوار شد، یک با یسکل زیاد عادی و مال خودش بود، چنینکه وی میخواست سوار بایسکل شود، گرچه با یسکل قبلا چک شده بود، لکن زنجیرش خطا خورده و بیجا شد و درین میان «والیری چا بلکن» یکی دیگر از مسابقه دهندگان بایسکل رانی «آفو» را درین میان کمک کرد. و وانگهی جمعی از بایسکل سواران با اعلام آغاز مسابقه تو سلف نفروظ شروع کردند به مسابقه با یسکل رانی، هر یک شطارت می‌ورزید، سعی میکرد تا سرعتر یا بزند و از حریفان پیشی گیرد و در فرجام همه با شگفتی در یافتند که «آفو» بیکو ووز «چنان زود تر از دیگران در محل معینه رسید و بدون نا راحتی و احساس دلگی توانست فاصله یکصد کیلومتری راهمرا با یسکل پیماید. به علاوه وی در ۸ می ۱۹۷۷ توانست منجبت ترینر راننده بایسکل بر بالای سربک‌های بولیند، شناخته شود و جایزه ارزنده دیگری را کسب بدارد لکن در پایان همین مسابقات گرچه برای «آفوبیکو ووز» قهرمانی آورد، جراحا نی بر داشت، چنان چرا حانی که دکتوران وی را از مسابقه مانع شدند لکن با وصف آن «آفو» در آرزوی پیمودن فاصله (۱۶۹۵) کیلومتری بود. در فاصله هر چند کیلومتر تکه‌های کثیف یا رنگ‌های زرد گذاشته شده بود که وی همه تکه‌ها را در ید و پارچه آن‌ها را در اخیر مسابقه درموزیم ورزشی رسانید. «آفو» بیکو ووز «که قسمت زیاد عمرش را در شهر ساد حلی «تارتو» گذرانده، مادرش «هالی» ترس یک شفاخا نویدرش «نیکولای بیکو» ووز یک سازگر ساختمانی بود «آفو» با بچه‌های بزرگتر و با استعداد تر از خودش طرح رفاقت ریخته بود، در پنج سالگی

سوء بالای وجود بگذارد. داروی متد کره خود یک ترکیب کیمیاوی است، به علاوه مفا دی که از آن تذکار بعمل آمد سایر نا راحتی‌ها را تحت الشعاع قرار داده و مشخص استعمال کنند. فرحت حس میکند.

بدین اساس داروهای ضد حاکملکی دیگر پس از عبور از راه پر پیچ و خم روده‌ها و معده به هدف نمیرسد فقط هورمون‌ها مشخصه وجود از طریق سیستم عصبی تحت کنترل آمده و محض درد فایق حساس اتصال زن و مرد فعلیت تخمه دان‌ها بطی خواهد گردید و در نهایت از گرفتن حمل و آستن جلو گیری خواهد نمود اثرات قرص‌های ضد حاکملکی تا ۲۴ ساعت در وجود میماند حالانکه فقط پس از پنج دقیقه اثرات داروی جدی‌شد مرفوع میگردد، کار نیست این دارو شش ماه تمام در کلینیک یونیورسیتی سویدن ادا به پیدا کرد. زنا تیکه گر یبو سرما خور دگی داشته باشند ضمن تطبیق این دارو اثرات مذکور نیز رفع شده میتواند. دوا سازان فرانکفورت در مرکز «هور خست فرانکفورت» گشون سعی دارند که این دارو را بشکل بهتری عرضه بدارند، علمای سویدنی در نظر دارند که در سالیان بعدی این دارو را بطور قرص نیز برای آندسته از خانم‌ها که مایل به تطبیق آن از طریق بینی نیستند، به بازار عرضه کنند. قرص‌های مذکور خود بخود به تخمدان‌ها خودش را خواهد رسانید. مسلماً داروهای جدید جای قرص بزودی جای قرص‌های ضد حاملگی را خواهد گرفت.

است بعضی فشار دادن بوتل دارو خود بخود از قسمت‌های ساختمانی عمده بینی گذشته و خود را بدستگاه مغز میرساند. در نتیجه هر مرتبه صفر فشار به پنج ملی گرام مواد وارد وجود میشود. داروی مذکور از طریق پوسته مغاطی بینی داخل غده‌های مخصوص در مغز گردید و در فرجام وارد هارمون‌های دماغ می‌گردد که عواقب آن همانا گذاشتن انس مطلوب با لای «هیپوفیز» است. «هیپوفیز» غده مخصوصی است که شخصاً و طبقه ساختن هورمون‌هایی مخصوص را دارد. «هیپوفیز» که یک اصطلاح طبی مخصوص است در حین حال یک مرکز اتصال بیوشیمی دماغ و سایر هورمون‌ها و از گان‌های وجود بوده و در ضمن آن‌ها را کنترل میکند. علمای سویدنی «گر یستر» بگویند: و همکارانش «زخین» و «هان تیلوز» و «لاف وید» در واقع از اولین کسانی اند که میخواهند سایر هورمون‌ها و از گان‌های وجود را از طریق کنترل مغز از بسی فعلیت‌ها باز دارند، به عبارده دیگر این دارو بعضی رسیدن در مغز شده‌های محرکه وجود را که در تخمدان در ارتباط بوده و فعلیت دارند، فعلیت شانرا بطی میسازد بطوریکه مانع فعالیت تخمه‌ها میگردد. و این به مراتب بهتر است که رشته‌های عصبی باعث کنده همچو فعلیت‌ها در موارد لازم گردد و همچو مسایل از طرف اعصاب کنترل گردد تا آنکه مستقیماً دارو‌ها نجو یز گردند. چه در صورت دو می‌ممکنست دارو اثرات



۱- دارو از بینی بدماغ رسیده و ۱ پس به کمک رشته‌های عصبی خودش راه تخمدان رسانید و از گرفتن حمل جلو گیری میدارد.

در معاهده ی سال ۱۸۵۵ بین امیر دوست محمد و انگلیس نیز طرف افغانی شکل بسیار تحقیر آمیز یاد شده است چنانچه در ماده ی سوم آن گفته شده جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و ویرانکای او در قلمرو کمپانی مداخله نکرده و بدوستان «آریسل» است اندیسا کمپانی دوست باشند و با دشمنان کمپانی مذکور دشمن باشند (۱) معاهده ی دیورند که بین امیر عبدالرحمن و انگلیس امضاء شده نیز همین بر خور صورت گرفته (۲) گرچه بر خور تو همین امیر انگلیس چیز طبیعی است زیرا خود این شاهان جیره خواران و نوکران انگلیس بودند (۳) و در ماده ی هفتم آن چنین گفته شده است: نسبت به طریقه ی دوستانه که جناب امیر صاحب فرین گنگو و معاهده قبول معاهده ی دیورند ظاهر ساخته اند، دولت عالی ی هند بوجه عطفه سالانه یک ملین و دو صد هزار روپیه که آن به جناب محمد و ح داده می شود، ۶۰۰ هزار روپیه سالانه مزید نموده شود.

اما آوا نکه خلق افغانستان و رهبران ملی طرف انگلیس را تشکیل می دادند نه تنها بر خور تحقیر آمیز دشمن را قبول نداشتند بلکه اراده ی قهر مانا نه ی خود را بر دشمن تحمیل می کردند چنانچه

در برابر یک دولت بزرگ استعباری و فتون منظم انگلیسی، در نهایت سادگی و غاری از هر نوع مجاملات درباری، با توک شمشیر امضاء و ملت خود را صادقانه تسلیم کرده است. در حالیکه امضاء کنندگان این معاهده نه درای دولت و تشکیلات سیاسی و نظامی بودند و نه بر ای خود امارت و وزارت و سلطنت می خواستند. مقامی این عهد نامه ی ملی با معاهدات سیاسی اینکه امرای افغانستان پیش از آن و بعد از آن با انگلیس عقد نموده، بر تری، شجاعت، اصالت فکری و وطن پرستی خلق را نسبت به سر داران و امیران و درباریان و بوج نشان می دهد.

و اما فعالیت جا سو سی انگلیس در افغانستان از عملیات نظامی آن شد بدتر و موثر تر بود. دولت های افغانستان در برابر جا سو سی انگلیس بکلی خلع سلاح و عاجز از مدافعه بودند و اکثر خود عمال دولت و دربار خود برای انگلیس جا سو سی می کردند، زیرا در دولت های افغانستان کدام تشکیل و یا او را گران عهد جا سو سی و جو دنداشت و اگر هم او را گران های موجود بود برای جاسوسی داخلی و کنترل خلق افغانستان و جو د داشت، پس عمال جاسوسی انگلیس در افغانستان آنچه بطور سری کار می کردند،

نکرد: هشتکه انگلیس و شاه شجاع و سکها در ۱۸۳۹ یکا بل حمله کردند امیر دوست محمد خان شیر محمد خان (مستر کمپل) را بد فاع از کابل با مو ر نمود و لی اواز کشید ن شمشیر بمقابل انگلیس و شاه شجاع انکار نمود، بعد از فرار امیر دوست محمد، شیر محمد قوما ندان یک قطعه ی گارد شاه کابل از طرف شاه شجاع مقرر شد و در سر کوی میا رزین کابل سهم فعال گرفت اما قطعه ی مر بو طه ی اوتباه شد و خودش بنام اینکه مسلمان شده است زنده رها گردید. بسعد از تباهی انگلیس و شاه شجاع و آمدن دو باری امیر دوست محمد به سر قدرت با تعجب دید می شود که شیر محمد از طرف امیر دوست محمد به قوماندانی ار قوی پا زده هزار نفری مسلح مقرر می شود و سر دار محمد افضل خان و اسی بلخ پس از دوازده ساله ی خود عبدالرحمن را (بعد ها امیر عبدالرحمن یا شاه افغان) نشان و امضاء کنند می معاهده ننگین دیورند با انگلیس) به شاه گردی و می دهد، کمپل (شیر محمد) سه سال این پس بر سواد را صرف سو ها ن کاری و قسما جرا حی در روز سه ساعت مسی آموزد آری امیر عبدالرحمن شاگرد و پیرو همین شخصی بود که بعد ها مطابق هدایات

ستراتیژی سیاسی و نظامی انگلیس در افغانستان

اسماعیل

پیوسته نگاشته

معاهده ای که رهبران ملت افغان بنا ریح ۱۱ دسمبر ۱۸۴۱ با انگلیس ها در حالیکه اردوی انگلیس هنوز در کابل و (تروندهار) و کند ها ر مستقر بودند، با انگلیس ها عقد کردند این معاهده این طور شروع می شود: قرار داد عهد و میثاق که فیما بین عالیجاهان مغلی جایگاهان حشمت و شوکت دستگا ها ن نواب مستطاب مغلی القاب نواب عالی نواب محمد زمان خان، و نایب ثانی رفیع مکانی والا جاء نایب امین الله خان «لوگری» و ... و صاحبان باوقار انگلیسیه بسته شده است.

و در ماده ی دهم این معاهده ی آبرو مندانه به انگلیس چنین اخطار داده شده است: «شروط دهم اینکه دو مراتبه صاحبان انگلیس خواهی ملک افغانستان را به هیچ وجه نکنند و نسل بعدنسل فیما بین رابطه ی دوستی و اتحاد مربوط و مضبوط باشد، و سر کار افغانیه هر گاه بجهت مدافعت اعدای بیرون امداد بخوانند، سر کار انگلیسیه در تبلیغ آن در یغ و مضایقه نکنند ...»

این معاهده نمونه ی کامل شعور سیاسی و شجاعت اخلاقی خلق افغانستان است که

برای همیشه مخفی و مستور می ماندند، و اما آنانی که علنا بنام سیاح، طبیب، تاجر، ترجمان، معلم، مستخدم، مهاجر و بنا هنده سیاسی و غیره به کشور مامی آمدند با دست باز به جاسوسی می پرداختند و بعضا اعمال جاسوسی افغانی آفرینی می شد، انگلیسها در آغاز آشنائی با افغانستان برای این کار از عناصر خالص انگلیسی استفاده می کردند چنانچه میجر ایلدر پاتنجر (۱۸۱۱-۱۸۴۳) یکی از اعضای تو پخانه ی بمبئی و با زعانون ناظر سیاسی هند، به کابل آمد و به قیافه ی ملای هندی به هرات رفت و همینکه حمله ای را در هرات شروع شد به فعالیت های جا سو سی پرداخت و بعدا کاملا افشا گردید، «مستر کمپل» یکی دیگر ازین قماش اشخاص بود که در حمله ی ۱۸۳۳ شاه شجاع فراری در قندهار امیر یک کندک نظامی او بود و چون شاه شجاع درین جنگ شکست خورد کمپل نیز زندانی و بعدا مسلمان شد، و امیر دوست محمد خان این تازه مسلمان شده را در بدل معاش ما هوار چار صد روپیه قوما ندان تو پخانه ی ار قوی کابل مقرر نمود خواننده محترم توجه کنند که

این مسلمان شده ی درباری چه ها که ورهنمایی ها و تلقینات این جاسوس زیر دست خدمت شاه پستی را به نفع انگریز و بقصر کشور خود «؟» انجام داد. کمپل در ۱۸۵۸ بمرد.

هكذا زابت ایج از ورود رسمی به افغانستان مدتها در ولایات شرقی افغانستان گشت و گذار کرده و معلوما ت زیاده ی بدست آورده بود. حتی الکساندر برنی که حیثیت نماینده ی رسمی دولت انگلیس را در دربار کابل داشت.

مگر این گونه عمال خالص دولت انگلیس دچار مشکلاتی می شدند ازین جهت که با زبانون، فرهنگ و مذ هب خلق افغان نشان بسیار بیگانه بودند. پس انگلیسها به عمل شرقی خود بیشتر متوجه شدند چنانکه در عهد زمان شاه بواسطه ی میان غلام محمد هندی به تشکیل جمعیت مسند شاه و تحریک خان های محلی پرداختند یکی ازین عمال مو هن لال بود که زبان دری و انگلیسی را در دهلی فرا گرفته و داخل شعبه ی جا سو سی گردیده بود، این آدم در ایران بنام میرزاقلی کشمیری و در افغانستان بنام میرزاقلی کشمیری معرفی

شده بود مو هن لال در سند و بلو چستان خدمت زیاده ی برای انگلیس ها انجام داد و در جنگ اول افغان و انگلیس در افغانستان به نامیس شعبه ی جا سو سی انگلیس پرداخت، ولی چون مو هن لال هندی اصل بود بعد از آنکه انگلیس ها او را خوب به تنع خود استعمال کردند، رهائی نمودند و بحالت بدی بمرد.

از آغاز قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم این دسته اشخاص در دوره ی هر دولت از افغانستان موجود بودند مثلا در عهد امیر دوست محمد خان در لشکر قلعن (بخارستان) قوما ندان سواره نظام افغانی با قر علی شاه هندوستانی، در عهد امیر شیر علی خان در فتون هرات جنرل پیاده نظام کریم بخش خان هندوستانی بودند. دولت انگلیس از مستخدمین مسلمان خود در افغانستان چنان استفاده می نمودند که از شاه سر انگلیس میسر نبود، لذا تا جنگ سوم افغان و انگلیس (۱۹۱۹) تمام نمایندگان انگلیس در کابل مسلمان بودند، بعد از آنکه وزیر مختار انگلیس نراهم در کابل مقیم شد، معا وین آنها مسلمان بودند، چنانچه در عهد دولت امانیه در سرحدات شرقی افغانستان، شیخ محبوب علی خان پنجابی پولیتیکال اجنت «پاره چنار» و معاون او اسکندر خان ایت آبادی بود، بعد ها که «سر هفزی» پولیتیکال اجنت خیر بیعت وزیر مختار انگلیس در کابل آمد شیخ محبوب علی خان به صفت مسکر تر شرقی، همکار نزد یک او در کابل بود و فعالیت های بیشتری سری و علمی متعارف انگلیس را برعه داشت، تا توانست اقتدارش خوین و ارتجاعی افغانستان را بچشم سرو رضایت خاطر تما شا کند، در چنین موارد بصراحت می توان گفت که مقیاس ظلم دول استعمال ری و امیر یا لیستی در مشرق زمین، تنها استثمار و بهره برداری از مستعمرات آنان نیست بلکه آنچه را می توان بزرگترین جنایت استعمار نامید اینست که آنان فرزندان یک مستعمره را بطوری تربیت می کنند که آنان خیانت بوطن را و خدمت بدشمن وطن خود را، مایه ی افتخار و در عین حال یک کار شاهانه و طبیعی مسی دانند ؟؟

انگلیس ها در مورد رجال افغانستان همز واقعیت و حقیقت انحراف کرده و هر که را با منافع و اغراض خود منطبق و بسا مستعمل یا قند، او را به نیکو نسی ستوده و نمونسه ی مثال در تاریخ قرار دادند، و آنکه را مخالف اغراض خود و موافق منافع ملی افغانستان دیدند، در پرده های تو هن و افترا پیچیده، به بدی تبلیغ کردند بطور مثال در مورد رحمت الله و فادار خان (وزیر زمان شاه) که استحکام دولت را می خواست تو شتند او بسک بویلزایی گمنام و فساد است ادر مورد یار محمد خان وزیر کاران که پا تنجر را باوجود همه استحکاماتش از هرات اخراج کرد تو شتند:

بقیه در صفحه ۴۴

نگاهی به اهمیت...

بخش ضد استعماری با گام های نیرومند در جهت نابودی و زوال سیستم استعماری به پیش رفت و یکی پی دیگر استقلال و آزادی کشور های تحت زنجیر استعماری تامین گردید و خلق های جهان به اکتوبر کبیر دلپسند و کشور شورا ها را پایگاه مطمئن نهضت و انقلاب کارگری دانستند.

مشعل را ران انقلاب اکتوبر که اولین آرمایش انقلابی را به پیروزی رساندند همه از انقلاب و آرمان های انقلابی آن دفاع نمودند و همچنان پروگرام ها و نقشه های علمی را برای اعمار جامعه نوین سو سیالستی طرح کردند که از همان آوان شکوفانی و آبادانی و همچنان آرامی و سعادت خلق را بشارت می داد. و گذشت زمان به اثبات رساند که رهروان راه اکتوبر بر هبری حزب واحد سر راه مری کشور آکا هانه و انقلابی وطن خود را آباد ساختن، چنانچه امروز کشور شورا ها در ر دینف او لین کشور های جهان در تمام ساحت های اجتماعی به حساب می آید و در اکثر سکتور های اجتماعیه مقام اول را احراز نموده است.

پهلوی دیگر مسئله همان نقش و تاثیر بین المللی انقلاب اکتوبر است که در پرتو آن در ازو پای شرقی بعد از حمله خائنه و تجاوز گرانه فاشیست های آلمانی که عنوان جنگ جهانی دوم را بخود گرفته اردو گاه سو سیالیزم بنیان گذاشته شد و سنکر صلح و سو سیالیزم در جهان با قوت و نیرومندی شکست نا پذیر دزهای پارینه و پو شالی امیر یا لیزم رانه تنها به لرزه در آورده بلکه مژده نابودی و زوال آنها به جها نیان علنا اعلام داشته که این مسیر تا کنون به پیروزی های زیادی دست یازیده است.

واقعات عصر و زندگانی نوین خلق های جهان در پرتو انقلاب اکتوبر نشا نداد که انقلاب اکتوبر نه تنها در روسیه و اروپا محدود و محصور نماند بلکه در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نیز راهش را باز نمود و امروز زحمتکشسان گیتی با سر افراشته و امید فراوان

شخصت و دو مین سالکرد انقلاب اکتوبر را جشن می گیرند. باز هم او ضاع و احوال در کشور های جهان پیروزی های هر چه بیشتر انقلاب اکتوبر بر را تأیید نموده و پیام انقلابی اکتوبر در دور ترین نقاط جهان به گوش جها نیان رسیده و عملا سپاه نیرومند دفاع از آرمان های اکتوبر کبیر و تحقق آن بوجود آمده و در میدان های مختلف و در جهت های گونا گون علیه امیر یا لیزم می رزمند و یقین دارند که به بالا خره امیر یا لیزم از روی کره زمین به مزبله تاریخ دفن می گردد و در فر دای زندگی که اکتوبر آغاز گر انقلابی آن است از ظلم و ستم، بیعدالتی و تجاوز استثمار و چپا ولگری جایی نخواهد بود و جهانیان برادر وار و رفیقانه یکجا با هم زندگی خواهد داشت.

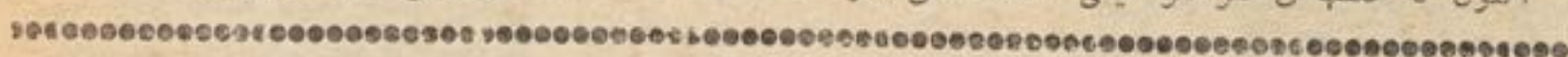
با امید های یقینی که در فروزانی مشعل اکتوبر بوجود آمده بی جا نخواهد بود به ارتباط شخصت دومین سالکرد انقلاب سو سیالستی اکتوبر در روسیه به پیشا هنگان انقلاب و فر زندان خلف آن تبریک بگویم و به آرزوی روابط نیک و انقلابی اتحاد شو روی سو سیالستی با افغا نستان نکات مختصری از تا ثیرات اکتوبر را در افغا نستان به یک نگاه مشا هده کنیم که اینک به اختصار در زیر یاد داشت می شود:

خلق وطن ما و حافظه زمان بیاد دارد که بعد از انقلاب سو سیالستی اکتوبر در روسیه، که در سال ۱۹۱۷ به وقوع پیوستست جنبش و تحول انقلابی در افغا نستان نیز شکل نوین گرفت خلق افغا نستان بر هبری مشروطه خواهان استقلال سیاه می افغانستان را بدست آورد و عملا زنجیر های استعماری در افغا نستان به شکست مواجه گردید.

دولت نو بنیاد شوروی استقلال افغا نستان را نه تنها بر سمیت شناخت بلکه با قاطعیت اعلام داشت تا دست مداخلات خارجی از افغا نستان کوتاه گردد.

از آن به بعد اتحاد شوروی در اکثر پروژه های ساختمانی در افغا نستان بصورت بی شائبه همکاری نمود و امروز بیش از نیم قرن نشا نداد که اتحاد شوروی و مشعل داران اکتوبر کبیر دو ستان نزدیک خلق افغا نستان است و این دوستی با پیروزی انقلاب شور در افغا نستان از نظر محتوی نیز تحول پذیرفت.

در اخیر باز هم جشن اکتوبر را صمیمانه تبریک گفته و آرزو مندیم بعد از این نیز روابط افغا نستان و شوروی هر چه بیشتر انکشاف یابد و دو کشور همسایه بصورت آزا دانه در راه آبادانی و سعادت خلق های شان به پیروزی های وسیعی دست یابند.



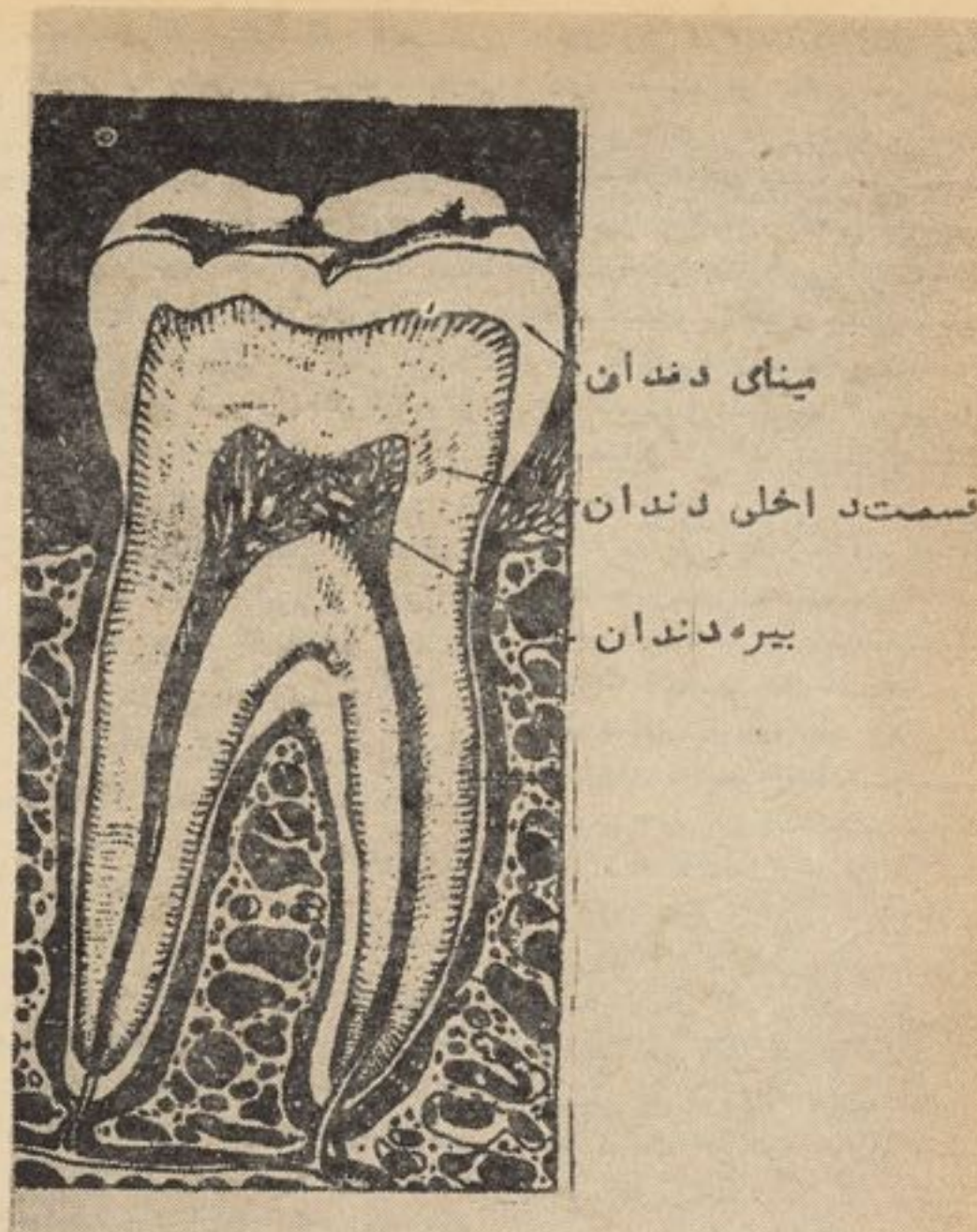
۳- بهبود بخشیدن شرا یط حفظ الصحه محیطی و از بین بردن کثافات انسانی و معنوی در وقوع امراضی که عامل مرض تو سط آب انتقال میکنند کاهش قابل ملاحظه ببار می آورد، در پروژه های صحی حق تقدیم به آن داده شود. در اینجا باید اضافه نماید که صرف با تطبیق اساسات ساده حفظ الصحه و وفیات کود کان تا حدود نود فیصد در ممالک عقب نگه داشته شده پائین خواهد آمد.

چهارم - در ساحه تربیت سر ویس های مو سسات اجتماعی مر ستونها و دار التادیب در بهبودی و تجدید تربیت اطفال محروم ذیل کمک شایانی نموده میتوانند: اطفال یتیم، اطفالی که معیوبیت

۳- بهبود بخشیدن شرا یط حفظ الصحه محیطی و از بین بردن کثافات انسانی و معنوی در وقوع امراضی که عامل مرض تو سط آب انتقال میکنند کاهش قابل ملاحظه ببار می آورد، در پروژه های صحی حق تقدیم به آن داده شود. در اینجا باید اضافه نماید که صرف با تطبیق اساسات ساده حفظ الصحه و وفیات کود کان تا حدود نود فیصد در ممالک عقب نگه داشته شده پائین خواهد آمد.

اطفال و سوء تغذی

سوم - سرویس های وقایوی: ۱- مصرف آب آشامیدنی و پاک حق مسلم هر انسان است که در تهیه آن هر چه بیشتر مساعیه بعمل آید. ۲- سرویس های واکسیناسیون در تمام مناطق کشور رونق بیشتر داده شود تا اقلا هشتاد فیصد تمام اطفالی که دارای سن قبل از رفتن بمکتب اند در مقابل امراض قابل وقایه معافیت کسب نمایند در اینجا متذکر می شویم که در ممالک عقب مانده سالانه بیش از پنج میلیون طفل قربانی امراض می شوند که بیماری های مذکور در ممالک به اصطلاح پیشرفته با معافیت های کلنوری از بین رفته اند.



دایمی یاد میشود همه دندانهای شیری قبل از اینکه طفل تولید شود در رحم تشکیل میشوند. ولی تکامل آنها تا سن دوم سالگی طول میکشد و اینکه طفل شش ماهه شد اولین دندان که در قسمت پیشروی الاثنه بازشی و بالایی پیدا میشود بنام ثنا یاد میشود و طبقه قطع کردن مواد غذایی را به عبده دارد. دندانهای پهلوی ثنا را بنام انبای یاد میکند

این دندانها نیز برای پاره کردن مواد غذایی بکار میروند در حالت عادی هر کس چار دندان انبای می داشته باشد بعد از دندان های انبای دندانهای آسیاب ابتدایی واقع شده اند و در بین ۹-۱۱ سالگی آسیاب ابتدایی میروند. و اینکه دندانهای دایمی تشکیل شد ۱۲ عدد دندان آسیاب خواهید داشت یعنی شش دندان در الاثنه بالا و شش دندان در الاثنه پایین واقع هستند دندان های آسیاب غذا را طوری میده میکند که در عملیه بلع و هضم سهولت بخشد مجموع دندانهای شیری ۲۰ عدد بوده در حالیکه دندانهای دایمی ۳۲ عدد می باشد.



الاثنه بالای دندانهای دایمی
نیش زدن دندانها :

دندان های الاثنه پائین معمولاً قبل از دندان های الاثنه بالائی نیش میزند. دختران نسبت به پسران زود تر دندان میکشند در اطفال قد بلند دندانها زود تر از اطفال جال نیش میزند در بعضی حالات دندانها خیلی قبل و یا دیرتر از وقت معینه نیش میزند ممکن است این دندانها طبیعی یا اضافی

باشند. دندانهای اضافی قبل از نیش زدن دندانهای طبیعی می ریزند اگر این دندانها مانع در شیر خوردن و یا مکیدن پستان مادر شوند باید آنها کشیده شوند. در حال طبیعی اولین دندان شیری ممکن است قبل از يك سالگی (۸-۶ ماهگی) ظاهر شود.

تاخیر پیدایش دندانها بعد از يك سالگی نشانه اختلال عمومی تغذیه یا امراض هارمونی است در بعضی امراض دیگر مانند سفید نیز این امکانات موجود است. باید رادیو گرافی یا عکس دندانها گرفته شود در هشت ماهگی اطفال میتوانند بعضی غذاهای نرم مثل بستکوت را بخورند این کار در تیزی دندانهای آنها کمک خواهد کرد.

بعد ازین، خوردن سیب، مالت و میوه جات دیگر دندانها را بخوبی پاک میکند ولی کیک و غذاهای نشایسته یا آردی چسبنده بوده پاک کننده نیستند. به دندانها چسبیده و به این ترتیب به رکود تجزیه مواد غذایی کمک میکند و سبب کرم خوردگی دندانها میگردد. تکامل ریشه دندانهای دایمی معمول تا سه سال بعد از نیش زدن دندانهای شیری طول می کشد و در سن هفت سالگی اولین دندانهای دایمی ظاهر میشود و در صورت تکامل پوره دندانهای دایمی تعداد آنها ۳۲ عدد میباشد.

نظافت دندانها در سنین مختلفه:
قبل از نیش زدن دندانها نظافت مصنوعی دهان بیفایده است زیرا بخاطر دهن شیرب خوران و اطفال کوچک نازک است و به آسانی صدمه می بیند.

دندانها را نباید قبل از سه سالگی برس کرد قبل از سه سالگی تاج دندان را می توان

نوشته: داکتر عبدالسبحان هانلی

عضو اداره تبلیغات صحی ریاست طب و قایوی

دندانهای سالم رمز تندرستی

دندانها علاوه بر اینکه با عمل جویدن در فعل هضم مواد غذایی

کمک می کنند در زیبایی انسان نقش اساسی داشته و در تکلم درست

کلمات درست یا ری می کنند :

وسخیکه دندان تان را پوشانیده مینای دندان

نمو و ساختمان دندان :

هر دندان از نظر نمود چار مرحله دارد :

مرحله رشد و نمو، آهکی شدن نیش زدن و مرحله فرسودگی، دندانها از نظر ساختمان به سه حصه تاج، گردن و ریشه تقسیم شده است.

تاج قسمتی از دندان است که در بالای بیره واقع شده و معلوم میشود، ریشه های دندان میان بیره واقع شده و دیده نمیشود قسمیکه ریشه و تاج دندان را با هم وصل می کند بنام گردن دندان یاد میشود پوش سفید

سمینای فوق العاده سخت بوده و در حفظ سلامت دندان نقش مدافعی دارد. خرابی مینای دندان باعث کرم خوردگی و فرسودگی آن میشود. بعد از مینای دندان صدف دندان قرار دارد و قسمت داخلی آن بنام خمیر دندان یاد میشود اعتصاب و رنگهای خون در بین دندان وجود دارد که برای دندان غذا می رساند و آنرا قوی و سالم نگه میدارد اقسام دندانها : دندانها بدو نوع شیری و

کرم خوردگی دندان های شیری در پنج تا هفت سالگی و از دندان های دایمی بین سن (۱۲ - ۱۸ سالگی) می باشد که شاید مهمترین وقت کرم خوردگی در همین سن (۱۲-۱۸) سالگی می باشد.

وقایع:

۱- از صرف نمودن یا خوردن مقدار مواد قندی برای مدتی جلوگیری کنید و در عوض آن میوه جات را زیاده تر صرف نمایند.

۲- دندانهای خود را بعد از صرف غذا برس نمایید و یا لایق روزانه دوبار برس نمایید.

۳- از آشپای نوک تیز و فلزی مثل میخ سنجاق سوزن وغیره به منظور پاک کردن دندانهای خود استفاده نکنید.

۴- برای کشیدن پارچه های کوچک مواد غذایی از بین دندان های خود ازار استفاده کنید.

۵- اگر دندانهای شما تکلیف دارند ولو کوچک هم باشد یاداگر دندان مشوره نماید.

علت کرم خوردگی هنوز بصورت یقین فهمیده نشده مگر صرف نظر از بسیاری عوامل را در پیشرفت کرم خوردگی موثر هستند دلایل موجوده نشان میدهد که علت اصلی

کرم خوردگی دندانها میکروب است خرابی دندان یا کرم خوردگی از قسمت خارجی دندان ها شروع میشود و به طرف داخل دندان

پس میرود اگر به علاج يك دندان فرسوده اقدام نشود این فرسودگی پیش رفته و سبب

يك پندیدگی در همان الاشه میشود پندیدگی الاشه عبارت از جمع شدن چرك در ریشه

دندان می باشد و این پندیدگی از سبب میکروبیایی پیدا میشود که در سوراخ های

دندان داخل میگردد. اگر این میکروبها داخل جریان خون شوند شاید به قلب مفاصل و دیگر حصص وجود ضرر برساند يك دندان فرسوده مقدمه يك روماتیسم بوده میتواند.



کرم خوردگی در يك حصه میناید میشود



پندیدگی در ریشه دندان



کرم خوردگی دندان به خمیر دندان راه پیدا میکند



کرم خوردگی در يك حصه مینا پیدا میشود

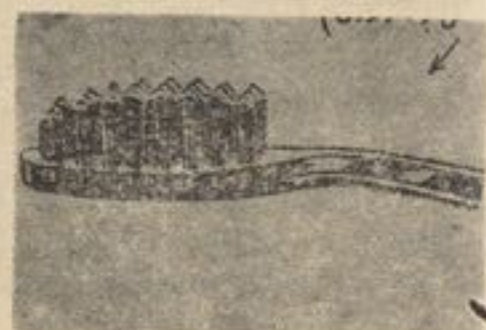
گاهی باینکه آغشته با محلول نمک بلی (سودا) پاک نمود.

در سال سوم والدین محترم باید دندانهای اطفال خود را برس کنند و از سال پنجم معمولاً اطفال خود شان این عمل را بعد از غذا گیرند.

برای خارج ساختن غذا های نرم، چسبنده و ریشه دار از میان دندانها لازم است از برس یا مسواک استفاده شود این عمل از بوسیدگی یا کرم خوردگی و امراض اطراف دندان جلوگیری میکند.

درین جا بهتر است تذکر داده شود که برس دندان باید خرد بوده موک های آن از هم فاصله داشته و سخت باشد برس دندان باید بعد از هر دفعه استعمال پاک شود. و جهت خشک شدن آن آویزان کرده شود.

هر عضو فامیل باید برس دندان علیحده داشته باشد در صورتیکه برس دندان کهنه و نرم شود باید از برس جدید استفاده شود.



در وقت برس نمودن الاشه باین برس باید از باین به بالا و در الاشه بالائی از بالا به باین در حرکت آورده شود طوری که عویک های برس مواد غذایی میان دودندان را بخوبی پاک نموده بتواند بعداً با احتیاط لازم قسمت داخلی دندان را باید برس نمود.

پاک نگه داشتن دهان مخصوصاً برای اطفال بسیار مهم است والدین گرامی باید اطفال روزانه دوبار دندانهای اطفال خود رسال شانرا پاک کنند برای این کار که پاک کردن دور انگشت شهادت خود پیچانده و با ماده ضد عفونی یا میکروب کش آغشته نمایند و به آهستگی دهان و دندان های طفل پاک شود برای پاک کردن دندانهای اطفال شیر خوار کافی است يك مقدار آب به اطفال نوشانیده شود.

اهمیت تغذیه:

اهمیت تغذیه به بر حسب مراحل نموی دندان و ساختمان مخصوص آن فرق میکند اهمیت تغذیه در شیر خواران و اطفال کوچک بیشتر از دیگران است. زیرا در این هنگام اکثر دندانها در حال نشو و نما هستند و به تدریج دندان نیش میزند همزمان با آن اهمیت عوامل غذایی نیز کمتر میشود و بعد از خروج همه دندانها دیگر عوامل غذایی اثر مستقیم نمی دارد.

دندانها در وقت رشد و نموی خود به تمام غذا های اصلی احتیاج دارند مخصوصاً ضرورت زیاده تر ویتامین سی و ویتامین دی و کلسیم میباشد. مگر تجویز کلسیم یا ویتامین سی به منظور تقوای کرم خوردگی بیافاده است.

کرم خوردگی دندانها:

با وجود اینکه عینای دندان فوق العاده سخت و محکم است باز هم اگر مراقبت درست از آن ها به عمل نیاید ممکن است فرسوده شده و سوراخ ها در آن پیدا شود.

ستراتژی سیاسی ۹۰۰۰

روا یا ن لایق؟! بو جود آور دند، که بتوانند مملکت را نگه داری کنند... انگلیس ها مردم افغان را بیعت يك خان و درو غلو و بد قول شناختند، در حالیکه در بین فرمان روا یا ن آنها مخصوصاً در نسل یا پنده خان و بار کزانی ها ما بخت معیار شرافت و صداقت میابیم که اکثر آنها را قابل اعتماد و اطمینان می سازد...

دوست محمد خان اولین فرمان روایی افغانستان بود که ثابت کرد: در زیر کلبه تلوار ها نا استوار و کر کتر ضعیف، هستی صداقت و لیاقت هدف در پس رهبران بزرگ بار کزانی بو جود است... زندگی دوست محمد خان نشان می دهد که او یک اداره چی لایق و یک چمنلین بزرگ بود؟!...

چرا تو پسند گان انگلیس در مورد است فرد اینقدر متناقض و متضاد قضاوت می کرد دند؟ برای آنکه این فرد را یک روز مخالفت خود میبافتند و روز دیگر موافق را جمع به امیر دوست محمد خان میسر چنین بود مثلاً بعد از آنکه انگلیس ها معاهدی ۱۸۵۵ بشاور را با شما پنده و پسر امیر (غلام حیدر خان) بسته و دوست و دشمن انگلیس را دوست و دشمن امیر قسار دادند و بعد ها در ۱۸۵۷ در بشاور با خود امیر دوست محمد خان معاهدی باطله امیر انگلیس دو سنا له عقد نمودند و امیر بعد از امضای معاهده گفت: «اینک من با حکومت انگلیس متحد شدم و این اتحاد را تا هم مرگ حفظ خواهم نمود و لو هر چه پیش آید...» پس قضاوت انگلیس ها نیز در باره او خورج شد.

انگلیس ها در قضاوت نسبت به امیر عبدالرحمن خان متردد بودند زیرا از يك طرف سازش و مدارای او را با خود می

بقیه در صفحه ۴۷

او یکمرد بد ذات و بسیار بی مایه است. زیرا مو هنر لال هندی و مشر تاد انگلیسی را گفته بود که شما سنگهای بر غنیده هستید، در مورد امیر شیر علی خان که مستلانه از قیاط با ممالک خارجی قرار دارد داخل مملکت به تشکیل کابینه و قنون و نامیس کارخانه و جریده پرداخت لرد لیتن و سیرای هند «قبول» چنین قضاوت نمود: امیر شیر علی يك و حسی نیمه دیوانه است. سهیم دلار غلام حیدر خان چرخه که در دفاع از وطن بسختی با انگلیس جنگید و شمشیر زد و در مقابل تحمیلات انگلیس و خطا ستعاری دیورند مقاومت می نمود از طرف سیا ستعمار و مورخ انگلیسی «تتلر» عنوان «فامیل شریح جرجی» گرفت.

هنگامیکه امیر دوست محمد در صدد امیر داد بشاور بر آمد و هم با دولت روس تماس میبافت آقای سر جان کینگ انگلیسی در مورد او چنین نوشت: دوست محمد يك سباهی هرزه و بی سواد و بی تعلیم و دائم الغر بورد انگلیسی دیگر نوشت که دوست محمد خان در يك مکتب خیانت و تو طه و فریب بزرگت شدد بود. اما بعد از آنکه امیر دوست محمد خان سر نوشت استقلال ملی و سلطنت خود را با بشاور بترجم دشمن سپرد، انگلیس ها را جمع به او چنین گفتند: «امیر دوست محمد خان مرد زحمتکش، خوش خلق، محبوب مردم و پابند به عهد بود، او از شراب دست کشیده و قرآن مطالعه می کرد...» فریزر تتلر هم نوشت: «امیر دوست محمد خان يك لیبر خوب سواد و نظام و عمل سایر اعضای خان داند و در دارای نبوغ يك اداره کننده ی مادر زاد بود...» محمد زانی ها بر عکس سواد زانی ها توانسته اند يك سلسله فرمان

در جهت آرامش...

صندوق مصارف اجتماعی :

پول این صندوق که يك جزء از عواید ملی است برای افراد کشور اختصاص داده شده تا از آن مفاد مادی و کلتوری کسب نمایند و در ضمن علاوه از دستمزد ها یشان امتیازاتی را نیز تصاحب نمایند. صندوق مصارف اجتماعی تخصیصیه ایست که از بودجه دولت و پول های سازمان های کورپراتیف های ولایتی ، فارم های زراعتی و اتحادیه های تجارتي متشکل گردیده است .

چگونه ازین صندوق میتوان استفاده کرد ؟

این صندوق برای اینکه افراد اتحاد شوروی ، تحصیلات را یگانی رایه سویه عالی انجام داده بتوانند آنان را کمک میکند . همچنان برای محصلانی که مصروف تحصیل میباشند مدد معاش میدهد و برای کارگران که آرزو دارند مهارت های فنی شان بیشتر گردد و خدمات مؤثرتری را در راه تولید زیاد تر و بهتر انجام بدهند امداد هایی را بعمل می آورد . بعلاوه در راه انجام خدمات طبی را یگان برای مردم و برای اشخاص معیوب ، برای تولد طفل مادران بدون شوهر و یا مادران دارای فامیل بنزرگ و متقاعدین و غیره کمک های مؤثری را انجام میدهد .

کلیه کارکنان و مستخدمین ، دولتی اتحاد شوروی ، در ایام رخصتی قانونی سالانه شان ، از این صندوق بهره مند میشوند . کودکان دبستانها ، شیرخوارگاهها ، مکاتب شبانه ، سناتوریم های که برای اشخاص کهنسال تاسیس گردیده اند و بعضی دیگر از سازمان های که خدمات رایگان را برای خلقها انجام میدهند از این صندوق مستفید می گردند و در نهایت دولت نیز برای حفظ و مراقبت اماکن دولتی و برخی از سایر کارهایش از صندوق مصارف اجتماعی استفاذه مینماید .

این يك حقیقت روشن است که انسان میل دارد ، کاری را انجام

بدهد که به آن علاقمند باشد و آنرا با قدرت و مهارت انجام داده بتواند لذا چون افراد کارهای گوناگونی را انجام میدهند دستمزد و پامعاش شان نیز کم و زیاد و سطح مصارف شان از هم متفاوت است و این تفاوت بخصوص در موارد يک- کارگر یا مامور دارای فامیل بزرگ یا کوچک باشد بکلی واضح است . پس تقسیم و توزیع يك قسمت از عواید ملی ، بین جمعیت از طریق صندوق های تعاونی تا اندازه ای این بی تفاوتی ها را در بین مردم تنظیم می کند . چه کسانی که عواید کم و اشخاصی که فامیل بزرگ دارند مستحق امتیاز در یافت کمک از صندوق می گردند که از آن در فوق تذکار یافت .

از طریق صندوق مصارف اجتماعی نابرابری های مصروف نظر به عواملی که از آن تذکر بعمل آمد ، بتدریج کم شده می رود و توسط همین صندوق است که از نگاه وضع مادی ، فرصت های مساوی برای تمام طبقه کارگر ، جهت تحصیل ، بهبود در مهارت ، تنویر فکری و دریافت کمک های طبی و غیره میسر میشود .

اکنون این صندوق مصارف اجتماعی ، ۲۵ تا ۳۰ فیصد عواید حقیقی خلقهای سر تا سر اتحاد شوروی را در بر می گیرد .

در سال ۱۹۴۰ جمله مبلغ این صندوق مصارف اجتماعی ، عبارت از چهار عشرایه شش میلیون ربل بود اما در سال ۱۹۷۳ مبلغ مذکور به هفتاد و هشت هزار میلیون ربل رسید که این پول برای هر فرد از جمعیت اتحاد شوروی ، يك صد و ده ربل می رسید و طی سالهای اخیر رقم هفتاد و هشت هزار و میلیون ربل نیز خیلی زیاد گردیده است .

پنجاه فیصد سرمایه این صندوق در جهت سود و منفعت جمعیت شوروی بکار می افتد و پنجاه فیصد دیگر آن در راه حقوق تقاعد ، امداد های تعلیمی ، و غیره امتیازها صرف می شود .

در سال ۱۹۷۳ زنان کارگر مستحق امتیازات حقوق دوره ولادت شدند و زنان مذکور حق امتیاز شان را از طریق همین صندوق بدست آوردند . علاوه بر آن متقاعدین و خانواده هائیکه فرد کمایی گر شان را از دست داده بودند نیز ازین صندوق مستفید شدند .

همچنان تخصیصیه های امدادی برای شاگردان مکاتب مسلکی از راه همین صندوق تثبیت گردید . نظر به اهمیت که این صندوق تعاونی دارد اتحاد شوروی در نهیمین پلان پنجساله اش ، معیار بهتر و مترقی افزایش سرمایه این صندوق را بمقايسه افزایش های عمومی دستمزد های کارگران در نظر گرفت .

پس میتوان گفت که طی پلان پنجساله کنونی ، دستمزد کارگران ، مامورین دواير ، زارعین فارم هایی که روی آنها کار های دسته جمعی صورت می گیرد ۳۶ فیصد افزایش یافته و پول صندوق مصارف اجتماعی چهل فیصد اضافه تر گردیده است .

افراد اتحاد شوروی ، برای ترقی و پیشرفت همه جانبه کشور شان و سعادت و آسودگی مردم شان میکوشند و تلاش می نمایند . این صندوق در راه تکامل و پیشرفت تعلیمات عمومی جامعه

سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی بشمول تعلیمات آرت و کلتور ، خدمات ارزنده ای را انجام داده است . زیرا ، از همین صندوق مصارف اجتماعی است که برای تعلیمات عامه مردم ، سالانه بیش از بیست هزار میلیون ربل خرج میشود .

يك اندازه پول دیگر ، در جهت انکشاف کتابخانه ها ، موزیم ها ، تئاترها ، کلوپ ها و غیره و موسسات کلتوری و تعلیمی بمصرف می رسد چنانچه در سال ۱۹۷۵ در حدود ده هزار میلیون ربل در راه حفظ و مراقبت اماکن بزرگ و تاریخی خرج گردید همچنان در سال مذکور بیش از بیست و هفت هزار میلیون ربل در جهت پیشرفت سینما و ساحتها نهی صحنی ، استراحتگاه ها و برای اتحادیه های زراعتی و تجارتي ، بمصرف رسانیده شد . خلاصه اتحاد شوروی از طریق این صندوق سالانه کم از کم ، نود هزار میلیون ربل ، در جهت انجام خدمات اجتماعی و رایگان مصرف می نماید تا سطح زندگی خلق های آن سر زمین بلند تر برود و مردمان جمهوریه های مختلف آن در رفاه و آسودگی هر چه بیشتر زیست نمایند و با کار و کوشش های بی گران شان خدمات ارزنده ای را در راه صلح گیتی و آرامش جهانیان انجام بدهند .

بایسکل سواری که...

باشد که اینهمه پیروزی هار نصیب شود . ورزشکار مذکور پس از تحصیلات ثانوی اینک در حال فرا گیری تحصیلات عالی است ، ادبیات را بیشتر دوست دارد . «آفو» در پاسخ به سوال يك نشریه سبور که مسابقه بایسکلرانی چه مقصود می باشد از نگاه او دارد ، جواب داد : «مسابقه بایسکلرانی ، شباهت شخصی ورزشکار را آشکار می سازد و نیز ثابت میگرداند که ورزشکار مذکور از توان و پادشاهانه پایداری و رعد و برق رانندگی گرفته و به آنجا که هدف است نزدیک و نزدیکتر میشود . دیده شود «آفو» با آمادگی های اساسی رفتن اش در مسابقه ای که بسویه جهانی برقرار می گردد بابا یسکلش چه کاری را از پیش خواهد برد .

پشتکار به خرج بدهم ، امروز صد بار تلاش میکنم ، فردا یکصد و بیست ... تا خلاهای هر بوط به ورزش عطلویم مرفوع گردد . در مسابقه بایسکلرانی که نه تنها فن را نندگی بلکه اسلوب و مقررات لازمه و از همه گذشته تسلط بر اعصاب ، امریست مهم و جدی . چه اکثر یا ناراحتی های انصاب ، خویش را به گر داب نیستی و بد بختی غوطه ور می سازد . يك ورزشکار خوب به هدایات نگر موظف گوش فرا داده و به اسلوب ورزش مطلوب توجه عام و نام میثا بد . قهرمان مسابقه بایسکلرانی متعده المپایی ۱۹۶۰ در روم به ویکتور کاپی توف «آفو» از اتحاد شوروی در مورد «آفو» تعجب کنان گفت : من هیچ باورم نمیشد که «آفو» بیکو ووز» چنین مهارت و خصوص در قسمت بایسکلرانی داشته

ستراتیژی سیاسي

له توپیر غوښتونکو رژیمونو سره
دامیر یا لستی ټولنوژدی اړیکې

و مجازات و ستم قلمداد می کړ دند چنانچه
از زمان سلطنت امیر عبدالرحمن
پادشاه دست نشاند و مستبد افغانستان
می نوشتند که يك ملت آهني (افغانستان)
پادشاه آهني (امير عبدالرحمن) بکار
دارد (!) هم چنان هنگامه حلق منگل
پکتیا از فشار حواله جات غله و علوفه ی
دولت، بجان رسیده بودند ودر مقابل
حکومت قیام مسلحانه کردند (۱۲۹۱ شمسی
۱۹۱۳ع) امیر حبیب الله بر عکس
رویه ی پدرش در برابر این قیام دهقانان
بطور نسبی از مداوا کار گرفت و ۴۰۰۰۰
این روش خلاف تمایلات امیر یا لستی های
انگلیس بود: فوراً تایمز آف انديا در ماه
اگست همان سال مضمون تحریک آمیزی
نشر کرد که در آن گفته شده بود: (امیر-
بازیچه ی ملاحا و اطرافیان خود قرار
گرفته و در برابر شورشیان منگل دولت
را ضعیف نموده اند، در حالیکه
اتحاد بین اقوام افغانستان بر ضد متافع
امیر است (!).

از طرف دیگر انگلیس ها برای اغفال
دیگران، از اداره ی دولت تحت حمایتی
افغانستان بشکل مبالغه آمیز آتقدیر حرف
می زدند تا هر شخص به تمنای تحت-
الحما یگی دولت انگلیس در افتد (!) مثلاً
در سال ۱۹۱۳ يك نفر انگلیس «داکتر واد-
لتر سايز» بعد از سیاحتی به افغانستان
می نویسد که: افغانستان يك مملکت
شرقی نیست زیرا امیر عبدالرحمن خواب
و خورد را بر خود حرام کرده بود تا بهنداب
ترقی افغانستان را گذاشت!

واژمدنیت حقیقی اروپا استفاده نمود.
امیر حبیب الله در مملکت فابر یکک های
اسلحه سازی، عسکر منظم، مکاتب! و...
با این فعالیت ها غزنی فر دوسی بود با ره
عظمت گذشته ی خود را خواهد یافت (!).
بر عکس انگلیس ها زما نیکه با خلق
افغانستان و در باره ی آنها سخن می گفتند
کلمات موهن و مختصر استعمال می
کردند. و هم چنین انگلیس ها میل داشتند
هیچگونه افتخار دست نا خورده برای خلق
افغانستان باقی نماند از نیرو هر کارنامه ی
خلق مارابنوع دیگری تعبیر می کردند مثلاً
آوا نیکه خلق افغانستان در جنگ اول
اردوی انگلیس را معدوم کرده و سر مشق
آزاد یخو اهان مشرق زمین قرار گرفتند،
انگلیس ها چنان وانمود کردند که:

قیام مردم افغانستان بر ضد انگلیس تنها
از جهتی بعمل آمد که انگلیس هابر ز نان
تجاوز (!) کرده بودند (!).
از همینجا ست که به همه خوانندگان
باید عرض شود که در موقع مطالعه ی
آثار مورخین دریاری انگلیس کمال احتیاط
و بزرچ دهند زیرا آنها اکثر اوقات حقایق
را قلب کرده به خورد خوانندگان می-
دهند و هکذا در گذشته اکثر نویسندگان
ما نیز بشکل ناگزیر (برای اینکه منبع
دیگری بدست نداشتند) تحت تاثیر
نوشته های آنها رفته اند.

دیدند تا جائیکه از استقلال کشور گذشت
و خط دیورند را قبول و لایات شرقی
افغانستان را از چترال تا بلوچستان به
انگلیس ها گذاشت: چنانچه «تتلر» در
همین مورد نوشت: «امیر عبدالرحمن-
خان رول خود را خوب بسازی کرد و نقشی
را که میبایست در مذاکرات نازک و مشکل
میباخت بخوبی درک کرد تا منتج بهواژنه ی
نهایی در تعیین تمام خط طویل سرحدی
از پامیر تا ایران گردید. و حتی امیر
یکبار هم مانع اقدامات حکومت انگلیس
، جهت حل عادلانه ی مسئله (!) نشد ولی
امیر مصمم بود که نگذارد واقعیت تسلط
انگلیس بصورت آشکارا در برابر دید-
گان مردمش قرار گیرد...»

ولی امیر عبدالرحمن برای حفظ مقام
خود در نظر ملت، علناً بر ضد انگلیس
سخن زد و روح جهاد را در برابر انگلیس
ظاهراً زنده نگه میداشت روی همی-
ملحوظ انگلیس ها در قضاوت نسبت به امیر-
عبدالرحمن خان و معرفی او بهردم
انگلیس، فوراً قول تازه و مرکبی ایجاد
کردند. از آنجمله لارد کرزن که خود
پدر بار امیر عبدالرحمن آورده بود چنین
گفت: «امیر عبدالرحمن خان يك معجون
مرکبی است از سیاست مداری و ظرافت
و وحشیگری. گرچه امیر اینها
وحشیگری را رد می کرد و ادعا می نمود
که این روش و وحشیگری یگانه طریقه ی
معامله با چنین يك نژاد غدار و خیانت
کار (!) (مطلوب او مردم افغانستان می
باشد) است...» همچنان «کرزن» با
رضایت خاطر از قول يك نفر انگلیس مقیم
کابل می گوید که امیر عبدالرحمن
خان خود گفته است که ۱۲۰ هزار نفر از
مردم خود را کشته است...

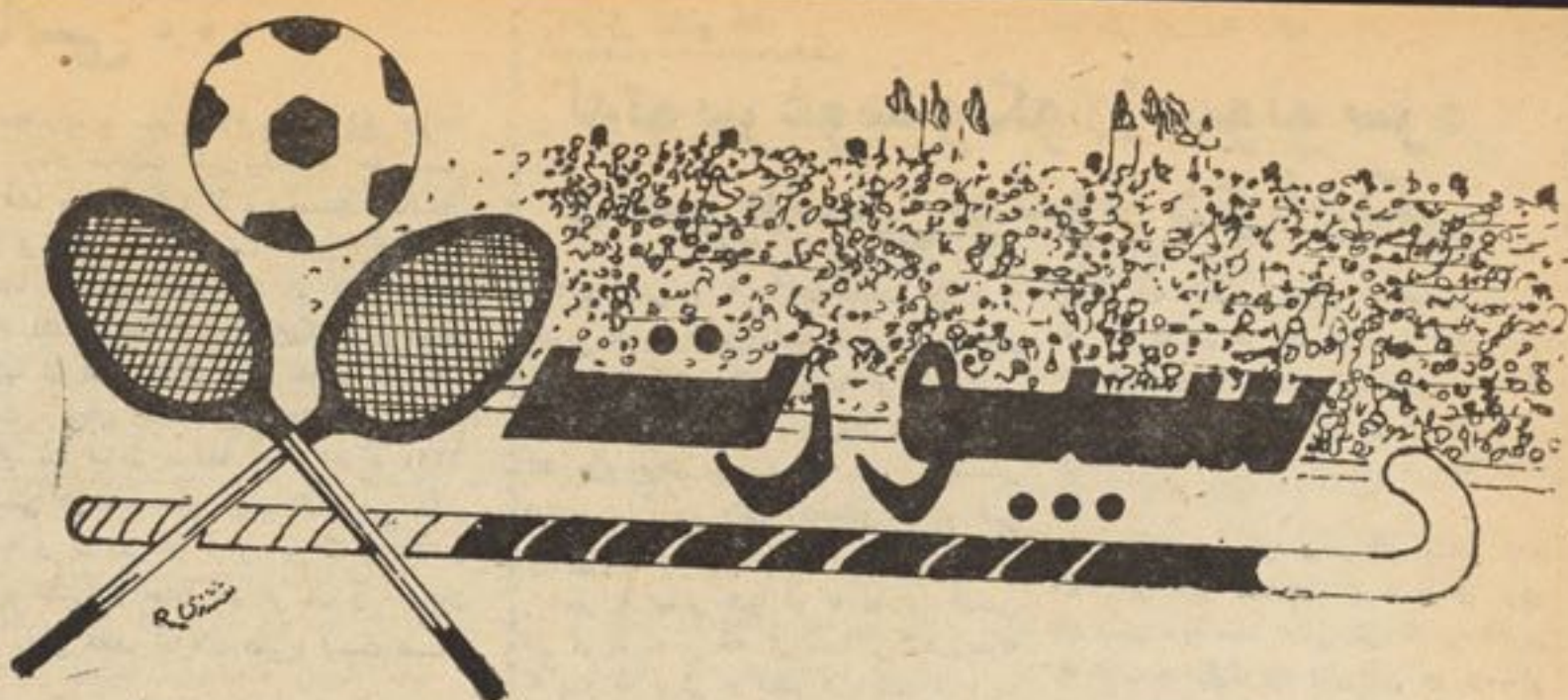
«کرزن» می گوید که این پادشاه در
آن واحد يك شخصی بزرگ، يك وطن-
پرست، يك عرفیت و یک شریک بود... با
مزاج متغیر و زبان درشتی که داشت عموماً
يك دوست یا یار و متحد دولت انگلیس
بود و مستحق این است در تاریخ افغانستان
و تاریخ امپراطوری هند نام او بدرجه عالی
ضبط و قید گردد...

انگلیس ها چنانیکه بوسیله ی فعالیت
های مخفی جاسوسی خود در بین ملت
افغانستان تفاتی و شقاق و اختلافات نژادی
ولسائی و ستمی و قبیله ی را تو لیسند
توسیع کرده می رفت، تا از نظر مذهب
سنی و شیعه، از نظر زبان دری و پشه-
وازی از نظر نژاد پشتون و هزاره، از نظر قبیله غلجایی
و درانی و از نظر منطقه فرایی و لغمانی و
امثال آن مخالف و بد بین همدیگر گردیده
آتقدیر بجان خود مشغول گردند که مصالح
عمومی کشور و مخاطرات دشمن خارجی
فراموششان گردد. هم چنان
انگلیس ها توسط مطبوعات خود دائماً
بشکل غیر مستقیم پادشاهان افغانستان را
به وارد کردن فشار با لای ملت افغانستان
و همنونی می کردند خلق افغانستان را
توهین می کردند و سزاوار ظلم و استبداد

نو زه ونه یی باغ باغ کیری او خوشحال-
لیری .
د(بوگدانووا) په عقیده په ورزشی لوبو کی
ونه اخستل هیڅکله د هغی ددر سو نود
وروسته یا تی وای باغ باغ کیری او خوشحال-
نو او در سی از مو یو کی بی نیری تر
گوتو کوی او د تل له پا ره بر یا لسی
ده .

لکه چی د (بوگدانووا) دورزی ز و ند
خڅه خر گند یزی دنیرو دوو کلو نو په
موده کی یی یوازی په یو خو محدود و
سپوړنی پرو گرا مو نو او لو یو کی ما تی
خوبلی او تر اوسه پوری هیڅکله مایه-
سه شوی نه ده . دا سپوړ تی قهر ما نه
نجلی عقیده لری چی ورز شکا ران با یسد
هیڅکله د ماتی خو پ لو خڅه وروسته نا-
امیده نه شی او د تل له باره آیند ه ته
متوجه و او سی داورزی خیره دژوندانه
په ټولو یی اوونو کی خپل منا ات زه ورتیاو
جسارت ساتی او د ورزشی او یو په
جریان کی دقوی مودال او پیا وړی روحیاتو
خاوند وی . که څه هم تر اوسه یو ری
د (جولیا - بوگدانووا) په مپالونو او جایزو-
کی بیلا بیل ډو لونه ش امل دی خو دا کی-
نبش کوی او زیار یا سی چی دا لمپک
په هغو نر یوا لو لوبو کی چی د طرح شوی
پرو گرام له مخی د (۱۹۸۰) کال په
اوپی د مسکو په ښار کی جوړ یزی د
لامبو و هلو دورزی په (۱۰۰) متره ایزه
مسابقه کی د سرو زرو دیوه مپال په
اخستلو موافقه شی . (جولیا) په دی وروستیو
وختونو کی دلامبو و هلو په ورزشی کی
دشو روی اتحاد یو بل نامتو لو بغای (لینا-
کا چو ستا یا) ته بلنه ور کړیده چی
دلیننگراد په ښار کی دلامبو و هلو دمیورتر
(۲۰۰) مترو په مسابقه کی ورسره مقابل
و کړی .

(جولیا - بوگدانووا) دلیننگراد په ښار
کی دخپلو ورزشی امر ینا نو دلری دتعبیه-



د(غیر) زیاده

جولیا - بوگدانووا

او بو په واسطه دخپل دلور علاج او تداوی
کو لو ته اقدام و کړی .

د(بوگدانووا) پلار چی دلیننگراد د ښار
په یوه فابریکه کی کار کوی د ډاکترانو
دسپا رشتی سره سم دلیننگراد دکارگرانو
داتحادی دمعنی اوپوه یوه د نس کی
خپله لور (جولیا) تر معا لچی لاندی و نیوله
(جولیا) د تداوی خڅه وروسته روغه رمته
شوه او د څه د پاسه (۱۲) میاشتو په
موده کی یی د (میدی دولین) د جایزی
په گټلو بریا لی شوه . د اور ز شی خیره
دلامبو و هلو په فن کی ښه استعداد لری
او کولای شی چی د (۲۰۰ - ۳۰۰) مترو په
واخت کی پهویار سره برخه واخلی اوخپلو
حریفانو او رقیبانو ته ماتی ور کړی .
د(جولیا - بوگدانووا) مور او پلار چی
دواړه په فابریکو او صنعتی تا سیما توکی
کار کوی کله چی په ښو و نڅی او اتلیکی
لوبو کی دخپل لور پر مخکښ او حیرانو-
ونکی بریالیتوبونه د سر په سترگو وینی

شوه . خو موده د مخه کله چی (جولیا-
بوگدانووا) په یوه ښو و نڅی دیوه ورزشی
ډاکتر له خواتر طبی کتنو او معا ینو لاندی
و نیوله شوه ثابت شوه چی دغه ځوانه
ورزشی لو بغای دی درو ما نیم د نا روغی
له خطر سره مخامخ ده په شوروی اتحاد کی
معمول او مروج دی چی هر کال دپسرلی-
په لومړنیو شپو اوورخو کی دټولو ښو-
نڅو او تعلیمی کدرونو سپو ر نس خیری
دډاکترانو له خوا معا ینه او تداوی کیری او
ددغو طبی کتنو او تداویو ټول لگښت په
ور یا ټول دولت له بود چی خڅه تمو یلیری
طبی ډاکترانو (جولیا - بوگدانووا) پلار ته
سپار ښته و کړه چی ډیر ژر د معد نس

زه غوا یم چی دا لمپک په لو بو کی د
سر و زرو یو بل مپال هم و گټم د نری
سپوړنی ټولنی د (۱۹۷۷) کال دمارچ په
میاشت کی هغه راپور خپور کړ چی په
هغه کی و یل شوی و . (جولیا - بوگدانو-
وا) دمو نتر یا ل دالمپک په نر یوا لو-
لوبو کی خپل حریف او رقیب (مارینا - کو-
شیوا یا) ته دلامبو و هلو په (۲۰۰) متره ایز
واخت کی ما ته ورکړه اودسرو زرو د یوه
مپال په گټلو بریا لی شوه .

ددغه ستر بریا لیتو پ خڅه وروسته
(جولیا) دخپل کور د لیننگراد په ښار کی
دلامبو و هلو په یوشمیر نورو مسابقو کی
ونه وا خسته اوپه ټولو کی دمپالو لو
او سپوړنی جا یزو په گټلو بریالی شوه
(جولیا) چی اوس دپارلس کلنه ده په
مونتریا کی دسرو زرو دمپال دا خستلو
خڅه وروسته هڅه وکړه چی خپل مخ دتک-
سا نو د کمرو خڅه په کاندی . د شوروی
اتحاد دغه نوی نامتو ورزشی خپره ډیره
شر منا که ده او نه غوازی چی هر وخت
دتکا سانو او زور نالمتا نوسره مخامخ
شی . د (۱۹۷۷) کال دمارچ د میاشت
خڅه را په دیخوا په څه دپاسه دوه نیم
کلنه دوره کی (جولیا - بوگدانووا) دتیر
په واسطه دلامبو و هلو په سلو او دوه سوه
ایزو مسابقو کی نوی قهرمان لقبونه گټلی
او په شو روی اتحاد ، اروپا او نری کی د
زیات شهرت او زیاتن وازی خاوند
شویده (جولیا - بوگدانووا) چی په اوس-
نیو وختونو کی یی د شو روی اتحاد
نو و ورزشی خپرو په کنار کی دریدلی
او افاقی شهرت یی تر لاسه کړید مدیری
په ټولو ورزشی غونډو ، کنفرانسونو-
فستیوالونو ، میتنگونو او سمپوزیمونو کی
برخه اخلی یوازی یو محدود شمیر کسان
په دی واقعیت باندی پوهیری چی (جولیا-
بوگدانووا) په ناڅاپی او تصادفی توگه
دورزش او اتلیکی لوبو نری ته ور داخله



(جولیا - بوگدانووا) دلامبو و هلو دورزی په (۲۰۰-۱۰۰) متره ایزو مسابقو کی د سرو زرو دمپال وړ و نکی

قهرمانان ورزیده خویشی شعری میگفتند و مردم شهر برای این قهرمانان دسته های گل تحفه میدادند. کسا نیکه در یمن مسا بقات برنده میشد از طرف دولت آنوقت خانه های مجلل بدست می آوردند و از پرداخت مالیات به دولت نیز معاف میشدند.

این بازیهها تقریباً تا سال ۱۱۶۹ به همین رقم ادامه داشت که چندی بعد از آن از طرف امپراطوری روم شرقی منع قرار داده شد و در حمله ای که بالای یونان صورت گرفت معبد بزرگ المپیک و مؤسسات ورزشی را آتش زده و غارت کردند به این صورت بازی های المپیک تا سال ۱۸۹۴ صورت نگرفت تا آنکه

در سال ۱۸۹۶ توسط یکنفر فرانسوی بنام «پیر وکو بریتن» که اهمیت زیادی برای تقویت و انکشاف جسمی جوانان فرانسه قایل بود کمیته را بنام اتحادیه ورزشی فرانسه تشکیل نمود و بازی های تابستانی المپیک را سر از نو رو نو داد که برای اولین بار این مسا بقات به یاد از بازیه های قدیمی آن در آتن مرکز یونان برگزار گردید.

«پیر وکو بریتن» میگوید: «آن چیزیکه در بازی های المپیک اهمیت دارد مسا بقات نیست بلکه آمادگی و تیارگری گرفتن برای شرکت در آنها است زیرا آمادگی جوانان برای انجام مسا بقات زور آزمایی و قدرت نشاندادن زور مندی اوست».

این بازیه های سپورتی گرچه در دوره های تاریخی نیز برگزار میگردید و از آن به بعد در هر چهار سال در یکی از کشورهای جهان صورت می گرفت. اما فعلاً بازی های المپیا دارای يك مرکزدا یمی بوده که کمیته بین المللی المپیک نامیده میشود. در ابتدای تاسیس المپیک دارای شعاری از اینقرار بود که: «قوی تر، بالا تر، تنومند تر» فعلاً حلقه های که بر روی اتحادیه ها و همکاران قاره های دنیا بوده که ذیلاً تشریح میشود.

- ۱- حلقه سیاه علامت قاره آفریقا.
- ۲- حلقه زرد علامت قاره آسیا.
- ۳- حلقه سرخ علامت قاره آمریکا.
- ۴- حلقه آبی علامت قاره استرالیا.
- ۵- حلقه سبز علامت قاره اروپا.

بقیه در صفحه ۵۸



(جولیا) به مونترال کی د لامبو و هلو دیر یالی مسابقی ترسره کو لو خه وروسته د نارینا امیدوارسره د خبرو په حال کی.

مونترال کی دجا بان د لامبو و هلو خو تنو نا متو ورزشکارانو ته چلنج ورکړ او دا خبرو الا دیوی پوښتنی په جواب کی څرگنده کړه چی حاضر ده د ټبر په واسطه د (۳۰۰۰) مترو په واټن کی دجا بان د لوبو له پاره دیو لږ تمریناتو په ترسره کولو بوخته وه. دا ورزشی چهره په لو بغا و سره مسا بقاته وکړی.

ته هم لاره شی (جولیا) پخوا تر دی چی مونترال ته لاره شی او د (۱۹۷۷) کال د المپیک په لږ یوالو لوبو کی و نه واخلی دمکو په ښار کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال د لوبو له پاره دیو لږ تمریناتو په ترسره کولو بوخته وه. دا ورزشی چهره په لو بغا و سره مسا بقاته وکړی.

لو له پاره نا کملی مرکونه لری. دسوروی اتحاد د لامبو و هلو د فن دغه نوی نامتو ورزشی چهره په کال کی خو خلی دسوروی اتحاد ځینو مهمو ښاړونو او صنعتی مرکزو و نه سفر کوی او غواړی چی په مسکو کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال دسوروی لوبو څخه وروسته ځینو اروپایی هیوادونو

عزیزه عزیز

تاریخچه آغاز بازی های المپیا

یونان به اساس آن تعیین میشد. بازی های المپیک برای اولین بار در سال ۷۷۶ قبل از میلاد صورت گرفت و مردم یونان نظریه اهمیتیکه به آن قایل بودند از دورترین نقاط کشور برای تماشای آن می آمدند.

در ابتدا، این بازی ها مدت پنج روز دوام میکرد و شامل بازی های پهلوانی، دویدن، آب بسازی و

بازی های المپیک در یونان قدیم در هر چهار سال یکبار به در اسپار تا در میدا نهایی ورزشی المپ صورت میگرفت که در یمن مسا بقات از تمام شهر های یونان و زشکاران ورزیده شرکت می نمودند. این مسا بقات ورزشی یکی از واقعات بزرگ در تاریخ یونان بشمار میرفت و اهمیت آن به اندازه بود که دوره های تاریخی



تبع و نگارش از: فاروق تیموری

احیای حماسه

«و شکست انگلیسها»

شند که اشغال گران و استعمار خویان به مقاصد شوم خود برسند و شعراى این دوره که متوجه صحنه هاى خویان جنگ بودند و با ره روحیه حماسه سرایی را زنده ساختند.

جنگهای صد ساله افغان و انگلیس در حقیقت روح رزمی و حماسی را بیشتر در قالب ادبیات شفاهی و تحریری داخل کرد و آثار زیادی در ترانه های ملی و محلی به میان آمد از آنجمله یکی جنگنامه های منظوم یا ادبیات حماسی همچون اکبر نامه حمید کشمیری که این اثر درخصوص اولین جنگ افغان و انگلیس به نظم نوشته شده است و دیگر از آثار حماسی این دوره حبیب القصاید، محمد عزیز خان ساکن حمالی بهسود تروندهار است که شرح کارنامه ها و دلوری مردم افسران میهن، تیرا و دیگر اهالی سرحدی افغان نستان را به صورت قصاید با احساسات ملی و هیجان افغانی به نظم آورده است که از نظر تاریخی مملکت و قهرمانان ملی و مجادلات آنها با انگلیسها قابل اهمیت و ستایش است.

اثر معروف دیگر درین زمینه جنگنامه است که داستان جنگ اول افغان و انگلیس را در وصف مجاهدات میر مسجیدی خان غازی و سایر مجاهدین رشید ملی علیه متجاوزین اجنبی در سالهای ۱۸۳۹-۱۸۴۲ ع) بازگو می کند این اثر از مولانا محمد غلام کبهانی متخلص به «غلامی» میباشد، حالا برای خواننده گان محترم یکی از آثار حماسی آن دوره را که اکبر نامه حمید کشمیری است بسا چند شعر حماسی آن معرفی می کنیم.

اکبر نامه حمید کشمیری: ملا حمیدالله یکی از شاعران حساس قرن سیزدهم هجری است که گزاشی از جنگهای اول افغان و انگلیس را در سال ۱۲۵۵ قمری (۱۸۳۹ هجری) به رشته نظم آورده و رشادتهای تاریخی قهرمانان افغانستان را یاد میکند و کتاب خود را «اکبر نامه» نام کرده است. وی حقایق را با کمال سراحت اظهار داشته و امیدوار هیچگونه صله نبوده است.

گان و حمله جنگیز یان میباشد و برور این حادثه در حقیقت بر اساس غیبت سیاسی یکی از شاهان افغانستان موسوم به سلطان محمد خوارزم شاه بوده است. در اثر این غلبه و کشتار، مردم تارو مار شدند و چنان ضربه یی خوردند که تمام آنها را بخود جلب نمی کرد این وضع بدون شبه روحیه حماسی و افتخار گذشته حماسی دری گویان افغانی را از ذهن مردم بلور ساخت و مردم بدنیای تصوف گراییدند. بنا بران میتوان گفت که از قرن هشتم به بعد آثار حماسی ملی در ادبیات دری ظهور نکرد.

احیای فکر حماسی و تدوین و انشای حماسه های ملی در ادب دری بنا بر جنگهای مسلسل و حلات متداوم اجنبی ها که از دوره های دور به این طرف در کشور دیده می شد و مردم همواره از وطن و آزادی در دفاع بودند و نمی گذشتند استعمار طلبان به منظورهای شوم خود برسند. از طرف دیگر اهل استعمار نیز برای پیشبرد آرزوها و اعمال خود بیکار ننشستند. در نتیجه روحیه یی بوجود آمد و روشی جدیدی را در ادبیات پیش گرفتند. ظهور ادبیات حماسی و روح تاریخ نویسی بود که مردم را با گذشته و آینده پیوند داد و ایشا ترا در مقابل دشمن تشجیع نمودند که کارنامه های اسلاف خویش را باخاطر بیاورند و بیشتر به مجادله و مبارزه تشویق شوند و از طرف دیگر شمه یی از کارنامه ها و مجاهدتهای شان برای فرزندان شان سر مشق و نمونه بماند. همان بود که جنگهای صد ساله افغان و انگلیس شروع میشود درین وقت وطنداران غیور ما همواره از وطن و خاک خود شجاعانه دفاع نموده و نگذاشتند.

ادبیات محصول عصر و زمان و بنا بر تحولات اجتماعی و سیاسی است. تدقیق آثار نویسندگان و شعرا ما را به درک تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی رهنمون می کند.

مطالعه ادبیات یک عصر معین بدو نظر گرفتن انقلابات و تبدلات آن زمان کار را به دشواری می کشاند و درک رموز و آثار ادبی مشکل می افتد. از ظهور ادب دری و دوره های ارتقا یی آن با مطالعه و تحقیق در منظومه های حماسی ملی بعد از اثر فرحوسی واضح میگردد که طریقه و اسلوب عامی فرحوسی در نظم روایات حماسی ملی از قرن پنجم تا قرن هفتم معمول و متداول بوده و شاعرانی که بعد از وی به نظم بقیه داستانهای حماسی پرداختند هیچیک از راهی که شاعر بزرگما یعنی فرحوسی پدید آورده بود منحرف نشدند و حتی از سیاق و روش او نیز کار نگرفتند.

روحیه حماسی و وجود آمدن حماسه های ملی بعد از قرن ششم هجری آهسته آهسته روبه ضعف و ناتوانی گذاشت و این پیش آمد در تاریخ ظهور نظم حماسه های ملی بر اثر دو عامل بزرگ صورت گرفت.

نخست اینکه، از یک طرف نفوذ شدیدی اسلام و ضعف انحطاط فکر ملی و تعصب نژادی؛

دویم یعنی معنی که مردم بجای اینکه به کارنامه های گذشتگان خویش افتخار کنند و از اعمال آنان سخن به میان آرند، بفکر تدوین اشعاری افتادند که به دین اسلام ارتباط داشت و اگر اشعار حماسی هم می سرودند شعر دینی و مذهبی و یا حماسه دینی میبود نه حماسه ملی. دوم اینکه، غلبه و کشتار اقوام بیرونی افغانیان است، و آن غلبه و کشتار

حب وطن

کشور محبوب ما افغانستان باشد تاریخش کهن و باستان مردمش باشد دلیر و صلحخواه در گذرگاه های گیتی قهرمان دیده بسی رنجهای بیکران برده بدوش بار، این بیچارگان بوده همیشه در نبرد و هم ستیز با گروه خاین و اهریمنان کرده است بیداد، ستم و ناروا بر همه خلق غریب، آن حاکمان گرچه فقر و بیسوادی و مرض برده بدوش از قرون و سالیان دارد تشنه شمع زاد و وار دور و از تمدنهای قدیم جهان گذشتگان بهر حفظ خاک و ناموس وطن رزمها کرده است بایگانان بوده پشتیبان صلح و امنیت در همه دنیا و هر عصر و زمان چون به نیکوئی نگر خویشتن با زبهرمی که کئی ای جوان؟ درقبال زحمت و سعی و تلاش باش وفادار چو دلداد گان بر همه اعمال و کردار نظر میکند تاریخ و هم آیند گان در همه پیشرفت ها و اعتلا نقش دارد زحمت کاریگر و فرزندان هر که خدمت کرده بهمین زصدق باشد به یقین در سنگ و ارستان باش «جولان» بهر اعمار و طوس عمره و همکار با هم میهنان جلیل جولان

یار کارگر

به زخم دست توای یار کارگر قسم است که مرغ عشق تو کتون گرفته پر، قسم است به آن جوان رشیدی که رفته رفته ترا به یازوان سبطرتو رنجبر، قسم است به آن رفیقی که بگشوده درب زندان ترا به آن کسی که درین ره بیداد سر، قسم است به اتحاد تو نا زم که سرا سر ملک به بلند لوی سرخ توهر سحر قسم است که نام تو است بلند و جهان تو است بلند که کار تو است بلند و مکان تو است بلند

اکبر نامه در روح رزمندگان افغان
نشان و هند و ستان تا لیر گری می
کرد و این حماسه پیش از توپ و تفنگ
برتن دشمن لرزه انداخت.

اکبر نامه اصلاً رساله‌ای است منظوم
و به پیروی شیوه حماسه‌ای که خا صه
خراسان در (۱۲۶۰ هـ) دو سال بعد از آزاد
شدن افغانستان به رشته نظم سروده شده
است.

واژ تفسیر نظر ادب و اعانت تاریخی اثر
گرا نبیا یی است که به نویسندگان
تاریخ معاصر افغانستان کمک زیاد میکند
و ممکن است این حماسه را شاهان
قرن نزد هم افغانستان خواند و از طرف دیگر
مبتوان آنرا فصل معاصر شاهان و فرودستی
حساب کرد.

در اکبرنامه همیشه از شجاعت و مردانگی
و قهرمانی افغانها ذکر شده
چنانکه در وصف اکبر خان قهرمان
جنگ چنین میگوید:

شنیدم ز دانشوران گزین
بقیمان غزنین و کابل زمین
که چون فتح کرد اکبر چیره دست
به شمشیر فوج مخالف شکست
بطولی دلیری چو سهراب کرد
چنان جنگ با فوج پنجاب کرد
بر دانگی گشت تا مش سهر
چو رستم شد اندر جهان مشیر

و تکیه لشکر امیر دوست محمد خان
و هری سنگه در پشاور با هم مقابل می
شوند در اینجا شاعر صف آرای دشمن
را با سر لشکر آن معرفی میکند. اما
این وصف در لشکر افغانها با تمام جزئیات
آن معرفی می شود. در حالی که لشکر دشمن
تنها به صورت کلی معرفی می شود:

دلیران کابل بجوش آمدند
چو شیر زیان در خروش آمدند
بجستند و بستند اسباب جنگ
روان بر نشستند و خستند سنگ
برون آمدند آن یلان سره
چو شیر در ی از دهان دره
بماندند قایم بمیدان جنگ
صف آراسته همچو غر آن بلنگ
صف میانه افضل تا مدار
بیاراسته همچو رو نیل حصار
سوی میسر اکبر چیره دست
صف جنگ چون سد یا جوج بست
قلب اندرون ماند چار خان
بدشمن گشتی تنگ بسته میان
بجنگ آوری دست و بازو گشتاد
صف تو پها در مقابل نهاد ...

وقتی برنس برای جاسوسی به قصد
تجارت به دربار کابل آمد و امیر آن
آگاه شد او را از کابل اخراج کرد و به
لندن فرستاد او چنین میگوید:

چو پرنس ز کابل به لندن رسید
زاندوه و رنج سفر آرمید
بر سید از او تا مور شهر بار
چه کردی و چون است کابل در بار

پسا جست برنس ز مین بوسه داد
در او صاف کابل زبان بر کشاد
که شهر است اندر هوا و فضا
بسی نزهت انگیز و فرحت فزا
جوانان، مرد چو غلتمان درو
چو خلد از طرب جمله سامان درو
ولی خیل مردان او همچو دیو
بشکل و لباس و کلام و غریب
زن نازنین چهر آن سر زمین
کشد صد فرنگی به ضرب سرین...

چنانکه گفتیم اکبر نامه یکی از حماسه
های ملی ما و در راه مبارزه و پیکار بر ضد
استعمار، و وحدت ملی در راه پیروزی مردم
این سر زمین میا شد. لذا در سر تا سر
این منظومه هر جا دشمن افغانها قرار
دارد مستقیم، یا غیر مستقیم کوبیده
می شود و آنها محکوم به پلیدی و پستی
می گردند. چنانچه اگر بحث از زدودن
خورد افغان و انگلیس است شجاعت و ممانت
افغانها را و صف و برزبونی و خواری
دشمن انگشت می گذارد. با اینکه تعداد
آن ها از صد ها هزار تجاوز کند.

مثلاً:
ز فوج بد اندیش بد سی هزار
قتل آمدند اندران کارزار
بقدر عزیزی ز جسم بغیر
ز خرد و کلان شد شهادت پذیر...
و یا از زبان فرمانروای فرنگ چنین بیان
میکند:

که ما را به گیتی وفاری نماند
بملک جهان اعتباری نماند
ز ما خلق دیدند با زری بسی
نخوردیم با زری ز دست کسی
بجز میر کابل که در وقت جنگ
سپق برد بر فیلسوف فرنگ
چنانکه وقتی برنس به دربار کابل
به عنوان سوداگری می آید و در دربار
راه پیدا می کند و از این واقعه شاه ایران
خبر می شود از آنجا نامه برای امیر
کابل فرستاده و در آن انگلیس ها را معرفی
میکند.

وفا نیست در مردمان فرنگ
ندانند چون دیو جز دیو و رنگ
طلسمی ندانند غیر از تفان
نه مردی مگر دعوی طمع ارق...
و یا وقتی هری سنگ به امیر دوست محمد
خان نامه می نویسد و امیر دوست محمد
خان را به تسلیم و امیدارد امیر دوست
محمد خان در جواب میگوید:

رسید از تو نامه پر گزاف
همه محض بهتان و هلیان و لاف
مگر باده نو شیده بودی چوموش
که از جوش آن از سر رفت هوش...

اما آنها بیکه برقم و دولت خود خیانت
میکند به سخت ترین زبان آنرا میگویند
چنانکه حاجی خان را از زبان امیر-
دوست محمد خان میگوید:
بگف سبزه زنارت اندر بغل
چه خیزد ترا ازین دغا و دغل

ببازی جوی چند دادند هری
بد لبال جو تا ختی از خری
و میگویند!
میا دیگر ای بد نمک پیش من
میشنان نمک باز بر پیش من
حمید کشمیری همیشه افغانها را بر ضد
استعمار ترغیب میکند و از غیرت افغانها
در هر جا صفت میکند چنانکه اشعار او نماد
یانتگر این واقعیت میباشد:

وقتی در جنگ هری سنگ، وزیر اکبر-
خان متوجه زیادی و مجیز بودن عساکر
دشمن می شود به حیرت میرود و درین
وقت افغانی از عقب او را مخاطب قرار
داده از دولتی نجات میدهد.

باین مردی و گری و جست و خیز
بکن گرم جولان چومردان مرد
نو شیری نرید ز شیران گریز
تک آور مخالف بر آور بگریز

حمید کشمیری هزار مرتبه مردن را بهتر
از زندگی به تنگ میداند.

تکی گفت رستم که مردن به جنگ
لبی بهتر از زندگانی به تنگ
و یا:

به شمشیر مردن بمیدان جنگ
به از زنده ماندن به قید فرنگ

قربانی وطن

ای وطن به کوه و دشت و بیابان تو سوگند
این بود تصمیم من که در راه تو قربان شوم
دشمن تو دشمن جانی من است
هیچ بیگانه را حق ندارم که ترا بدگوید
تأسر در بدن دارم دفاع از تو کنم من
به گور برد این آرزو را دشمن تو
بچه ام چون خودم آزاد خواهد بود
انقسام تو و پدر خویش خواهد گرفت
دشمن بسته به زنجیر و او آزاد خواهد بود

قیوم آزاد



به انتخاب: اسدالله «متون»

حق و حقیقت

- حقیقت تنها در پرتو دانش میتواند وجود پیدا کند.
- تسلیم شدن به حقیقت در عین زورمندی، بزرگترین نجات اخلاقی است.
- حقیقت را می توان خم کرد، ولی نمیتوان آن را شکست.
- شراره لحظه ای میدرخشد اما نور حقیقتی است که هرگز خاموش نمیشود.
- بسا حقایق امروز موهومات فردا خواهند بود.



برهنه سرفراز

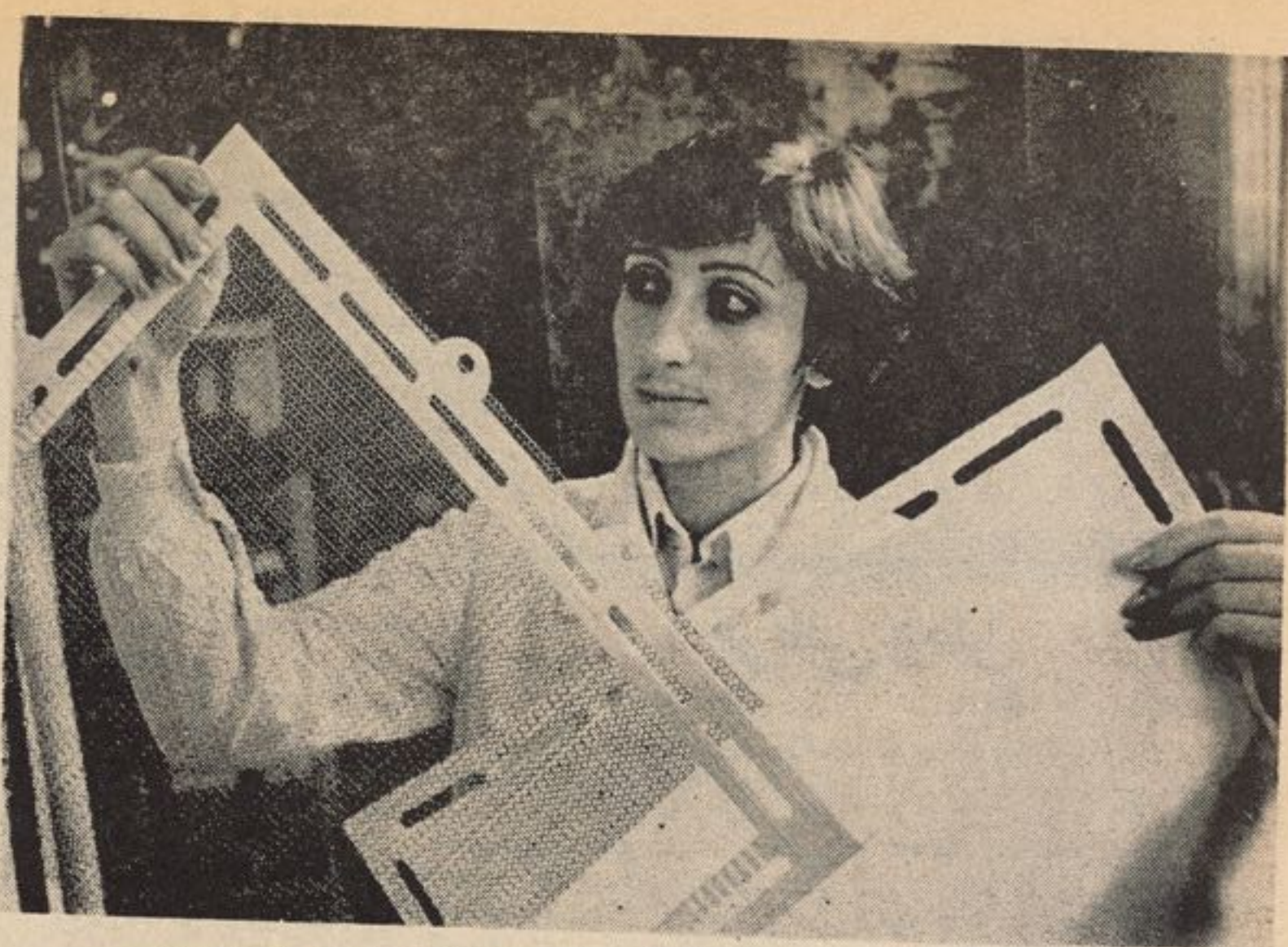
وقاحت گفت: مرا با نشان ها و امتیازات بیارائید.
رذیلت گفت: مرا با خلعت فضیلت افتخار دهید.
خیانت گفت: تاج امانت بر سر من نهید.
ظلم گفت: زنجیر عدالت بر در سرایم بیاورید.
تکبر گفت: مرا به زیور تواضع مباهی کنید.
شرارت گفت: مرا با لباس نیکی و صلاح بپوشانید.
خده گفت: مرا به جامه اخلاص و صمیمیت ملبس سازید.
استبداد گفت: صورت آزادی را بر جهر من نقش کنید.
زور گفت: بالا پوش صدق و محبت را بدوش من اندازید.
حق درین میان گفت: مرا برهنه گذارید و پیرایه ای بر من نبندید، من از برهنگی خود
شرمسار نیستم.

وسپلی اوږد زړه دزراعتي پيداوارو دتولولو
ما شپږمه اوږد زيات شميرنور ماشين آلات
مو جوړه.

دزراعتي روسي دغصه خه وروسته د شوروي
اتحاد دودانو شوو څمکو ساحه څلور برابره
زیا ته شوه او پیاوړسته په (۱۹۷۷) کال کې
دغه اتدیا زه شپاړسو میلیونو هکتارو څمکونه
ورسیده، دغه رقم دغه هیواد دتولولواو
فولتي میکا نيزه فار مونو هزارا عتی تولیداتو
په سلو کې پنځه ویشتم رقم تشکیلوي .
د شوروي اتحاد دکرني دماهرانو په عقیده په
کلیو او محلاتو کې دکرني دکو پرا تیفو او په
جوړیدلو او دغه راز په دغو سیمو کې دکرني
د میکانیزه کړونو او فارمونو په رامنځ ته
کولو سره دغه کارنه به زمینه اویزه پوری
شرایط برابریږي چې کویا دکرني دتولیداتو
دسطحي دلوروو په برخه کې ستر پرمختګونه
او دلیدو وې بریا لیتو بونه ترګوتوشی
په شوروي اتحاد کې د (۱۹۱۷) کال څخه وروسته
په ډله ایزه توګه د اشتراکي تولیداتو
بنسټ له مخې دکرني دچارو داتکشاف اوږدی
له پاره په داوطلبانه توګه دکرني تعالو
سازمانونه او تعاونی کورپراتیونه جوړ او
دعمل دکرته وړاندې شول. دغه کورپراتیونه
په زراعتي څمکو کې زیات کار کوي او ددغه
زیاتوالي په اثر د شوروي اتحاد دکرني دتولیداتو
په حجم کې دلیدو وړتولات او اتکشافاتو
نه صورت نیسي .

دغه تجربو له مخې چې د (۱۹۱۷) کال څخه
را په دیخوا دکرني دمحصولاتو دزیاتوالي لسی
په برخه کې د شوروي اتحاد دماهرانو او
اګرونو مستایو واسطه ترګوتو شو پدې
زراعتي کورپراتیونه اومیکا نيزه فار مونو ته په
واقعیت کې د اقتصادي پراختیا له پاره اساسي
شرایط او بنسټ جوړوي . دیوی وروستی
احصایي له مخې په اوسنیو وختونو
کې او س په شوروي اتحاد کې دکرني هر
کورپراتیف ته شپږ اعشاریه شپږ زره هکتار
او هر تعاونی سا زمان او میکا نيزه فار م
ته اتلس زره هکتار څمکه رسېږي . دکرني
دغه راز کړنې او سزاو مانو ته چې
هر یوی د (۵۵۰) او یا زیاتو کارکوونکو
او زراعتي پرسونل دپاره په نظر کې
نیول شویدی کال په کال د وډی او پراختیا
په حال کې دی . دغه راز سا زمانونه او
میکا نيزه زراعتي کورپراتیونه ددی قدرت
لری چې پخپله هر ډول زراعتي ماشین
آلات و پیری او په هر ډول عمرانی او
سا ختمانی کارونو باندې اقدام وکړي
د همدغه کار نتیجه ده چې شو روی اتحاد
په نړۍ کې دزراعتي محصولاتو له پاره
څخه زیات بریالیتوبونه ترګوتو کړیدی
دکلیو او محلاتو دتولیداتو تعاونی سازمان
نو نه چې د کلیو الی و ګړو د ژوندانه
سطحي دپه نظر کې نیو اوسره د سوداګرۍ چارې
یوه منظم پلان په چوکاټ کې ترسره کوي
د شو روی اتحاد د شپاړسونو او محلاتو ترمنځ
د اقتصادي مسا سبب دپیاوړتیا په
برخه کې مهم رول لوبوي . دمثال په
توګه په (۱۹۷۷) کال کې د شو روی اتحاد
هرو (۱۰۰۰) تنو کلیو الی و ګړوته په
منځني ډول یو سلو پنځه نوی را ډیوګانې،

ژوندون



د شوروي اتحاد د علمي څېړنو په پوهنځیونو کې د پلاستیک جوړولو په برخه کې د لویو علمي څېړنو یوه ګوښته.

د شوروي اتحاد

د شوروي اتحاد علمي، اقتصادي صنعتي او فرهنگي بریالیتوبونه

وډه کړی ده .
د شوروي اتحاد په کلیو او محلاتو کې دکرني
دماشین آلاتو زیاتوالي دکرني ماشین آلاتو ته
دبر پنا دزراعتي برابرو، دکیسایو او معدني
سرو دتولیداتو زیاتوالي او په کروندو او
میکانیزه فارمونو کې دغو څخه ګټه اخیستل
دغو عواملو څخه شمیرل کېږي چې دجوي
اواقلیمي شرایطو دښه والی سره جوخت په
شوروي اتحاد کې دکرني دمحصولاتو دمعیار
په لوړولو باندې ستره اغیزه لري .

لکه چې دکرني دماهرانو او اګرونو مستایو
تجربو ځانته ګټه پدې دیزاین داترزی په
مرسته ګیدای شي چې د شوروي اتحاد دکرني
دتولیداتو معیار په سلو کې څلوېښت څلویښت
زیات اولوی شي د (۱۹۱۷) کال د انقلاب تر وخته
پوری د شوروي اتحاد دکرني چارې د یوه کال
په توګه د انسانانو د لاسونو او آسونو پوری
ایرېکي درلودلې مګر د (۱۹۷۷) کال تر لومړیو پورې
پوری ددغه هیواد په کلیو او محلاتو کې دوه
اعشاریه څلور ملیونه تراکتورونه، یوه اعشاریه
څلور ملیونه باروونکي موټرونه او نوري نقلیه

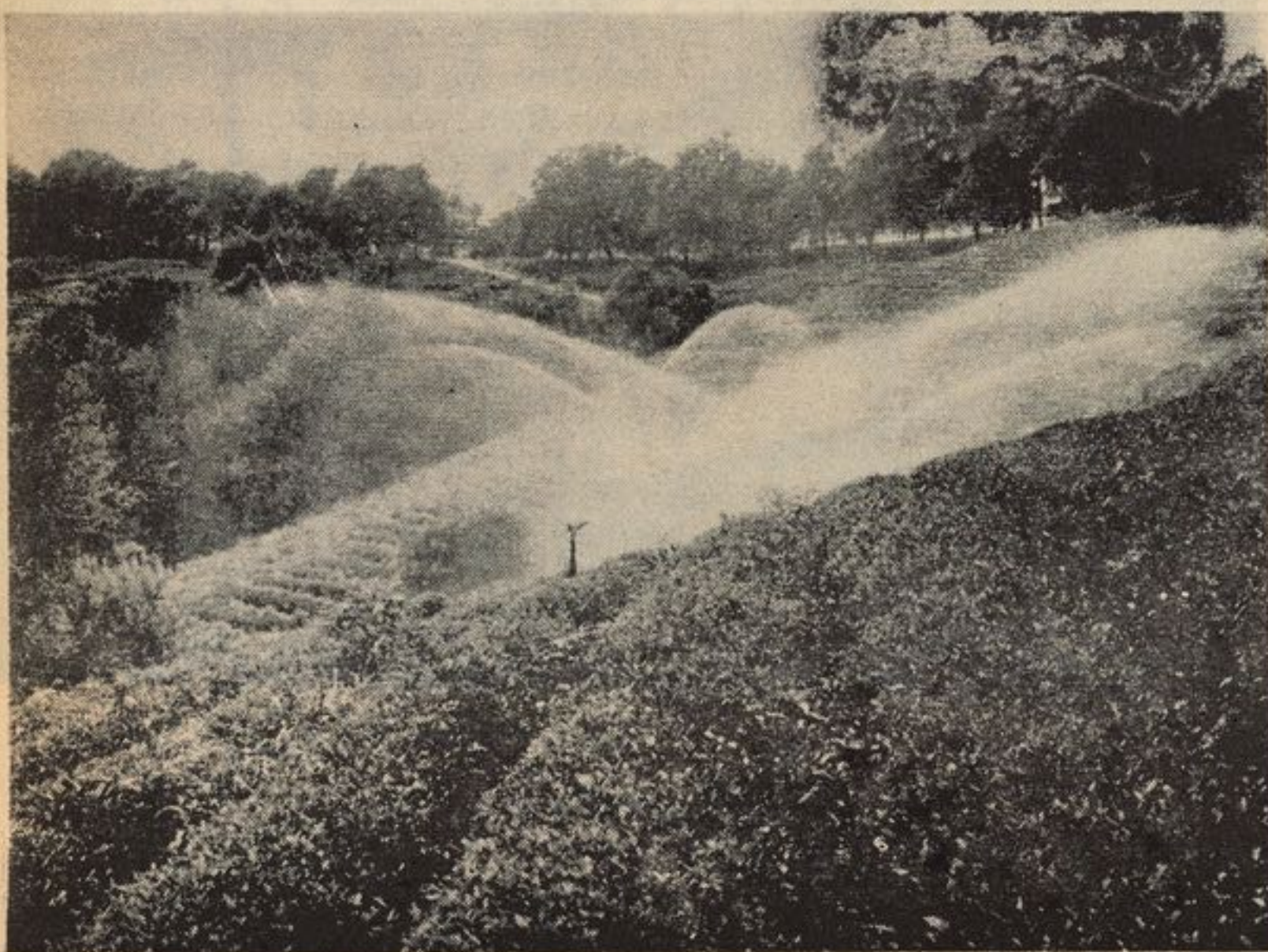
خلک دلوړی ، فحطی ، ناروغي او نورو اجتماعي
ستونزو څخه سخت بهر داب وواوځلو وړغنی
ژوند دزیاتو کړا وونو سره مخامخ و .
په (۱۹۱۳) کال کې چې دزراعتي روسی په
تاریخ کې دکرني دمحصولاتو له درک څخه
ساری نه لری اودهغه هیواد خلک په سلو کې
دوه اتیا په کلیو او محلاتو کې ژوند کاوه او د
هغوی شمیر څه دپاسه یوسلو دیرش اعشاریه
او میلیونو تنو ته رسیده دکرني دمحصولاتو
له مد رک څخه په ګډه سره (۸۶) میلیون تنه
غله لاس ته راغلل په روسی حال کې چې دیوی
وروستن احصایي له مخې په (۱۹۷۸) کال کې
په شوروي اتحاد کې دغو دانود محصولاتو له
اتدیا زه (۲۳۵) ملیون تنو ته رسیده ده . که
خهم دتیر کال (۱۹۷۹) دجون دمیاشتی تر
منځنیو وختونو پورې د شوروي اتحاد په کلیو
او محلاتو کې دکرني دمحصولاتو په سکټور کې
دمحلې اوسیدونکو ونډه ونه په سلو کې
او ددیرش لیزه شوی ده پنا ششم
دکرو بر دمنش انقلاب (۱۹۱۷) کال په تقایم
د شوروي سو سیالستي جمهوریتو دکرني دپیدا
وارو معیار په سلو کې څلور اعشاریه شپږ څلوی

شوروي اتحاد دنړۍ دکارګرانو بزګرانو او
زیاتو ایستو تنو لوی شمیرنی هیواد پسی
دناریخ په پانګو کې د شوروي اتحاد دخوا ری
په نامه هم یا دیري دڅه دپاسه دوه شپږه
کلو نو په اوږدو کې دنړۍ دسولې او
امنیت د ټینګښت له پاره زیاتې هلې ځلې
وکړې او دادی نن دڅمکي په کره کې دیو
مترقي ، پرمخ تللی او بریالی هیواد په توګه
را منځ ته شوی دی .
داکتوبر دسترسوسیالیستي انقلاب یعنی د
(۱۹۱۷) کال داکتوبر څخه را په دیخوا د شوروي
سوسیالستي جمهوریتو داتحاد اقتصادي، علمي
فرهنگي او صنعتي بریالیتوبونه او پرمختګونه
څکه دپاملرنې وړ دي چې ددغو پرمختګونو او
بریالیتوبونو په مرسته شوروي اتحاد کړای
شو چې دآسیا، افریقا، اولاتینې امریکې په
بیلابیلو هیوادونو کې نویو پیلواک شوو هیوادو په
بیلابیلو اقتصادي، علمي، کلتوري، زراعتي،
صنعتي، او کارګري اتکشافونو او پرمختونو کې
ستره اوفعاله ونډه واخلي .

د شوروي اتحاد د زراعتي رژیم په دوره کې
دسل ګونو کلوونو په موده کې په زرګونو تنه



په عکس کې شوروی اتحاد د اذربایجان په جمهوریت کې د یو مې دمو سمي حاصلاتو درا ټولولایوه منظره لیدله کېږي .



جای او دهغه صنعت او کرڼه په شوروی اتحاد او نړۍ کې خاص شهرت لري. په عکس کې شوروی اتحاد د (کرا سوډار) په سیمه کې د چاپو یوه میکانیزه فارم

لري او له بلې خوا زیا نو بشري قو اونه هم ضرورت لري .
او س او س په شوروی اتحاد کې په سلو کې پنځه او یا دایوو دین ټپنا او هایدرو الکتریکي پروژو څخه کار اخستل کیږي د همدې ضرورت له مخې یو لکا د لیبر او لطف پانې واپړی

لکه چې شوروی اتحاد انجنیرانو او ماهرانو په ورستیو راپورونو کې ویل شوی دی اوس اوس دفرانسی ، انگلستان ، ایټا لیا او نو رو او ید یغو هیوادو طبیعي زیر مسی ختمی شو یدی او س په دغه راز هیوادونو کې داسې پروژې طرح کیږي چله پوی خوا زیا نو پیسو او اقتصادي لگښتو نو ته اړتیا

زراعتي ځمکې خپروبه کړې اوله بلې خوا څخه په کافي اندازه دبریشنا انرژی هم تر گو تو کړې . او س او س د شوروی اتحاد ما هران او انجنیران په دغه کسار باندې ټپه پو هیږي چې څو مړه انرژی له کو مې زیرمې څخه دکو مقصدونو او اهدافو له پاره تر گو تو کړي

یو سلو یو اتیا ټلو پزیرونو ته ، یو سلووه دیرش یخچالو له اوه دپاسه یسو سلو څلوېښت د کالیو پری مینځلو ماشینونو ته رسیدنه . دغه رقم که چیرې په نړیواله سویه دتري دنورو هیوادونو سره مقایسه شي څرگند یری چې دبین المللي مستندو ډله مخې یو ډیر لوړ معیار دی .

دلید و وڅیړه داده چې د کرني دکو پرا ټیغو نو د کمیت او کیفیت په ټپه والي سره نه یوازې داچې د شوروی اتحاد د کلیو او بنا ری و گړو تر مینځ غوره اقتصادي روابط ټینګیږي بلکه په کلیو او محلاتو کې دو گړو د ژوندانه طرز او طریقه هم تغییر خوري تعاوني ساز مانونه چسې په واقعیت کې د عمومي را په اختللو په نتیجه کس داساسي مالي او اجتماعي پرابلمو نو دحل له پا ره غوره لاره او اړ و یدی کړی شي دتولید ، بودمار کښک او دتعاوني ساز ما نو نو او ار گا نوو د اقتصادي روابطو د پیاوړتیا لوري ته په زرگونو ټپه

کړوند کړ او زراعتي کارگران را جلدوي . په شوروی اتحاد کې دهر ډول مذهبي ، نژادي ، لسانی ، جنسي اونورو توپیرو نو څخه پرته دکلیو او محلاتو خلک دنیا روڼو او هغسې مړ کړ و نو د اوسیدونکو سره مسا وی حقو قواو امتیا زات لري .

په کلیو ، محلاتو او ښارونو کې دښوونسې او روزنې لسه پرو گرا مونسو څخه پور خلکو ته مسا وی گټه رسیدی او په اجباري توګه خلک مجبور دی چې د لیک اولوست زده کړه ، وکړي .

د انرژی په برخه کې شوروی اتحاد بریا لیتوبونه:

د شوروی اتحاد دنامتو فر یک پوه الکساندر استرلینوف) دوینا له مخې انسان کولای شو چې دبریشنا انرژی په لاس ته راوړلو سره دخیلو نخیلاتو اوعقلی قوا وپه انډول دژوندانه ډیر مشکل پرابلمونه اوخوړایچلې مسئلې حل کړي .

ددغه پورتنی وینا په تائید دشلمې پیښې په محض پیل کېدو سره زمو نسره روا نه پیږي او مړی دبر ټپنا دغصرو او وروسته د اټوم او فضا دغصرو په نامه ونو مو لسه شوه او دادی څه دپا سه اتیا کا له کېږي چې دغه نا م گذاري خپلې وا قعیت او حقیقت تر یوا لوته څرگند وي . نور دښو احصا ثبوتی را یو روڼو له مخې په شوروی

اتحاد کې دتیرو پنځو کلونو نویه دوران کې (۱۹۷۵-۷۱) کلونو په موده کې دبریشنا د انرژی دتولیداتو په سطحه کې څه دپاسه

دری سوه ملیارد کیلو وات ساعت زیاتوالی راغلی دی او دارقم تر (۱۹۶۰) کاله پوري شوروی اتحاد دالکتریکي قواو دمجمو

مې رقم څخه هم زیا توالی ټپی . په شوروی اتحاد کې دبریشنا هغه انرژی چسې دهایدرو الکتریکي پروژو څخه تر گو تو کیږي زیا ته اقتصادي او ارزانه تمامین ی شوروی اتحاد دلنجنیرانو او ما هرانو په عقیده دانسان د علم نتیجه با ید دا وی چې دا وبود فشار او طبیعت دنورو خلا قه قدرتونو په مرسته له یوی خوا زیا تس

برخه کی داو بو سطحه ترسېو متروپوری شكنه رالوټیږی . په یوه کال کې دغه دېا په یو ملیا رد کیلو واته برېښنا په لاس ته راوړلو سره څه دپاسه اته سوه هکتاره څنگلو څه او شاپی څمکی په زراعتی څمکو باند ی اېول کیری .

د صنعتی ، تخنیکي او فلزی چارو انکشاف:

له ډیرو پخوانیو زمانو څخه را په دېخوا فلز اتو ته د صنایعو دخواه نوم ور کړ شویدی . ددغه پورتنی اصل له مخی په شوروی اتحاد کی د فلزی چارو انکشاف او ودی ته زیات ته یا ملر څه را گرځو له شویس دی او او س د څه دېا په (۱۲۰) زرو مو سسو او ار گا نوټو په در لو دلو سره د شوروی اتحاد فلسزی تولیدات داوسپنی اوپولا دو دسا ختمانی او پراسس کوو نکو مو سسو او ساز ما نوټو په واک کی ور کول کیری ما هرا ن اوانجینر ان کو لای شی په هر هیواد کی دنورو فلزاتو دپراختیا اوبراسس معیار داوسپنی اوپولا دو له مخی محاسبه او ار زیات کیری .

په (۱۹۲۱) کال کې د شوروی اتحاد د نورو فلزاتو د تولید او پراسس قبول معیار د یوازی صفر اعشاریه دوو و یش میلیون ټنو ته رسیده چی دا معیار دهر یو الو معیار دغو څخه ډیر لږ او را ښکته دی په شوروی اتحاد کی په څو وروستیو کلونو کی نه یوازی د فلزی چارو ودی او پراسس اختیا له پاره ښه بنسټ کینودل شو بلکه په (۱۹۷۱) کال کی داوسپنی او پولا دو دپرا سس کو لو او تولید اتو په سکتو دو نو کی په ټوله نړی کی لو مړی د رجه مقام هم و گټه . همدارنگه دیوی بلی احصا ئی له مخی په (۱۹۷۸) کال کی په شوروی اتحاد کی (۱۵۱) میلیون ټنه پولاد تولید شو چی دغه رقم په دغه کال کی د امریکا دمتحده ایالاتو او انگلستان په ټله څو چنده زیات او لوړ دی .

دنورو فلزاتو او په تیره داوسپنی او پولادو د تولید اتو د سطحی دپراختیا له پاره شوروی اتحاد غواړی چی په خورا ټلو ټکو کلو لو کی په دغه سکتور کی زیاته پانگه واچوی ، او ټاکل شویده چی د (۱۹۷۹) کال په اوږدو کی د فلزاتو دسکتور دپیاوړتیا له پاره داسی پسر وژی او پلانو ته تر اجرا لاندی ونیسی چی دهغو په تطبیقو لو سره په (۱۹۸۰) کال کی په نو مو ډی هیواد کی د یو لادود تولید اتو او پراسس اندازه څه دېا په (۱۶۰) میلیون ټنو ته ورسیری په (۱۹۷۸) کال کی ددغه هیواد دیو لادو د تولیداتو او پراسس ټو له اندازه ۱۵۶ میلیون ټنو ته رسیدلی دی .

تجربو څر گنده کړیده په غره اندازه چن په یوه هیواد کی دمتالوژی قابریکی او دهغو قدرت دپړو ی په هماغه اندازه دتولنی د اقتصادی قدرت معیار هم لوړ وی ددهدی دلیل له مخی په شوروی اتحاد کی د اقتصادی او صنعتی ودی په خاطر د فابریکو شمیر زیات دی . هر کال په دغه هیواد کی په لوړو ظرفیتو نو سره د پاتی په ۵۸ مخ کی

له (۳۵-۳۰) پوری را ښکته کیری . ددی له پاره چی په قفقاز اوسا بیریا کی دبرېښنا دانرژی د تولیداتو او لگښتونو اندازه په خپل عادی معیار کی سانله شوی وی له (۱۹۷۰) کال څخه راپه دېخوا ددغه هیواد د ما هرا نو له خوا په ټولو هاید روالکتر یکی تاسیساتو کی د (اکومو لانیور) په نامه یو شمیر دستگا وی جوړی او داستفادی وکړه . وړاندی شویدی ، دغه ډول دستگاو کی لای شی چی دبرېښنا د لگښت او تولید ایدول پخپل عادی او نور مال حالت کی وساتی .

د شوروی اتحاد انجینران او ما هرا ن غواړی چی دسکو ښارته نژدی دزاگور سسک په سیمه کی دغه دېا په (۲۰۰) زرو کیلو واټو په ظرفیت دبرېښنا د تولید و لسی له پاره یو نو ی پروژو جوړه کاندی

اقتصادی او ابعادی ستو نرو علاوه دلیتونو په اوږدو کی دبرېښنا د تلفاتو اندازه هم څو چنده لوړه او زیاته ده . له بلی خوا د قفقاز او ساسا یی په سیمو کی د صنعتی تاسیساتو د څر څوټو د فعالولو دپاره دبرېښنا زیاتو انرژیو ته اړتیا محسوسه ده .

د شوروی اتحاد په اړو پایی برخو کی د حرا رتی ، ها یدرو الکتریکي او هستوی برېښنا ټولی پروژي او تاسیسات داسی شرایط را منځ ته کوی چی تر ټولو څخه دمخه د کار ساحی ته اوله یسوی سیمی څخه وبللی سیمی ته دبرېښنا داتر ژی دلیر شو او له پاره غوره امکانات پیدا شئ . اوس اوس کله چی په قفقاز او ساسا یی کی ښه راو رسیږی او تیاره راشی ټول کورونه

دلیستر سیندونه چی ددغه هیواد په اروپای برخه کی موقعی لری ډیر کو چی شویدی او په مترکم ډول کټه ور څخه اخستل ش کیری . ددی له پاره چی د صنعتی تاسیساتو له پاره دبرېښنا دانرژی له در که څخه ددغه هیواد اړتیا وی لری شوی وی له شو مودی څخه راپه دېخوا شوروی ما هرا ن او انجینران کو ښیښ کوی چی دبرېښنا نوی پروژي دمر کزی آسیا په بیلابیلو برخو کی جوړی کیری . دنو انجینرانو او ما هرا نو خپله او مړنی پروژو د شوروی اتحاد د قزاقستان په جمهوریت کی تطبیق او بشپړه کړه . همدا رنگه د ساسا یی په حوزه هم دبرېښنا دانرژی یو زیات شمیر نوی تاسیسات تر جوړیدو لاندی نیول شویدی . دسایبریا حوزه په اقتصاد دی



د (پولیتیزاد) په نامه د شوروی اتحاد د کتا بوټو د وروستی ټول ښار ټولن پوه خنده .

ددغه کار دېا ره دغو ما هرا نو څخه کیری یوه چی دار غوټی روسی (دزاگور سسک) په ښار کی دیو کوچنی سیند سر وی کار بشپړ کړی او بیا وروسته د سیند دپاخه دبرېښنا دانرژی یسوه تولیدی دستگا ه ودرو ی ، په اوسنیو وختو نو کی په شوروی اتحاد کی دبرېښنا دانرژی او په (۸) مترو په پنډوالی او (۷۵۰) مترو په اوږدوالی لولو او نلو نو په مرستم له یوی حوزی څخه وبللی حوزی ته لیریدول ش کیری په دی ډول چی دهر شپږو لولو په واسطه څه دپاسه شپاړس میلیون مکعب متره اوبه دسلو مترو لوړ والی څخه تورو بین ته دا ځلیری . دڅلور وساتو فعالیت څخه وروسته داوبو د بند په پورتنی

روښانه کیری ټلو یزوتونه په کار لوټیری او په تدریجی او ټکا ملی ډول دبرېښنا دانرژی دلگښت اندازه هم پورته کیری . دیوی احصا ئی له مخی د شپي له ۱۲ بجو څخه وروسته په نو موډو سیمو کی دبرېښنا دانرژی د لگښت اندازه ډیر زیات کیری او خپل وروستی حده رسیږی . د شپي له ۱۲ بجو څخه وروسته په قفقاز او سایبریا کی دبرېښنا دلگښت اندازه دوه برابره کیری .

باید وویل شی چی په دغو دوو سیمو کی دزمی په نسبت د اوری په شپږ او ورځو کی دبرېښنا دانرژی دلگښت اندازه په سلو کی

لحاظه دنو و هایدرو الکتریکي پروژو دجوړیدلو نظره غوره شرایط او په رڼه یو رڼی امکانات لری ، لکه چی د شوروی اتحاد د ما هرا نو او انجینرانو په یوه وروستی راپور کی ویل شویدی په اوسنیو وختو نو کی د ساسا یی په حوزه څخه اړوینا یی هیوادونو په دبرېښنا دانرژی دلیږدولو له پاره غوره شرایط اویزه پوری امکانات تر گوټو شو . پدی بابا یډ وویل شی چی دتقریباً بیجلو جغرافیایی شرایطو دشته والی له امله د قفقاز څخه اړوینا یی هیوادو نو ډیر دبرېښنا دانرژی دلیر لو کار مشکل او گسراڼ ښکاري . بیا په بیله ژبه په دغه کار کی په

پول حمام

روزی رجب خان بعد از مریضی طولانی به حمام رفت چون حمامیان لباس خراب و رنگ زرد او را دیدند خدمت او را نکردند و وقتی که از حمام بیرون آمد (۳۰) افغانی به حمامی داد.

روز دیگر با لباس زیبا به حمام آمد چون حمامیان لباسش را دیدند و پول آنروزه آنرا با خود گفتند: اگر خدمت کنیم (۶۰) افغانی خواهد داد. خدمت آنرا بدرجه اعلی به انجام رسانیدند و وقتی که از حمام بیرون آمد (۵) افغانی بالای میز حمامی نهاد. حمامی به تعجب گفت: این چیست؟

رجب خان: پول امروز ازان روز است و آن پول به امروز مجرا شود.

ارسالی احمد فواد دافع معلم صنف پنجم توسطه محمد ایوب خان

لکه ابر

علاء نصر الدین را دیدند که در صحرای کمال اوقات تلخی بعضی از نقایع زمین راکنده چیزی را تفحص مینمود.

پرسیدند چه میکنی؟ گفت: بولی را در این جا دفن کرده بودم و اینک هر قدر جستجو میکنم نمی یابم. گفتند و قسمی که دفن کردی مگر لثا نی نگذاشته بودی؟ گفت چرا نه، گفتند چه لثا نی؟ گفت لثا نی آنکه لکه ابری در آنوقت بروی آن نقطه از زمین سایه انداخته بود.

کارت ویزیت

روزی یکی از اشخاص از خود را خریدن و لثا نی، نویسنده شهیر فرانسیسی رفته بود بر خلاف انتظار دید که وضع اطاق و لثا نی بسیار در هم و آشفته و گرد و خاک ز بساد روی میز تحریرش نشسته است! از فرط نا راحتی با انگشت خود روی همان میز گردآلود نوشت: «خر!» و رفت...

فرای آن روز تصادفاً و لثا نی را در راه دید و گفت دیروز خدمت رسیدم به نشر یف ندا شنید.

ولتر بانگاهی فیلسوفانه گفت بلی! کارت ویزیت شما را روی میز تحریر پر دیدم !!

آرزوی جوانی

مردی از دوست خود پرسید: آیا تا به حال که شصت سال از عمرت می گذرد به یکی از آرزوهای جوانیت رسیده ای؟ گفت: آری، فقط به یکی. هنگامی که پدرم موهای سرم را کشیده و مرا تنبیه می کرد، آرزو می کردم که به هیچ وجه مو نداشته باشم و امروز، بحمد الله، به این آرزویم رسیده ام!

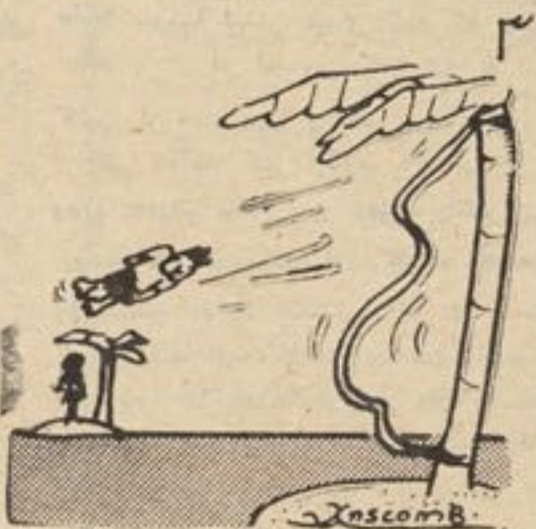


احمدجان - هر موقع که سیرشدی، بیای بیرون تا من داخل شوم.



به غیر از پدرم..!

کریم به حمید گفت: تا هنوز به خانه جدیدتان نرفته اید؟ حمید گفت رفتیم. کریم: آیا برای تمام تان یکدیک اطاقی رسید؟ حمید جواب داد: برای تمامان اطاقی رسیده به غیر از آغایم. کریم گفت: پس آغایت در کجاست؟ حمید: بیچاره آغایم تا به هنوز در اطاق مادرم زنده گری میکند. ارسالی حکیماله معلم صنف دهم ک ساتیس لیس شیرشاه سوری



از بالا به پایین بدون شرح

اسب هانری چهارم

هانری، چهارم را امیبی بود که آنرا دوست میداشت. اسب ناخوش شد. گفت هر کس خبر مرگ اسب را بیاورد حبش میکنم. ویدارش خواهم آویخت. میرا خوشی که آدم شوخی بود بعد از مرگ اسب پیش هانری آمد و عرض کرد آن اسب قشنگ، آن امیبی که شما آنرا خیلی دوست میداشتید آن بیچاره اسب، آن اسب، آن اسب... هانری گفت چه شد؟ مرد! میرا خسور گفت خود شما فرمودید که: مردم حالا اگر حکم سیاست را در باره خودتان معمول مینمایند مختارید.

اگر گشنه شدم آنرا بخورم

دیوانه که میخواست خودکشی کند بان را برداشته به چاراهی روان شد. همیشه دیوانه در چاراهی رسید در وسط چاراهی خوابیده و آنرا زیر سر خود گذاشت. دفعاً موتوری برك زده و پرسید بالا شو که موتر می کشد. دیوانه جواب داد: من می خواهم خودکشی کنم. دیروز گفت: پس نان را چرا زیر سرت گذاشته ای دیوانه گفت: بخاطر اینکه اگر موتر ناوقت آمد من گشنه شده ام و میخورم.

پذیرائی

معلم از احمد پرسید چرا ناوقت آمدی. احمد جواب داد: معلم صاحب من شب خواب پذیرم که در طیاره به معالک خارج میفرستد. میکنم. معلم از محمود پرسید: تو کجا بودی؟ محمود جواب داد: من رفته بودم تر میل که احمد را پذیرایی کنم.

انقلاب کبیر اکتوبر جهش

تئوریست پدید آمده های نو را بصورت راه حل های سیاسی درست و قابل درک برای خلق به مورد اجرا گذارد. نیز از همینجا سر چشمه می گیرد.

آغاز به ساختن سوسیالیسم باطنی راه حل برای بسیاری از بغرنج ترین مسائل گامی جدید را هم بشرح ذیل طلب می کرد:

اصول ساختمان دولت و سازمان دولتی در کشور کمونیست. تناسب اقتصاد با سیاست. نقش نظام های مختلف اقتصادی و اشکال مالکیت. خصوصیات مبارزه طبقاتی در دوران گذار. شیوه های لغو طبقات استثمارگر، خصلت روابط میان شهر و روستا و اهمیت تجارت. نقش پول، راه های گذار از تولید کوچک و انفرادی در روستا به تولید بزرگ سوسیالیستی، صنعتی کردن سوسیالیستی، مراحل ساختن سوسیالیسم، ترتیب و طبقه بندی وظایف، سیاست در رشته های فرهنگ، دانش و هنر، وضع قوانین و اجرای امور قضائی، مسائل باجهان خارج یعنی اصول سیاست بین المللی دولت پروتوریونیروهای مسلح آن و صد ها مسئله دیگر.

کتوری دولت سوسیالیستی رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بنا به وسیله ی عمده ی دفاع و ساختن جامعه ی نوین از اجزای متشکله ی طبیعی آنست. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر و حزب بلشویسک بر پایه ی تحلیل ساختمان طبقاتی جامعه در دوران گذار نشان دادند که استقرار حاکمیت سیاسی طبقه ی کارگر، که این طبقه در اتحاد با دهقانان و دیگر قشر های خلق زحمت کش بوجود می آید مهم ترین قانونمند ی جامعه ی سوسیالیستی است.

در تئوری سوسیالیسم علمی، تجزیه و تحلیل پروسه های اقتصادی همواره به عنوان عمده و مرکزی را داشته است. اگر در گذشته اندیشه ی اقتصادی ایدئالوژی مترقی روی این مسئله که چگونه سرمایه داری انقلاب سوسیالیستی را آماده می کند، متمرکز بود، حالا دیگر بوجود آوردن دانش ساختن اقتصاد سوسیالیستی و با لایزال آن ایجاد تئوری اقتصادی یکپارچه سوسیالیسم و در واقع فصل نویی در مجموعه ی آموزش ایدئالوژی پروتوری و مترقی ضرورت داشت. در سوسیالیست اقتصادی حکومتی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بوجود آمده بود به همین مسئله بستگی داشت. خود سر نوشت انقلاب اکتوبر هم بدین سبب این سیاست وابسته بود.

یکی از عظیم ترین کشفیات رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در این زمینه «سیاست اقتصادی نو» یعنی «نپ» بود. تجربه ی سیاست اقتصادی جدید که اصول تا مین اتحاد طبقه ی کارگر با دهقانان و دیگر اقشار غیر پروتوری، از آن جمله قشر های میانه انطباق برابری خود را در آن یافتند اهمیت بین المللی فراوان خود را در دوران

اتحاد شوروی به موجب قانون اساسی تثبیت شده اند، در طرح قانون اساسی جدید موادی گنجانده شده است که بطور اصولی نو است و در قوانین اساسی کشورهای بورژوازی وجود ندارد و نمی توانست وجود داشته باشد. این مواد عبارتند از: حق شرکت در امور دولتی و اجتماعی، حق انتقاد از نامرئی ها در کار، حق ممکن، حق حفظ زندگی، حق استفاده از دستاورد های فرهنگی، آزادی کار خلاق در زمینه ی دانش و تکنیک و هنر... غیره. همه ی این حقوق و سایر حقوق کهنه و نو با ایستادن در راه بهره وری خلق و نو های مردم زحمتکش چند ملیتی که بطور استوار و برای همیشه زندگی و سر نوشت خود را با سوسیالیسم پیوند داده اند، مورد استفاده قرار گیرد.

در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی تعریف مبسوط نقش رهبری کننده ی حزب کمونیست در جامعه و در کشور به تفصیل ترسیم شده است. حزب که هم چنان حزب طبقه ی کارگر باقی می ماند اکنون بنا به حزب همه خلق عمل می کند.

منافع اقشار و گروه های مختلف را با منافع تمام جامعه پیوند می دهد و وحدت سیاسی و معنوی جامعه را تأمین می کند.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در همان آستانه ی انقلاب ناکزیری وجود همزمان دولدارای نظام های اجتماعی متفاوت را طی دوران تاریخی معین مستدل ساخت، این استنتاج ناشی از قانون شدیدی در برابر سرمایه داری در مرحله ی امپریالیسم بود که خود او کشف کرده بود. پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر واقعا چنین دورانی فرارسید و این زمانی بود که بنابه پیش بینی ایلچ بزرگ «کشور های سوسیالیستی و سرمایه داری به زبانی در کنار هم پرداختند».

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بارها احتمال حمله ی مسلحانه به کشور شور را رد کرد و یاد آور شد که باید قدرت دفاعی کشور بحدی رسانده شود که دفاع از دست آورد های سوسیالیسم را تأمین کند. حزب کمونیست اتحاد شوروی از همان اول و هله تاحال این توصیه ی ایلچ را مد نظر داشت و دارد و حالا قدرت دفاعی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی بقدری است که هر نوع تجاوز را از هر قماش که باشد به اندک ترین فرصت خورد و خمیر می نماید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در عین حال وجود «احزاب صلح» و «احزاب جنگ» دارای روحیه ی تجاوز کارانه را رد کرد و واحد در داخل از دو گانه ی بورژوازی خاطر نشان می ساخت و همواره وجود شرایط مقدما تی عینی و از جمله اقتصادی همزیستی مساومت آمیز کشورهای دارای سیستم متضاد را یاد آوری می کرد. سیاست همزیستی مساومت آمیز در برابر دوران پس از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر از جانب حزب و دولت شوروی عمیقاً بررسی و تدوین شده است.

ما هم حفظ می کند. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر خاطر نشان می کرد که «آن مسئله ای را که اکتوبر بطور موقت به تنهایی حل می کنیم یک مسئله ی خالص روسی بنظر نمی رسد و این در واقع مسئله ای است که در برابر همه سوسیالیست ها مطرح خواهد شد...» (جلد چهارم آثار بزبان روسی ۱۳۲۹).

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر با تئوریستی فوق العاده ای مساعد ترین و قابل درک ترین راه گذار به اقتصاد جمعی کنایه ورزی سوسیالیستی برای دهقانان را تعالی و نسی های زراعتی تشخیص داد.

حزب انقلابی روسیه ی شوروی (بلشویک) در تجدید ساختن اتحاد اقتصاد به شیوه ی سوسیالیستی از لحاظ تئوری متکی به این اصل بود که وظیفه ی تاریخی رشد نیرو های تولیدی بنابه ی یکپارچه و ایجاد تحول در کلیه مسائل اجتماعی تنها از راه صنعتی کردن کشور می تواند تحقق پذیرد.

صنعتی کردن جامعه سوسیالیستی نه فقط یک پروسه ی فنی، بلکه هم چنین پروسه ی اجتماعی است که در جریان آن علاوه بر اینکه طبقه ی کارگر از لحاظ کمی افزایش می یابد، بر خورد تازه ای هم نسبت به کار پیدا می کند و بسکوی او زری صاحب اختیار تولید در آن شکل می گیرد و اشکال تازه ی فعالیت و رشد تولید بدون سرمایه داران، بدون استثمار، طبقه ی کارگر به ی مشترک ملی، فارغ از بحران های اضافه تولید و هرج و مرج های روبه بسط متقابل اقتصادی، پدید می آید.

یکی از برجسته ترین موفقیت های علم اقتصاد شوروی - بزرگترین دستاورد تفکر اجتماعی جامعه ی بشری تا زمان از تدوین اصول برنامه ریزی تمام اقتصاد و تدوین تئوری رهبری مجموعه اقتصاد کشور طبق برنامه ی معین «اصطلاح پلان یا برنامه ی پنج ساله» به یک اصطلاح بین المللی تبدیل شده است و بزبان بسیاری از خلق ها داخل شده است. شیوه های ساختن اتحاد اقتصادی طبق برنامه ی پلان در سراسر جهان در کشور های نوبه استقلال رسیده و در حال رشد که می گویند با آهنگ های سر به سر خود را به عرصه ی ترقیات معاصر برسانند، توجه خلق را بخود جلب میکند. در کشور های سرمایه داری هم این شیوه را با دقت بررسی میکنند. اما تنها در دست حکومت انقلابی که بیاتر منافع زحمتکشان باشد و با وجود مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، پلان گذاری عملاً قابل اجراست و می تواند به منافع خلق خدمت کند.

تیمودوین مسئله ی حقوق و آزادیهای اتباع اتحاد شوروی در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی در بسط و تکامل دموکراسی سوسیالیستی شوروی دستان تازه ای است. در ردیف حقوقی نامانند حق کار و سایر حقوق واقعی که مدتهاست در کشور

و اما انقلاب کبیر اکتوبر و کشور های عقب نگذاشته شده و از جمله افغانستان: انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر موجب گسترش جنبش نیرومند آزادیبخش ملی گردید، تحولات تاریخی اخیر افغانستان در دوران اخیر در سیریکه از همان جریان تاریخی انجام می گیرد که در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر بوجود آمده و جزو مهم ترین واقعه ی سیر تکامل جهان شدند.

بحث بر سر جریان بحران و زوال سیستم استعماری امپریالیسم و همچنین بر سر ملت ها و کشور ها نیست که طوسی سالیان دراز در زیر قید فشار و بستگی استعماری و نیمه استعماری قرار داشتند و در نتیجه ی رستاخیز و انقلابات خود در راه استقلال سیاسی و اقتصادی گام نهادند.

در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر در یک ششم بخش دنیا نظام اجتماعی نوینی برقرار گردید که یکلی با سیستم امپریالیسم بین المللی استعماری و استثمارگری نیست دارد. در نتیجه ی تأسیس دولت سوسیالیستی در روسیه، موقعیت بین المللی افغانستان تغییر کرد و مواضع محافل ملی و میهن پرست افغانستان که برای احیای حق حاکمیت کشور خویش مبارزه می کردند تحکیم یافت.

در بهار سال ۱۹۱۸ ترجمه ی تری ایام دولت شوروی به همه مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین به افغانستان رسید. درین پیام حقوق ملی خلقها، اهم از بزرگ و کوچک، اعلام گردید و سکنه کشور ها نیکیه زیر قید ستم امپریالیسم قرار داشتند به از هم گسستن یوغ بردگانه منقور استعماری فرا خوانده شدند. زحمت کشان روسیه ی شوروی اعلام کردند که مصمم اند به ملت های کشور های مستعمره و وابسته، در راه کسب آزادی ایشان کمک نمایند.

درین مرحله نکته ی مهم در زمینه ی پیدایش و تقویت تالیات ضد امپریالیستی در همه کشور های شرقی میانه این بود که دولت شوروی اسناد سیاسی محرمانه ی دول بزرگ را انتشار داد و بدین نحو نقشه های استعمارگرانه ی امپریالیسم را افشا نمود و علاوه بر سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ اقداماتی در راه برقراری تماس مستقیم با دولت های کشور های همسایه ی آسیای میانه انجام داد. در سال ۱۹۱۸ پیشنهاداتی در باره ی برقراری مناسبات دوستانه از ترکستان شوروی یکا بل رسید. با وجود اینکه در افغانستان آنوقت شایعش و دست نشانده ای (امیر حبیب الله) حکمرانی داشت، خبر مربوط به ایمن پیشنهاد به سرعت در افغانستان پخش گردید و شور و شغف عظیمی در میان محافل اجتماعی افغانستان بوجود آورد. وطن پرستان افغان نیز نقشه ی تحصیل استقلال افغانستان و نابودی عمال امپریالیسم انگلیس را می کشیدند و اعلان اصول برابری حقوق و آزادی ملی خلقها که دولت روسیه ی شوروی در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر تحت رهبری دایمانه رهبر انقلاب آنرا اجرا کرده با

استفاده از قوای بشری

و تربیه است در آن زمینه که شما قسمت ز یا دی از زندگی خود را در آنجا سپری نمودید آیا در درس های تعلیم و تربیه و پوهنتون ها کدام تحول عمیق و انقلابی در نظر دارید یا نه ؟

جواب : انقلاب ثور که در معنی واقعی خود یک پدیده انقلابی بود که قدرت را از طبقات استثمارگر به نمایندگی از حمتکشان به طبقه کارگر انتقال داد و تمام ساختارهای زندگی خلق ما یک تغییر انقلابی بوجود آمد درین جهت انقلاب بسی طوریکه شما تنها به تعلیم و تربیه اشاره کردید و در تعلیم و تربیه هم تغییرات انقلابی بوجود آمده است که خلق از حمتکش تمرکز یافته است اکنون تمام نصیب تعلیمی به این متوجه است که جوانان و اطفال را مطابق به منافع خلق از حمتکش تربیه نماید و در تشکیلات سیستم تعلیم و تربیه نیز تغییر آمده است آن اینکه قبل از انقلاب هشت سال مکتب ابتدایی، چهار سال ثانوی و چهار سال تعلیمات عالی بود ولی در آغاز انقلاب این تدبیر اتخاذ گردید که محتوای تعلیم و تربیه غنی تر شود و از سال هشت سال تعلیمات ابتدایی دوسال دوره ثانوی یا تعلیمات متوسط و چهار سال تعلیمات عالی به این اساس در سیستم تعلیم و تربیه تغییرات بوجود آمده است. در پایان رفیق امین از اشتراک زور نالستان درین مصاحبه دوستانه تشکر کرده اظهار امید کردند که زور نالستان مهمان بار دیگر بتوانند از کشور مادیدن کرده و واقعیت اوضاع کشور را به خلقهای کشور های خود انعکاس بدهند.

نمایند برای اینکه دانشمندی و معرفت حزبی آنها توسعه یابد و انکشاف نمایند کمیسو ن های مربوطه حزب هم درین زمینه توجه خاصی دارد و فعالیت می نمایند. دفتر سیاسی و رهبری حزب یک پروگرام خاصی روی دست دارد و آن اینست در ولایات و ولسوالی ها کارهای حکومتی و حزبی را از هم تفکیک نماید، سازمان حزبی جدا و سازمان دولتی جدا، حزب، حکومت و دولت را رهبری خواهد کرد، ولی امور دولت و وظایف آنرا انجام نمی دهد. حکومت و دولت و وظایف خود را انجام خواهد داد و حزب آنرا رهبری خواهد کرد، حزب این قدم ها را برداشته است و سرعت به پیش میرود که برای انکشاف و تقویست اعضا و کادرهای حزبی بسیار مؤثر خواهد بود.

سوال : تعداد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را گفته می توانید؟
جواب : ما کار تو زیع کارتهای عضویت حزبی را آغاز کرده ایم، چندین هزار کارت تا حال تو زیع شده و تا هنوز کار تو زیع آن ختم نشده است. فقط در ختم کار تو زیع کارتهای میتوان تعداد دقیق اعضای حزب را بشماراظهار کنیم، ولی قبل از انقلاب ثور که کارتهای عضویت برای اعضای حزب نداشتیم تعداد اعضای حزب را تقریباً پنجاه هزار تخمین کرده بودیم.

سوال : نمایندگانی که در دور انقلاب با پیروزی انقلاب ثور در زندگی خلق ماحولات عمیقی پیدا کرده است و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در گونهای مختلف از زندگی خلق ما گام های وسیع و مثبتی برداشته شده است.

سوال : من در زمینه تعلیم

نستان به شور آمدند و بار اول افتخار استقلال کامل سیاسی خود را از استعمار امپریالیزم بریتانیا بدست آوردند.... دوستی و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی با انعقاد معاهده های ۱۹۲۱ که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر مبتکر و طرح آن بود آغاز گردید و این روابط دوستی با انعقاد معاهده های سال ۱۹۳۱ تشدید و تأیید گردید.

این معاهدات و اتحاد شوروی میباشند. با پیروزی انقلاب ثور که ادامه دهند می باشد. اهداف انقلاب کبیر اکتوبر میباشند نه تنها کشور افغانستان از نظر موضع بین المللی خود از صف کشورهای امپریالیستی و استعماری خارج و در صف ملل صلح دوست و مترقی قرار گرفت بلکه با پیروزی این رستاخیز خلق افغانستان که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش آهنگ طبقه کارگر کشور صورت گرفت روابط و مناسبات بین افغانستان و اتحاد شوروی نیز بر حلقه نوین و تکاملی با گذشت و به یک رابطه ی نمونه و صادقانه بین کشورها تبدیل شد. چنانچه نمایانگر این حقیقت معاهده دوستی و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی میباشند که در ماه دسامبر سال گذشته در مسکو به امضا رسید. در مقدمه ای این معاهده منجمه گفته میشود: «... دو کشور با اظهار عزم را سخ به انکشاف دست آورد های اجتماعی و اقتصادی خلق های افغانستان و شوروی و برای حفظ امنیت و استقلال آنها و بطرفداری قطعی از همبستگی تمام نیروها یکدیگر در راه صلح استقلال ملی، دموکراسی و رفاه اجتماعی مجادله می کنند و با ابراز عزم را سخ به مساعدهات تقویه صلح و امنیت در آسیا و سراسر جهان و سهم گیری در انکشاف علاق بین کشورها و در تحکیم همکاری تر بخش متقابل و عقید در آسیا و با در نظر داشت اهمیت بزرگ به تقویه یابهای حقوقی روابط معاهداتی خود و با تأیید مجدد و فادری به هدف ها و منشور ملل متحد تصمیم گرفتند معاهده دوستی، حسن همجواری و همکاری را منعقد و در مورد مراتب ذیل موافقت نمودند....»

در نتیجه باید گفت که پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و دست آوردهای ذیقیمت آن نه تنها کشور بزرگ دوست و برادر اتحاد شوروی را از پس منانی، استثمار، استبداد و ارتجاع رها نید و در صف ملل پیشرفته ترین جهان و حامی صلح و امنیت جهانی قرار داد بلکه این انقلاب بزرگ اجتماعی تا ثیرات شگرفی در سراسر جهان و از جمله افغانستان انقلابی داشت و دارد مادر حالیکه شصت و دومین سالروز پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر را به خلق برادر شوروی و همه مجافل مترقی و انقلابی جهان تبریک می گوئیم شعار می دهیم که پیروز باد صلح، دموکراسی و رفاه اجتماعی در سراسر جهان. پیروز باد انتر ناسیو نالیزم پرولتری این سلاح نیرومند کارگران جهان، جاوید و مستحکم باد دوستی خلل ناپذیر خلق های افغانستان و اتحاد شوروی.

میرم ترین خواست خلق افغانستان مطابقت داشت.

در فیروزی ۱۹۱۹ وضع افغانستان تغییر کرد. دولت امیر امان الله که طرفداران بهت جوان افغانستان آنرا تا نید می کرد رویکار آمد و این دولت بلا درنگ استقلال افغانستان را اعلان و دست به رفورم های زیاد زد. روسیه ی شوروی بحیث اولین کشور تحت رهبری رهبر انقلاب کبیر اکتوبر استقلال سیاسی افغانستان را بر سمیت شناخت دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه بتاريخ ۲۷ مارچ سال ۱۹۱۹ اعلام داشت که استقلال کامل دولت افغانستان را بر سمیت می شناسد.

در مورد خصوصیات بناسبات جمهوری جوان شوروی با کشور همسایه ی خود افغانستان باید این واقعیت معروف را یاد آوری کنیم که: جمهوری جوان شوروی هنگامیکه در حلقه ی محاصره ی دشمنان قرار داشت، می کوشید هر چه از دستش میاید در زمینه ی سیاسی بکار برد تا از مداخله ی امپریالیست ها در امور داخلی افغانستان جلوگیری شود. دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه در ماه مارچ سال ۱۹۱۹ شرایطی را که توسط رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در زمینه ی انعقاد صلح با روسیه ی شوروی تنظیم شده بود به کنفرانس صلح پاریس فرستاد، در بند اول این شرایط قید شده بود که همه کشورها باید متقابلاً تعهد نمایند که به قوه ی قهریه برای سرنگون ساختن دولت افغانستان متوسل نشوند. روز ۲۸ فیروزی سال ۱۹۲۱، علی رغم تلاش های استعمارگران بر تانسیا که می خواستند از تحکیم مناسبات شوروی و افغانستان مانع نمایند، قرار داد بین جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه و افغانستان امضاء شد. این سند سیاسی که اکنون هم معتبر است یک اقدام بین دو کشور بود که هو جنب تشدید پیشانی از استقلال افغانستان گردید و مبانی حقوقی استواری برای روابط حسن همجواری شوروی و افغانستان ایجاد نمود.

چنانچه حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولسوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان سال گذشته بمناسبت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر اتحاد شوروی سوسیالیستی چنین فرمودند: «آوانیکه برهبری خلافتور نیو غ رهبر کبیر انقلاب اکتوبر در روسیه، اولین دولت کارگری جهان با قهرمانی های پرولتاریای انقلابی روسیه به پیروزی می رسید و تکامل می کرد در افغانستان نیز راه اکتوبر بکلی نامعلوم نبود، جنبش آزادخواهی، مبارزات ضد استعمار امپریالیستی و ضد استبداد فیودالی اوج می گرفت، با وجود توطئه های استعمار امپریالیستی ارتجاع و نوکران امپریالیزم و استبداد در بار امیران نوکر استعمار، آتش آزادی خواهی خلق ما خاموش نگردید و با اوج گیری امواج انقلاب کبیر اکتوبر شعله ور تر شده می رفت تا اینکه در سال ۱۹۱۹ در قلب آسیا، خلق زحمتکش افغان

د اکتوبر ستر انقلاب...

ورسید لومړنی انقلاب و چسې نه یوازې یو اقتصادی ، اجتماعی فورما سیون یی دېل پرځای را منځ ته کړ بلکې دسور- زوازی دلو زید لی قدر ته په را تسکو رو او اوله استثمارگرانو څخه استثمار شویو ته قدرت په لبر دولو سره یی د لومړی ځل له پاره د نړی په یوه برخه کی دکارگرا نو سیال- سی واکمنی ټینګه کړه . ددغه ویا د لسی انقلاب په نتیجه کی وچې دپرو لئاریادیکند نوری منځ ته راغله او دقوونی داکتر یست په ګټه واقعی دموکراسی را منځ ته شوه اوپدی توګه زموږ په ټوله نړی کی دارتجاع ، استبداد ، استثمار او امپریالیزم درایست- زولو پروسه پیل شوه .

ددش متری ټولنیز ییښی ستر نو ب او اهمیت دټولنیز پر مخکښ په لاره کی دشریت په هر نوی ګام سره تر پخوا زیات په ټاګه څر ګند یری . داکتو بر ستر انقلاب نا ریځی پری او د ریښینی سو سیالیزم دتجر بو ټی یو ال اهمیت پدی کی دی چی دزیار ایستونکسو په ګټه یی دقوونی دتیر عا دلانه ساز مان بیلګه وینو د له .

سوسیالیزم درپښینی بشر دوستی ټولنه ده چی د زیار ایستونکی انسان نیکمرغی ددی ټولنی اصلی هدف دی . په سوسیالیزم کی هر څه د انسان دیکمرغی اوسو کالی له پاره دی سوسیالیزم دټولنیز نیکمرغی ټولنه ده . اوس په نړی کی سو سیالیزم تلل درپالیتوب پراوونه وهي او دزیار ایستو- نکی انسان له اوږو څخه دا مارت او استثمار جفونه غورځوی .

دسو سیالیزی هیواد وېر یا لیتو یو نه ددی ټکی څر ګند ټوت دی چی آینه ده دسو سیالیزم ده او بر عکس دپا ټکوالی ټولنه آینه نلری دا ځکه چی دپا ټکو الی ټولنه دزیار ایستو نکو استثمار ، ظلم او ټولنیز سیالسی مسم او د بیکاری نړا دی او ملی تو پیر ټولنه ده .

امپریالیزم دوسلسی بی بنده وېساره سالی ته لمن وهلی اوپدی هغه کی دی چی د نړی په بیلا بیلو ګو ټونو کس- جګړی او شخړی را منځ ته کړی او ددغه نا وده او غیر انسانی لاری څخه خپلسی نا روا او شو می ګټی تر لاسه کړی (او په څیری کړی او کبان و نیسی) خو دا نړیوال سو سیالیزم (هغه چی داکتو بر د ستر انقلاب په پل بل اسیر دی) دی چی دامپری- یالیزم ددغه ناوړه اعما لو مخه یی ټیو لی او نیسی او نه پر یر دی چی بشر دتبا هی کندي ته و غوړ څیری نو پر ځای ده چسې وواو !

تل دی وی داکتو بر دستر انقلاب دلارینود نوم او کار . بر یا لی دی وی پرو لئاری انتر ناسیو- نالیزم دغه د نړی دکارگرانو هیوا و : ی ستر لار ښود په رهبری بریا لیتو ب ته

څنګو نو د لاری مثال وګر ځیده ... په رښتیا سره هم چی د شوروی اتحاد کته نیست ګو ند او دولت هیڅکله ځپله اتر نا سیو نا لیستی دند ه داتقلاب دپری ټه هماغه لومړ یو ورځو څخه نه ده پیره کړی او تل یی د نړی په ګوت ګوت کی داستعمار اوامپریالیزم په مقابل کس- د ملی آزادی پڅو نکو جنبو نو او کار- ګری او مترقی ګو ند و نو کلک ملا ټی کړی دی او د نړی زیار ایستو نکو داکتو بر دستر انقلاب سره لاره (د نړی دزیار ایستو- نکو د ز غورنی لاره) تعقیب کړی او د هغی په دنیا کی یی له ویاړه لاپک بریا لیتوونه تر لاسه کړی دی .

داکتو بر دستر انقلاب دلارینود لار ښود و یل : لنین په علمی توګه په لیتو ورسول- چی سو سیالیزم به په نړی یواله سو سیال بریالی شی او پاټکوالی چی امپریالیزی پراو ته یی ګام ایښی دی دخپل کر ځین ژوند وروستی شپې ورځی نړی .

داکتو بر ستر انقلاب ستر لار ښود و یل : «زموږ لاره سمه ده او هماغه لاره ده چسې ټول هیوادونه به یو پر بل پسې پر هغی با ندی ګام کښیر دی او دادی دا خبره زموږ دستر ګو په واندی تحقق مومی .» دا لاره دزیار ایستو نکو د ز غورنی او د انسانیت دپا ټی لاره ده ، ددی لاری همداسی پښتوب او لو ټیا ده چسې د نړی په ګوت ګوت کی په ملیونو ملیونو پلویان لری .

هغه بریا لیتو یونه چی دیوه هیواد خلکو ته سوسیالیزم په غیر کی دژوند په هره برخه کی په یوه ټا کلی مو ده کس- تر لاسه کیری پا ټکو الی نظام لرو نکو هیوادونه هماغه وخت سره دپرتلی وپندی او ګه پر تله هم شی نو دسو سیالیزم د نړی یو ال میسټر دافخا راتو شعله به لا جګه شی . د مثال په ټول سره لدی چی د شوروی اتحاد (داکتو بر د ستر سو سیالیزی انقلاب زانګو) له جوړید وروسته دسرخه نا څه شل کاله یی دامپریالیزم له خوا په تحمل شو یو جګړو کی تیر شوی خو بیا هم دژوندانه په هره برخه کی یی داسی پر مخکښو نه پر مصیبت شوی دی چی داکتو بر له انقلاب څخه مخکی وخت سره په مقا یسه کی دسو سیالیزم حقانیت جو نوی .

لکه چی یوازی او یوازی د ۱۹۷۶ کال ملی غا یدات داکتو بر دستر سوسیالیزی انقلاب څخه دمخکی وخت په پرتله ۶۵ واره زیات شوی دی . داکتو بر دستر انقلاب دلارینود په ویل چی سو سیالیزم دپا ټکو- الی په نسبت د اجتماعی ساز مان دیرو لوړ کار دی او داخبره دسو سیالیزم دما هیبت او منبع دبر پالیتوب قوت اووثیقه ده .

داکتو بر ستر انقلاب چی دکارگرا نو د ستر لار ښود په رهبری بریا لیتو ب ته

د شوروی اتحاد علمی...

اکسیجن دید لوړو نسکو دستګا و شمیر اوجم زیا تیری . د مثال په توګه یوازی په (۱۹۶۶-۷۵) کلونو کی د شوروی اتحاد دفلزی تا سیسا تو په حجم کی په سلو کی یوویشت اعشاریه اتلس زیاتوالی رامینځ ته شویدی . په شوروی اتحاد کی دتولید اتو دتمر کړی کو لو کار د استهلاك اوموثر- یت دمعیا ر له مخی محاسبه نو سنجو ل کیری .

ددغه محاسبی او ارزیا یی له مخی د (۱۹۷۵-۱۹۷۱) کلونو په دوران کی د شوروی اتحاد د او سینی په تولید اتی حجم کس په سلو کی اوپاود پولانو په حجم کی په سلو کی څلویشت زیاتوالی راغی .

د شوروی اتحاد دفلزی تولید اتو دتیر دچارو ماهران زیار باسی چسې دفلزی محصولانو او پیداوارو دکیفیت د سطحی دلوړ و لئو په برخه کی دسایش او ټکنالوژی څخه په زیاتی استفاده کو او سره دنو و ماشینو نو څخه زیا ته استفاده وکړی . دسایش او ټکنالوژی له لورو طریقو او تکنیکو نو څخه په کار اخستلو سره دغه کاراته لاره او ازیری چی کسر (۱۹۸۰) کاله پوری ددغه هیواد دفلزی چاود په محصولانو کی له (۵-۶) ملیون ټنوبوری

سیماصورت ونیسی . په شوروی اتحاد او نورو سوسیالستی

بقیه صفحه ۹

انقلاب کبیر اکتوبر...

عمده ترین عامل موثر خارجی است که هم استقلال سیاسی افغانستان (۱۹۱۹) واستقلال کشور های مستعمراتی سابق حاصل شد و هم انقلابات کارگری در عده قابل ملاحظه ای از کشور ها فیض کافی از آن دریافت نمودند . بایروری انقلاب کبیر اکتوبرتکوین نخستین کشور سوسیالستی دریک برششم حصه کره زمین است که دوران بزمن زدن امپریالیزم آغاز گرفت و تحت تأثیر آن نه تنها جنبش ضد امپریالیزی در افغانستان ترکیه ، چین ، هندوستان ، مصر ، و عده از کشور های امریکایی جنوبی شدت گرفت بلکه این

بقیه صفحه ۹

تاریخچه آغاز..

در سال ۱۹۲۰ بلژیک بیرق رسمی المپیک را به کمیته بین المللی المپیک هدیه داد و این بیرق در هر دوره بازی های المپیا پس از ختم مسابقات بطور اما نت به همان شهر یکه در آن آخرین بازی بهای المپیا صورت می گرفت سپرده میشد و در دوره بعد به شهر دیگر یکه در آن بازی های المپیا یی صورت می گرفت سپرده میشد . بعد ها

جواب نامه های شما

سلام همکاران و دوستان عزیز

به امید سلامتی شما، می‌آغازیم به جواب نامه های دوستانی که مطلب فرستاده اند :

دوست عزیز ، عزیزه رسولی

دو نوشته شما را بنامهای «سالت تاریخی زنان امروز» و «در انتخاب همسر باید احتیاط را از دست نداده» دریافتیم و آرزو مندیم که همکاری قلمی تا سرا بیشتر از این گسترش بدهید و با ارسال مطالب، خوب و خرافاندنی همیشه با مجله تان همکاری نمایید . همینگونه که فرموده اید ، باید در انتخاب همسر ، محتاط بود و با درست اندیشی دست به گزینی همسر مورد پسند زد ، و قعاً درست میگویند ، ولی تنها صاحب ایدئالوژی و علم و دانش بودن برای زندگی مشترک کافی نخواهد بود ، نه تنها بصورت ضمنی و پهلوی این صفات ، تقا هم اعتماد در بهبود زندگی نقش عمده دارد و های سعادت و خوشبختی را بر فراز خانه به گردش می آورد ، بلکه اساساً خشت بنای ازدواج را بر تقاضای اعتماد گذاشت و همیناست که زندگی پر لذت زنا شویی را ، دوست داشتنی تر میسازد .

با حفظ اینکه سواد و تحصیل ، علم و دانش زندگی مشترک زن و مرد را رنگ دیگری میزند ، اما شرط کافی برای یک زوج خوشبخت به شمار نمی رود . به همین ترتیب زیر نظر آوریده زن و شوهری را که با داشتن سواد و دانش همه روز شان ، به جنگ است و به ناخوشی روزگار می گذرانند .. مگر زن و شوهری بیسواد را پیش چشم مجسم کنید که شوهر دیگرانه بر میگردد ، زن از آمدنش با سلام گرم صمیمانه به استقبال می شناید که خوش آمدی ، شوهر عزیز ... با این مثال فقط میخوام بگویم که تنها صاحب ایدئالوژی بودن برای ازدواج کافی نیست ، زندگی مشترک زن و مرد چیز های دیگری را نیز لازم دارد . بهر صورت ، هر دو مطلب شما را ، در شماره های آینده به چاپ میسپاریم ، انتظارش را ببرید . به امید نامه های دیگر تان خدا حافظ .

دوست مهربان وحید حیران متعلم صنف دهم اجتماعات لیسۀ شاه دوشمیره (ع) : «داستان کوتاه واقعی» شمارا خواندیم و متاثر شدیم ولی در عین حال خوش شدیم و خوشی ما از غم مابیشتر بود این «داستان کوتاه واقعی» شما قطعاً داستان نیست و گزارش عشق شکست خورده شماست . دوست عزیزا درس و سالی که قرار دارید ، دل را پر خون نکنید و بایک نگاه خمار گو نه فلان دختر همسایه فریب نخرید ، در عوض درسهای خود را بخوانید و حیران حیران به حسرت دیدار دختر شوهر کرده ، چشم خیره نکنید که مبتلا به مرض چشم نشوید که

درمانش راهی معشوق دل آزاری انجام داده نمی تواند جز اینکه فکر تانرا به هوس یار دیگری مشغول بسازد ، کاری نخواهد کرد . قیلا گفتیم خوش شدیم و خوشی ما از غم ما بیشتر است ، بخاطر اینکه فعلاً از این مرض واگیر و زودگیر عشق رهیده اید و نجات یافته اید ، حال سر را به گریبان ببرید و وضع و حال خرد و خانواده را بسنجید و اینکه که به عشق و غم دلدار پرداخته بودید و از درس و فکر گریخته بودید و درس شانزده سالگی که وقت آموختن است و تحصیل ، چگونگی اینکارها را پذیرفته بودید ، دقت کنید ، حتماً عقل تان به خنده می اندازد تان ، که دگر کارها را خوب نمودی که به عشق پرداختی . اگر از این گفته ها بگذریم ، فعلاً حالت تب گونه و حرارت گرمی که بوجود تان سربایت کرده است فقط با فراموشی دلدار و معشوقه که فعلاً مناسب حال سن کم سال تان نیست ، درست میشود و به کار های تان برسید و بعد ها که درس و مکتب و فاکولته را خلاص گردید ، این کلمه سه حرفی را با انتخاب همسر خوب به پهلوی تان بنشاند و زمزمه سر دهید که آنچه با این زندگی خوش ما داریم ، دارا و سکندر ندارد .. با آن امید خدا مددگار تان ، ولی فراموش کردم که بگویم چیزهای بهتری برای تشریف رستید ، انتظار داریم .. حرف دیگر که با کلمه عشق کم شد اینست که هر چه مینویسید و میفرستید به یک روی ورق بنویسید و بس .

دوست ارجمند احمدالله رهین «داغ» متعلم صنف دهم لیسۀ شیرخان کند ز !

مقابلاً سلام میگوییم و سلامتی تانرا میخواهیم . از نظر نیک شما ممنونیم و اینکه دیگران را نیز به خواندن مجله ژوندون تشویق و ترغیب کرده اید ، کار پس پسندیده نموده اید ، ولی یک چیز دیگر را اگر زحمت ایجاد نکنند ، به همه دوستان نیز بگویند که مجله ژوندون ، مجله شعر و قصه نیست ، بلکه پذیرای مطالب دیگر نیز است و ضرور نیست که تنها همکاران مجله شعر و داستان بفرستند ، فکاهیات پر خنده ، اختراعات جالب ، معما و چیستان فکر برانگیز ، مقاله های خوب سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ... و صدها مطلب خواندنی دیگر بفرستند که به اسم و نشان شان چاپ کنیم و از همکاری شان خرسند گردیم .

دوست مهربان ، پارچه شعر شمارا خواندیم و به دید اجتماعی شما تحسین گفتیم . عجلاناً برای سرودن شعر فکر و اندیشه خوب دارید و کوشش نمایید که بیشتر قریحه و ذوق شعری را با ورق گردانی دیوان شعر شعری بزرگ ما پخته و بارور سازید و تفاوت استعمال مصدر و فعل را بجایش بگذارید ، چنانکه کلمه «می تبیدن» در شعر سروده شما ، سخن رادر

زمینه شعر و شاعری شما میگذریم به بعد و اینک شعر چکیده از فکر شما :
لرغمی مدتش که سویم بی سروپای تپد
دل درون سینه من بسمل آما می تبسد
ور نموزد شمع رویش این پر پروانه ام
در حریم او کجا پابین و با لا می تبسد
بسکه آن تیرنگاشتی کرده حال من خراب
دل بغم دست و گریبان بوده شبهای تپد
گر گل رویش ببینم می تبم پیش رخس
مثل آن بلبل که آواز شوق گلشای تپد
گرچه می باشم امیر تاب زلفانش همی
بهر قتل و کشتن من چشم شبهای تپد
مردمان دیده من از هجوم سیل اشک
مثل ماهی در میان موج دریا می تبسد
می تبیدن جز به راه خلق کی باشد سزا
طبع شعر تو «رهین» در عشق بیجا می تبسد
دوست گرانقدر میرحبيب الله شفق عضو
مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع !

مقابلاً سلام عرض میکنم و هیچ جای ندارد که از «عقب پرده داخل مذاکره» گردید و مطمئن باشید که مذاکره به مشاجره ختم نمیکرد . همین کلمه که بحث بالای آن است ، شرح و تفسیر آن در فرهنگ های دری ذیل به مفهوم که شما خواسته اید ، دیده نشده ، از آنجمله فرهنگ عمید ، فرهنگ نفیسی ، فرهنگ برهان قاطع . اما بهر حال ، حرف شمارا قبول میکنم و تقاضا داریم که همان پارچه شعر تانرا دو باره بفرستید تا به نشر بسپاریم . آن پارچه شعر شما در لابلای نامه های دوستان که جویش ارایه شده است ، کم شده است که با عرض معذرت ، عذر ما را می پذیرید ، آرزو مندیم همکاری خویش را با ارسال مطالب خوب با ما ادامه دهید و بگذارید که گاه گاهی حرف و سخنی با هم بزنیم و هیچ شک و در دل راه ندهید که حرف دو دوست به محکمه بیانجامد ...

دوست گرانقدر عبدالقدیر بران متعلم صنف یازدهم لیسۀ رحمن بابا !
علیک میگوییم و سلام میفرستیم ، چرا آزرده شویم ؟ شوخی تان بالای چشم . اینهم شوخی تان .

بخت ناساز من زازل زیر جبر تقدیر
صفحه ژوندون ز ناله من رقم زنده تحریر
روزها تاشاف بوم انتظار چاپ مضمون
ز طری شماغیر دو صدای دیگر نیاتیم به تقریر
اگر از شما صدای بشنیدم قسم خورم
ز نامه من خواهد شد صفحه ژوندون سیر
به نام شعر من گر گویم حسن کلام نداشت
جواب همان اصلاح باشد به جواب سرتیر
گر مضمون نرسد بجای اینست علش
با انتظار شما و خواهش جواب نامه من امیر
دو جوابیکه رقم زدی در صفحه ژوندون
کم نداده جواب منفی غیر تو به قسم مضمون
غیر جواب مضمون ندارم دیگر توقعی
از انتظار زیاد جوانی ام شده پیر
دوست عزیز ، این مصراع فی البدیهه به پاسخ نامه شما از من به قلم افتید و به شوخی حسابش بدارید .

گر تو پنداشتی که حالت چو نست
بخت و روزگار سراسر شومست

دوست مهربان ، چندی پیش چاپ جدول متقاطع را وعده دادیم که در شماره قبل به نشر رسید و همینگونه وعده چاپ مضمون «نیروی خلقها شکست ناپذیر است» را به

شما دوست عزیز دادیم که به ترتیب نوبت به چاپ خواهد رسید ، دیگر چه میگوید ؟ آخر اندکی صبر باید که عجله کار شیطان است !

دوست عزیز ، از شکوه و شکایت تان چنین بر می آید که بخت ناسازتان با جبر تقدیر گره خورده و عبدالقدیر را به ناله تقدیر کشانده است و به استناد قول پروین اعتصامی «این گنه تست نه حکم قضاست» به امید همکاری بیشترتان با مجله ژوندون ، دعا میکنم ، دعای معروف ، که پیر شویسد ، خدا حافظ ...

دوست گرانقدر علی اصغر بختیاری سوپر وایزر ریاست مبارزه با بیسوادی !

خوشو قتیتم که همکاری تانرا با مجله خود تان آغاز کرده اید . شعر «یار کارگر» شما را خواندیم و جهت چاپ به مطبعه فرستادیم . از اینکه فرموده اید «اگر این پارچه شعرم مورد قبول تان قرار نگرفت ، مهم نیست ، کوشش خواهم نمود تا استعدادش را کسب نموده ، بعداً بتوانم شعری بنویسم که قابل نشر باشد ...» حرف عاقلانه می زده اید و ما برای پرورش استعداد تان ، تقاضا داریم که اشعار شاعران نو پرداز معاصر را بیشتر بخوانید و از خرمن شعر قدما خوشه ها برچینید و توشه ها برگزید . و به این امید خدا یار تان .

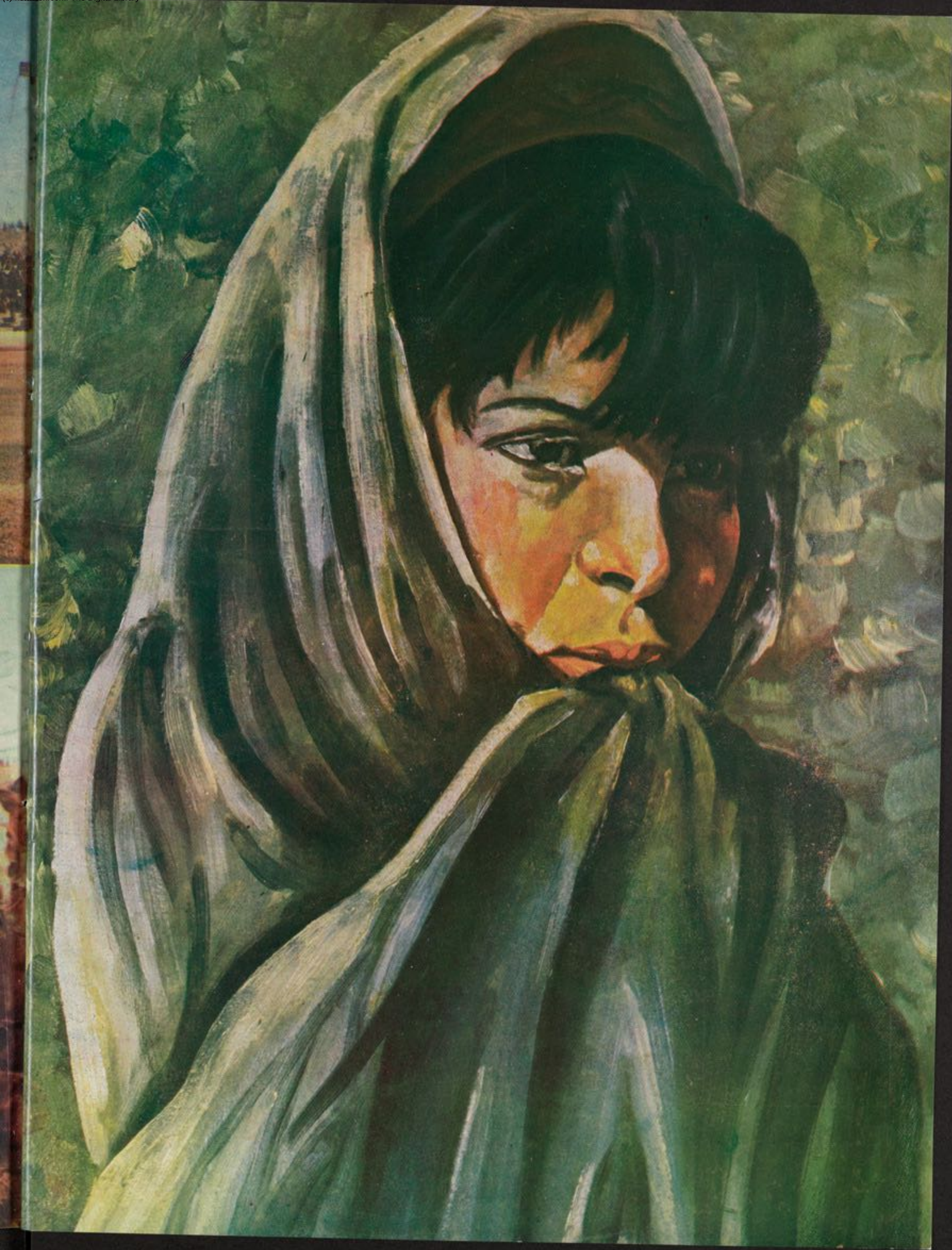
دوست ارجمند اشرف رسولی مفتش وزارت عدلیه !

سلام عرض میکنم . مضمونی بنام «تازن آزاد نشود» اجتماع آزاد نخواهد شد» از شما همکار عزیز ، دریافتیم خوشوقتیم که اگر این همکاری را ادامه دهید و با ارسال مطالب خواندنی ، مجله خود را رنگین تر بسازید . و براساسی اگر زن آزاد نباشد ، میشود از آزادی اجتماع یاد کرد ، واضحاً که نه . این مضمون تانرا در یکی از شماره های آینده به چاپ میسپاریم و به امید همکاری شما خدا حافظ .



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر : ۲۶۸۶۹

مطبعة دولتی



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library